

نقش باندهای حکومتی سپاه-خامنه‌ای

در اقتصاد ایران

عباس منصوران

نقش باندهای حکومتی سپاه – خامنه‌ای
در اقتصاد ایران

آبان‌ماه ۱۳۹۷/نوامبر ۲۰۱۸
نگارش: عباس منصوران
a.mansouran@gmail.com
نشر: حزب کمونیست ایران
<https://www.cpi.org>

ISBN: ۹۷۸-۹۱-۸۸۱۸۹-۰۵-۹

the role of state-run gangs in the economy in Iran

فهرست

- ۱۱..... نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه‌ای در اقتصاد
- ۲۱..... فرمان حکومتی سپاه برای سوداگری
- ۲۵..... نمونه‌های از کارتل‌های عظیم سرمایه‌داری
- ۲۸..... ادامه‌ی واگذاری‌ها
- ۴۵..... بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
- ۵۲..... ستاد اجرائی فرمان امام
- ۵۲..... ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام
- ۵۴..... گروه توسعه اقتصادی تدبیر [تات]
- ۵۸..... قراردادهای نفتی ستاد اجرایی فرمان خمینی
- ۵۹..... شاپرک:
- ۶۰..... سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا)
- ۶۱..... غدیر
- ۶۵..... بنیاد تعاون سپاه
- ۶۵..... مؤسسه مالی و اعتباری انصار
- ۶۶..... بنیاد مهر
- ۶۷..... بانک «مهر اقتصاد» بسیجیان
- ۸۹..... امپراتوری مالی خانواده ی صدر هاشمی‌نژاد
- ۹۴..... اختلاس از بنیاد شهید
- ۹۹..... بابک زنجانی
- ۱۱۹..... شستا

| | |
|-----|---|
| ۱۲۱ | سعید مرتضوی |
| ۱۴۰ | آستان قدس رضوی |
| ۱۴۳ | سازمان اقتصادی رضوی |
| ۱۵۲ | مهتاب قدس |
| ۱۵۹ | توریزم برای خرید برده جنسی در آستان قدس |
| ۱۶۳ | فساد مالی |
| ۱۶۶ | هولدینگ حرم عبدالعظیم |
| ۱۷۹ | سازمان اوقاف |
| ۱۸۲ | مسجد جمکران |
| ۱۸۶ | کمیته امداد «امام» |
| ۱۸۸ | اسکله‌ها |
| ۱۹۰ | محسن رفیق‌دوست |
| ۱۹۸ | سید محمد غرضی |
| ۲۰۱ | علی ربیعی، محمد شریعتمداری |
| ۲۱۰ | حسین هدایتی دولابی |
| ۲۱۱ | علی انصاری |
| ۲۱۷ | شهرام جزایری |
| ۲۲۲ | ریخته‌گران‌ها |
| ۲۲۹ | قویدل‌ها و مالباختگان |
| ۲۳۴ | گروه صنعتی پولاد |
| ۲۴۷ | شرکت هیکو |
| ۲۶۰ | نیشکر هفت تپه |
| ۲۶۲ | نیشکر هفت تپه |

| | | |
|-----|-------|--|
| ۲۷۳ | | مافیای شکر در ایران |
| ۲۷۸ | | سلطه سپاه و خامنه‌ای بر صدا و سیما |
| ۲۸۰ | | نقش سپاه پاسداران در سوداگری مواد مخدر |
| ۲۸۳ | | سپاه و قاچاق هروئین به نیجریه |
| ۲۸۳ | | قاچاق سپاه در آذربایجان |
| ۲۸۴ | | سپاه و کشتزارهای خشخاش در افغانستان |
| ۲۸۵ | | قاچاق شیشه در جنوب شرق آسیا |
| ۲۸۹ | | نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه |
| ۲۹۴ | | شبکه‌های اینترنتی در دست نظامیان |
| ۲۹۵ | | مجتمع رسانه‌ای اطلس |
| ۲۹۷ | | اشغال ورزش و تمامی ورزشگاه‌ها |
| ۳۰۵ | | اتحادیه فوتبال ایران و سپاه پاسداران |

پیشگفتار

کتاب پیش روی، در پی کنکاشی یکساله فراهم آمده، تا نقش دو جناح باندهای اصلی حکومتی، یعنی باند ولایت فقیه و باند نیروهای مسلح و سرکوب را در اقتصاد و جامعه نشان دهد. بیشتر آمارها و گفتاوردهای این کتاب از منابع حکومتی برگرفته شده‌اند و پیداست که این گزارش تنها قله-ای از این کوه یخ را به نمایش می‌گذارد. آشکار است که کاستی‌هایی در این گزارش نیز وجود دارند و ناشدنی بود که تمامی دارایی‌ها و تصاحب کنندگان هستی جامعه و دسترنج کارگران و زحمتکش‌ان را در همه‌ی حوزه‌ها و شبکه‌های گوناگون اقتصادی، مالی و دلالی در یک کتاب گرد آورد. هدف این است که برای نخستین بار گزارشی تحقیقی از سلطه جناح‌ها بر بزرگترین بنگاه‌ها و مراکز اقتصادی در ایران را نشان دهیم و همزمان رقابت باندها و نیز حوزه‌های فرمانروایی آنان در شبکه‌ها و کانون‌های سوداگری و استثمار را آشکار سازیم. هدف دیگر، نه افشاگری، بلکه نشان دادن گستردگی و حجم سرمایه و انباشتی است که در امپراتوری‌های زیر فرمان و در تصاحب دو جناح - باند حکومتی که هم‌زمان طبقه در حکومت نیز حکمرانی می‌کنند، نشان دهیم. حکومتی که هم خود همانند طبقه در حکومت است و هم مانند همه‌ی حکومت‌های سرمایه‌داری، نمایندگی و ابزار سرکوب و سلطه‌ی طبقه مسلط را به پیش می‌برد. این فساد و تروریسم نهادینه شده حاکم، تنها نتیجه تبه‌اندیشی خمینی نبود. تبه‌اندیشی خمینی ایدئولوژی چنین مناسباتی بود و ضرورتی برای دوام استثمار.

سخنرانی ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۵۸ تنها پس از چهار ماه که از برپایی حکومت اسلامی می‌گذشت این ضرورت را آشکار اعلام کرد. در کشاکش حمله به شوراهای کارگری، نیروهای سیاسی ناپیوسته به حکومت‌اش، و در لشکرکشی به کردستان و حکم جهاد و گسیل ارتش و سپاه و خلخالی

برای کشتارها بود که فرمان کشتار را به پشتوانه آیه‌ها صادر کرد: اگر ما از اول... قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه‌های دار را در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم،... اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمی‌دادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم، تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می‌کردیم، يك حزب! و آن "حزب‌الله، حزب مستضعفین! و من توبه می‌کنم از این اشتباهی که کردم. ...» خمینی در ۲۸ مرداد دو روز پس از این فرمان در جمع کارگزاران حکومتی، روز ۲۸ مرداد فتوای کشتار در کردستان را صادر کرد و پیروان او از آن روز تا کنون به فرمان مذهبی و سیاسی وی به سود مناسبات طبقاتی پیروی کرده‌اند. او فرمان داد که همه جا کربلا به پا کنید و همه روزها عاشورا باشد! و این فرمان بحران‌سازی و مدیریت بحران و جاری ساختن خون و در سراسر ایران برپا سازی چوبه‌های دار بود. خمینی در همین سخنرانی که هرگز از رسانه‌های رژیم به طور کامل پخش نشد، گفت که «خدعه» کرده و وعده‌های وی زیر درخت سیبِ نوفل لوتاشو پاریس در سال ۵۷ برای برپایی چنین حکومتی بود که «حزب‌الله» حکومت کند و دیگر وعده‌ها در آنجا «خدعه» بود.

کتاب پیش‌روی شما تنها گوشه‌ای از مناسبات و عملکرد «حزب‌الله» و «حزب مستضعفین» خمینی را نشان می‌دهد. خمینیسم با ربایش مفهوم‌های طبقاتی، لمپن‌ها و آدمکشان را مستضعفان نامید تا طبقه کارگر را در مفهوم انکار شود. بسیج و سپاه و کمیته‌ها را تشکیل داد تا مفهوم ارتش خلقی را مصادره کند و اوباشان را در کمیته‌ها و سپس سپاه و بسیج گرد آورد و به جای هر مفهوم انقلابی، ضد مفهومی برای مسخ جایگزین کرد. حکومت اسلامی یک حکومت طبقاتی به ضرورت سرمایه جهانی بود که باید کارگران را سرکوب می‌کرد و دهه ۶۰ را با کشتار افزون بر صد

هزار تن از نیروهای سیاسی و کارگر ووو... کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷ را به پیش برد. خمینیسم ایدئولوژی و نماینده واپس مانده‌ترین سوداگران بازار و به یاری اتاق‌های فکر خویش، به ویژه به نمایندگی از بورژوازی دلال و کمپرادور و سوداگر، می‌بایست جنگ داخلی علیه کارگران و نیروهای سیاسی تن ناسپار به حکومت اسلامی را به پیش می‌برد، شوراها و هر کانون مردمی را ممنوع می‌ساخت، جنگ ۸ ساله را شعله‌ور می‌کرد، و تروریسم را در ایران و خاورمیانه به ویژه، دولتی می‌ساخت. نولیبرالیسم جهانی چنین شرایط و توجیهی برای پیشبرد سود و سوداهای خویش پشتیبان بود. جناح-باندهای حکومتی از همین زمان شکل گرفتند. در پی مرگ خمینی در سال ۶۸ جناح-باند سپاه و امنیتی به بزرگترین باند حکومتی مسلط بر اقتصاد و جامعه تبدیل شد. خامنه‌ای و بیت رهبری به‌سان نماینده اشرافیت و نیز سکت روحانیت، امپراتوری خویش را سامان داد و دولت در این میان کارگزار اجرایی این مناسبات شد. در این روند ۴۰ ساله فساد در حکومت و جامعه نهادینه شد، دو شبکه‌ی فساد حکومتی ویرانگرانه در رقابت و اشتراک با هم هستی جامعه و دسترنج نیروی کار و زحمت را ربوده و تصاحب کردند. باندها، برای دوام چنین مناسبات و حکومتی، موازی و همخوان با نقشه‌ی خاورمیانه‌ی جدید امپریالیسم سرمایه، زیر نام هلال شیعی و صدور انقلاب اسلامی، خاورمیانه را به سود بلوک‌های سرمایه جهانی روس و آمریکا (اروپا) به میدان جنگ نیابتی تبدیل کردند.

نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه‌ای در اقتصاد

با جابه‌جایی قدرت سیاسی مناسبات سرمایه‌داری در ایران در کنفرانس گودالوپ برای ادامه حاکمیت سرمایه در ایران، در بهمن ماه ۱۳۵۷، همان فرماسیون سرمایه‌داری کمپرادور که ترکیبی بود از اقتصاد کلان تک پایه‌ای نفت، بسان کالایی سوخت و ساز یافته از استثمار نیروی کار و کالاسازی و استثمار هرچه بیشتر طبیعت به جای خود ماندگار شد و شدت بیشتری یافت. در پشتوانه‌گی اقتصاد رانتی، اقتصاد سرمایه‌داری پیرامونی و به شدت وابسته و درهم تنیده شده در سرمایه جهانی، چیرگی بازار تجاری و خدمات و دلالی برای کالاهای وارداتی، عنصری ایدئولوژیک بسان سیاست این مناسبات به میان آمد. این عنصر ذهنی و وظیفه‌مند بود تا اقتصاد را در ردای اسلام بسان زرهی آهنین مدیریت کند. الگوی رهبری دینی با بینش ولایت فقاہت بر امت یا حکمرانی نماینده خدا در بهترین حالت ایجاد یک «مدینة النبی» بود که هستی جامعه، غارت (غنیمت‌ها) اسلامی و مصادره‌ها، خراج و خمس، ووو... را در بیت‌المال و زیر دست ولی فقیه که آیت خدا بود، گرد آورد. دولت- ملت بورژوایی در این اسلام شهر، جایی نداشت، و به جای آن، سیستم ولایت- امت باید برقرار می‌شد و لشکر اسلام، گوش به فرمان جانشین خدا که ولی امت در امامت شیعه، به مغزها تزریق شده بود، پاسدار مناسبات می‌گردید. این بینش از همان آغاز با نیازهای سرمایه‌داری، ثرמהا، استانداردها و روشمندی‌های این مناسبات که بزرگترین شاخص آن «راشیونالیسم» یا عقلگرایی سرمایه‌داری است، در تناقضی درونی بسان کلافی سردرگم شد. اما سرمایه، جز این راهی نداشت، به شیطان برده بود تا والی خدایگانی سرمایه‌جهانی باشد. این بینش خمینی و روحانیت همانند گورکن پروار شده در قم بود که تنها با بحران آفرینی و به نسخه‌ی خمینی «همه

روزمان عاشورا، همه جا کربلا» برای سرگردانی و خودزنی توده‌های پریشان، مدیریت می‌شد. اما نمایندگان سرمایه‌داری در لباس سران نهضت آزادی (بازرگان‌ها و بقایای فرسوده‌ی جبهه ملی (سنجایی‌ها) و ملی-مذهبی‌های پیرامونی، و حزب توده و اکثریت فدایی و برخی از چپ‌های سنتی روسی و مائوئیستی، به اجبار این بینش را تنها سلاحی برای ثبات مناسبات موجود می‌دانستند به آن امید که مدیریت و یا گوشه‌ای از کارگزاری را به دست آورند و خمینی را پندار خویش به حوزه سرگرم سازند. اما روحانیت بازار با آن همه پایگاه متوهم و پریشان و نیروی بسیج کرده از بخش‌های میانی خرده بورژوازی سنتی و حتا فیزیوکرات‌ها و کارشناسان تربیت شده در غرب و حزب‌الهی‌های دانشگاهی و لمپن‌های اجیر کرده از روسپی خانه‌ها و خیابان‌های خراب، با خیالی آسوده برخوردار از پشتیبانی روسیه که هنوز نفس‌های آخر سرمایه‌داری دولتی را می‌کشید از آن گاری‌ها بار می‌کشید. اگر خمینیسیم بقا یافت و آنچه کرد در این ۴۰ ساله، بدون این بخش از بورژوازی که خود یکی در پی دیگری با تپش خمینی به گوشه‌ای پرتاب شدند، ناشدنی بود. نقش سرمایه جهانی به ویژه اروپا و آمریکا و چین و روسیه را نباید در این ماندگاری تعیین کننده دانست. این حاکمیت با شیدایی، به گونه‌ای چه با سرکوب و حمام خون نیروی چپ و جنبش کارگری، چه با حراج هستی جامعه و چه با تخریب تولید داخلی و چه با ایجاد جنگ و تنش در منطقه همه را بهره‌مند می‌ساخت.

دولت، از همان آغاز نیاز این سیستم بود که با ولایت امیرالمومنینی یا خلیفه گری امامت در تناقض بود. اما ولایت فقیه بر سر دولت موقت بازرگان و پس از وی فرمانروا بود. نیروی سرکوب این نظام زیر فرمان نماینده خدا می‌بود و دولت را پدیده‌ای بیگانه با خویش و قرآن می‌دانست. سپاه اسلامی سرمایه مجهز به تانک و توپی که با شعار فدایی اکثریت و حزب توده و بی مسئولیتی، بی‌خبری و پراکندگی در نیروهای کارگری و سوسیالیستی و کشتار دهه ۶۰ با بیش از صد هزار جانباخته و نیز جنگی

که شعله‌ور شده بود، فرصتی یافت تا در این ولایت، همانند صدر اسلام ناب محمدی سهمی در غارت بیابد. فرماندهان و بنیانگزاران این سپاه و دستگاه‌های امنیتی در آغاز همگی یا آموزش دیده‌ی سالهای سال در اروپا و آمریکا بودند و یا دارای شهروندی و دکترا از آمریکا (ابراهیم یزدی، مصطفی چمران، محسن سازگارا، سعید امامی و وو) یا فرانسه (قطب زاده، بنی صدر) و همه از اعضای **انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی** و یا از دیگر کشورهای اروپایی و روسیه راهی سرزمینی شدند که امامش در «ماه تابیده» بود (کیانوری، طبری و وو) یا تربیت شده‌گان حزب توده (فرخ نگهدارها رهبر فداییان اکثریت که همراه حزب توده در سال‌های خونبار ۵۸ به بعد و به ویژه نیمه نخست دهه‌ی ۶۰ به پشتیبانی از حکومت اسلامی پیوستند و خلخال را نماینده خود اعلام کردند و شعار پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید را در خیابان‌ها فریاد می‌زدند). اینان برای تشکیل کمیته‌ها و سپس سپاه، در میان لمپن‌ها، دلالان بازار، آدمکشان، دلالان جنسی روسپی‌خانه‌ها به ویژه «شهرنو» در تهران، عناصر دارای عقده‌ها و کمپلکس‌های روانی و شخصیتی (مانند برادران رفیق دوست، ماشاالله قصاب‌ها، اکبرخوش کوش‌ها، محسن رضایی‌ها (سبزواری رضایی) خلخال‌ها، صیاد شیرازی‌ها، سید حسین آیتی‌الهی از شیراز (فتوا دهنده‌ی گروه قنات در جهرم) علیمحمد بشارتی‌ها (همدست نماینده خمینی در جهرم و پیش نماز حسین آیت‌الهی) (۱) و بورژوازی تجاری سنتی بازار پیرو

(۱) **علی‌محمد بشارتی جهرمی** (متولد ۱۳۲۳ در شهرستان جهرم) از خونوارترین چهره‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران است بشارتی، مشاور رئیس مجمع تشخیص مصلحت است. او وزیر کشور در دولت دوم هاشمی رفسنجانی بود. اینک مشاور خامنه‌ای در بیت رهبری یا در واقع دولت در دولت خامنه‌ای است. او عضو نخستین تیم فرماندهی سپاه، عضو ستاد استقبال از روح‌الله خمینی، از بنیانگذاران سپاه، مسئول اطلاعات و تحقیقات سپاه، نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی، عضو هیئت رئیسه مجلس، قائم مقام وزیر امور خارجه (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲)، وزیر کشور (از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶) بوده است. علی محمد بشارتی در تشکیل گروه قنات و کشتار و مثله کردن زنان بی پناه، بهاییان و مجاهدین خلق و کمونیستها در جهرم و پرتاب آن در قنات‌ها بوده است.

فداییان اسلام، هیئت مؤتلفه و حجتیه بودند. لمپن‌هایی مانند حسین الله کرم‌ها، حسن عباسی‌ها، رحیم پورازغدی‌ها و شاگردان احمد فردید شیباد و آیت‌الله محقق دامادها و... در کلاس‌های درس آلکساندر دوگین، بنیانگذار پروژه‌ی «اوراسیا» و شاگردش صراف برای نوتراریسم روس و مشاور پوتین و مدودف همه و همه دست اندرکار بودند تا سپاه مانند حکومت کره شمالی یا پاکستان و روس با بمب‌های اتمی در دست، ایران را در دست گیرد.

در آغاز سرمایه‌ها و دارایی‌ها و ابزار تولید تصاحب شده در دست حکومت و به ویژه زیر نام «بنیاد مستضعفین»، «کمیته امام»، «تولیت‌ها» و... در آمد. به این گونه شبه «سرمایه‌داری دولتی» ساختار یافت. در کنار این بخش، بنگاه‌های خردی گسترش یافتند که در دو سوی خود در سوداگری و صنعت، به ویژه صنعت ساختمان با بورژوازی بزرگ در درازای جنگ ۸ ساله پیوند گرفتند. سرمایه داری تجاری در پیوند با حکومت اسلامی، در این میان با جمعیت مؤتلفه اسلامی و حجتیه‌ای‌ها، از همان بهمن ماه ۵۷، در سیاست و اقتصاد، بهره‌بردار اصلی این شرایط بودند. علینقی خاموشی‌ها، حاج عراقی‌ها (در سال ۶۰ ترور شد)، عسکر اولادی‌ها، ولایتی‌ها، پرورش‌ها، توکلی‌ها، اسدالله بادامچیان‌ها، علی اکبر رفسنجانی‌ها، اسدالله لاجوردی‌ها، بازاری و رئیس زندان اوین در دهه ۶۰)، حاج داودها (آهن فروش و رئیس زندان گوه‌ر دشت در نیمه نخست دهه ۶۰)، محمد نبی حبیبی‌ها، حسین شریعتمداری‌ها (نماینده کنونی رهبر در کیهان و بازجو)، محمد غرضی‌ها، رفیق‌دوست‌ها و... نام‌های شناخته شده و کلیدی و سازه‌های سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی بودند که تا کنون برخی هنوز اتاق بازرگانی و تجارت و سیاست حاکمیت را در دست دارند.

صندوق‌های قرص‌الحسنه، این نیرومندترین اهرم‌های اقتصادی بازاریان، در دست این بخش، دارایی و انباشت و نقدینه‌های بورژوازی تجاری و دلال-کمپرادور و حکومت را برآورده می‌ساخت. صاحبان

هزاران بانک و بنگاه‌های مالی و اقتصادی آینده، در این مجال الهی، در آغاز با ۲۰۰ صندوق در دست بازاریان تکیه زده به مسجد، دست به یغما زدند تا سال ۱۳۹۲ شمار آنها به بیش از ۷۰۰۰ صندوق که با فریبکاری و شیادی شرعی نقش بانک داشتند افزونتر شد. سال ۵۸ «بانک مرکزی» صندوق که «سازمان اقتصاد اسلامی» نام نهاده شد و با دریافت ۳ میلیارد تومان از بانک مرکزی دولتی، این شیادی شرعی برپا گردید و با دلالی و اقتصاد رانتی، بخش صنعت و صنایع سنگین وابسته و مصرفی را از پای درآورد، سران سپاه و امنیتی‌ها، صندوق‌های بانک‌ها را از چنگ بازار بیرون آوردند. این روند، که بخش کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی را متلاشی کرد، نقدینه آفرید و افزایش نقدینگی، بحران و رکود را بر اقتصاد چیره ساخت. در این روند، درصد واحدهای تولیدی تعطیل شده ویرانی بافت جامعه و خانواده و تولید و اقتصاد در همه ارکان به اوج رسیده است. بخش ریسندگی و بافندگی و پوشاک نخستین قربانیان بودند، اما نه آخرین آن. این روند تخریبی اینک در آبانماه ۹۷ هنگام نگارش این نوشتار، رکود تورمی حاکم شده و بافت اقتصادی و اجتماعی جامعه به نابودی نزدیک به کامل تولید (منهای نفت و پتروشیمی و گاز) و ورشکستگی سراسری انجامیده است.

صنعت و اقتصاد بنیادین در ایران، صنعت نفت و گاز و پالایشگاهی پتروشیمی‌ها هستند. سپس کانی‌هایی مانند مس و آهن و ذغال سنگ و دیگر فلزات قرار می‌گیرند که بین سه جناح- باند حکومتی دولت- سپاه - بیت رهبری تقسیم شدند. بنا به گزارش‌های دولتی، تمامی بخش‌های صنعتی و تولیدی در ایران، مستقیم یا نامستقیم، بر پایه‌ی صنعت نفت و گاز و پتروشیمی به چرخش می‌آیند [مرکز پژوهش‌های مجلس؛ دی ماه ۹۵]. در این مناسبات، گزارش‌ها برآورد که ۹۱ درصد صنایع کشور را صنایع کوچک با اشتغال ۴۱ درصد، ۵ درصد را صنایع متوسط با اشتغال ۱۲ درصد و ۴ درصد را صنایع بزرگ با اشتغال ۴۷ درصد تشکیل می‌دهد [اقتصاد آنلاین ۱۹/۶ / ۹۶]. مجموعاً سهم بخش صنعت در اقتصاد ایران

تنها بین ۱۶ تا ۱۸ درصد گزارش شده است. این آمار دولتی غیرقابل استناد است و این سهم حتی به نصف این رقم هم نمی‌رسد. با مقایسه سهم ۲۰ درصدی صنعت در صادرات ایران که آن نیز به بخش نفت و پتروشیمی باز می‌گردد، با کره جنوبی (۹۹ درصد) و ترکیه (۸۴ درصد) ناتوانی این بخش مهم از اقتصاد ایران را به خوبی در می‌یابیم.^(۲)

با گسترش و افزایش دلالی و سوداگری، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن در سالهای ۸۴ تا ۹۶ به میزان میانگین با رشد منفی، سالیانه منهای ۵/۵ درصد داشته است. گزارشهای رسمی مرکز آمار ایران از کارگاه‌های صنعتی بیش از ده شاغل، پیوسته در حال فروپاشی بوده و در فاصله سالهای ۸۶ تا ۹۲ افزون بر ۲۹۰۶ واحد صنعتی تعطیل و از چرخه تولید خارج شده‌اند [اقتصاد آنلاین ۳۰/۱/۹۶]. به موازای این روند، بنا به گزارش مرکز آمار ایران در شهریور ۹۵ بخش خدمات با ۵۴٫۹ درصد (نزدیک به ۵۵ درصد)، همچون همیشه بیشترین سهم اقتصاد ایران را از تولید ناخالص داخلی کشور داشته که در این میان حوزه‌های میانجی مالی در شمار بانکها، بیمه‌ها، شرکتهای میانجی و دلال سرمایه و هلدینگ‌های مالی، بیشترین سهم را در بخش خدمات بازی کرده‌اند. برای شناخت بیشتر و مستند از این روند و شرایط، به کتاب [شرایط اقتصادی و کار و بیکاری، طبقه کارگر در ایران/ نگارش عباس منصوران نشر، حزب کمونیست ایران ۱۳۹۷ نگاه شود]

محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در نه ماهه‌ی نخست سال ۱۳۹۶ بوده که نشان از رشد ۴٫۴ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۷٫۴ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در نه ماهه نخست سال ۱۳۹۶ دارد. نتایج بالا بیانگر آن است که در نه ماهه‌ی نخست سال ۹۷ رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی ۱، گروه صنعت (شامل: استخراج نفت خام و گاز طبیعی، سایر معادن، صنعت، انرژی و ساختمان)

^(۲) تابناک وابسته به سبزواری رضایی سرپاسدار (محسن رضایی) ۲۶ دی ماه ۹۴

۳،۱ و گروه خدمات ۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال پیش، رشد داشته است.

از سوی شاخص کل (بر مبنای ۱۰۰=۱۳۹۰) قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کل کشور در فصل پاییز ۱۳۹۶ عدد ۱۰۹،۵ را نشان می‌دهد که نسبت به دوازده ماه منتهی به شهریور ۱۳۹۶، ۸ درصد افزایش داشته است. (۳)

نیازی به بیان نیست که این آمار دولت اسلامی مبنایی برای پذیرش ندارد، با این همه می‌توان از این گزارش نیم بند، واپس ماندگی رشد درآمد سالانه داخلی را با افزایش مردم شتابنده گرانی و کاهش قدرت خرید را سنجدید. سال ۹۷، به ویژه در نیمه دوم خود، با افزایش بهای کالاها و خدمات حیاتی تا ۱۰۰ درصد نشان‌دهنده یک فاجعه سراسری و انفجار خیزش‌های مردمی در ایران است.

در این اقتصاد نفتی، که پیوسته همه چیز بیش از پیش رنگ و بوی خون و نفت و مازوت گرفته و جامعه را مسموم می‌سازد و کشتار جمعی می‌آفریند و هزینه‌های تروریسم دولتی، جنگ‌های نیابتی، تجهیز ماشین‌های سرکوب و حکومت اسلامی سرمایه را به‌پیش می‌برد. در سال ۹۳ سهم صادرات نفت ۸۲ درصد از کل صادرات بود و ۱۸ درصد بقیه نیز با فرآورده‌های از نفت. به گزارش بانک مرکزی، سهم درآمدهای نفتی از رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۹۵ نزدیک به ۷۸ درصد بوده است. در این گزارش رشد تولید ناخالص داخلی، بدون نفت ۳/۳ درصد و با نفت ۵/۱۲ درصد بیان شده است. [گزارش بانک مرکزی؛ خرداد ۹۶]

قمار مالی (اسپیگولاسیون، به شیوه ایرانی آن در دست حکومت بر خلاف دیگر بازارهای بورس در جهان) بورس بازی، سفته بازی و انباشت سرمایه در بخش ساختمان و مستغلات در دست سه باند اصلی حکومتی از آستان قدس گرفته تا شاه‌عبدالعظیم و سپاه و بسیج و بیت رهبری همه و همه شبکه بحران آفرین و فساد را ساختار می‌دهند. ستیز

بخش-خدمات/۴۶۳۰۰۰۰۷۰۰۱۳۹۷/https://www.farsnews.com/news/

درونی جناح- باندهای حکومتی در ایران، در درازای ۴۰ سال، به ویژه پس از مرگ خمینی، با شدت و روندی اوج یابنده بر اقتصاد و قدرت سیاسی بیان می‌شود رو در رویی باندها در سال ۸۸ به بهانه انتخابات ریاست جمهوری و پیدایش مجالی برای خیزش توده‌ای سال ۸۸ و ۸۹ برآمد اوج ستیز جناح بانده به ویژه باندهای نظامی سپاه تکیه داده به روسیه برای سلطه بود از سوی و در سوی دیگر باند پراگماتیست به رهبری رفسنجانی و خاتمی و پروغربی‌های اسلامی بود. چنین فراگشتی نمی توانست مدینه محمد و اقتصاد عشیرتی و راهزنی و سهم سرقت و بیت المال را برقرار سازد.

اقتصاد دلالی، بحرانی رانتهی، و در چنبره‌ی بحران جهانی سرمایه، بخش صنایع سنگین وابسته را از پای درآورده، بخش کشاورزی و صنایع کشاورزی را متلاشی کرده، نقدینه آفرید و افزایش نقدینگی، بحران و رکود - تورم را بر اقتصاد چیره ساخت، ابراهیم رئیسی کشتارگر زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ و نماینده خامنه‌ای در تولیت آستان قدس رضوی در یک فرافکنی حکومتی و رقابت باندها برای ریاست جمهوری در یک گردهمایی تبلیغاتی برای کاندیداتوری در اسلامشهر سرشار از اسلام و فقر و فلاکت، روی به روحانی اعتراف می‌کند که: «۵۰ درصد صنایع کشور خوابیده و ۱۷ هزار کارگاه تعطیل شده است .. نقدینگی سه برابر شده ... فاصله طبقاتی بیشتر شده و فقیر فقیرتر و ثروتمند ثروتمندتر شده است. تسهیلات را به عده ای داده اند اما بیکاری و فقر مردم را انیت می کند.. امروز حدود ۱۸ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور می شود.»^(۴)

در سال ۹۷ گزارش‌ها بیانگر آن هستند که «درحالی‌که سهم معدن از تولید ناخالص ملی در کشورهای پیشرو ۶ درصد است این عدد در

^۴(<http://www.rajanews.com/news/۲۷۰۶۸۴/>)

اقتصاد ایران به هفت دهم درصد یعنی نزدیک به صفر رسیده و در ۵ سال اخیر حدود ۵۰۰ معدن تعطیل شده است»^(۶)

بخش ریسندگی و بافندگی و پوشاک نخستین قربانیان بودند، اما نه آخرین آن. صنعت و اقتصاد بنیادین در ایران، صنعت نفت و گاز و پالایشگاه پتروشیمی‌ها هستند. و کانی‌هایی مانند مس و آهن و ذغال سنگ و دیگر فلزات قرار می‌گیرند که بین دولت و سپاه و بیت رهبری تقسیم شدند. بنا به گزارش‌های دولتی، تمامی بخش‌های صنعتی و تولیدی در ایران، مستقیم یا نامستقیم، بر پایه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی به چرخش می‌آیند.^(۷)

در این مناسبات، گزارش‌ها برآوردند که ۹۱ درصد صنایع کشور را صنایع کوچک با اشتغال ۴۱ درصد، ۵ درصد را صنایع متوسط با اشتغال ۱۲ درصد و ۴ درصد را صنایع بزرگ با اشتغال ۴۷ درصد تشکیل می‌دهد [اقتصاد آنلاین ۱۹/۶ /۹۶]. مجموعاً سهم بخش صنعت در اقتصاد ایران تنها بین ۱۶ تا ۱۸ درصد گزارش شده است.

اگر محمد بنیانگذار اسلام ناب در آغاز یک سوم و سپس یک پنجم را به نام خمس و عشر و درصدهایی هم زیر نامهای مختلف سهم ویژه خود می‌دانست و بقیه را بین گروه خود نابرابرانه (بسته با اینکه ربایش و تصاحب با جنگ یا سواره بر شتر یا اسب و یا پیاده و یا تسلیم شدن صاحب مال به دست آمده، به محمد گاهی زنان جوان و زیبا و سرآمد غارت می‌رسیده و بقیه به صورت یک به سیزده و مانند آن تقسیم می‌شد.^(۸) در حکومت اسلامی ۱۴۰۰ سال بعد از محمد این تقسیم غنیمت و استثمار شکل کامل قانون جنگ و قلعه‌ی حیوانات به خود گرفته است.

^(۶) <http://www.sarpoosh.com/economy/industry-mining/industry-mining970307270.html>

^(۷) مرکز پژوهش‌های مجلس؛ دی ماه ۹۵

^(۸) سیرت رسول الله، از رفیع‌الدین اسحاق همدانی (قاضی ابرقو، و نیز تاریخ طبری ووو)

بر مبنای تاریخی، سپاهیان اسلام لشکریان خدا به شمار می‌آمدند. اینان داریی‌ها و هستی و دسترنج تمامی مردمان و هر آنچه که به اشغال در می‌آمد را بنا به کتاب قانون و مقدس خود بی چون و چرا به قانون بیابان‌گردان و قبیله‌های خشن و سخت جان پیرامون محمد، از آن خود می‌دانستند. با این الگو در سال ۵۷ این سیستم ضدانقلابی که مشروعیت خود را از یک انقلاب ربوده بود، حقانیت خود را بی آنکه کوچکترین ایجابی پیش روی بگذارد با سلبیت یا نفی و انکار «بندگان» ممکن می‌دانست. حاکمیت اسلامی، تقدس شماری خویش با حرام شماری و کینه ورزی به هر دستاورد تکامل تاریخی مناسباتی، شالوده گذاری کرد. اسرائیل ستیزی این سلبیت گرایی، ریشه در تاریخ اسلام داشت و جنگهای محمد پیامبر مسلمانان در مدینه علیه قبایلی که با آنها عهد و پیمان برای غنیمت با شبیخون بر تیره‌ای که توان دفاعی چندانی نداشت و یا رازنی کاروانیان اشراف و بازرگانان مکه بسته بود ریشه می‌گرفت تا حقانیت قرآنی یابد. غرب ستیزی و آمریکا ستیزی مجازی خمینیسیم نیز مشروعیت بخشی به تقدس الهی خویش بود. پراگماتیسم این حکومت نیز ریشه در کهنگی این مصلحت گرایی تاریخی داشت که برای دستیابی به غنیمت و رازنی کاروانیان مکه و مدینه، با قبایلی مانند اوس و خزرج بت پرست در مدینه هم پیمان می‌شد و با یهودان مدینه پیمان می‌بست تا بر ابوسفیان تاجر بزرگ و عباس عموی خویش که خرده تاجری بود و نیز داماد خویش و برادر زاده‌ی خدیجه که هنوز ادعاهای محمد را گردن نسپرده بود و زینب دختر خوانده محمد را به زنی داشت^(۸) چیره شود و کاروانیان هر چند عباس عموی خویش و یا داماد خود باشند را به‌گروگان گیرد تا در ازای باجی سنگین و یا جزیه رهایشان سازد.^(۹)

^(۸) سیرت رسول‌الله ص ۳۰۲

^(۹) سیرت رسول‌الله ص ۴۲۰

و الگوهای زنانشان را به سود اسلام مصادره کنند و زنان و کودکانشان را به بردگی گیرند. در یک روز به فرمان پیامبر اسلام، به دست علی، داماد و پسر عموی خویش، دستکم ۷۰۰ تن از بنی قریظه را سر می‌برید و به خندق می‌افکند تا الگوی حکومت اسلامی ایران و طالبان و القاعده و ابوبکر بغدادی، خلیفه دولت اسلامی داعش و او گردد.

برای حکومت اسلامی خمینی و سرمایه‌جهانی نیز، جنگ دو حکومت ایران و عراق، یک موهبت الهی بود تا ۸ سال شعله ور باشد، و از دوسوی نزدیک به یک میلیون کشته شوند و دو سرزمین ویران گردد و منطقه به آشوب درآید و سود مافوق تولید جنگ افزارها و شرکت‌های جهانی بیمه کشتی‌ها و کالاها چندین برابر گردد. سپاه از همان روزهای تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی با ورود دلال‌ها و لمپن‌ها، در شمار رفیق دوست‌ها، غرضی‌ها و او با بنیاد مستضعفان، وارد اقتصاد و سیاست شد و در زمان جنگ خمینی این دخالتگری را قانونی ساخت. این روند شدت یافت و گسترده شد. برای تضمین سهم بری و رانت در اقتصاد سپاهی، کابینه‌های نظامی از میرحسین موسوی صدر اعظم خمینی که در خیزش سال ۱۳۸۸ در آرزوی «بازگشت به دوران طلایی امام» و هم اکنون در بازداشت خانگی است و رفسنجانی و خاتمی، احمدی نژاد و روحانی حضور سیاسی سپاه را در حکومت نمایندگی می‌کردند.

فرمان حکومتی سپاه برای سوداگری

با آغاز جنگ هشت ساله‌ی حکومت‌های ایران و عراق (۶۷-۱۳۵۹) سپاه به بازار مالی و اقتصاد چنگ افکند. آغاز این حمله، شرکت در بانک‌های کوچک قرض‌الحسنه در رقابت با بازاریانی بود که از دوران شاه در چنین صندوق‌هایی نوعی بانکداری و کلاه برداری شرعی را پیش می‌بردند. این بار سپاه زیر نام وام دهی به «رزمندگان و خانواده‌های آنان» خانواده‌های تهی دستان و جویای کار را به این فریب روانه میدان‌های جنگ و نیستی ساخت. این بانک‌ها در دوران به اصطلاح

سازندگی به رهبری «سردار سازندگی» که خود به همراه باند خویش به سوی میدان‌های نفت و گاز چنگ می‌انداخت، با واریز پول‌های سپاه و قاچاق سرمایه‌گذاری شدند. در دروان جنگ، ارگانی از سپاه و وزارت اطلاعات وظیفه یافتند تا زیر پوشش بنگاه‌ها و دفاتر مالی و اقتصادی، در بازارهای سپاه به دلالتی و خرید سلاح و فروش نفت و کالاهای قاچاق بپردازند. بخشی از این سهم دلالتی‌ها «حق کمیسیون‌ها» یا پورسانت‌ها برای خود ذخیره و بخشی را به عنوان درآمد به بانک‌های برآمده از صندوق‌های قرض الحسنه واریز کردند. این انباشت سرمایه که از قاچاق کالا و داد و ستدهای غیر قانونی سپاه به دست می‌آمد روز به روز انباشته‌تر شده و سرمایه‌ی هنگفتی به دست آمد. در این روند، صدها شبکه بانکی و مالی و اقتصادی با نام و واژه‌های قرآنی و امامان شیعه تقدس داده شد، تا نقشه‌های ضد انسانی‌اشان برای بندگان خدا و باورمندان بر ملا نشود.

در پی واسپاری دولت پراگماتیست و اصلاحات اقتصادی و سردار سازندگی به دولت اصلاحات سیاسی باند دو خردادی‌ها به رهبری خاتمی، این روند به صورت خزنده ادامه یافت. با روی کار آمدن دولت مورد پشتیبانی سپاه و ولایت فقیه، (یک ماه پس از انتصاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴)، علی خامنه‌ای روند سپاهی سازی اقتصاد را با ابلاغیه‌ای اعلام کرد. وی با دست‌آویز اصل ۴۴ خواستار کوچک‌تر شدن دولت شد و فرمان داد تا در درازای پنج سال، سالانه ۲۰٪ از سهم دولت در اقتصاد کاسته شود. وی در این فرمان خواهان خصوصی سازی کلیدی‌ترین بخش اقتصاد شد. تمامی صنایع بزرگ، صنایع مادر، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینهاست که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت، بخش تعاونی در بردارنده‌ی شرکتها و بنگاه‌های تعاونی تولید و توزیع است و در شهر و روستا بنا بر موازین تشکیل می‌شود شامل فرمان خامنه‌ای یا فرمانی که از سوی سران سپاه به وی دیکته شده

بود گردید. بخش خصوصی «شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.» به اینگونه حکم حکومتی خامنه‌ای دولت را رفته رفته فرمان می‌دهد که تا پایان برنامه پنج ساله اقتصادی ۲۵٪ از تمامی اقتصاد ایران را در اختیار بخش تعاونی بگذارد و با روش‌هایی مانند ارائه تخفیف مالیاتی و تسهیلات اعتباری، به توسعه بخش تعاونی در همه سطوح اقتصاد کشور از جمله در صنعت بیمه و بانکداری کمک کند.^(۱)

این فرمان که در ۸ بهمن ۱۳۸۶ به صورت قانون در آمد و بر اساس آن ۱۱۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلار از دارایی که در تصاحب دولت بود، به بخش خصوصی (سپاه) واگذار شد. سپاه پاسداران و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، از آن هنگام از دهه ۱۳۶۰ تا کنون، انباشت سرمایه‌ها خویش را در خرید شرکت‌ها و صنایع دولتی بدون رقیب و با زور سلاح و ولایت فقیه، متمرکز کرد. احمدی نژاد با نشانیده شدن در پست کارگزاری دولت نهم، طرح خصوصی سازی خامنه‌ای مجری فرمان سپاه و خامنه‌ای بود. وی دو سال بعد در مصاحبه‌ای در فروردین ۱۳۸۹ گفت: «مجموع آنها (ارزش سهام واگذار شده تا پیش از سال ۱۳۷۲) سه هزار میلیارد تومان (۳ میلیارد دلار) می‌باشد اما از آن پس و در دولت نهم و دهم بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان (۶۰ میلیارد دلار) واگذاری انجام شده. بیشترین این واگذاری‌ها با بورس و با شتاب انجام گرفت. به اعتراف احمدی نژاد، «ایران در عرض پنج سال به جایی رسیده که دیگر اقتصادهای دولتی طی بیست سال رسیده اند.»^(۱۱)

^(۱) متن ابلاغیه رهبر ... در خصوص سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱ خرداد ۱۳۸۸.

^(۱۱) «کسی توانایی آسیب زدن به ایران را ندارد»، آژانس خبری فارس نیوز (تهران)، ۲۵ فروردین

<http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۹۰۱۲۵۰۰۰۱۱۳۸۹>

خریده‌های سپاه و بسیج بیشتر با پرداخت از وام‌های کلان هرگز بازپرداخت نشده و اعتبارات و کمک‌های مالی نهادهایی مانند تعاونی‌های سپاه و بسیج با شرکت‌ها و بودجه‌های دولتی انجام می‌گیرد. سپاه دارای بنگاه‌های مالی و اقتصادی در شمار «بنیاد تعاون سپاه» و بنگاه مالی-اعتباری «انصار» در تصاحب دارد که خود را بانک اسلامی یا غیر انتفاعی! می‌نامند. به اعتراف حمید تهران فر، مدیرکل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی، که زیر نام قرض‌الحسنه، «همه کاری‌کنند جز قرض‌الحسنه» این بنگاه‌های مالی به‌سان بازوهای مالی سپاه و بسیج در بازار بورس تهران و دیگر داد و ستدهای بورس عمل می‌کنند و سهام شرکت‌ها را صاحب می‌شوند.

یافتن نام یک‌یک مالکین و سهام‌داران اصلی این کارتل‌های عظیم استثمار و غارت، آسان نیست. این شرکت‌ها گاهی در رقابت و گاهی شراکت و در برخی موارد به موازی هم تمامی هستی جامعه و دسترنج کارگران و زحمتکشان را به یغما می‌برند.

رفیق‌دوست و غرضی‌ها از بنیانگزاران کمیته‌های انقلاب اسلامی و سپاه که به فرمان خمینی به فرماندهی این نیروی سرکوب رسیدند، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرماندهی و پیشبرد ماندگاری حکومت اسلامی ایفا کردند و به مزد جنایت‌ها به خزاین مالی سرشاری دست یافتند. در بخش‌های دیگر این کتاب، به مرور زندگینامه این دو عنصرجنایت‌پیشه خواهیم پرداخت.

نمونه‌های از کارتل‌های عظیم سرمایه‌داری

اقتصاد سپاهی- امنیتی

قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (قرب)، آستان قدس رضوی، ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح و هلدینگ‌های وابسته به بزرگترین مالکان شرکت‌های بزرگ اقتصاد ایران و شرکت‌های پتروشیمی و گاز و جانبی نفت، بخشی از اقتصاد و مالکیتی است که بنا به همان شیوه صدر اسلامی با خلع مالکیت و استثمار به تصاحب باند سپاه و بیت رهبری در آمده‌اند. این بخش‌های اصلی سرمایه به دست روحانیت، پاسداران اسلام و کسانی افتاد که پیش از این ربایش و تملک یا به صورت انگل در تولید سهمی و نقشی نداشتند یا در شمار خرده تولید کنندگان و تجار و بازاریان وابسته به روحانیت حجره‌ای به دیوار مسجد چسبیده داشتند یا کارگزار و مومنین امام و مذهب اش بودند.

قرارگاه دفاعی خاتم در زمان جنگ چنگ انداز شد و سال‌های زیادی از دوران جنگ، «اکبر هاشمی‌رفسنجانی» را تا مرگ خمینی به‌سان فرماندهی خود پذیرفته بود. اما قرارگاه سازندگی خاتم یک سال پس از پایان جنگ، یعنی سال ۱۳۶۸ پس از مرگ خمینی، به دستور خامنه‌ای برپا شد. این قرارگاه از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران به‌شمار آمده و فرماندهان آن از سوی فرمانده کل سپاه گمارده می‌شوند. این کارتل عظیم اقتصادی و استثمارگر در خاورمیانه، زیر نام قرارگاه، از زیر مجموعه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. قرارگاه سپاه، «بزرگترین پیمان‌کار پروژه‌های دولتی ایران» می‌باشد که پس از پایان جنگ ایران و عراق و به دستور علی خامنه‌ای و با حکم محسن رضایی (سبزوار)، فرمانده وقت سپاه، تشکیل شد و هدف از برپایی آن «آبرسانی، صدور نفت و گاز، پروژه‌های سدسازی، انتقال آب و نیرو و راهسازی اعلام شد. به گفته فرمانده قرارگاه در سال ۹۳، قرار گاه خاتم ۱۳۵ هزار نفر نیرو

دارد که تنها ۲۵۶۰ نفر نیروی رسمی هستند. به بیان دیگر افزون بر ۹۸ درصد کارگران و کارکنان این بزرگترین کارتل مالی- نظامی، اسلامی با قراردادهای موقت و سفید امضا و بدون برخورداری از پوشش قانون کار، به استثمار کشیده می‌شوند. ۳۵ هزار نفر از ۱۳۵ هزار نیرو، در سطح مهندس، فوق لیسانس و دکترا هستند و بقیه یعنی صد هزار نفر کارگر در این کارتل سرمایه داری، در انحصار نیرویی فاشیستی سپاه سرمایه افزایی، برده گی می‌کنند. در آخرین گزارش سال ۹۶ شمار کارگران و کارکنان این شبکه‌ی اقتصادی ۱۵۰ هزار نفر گزارش شده است. قرارگاه مافیایی خاتم، نه مدیرعامل دارد و نه رئیس و با روش فرماندهی نظامی عمل می‌کند و با کارگران و کارکنانی که همانند برده در پادگان سپاه فاشیستی به بهره کشی گرفته شده اند، پادگانی برخورد می‌شود. در این پادگان اقتصادی و سرکوبگر، فرمانده قرارگاه، جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه خاتم است؛ بنابراین فرماندهان کل سپاه را می‌توان فرمانده اصلی قرارگاه خاتم و این پادگان صدها هزار نفره را لشکرگاه برده‌گان سپاه نامید. رستم قاسمی، فرمانده پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیاء (وزیر نفت سابق) گفته‌است که تأمین مالی عملیات در فازهای ۱۵ و ۱۶ میدان مشترک گازی پارس جنوبی در گرو برداشت یک میلیارد دلاری از حساب ذخیره ارزی، یعنی از بودجه دولتی به سود سپاه پرداخت می‌شود.

شرکت ملی گاز ایران در یک قرارداد فرمایشی، ساخت خط لوله ۲۷۰ کیلومتری با ارزش افزون بر ۲۵۰ میلیون دلار را به قرارگاه خاتم‌الانبیاء واگذار کرد. بخش اول این خط لوله در سال ۱۳۸۵ به ارزش یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار نیز به این قرارگاه واگذار شده بود. ساخت فاز اول خط لوله هفتم سراسری به درازای نزدیک به ۹۰۰ کیلومتر (خط لوله صادراتی گاز به پاکستان) احداث خط لوله دهم سراسری (حداصل پتاوه - پل کله) به درازای ۱۷۵ کیلومتر، خط لوله دوم خرم آباد به درازای ۱۶۹ کیلومتر، خط لوله طرح توسعه میدان گازی کیش به درازای ۹۲ کیلومتر، خط لوله زیردریایی کیش به درازای ۱۷ کیلومتر و ساخت دو

ایستگاه تقویت فشار گاز در مسیر فاز دوم خط لوله ششم سراسری از دیگر طرح‌های در دست اجرای خاتم‌الانبیا به شمار می‌رود. طرح توسعه پالایشگاه گاز ایلام، صادرات گاز میدان پارس جنوبی به اروپا خط لوله ششم سراسری به درازای تقریبی یک‌هزار و ۳۰۰ کیلومتر و این تنها بخشی از سهم اقتصادی باند سپاه می‌باشد.

سپاه با سلطه بر بازار بورس، رقبا را با تهدید و مرگ از میدان بیرون رانده و در بازار بورس تهران که بر خلاف تمامی جهان در دست دولت است، به بخش خصوصی وارد شد. در ۲۴ اسفند ۸۵ وزارت نفت قرارداد ۸۵۰ میلیون دلاری پروژه‌ی لوله‌های نفت را با قرارگاه خاتم‌الانبیا-«قرب»- امضا کرد. شش ماه بعد، پس از آن که شرکت‌های ترکیه‌ای انصراف خود را از اجرای پروژه‌ی فاز سوم توسعه میدان نفت و گاز پارس جنوبی اعلام کردند، این پروژه‌ی ۷ میلیارد دلاری بدون ورود به روند مزایده در اختیار «قرب» سپاه قرار گرفت. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (قرب)، واحد مهندسی سپاه، و فرمانده آن، سردار رستم قاسمی بود. در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹، سرکرده سپاه، رستم قاسمی، در جایگاه وزیر نفت و همدست «برادران قاچاقچی» - نامی که احمدی نژاد پس از شدت یابی اختلاف با دیگر سران سپاه به آنان داده بود- خود به رئیس مجلس شورای اسلامی گفت «سپاه پاسداران جایگزین شرکت‌های شل و توتال در پارس جنوبی می‌شود.» نفت و گاز ایران به این گونه به دست سپاه افتاد. علی لاریجانی رئیس همیشگی مجلس اسلامی، «قرب» را «الگوی سازندگی» خواند.^(۱۲)

قرارگاه دیگری به نام قرارگاه یا «بنیاد خاتم‌الوصیا» در شراکت بیت رهبری و سپاه در پوشش کار فرهنگی و مقابله با «شبیخون» فرهنگی در شبیخون‌های باندها به هستی جامعه برپا شده است. به گزارش خبرگزاری فارس، سایت وابسته به سپاه، از قم به نقل از روابط عمومی

(آژانس خبری فارس نیوز (تهران)، ۲۵ فروردین ۱۳۸۹)^{۱۲}
www.farsnews.net/newstext.php?nn=۸۹۰۱۲۵۰۰۰۱

مسجد جمکران، حسین یکتا در روز گشایش قرارگاه فرهنگی «منتظران مهدی» گفت: قرارگاه فرهنگی منتظران مهدی امکان جدیدی در مقابله با شبیخون فرهنگی است که در اختیار تولیت مسجد مقدس جمکران قرار می‌گیرد تا هرگونه صلاح می‌دانند از آن استفاده کنند.»^{۱۳} وی در ادامه افزود: در این مکان قرار است حال و هوای جبهه و جنگ بازسازی و با انگیزه‌های مهدوی آمیخته شود تا ان‌شاءالله رضایت مقام معظم رهبری را فراهم آورد.» مدیر بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیا از تأسیس قرارگاه صاحب الزمان که قرار است امام زمان در چاه جمکران پس از هزاران ساله زندگی زیر زمینی «ظهور» کند خبر داد و افزود: «این قرارگاه در زیر مجموعه بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیا به منظور ساماندهی کاروان‌های زیارتی مشهد، قم و عتبات عالیات تشکیل شده که قرار است مرکزیت آن در مسجد مقدس جمکران باشد همچنین شبکه مهدی‌یاران با پشتیبانی مؤسسات فرهنگی سراسر کشور در مسجد مقدس جمکران شکل خواهد گرفت.»

ادامه‌ی واگذاری‌ها

میدان نفت و گاز پارس جنوبی در ۱۴ خرداد ۸۹، وزارت نفت این پروژه ۵ میلیارد دلاری را باز هم بدون شرکت دادن در هیچ مزایده‌ای در اختیار کنسرسیوم «خاتم النبیاء» گذارد. این کنسرسیوم که خود در بر گیرنده‌ی «قرب» و دو شرکت دیگر سپاه («مجتمع کشتی سازی و صنایع فراساحل ایران» و «شرکت صنعتی دریایی ایران»)، به اضافه «شرکت مهندسی وساختمان صنایع نفت»، و «شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی» می‌باشد.

^{۱۳} (<https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۳۰۵۲۶۰۱۴۰۴>)
۶ (۱۳۹۳/۵/۲)

در کشاکش ستیز باندها پیرامون این سهم‌ها و تصاحب هاست که حسن روحانی، باند رقیب را «دولت با تفنگ و بی‌تفنگ خواند». فرمانده «قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء» سپاه در مصاحبه با برنامه تلویزیونی «گفت و گوی ویژه خبری» شبکه دو، پاسخ داد: «آیا سزاوار است دولت با تفنگ و بی‌تفنگ مطرح شود!» حسن روحانی، باند سپاه را «دولت» خواند. روز اول تیرماه ۹۶ مجال یافت که به فعالیت‌های سپاه سرمایه اشاره کند و بگوید «بخشی از اقتصاد ایران به دست «دولتی» داده شده که «هم تفنگ دارد و هم رسانه» و «کسی جرأت ندارد با آنها رقابت کند». این اشاره حسن روحانی واکنش شدید سران سپاه و صادق لاریجانی در راس قوه قضاییه را در پی داشت. فرمانده قرارگاه «سازندگی» خاتم الانبیاء سپاه در واکنش به باند رقیب، نشان داد که رقابت اصلی باندهای حکومتی، پیرامون سلطه بر اقتصاد و قدرت سیاسی محور گرفته است. وی رویکرد پروغربی دولت روحانی و فراخواندن سرمایه‌گذاران «خارجی» را به انتقاد گرفت و گفت: «مسئولان می‌گویند باید خارجی‌ها بیایند و سرمایه‌گذاری کنند در حالی که سپاه بارها اعلام آمادگی کرده است که می‌تواند بخش مالی را نیز تامین کند.» عبدالله عبدللهی افزود: «وزارت نفت گفته است می‌خواهد قرارداد به سمت مناقصه برود اما واگذاری فاز ۱۱ به توتال بدون تشریفات مناقصه بوده است.»

قرارداد با بزرگترین شرکت نفتی و گازی جهان، «توتال» فرانسه در پی برداشتن تحریم‌ها در سال ۹۵ و گشودن دروازه‌ها برای سهم‌بری امپراتوران سرمایه به امید پشتیبانی از بقای رژیم، به امضا رسید. در نیمه نخست پاییز سال ۹۵ با امضای تفاهم‌نامه آغازین (HOA) بین شرکت ملی نفت ایران با شرکت توتال برای توسعه فاز یازدهم میدان گازی پارس جنوبی به گفتگو گذارده شد و سرانجام در ۱۲ تیرماه، درحالی که میدان‌ها و مخازن نفتی و گاز در کمبود سرمایه و تکنولوژی بی‌جان شده بود، نهایی شد. سران سپاه در رقابت با باند دولت، به این بهانه که سرمایه و

تکنولوژی لازم برای پیشبرد این گونه پروژه ها در ایران و در اختیار قرارگاه خاتم است، قرارداد با توتال را «خیانت به کشور دانستند.»

اما خوشحالی پروغربی‌های باند روحانی هنوز بر لب بود که با بازی بازهم تحریم‌های ترامپ، این خنده، زهرمار شد. توتال در ماه اوت ۱۳۹۷ بار و بنه را برچید و رفت و دیگر شرکت‌های خرد و ریز نیز در هراس از تحریم کناره گرفتند. سخن از رسانیدن صادرات نفت ایران به نزدیک «صفر» حتماً می‌رود. اگر عمری از رژیم هنوز باقی باشد، سپاه در زمان تحریم بازهم همانند دوره‌ی پیشین، سود بیشتری خواهد برد. بنا به پیش بینی‌ها، ارزش تولیدات میدان پارس جنوبی، پس از پایان قرارداد افزون بر ۳۰ میلیارد دلار می‌شود که در نتیجه درآمد حکومت از اجرای این طرح نزدیک به ۸۴ میلیارد دلار با قیمت‌های فعلی نفت خام فراتر خواهد رفت.

میزان دزدی‌ها و فساد حکومتی یکی در پی دیگری آشکارتر می‌شود عضو «کمیته تحقیق و تفحص مجلس»، یعنی یکی از کارگزاران دستگاه فساد در گزارش سرقت قاضی‌ها و نمایندگان خامنه‌ای از سازمان تأمین اجتماعی گوشه‌ای از فساد انگلیستی را در بالاترین رده‌های حکومتی نمایش می‌دهد.

سلیمان جعفرزاده که ریاست «کمیته تحقیق و تفحص» از تأمین اجتماعی، سازمان بازنشستگی و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) را برعهده داشته در گزارش به مجلس، بیان بررسی از ۱۵۰ شرکت زیرمجموعه سازمان بازنشستگی و شستا، را ارائه می‌دهد که بیش از یک هزار میلیارد تومان اختلاس رخ داده است! دزدان، کسانی جز آقا زاده‌ها و همدستان در مدیریت شرکت‌های خانوادگی نیستند. برخی از این افراد حتماً در ده شرکت عضو هیأت مدیره می‌باشند و پاداش‌های ۴۵۰ میلیون تومانی تا هزار سکه‌ای نیز هدیه گرفته‌اند! رئیس کمیته تحقیق و... را تهدید کردند و وی گزارش داد که در میان تهدید کنندگان تحقیق و بررسی، «چهره‌ها» و حتماً هیأت رئیسه مجلس به چشم می‌خورند. سلیمان جعفرزاده می‌گوید: «در حالیکه داشتیم به سرنخ‌های بیشتری در این پرونده

بزرگ تخلف مالی پی می‌بردیم، هیأت رئیسه مجلس از ادامه تحقیق و بررسی، جلوگیری به عمل آورد که اگر چنین نمی‌شد می‌توانستیم تخلفات بیش از سه هزار میلیارد تومان را با سند و مدرک اثبات کنیم.» خبرگزاری مهر به نقل از وی نوشت که: «کمیته تحقیق و تفحص گزارش خود را روز سه‌شنبه دهم آبان (۱۳۹۰) در صحن علنی مجلس ارائه نموده است در عین حال چنین افزود که تخلفات برخی از به‌نمایندگان مجلس نیز در این پرونده فساد مالی **”محرز و مستند”** است»

اعتراف کارگزاران حکومتی نیازی به هیچ افزودنی ندارد:

سلیمان جعفرزاده رئیس کمیته تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی (شستا) در گزارش به مجلس آشکار کرد که «تحقیق و بررسی این کمیته از ۱۵۰ شرکت زیرمجموعه سازمان بازنشستگی و شستا، نشان می‌دهد که بیش از یک هزار میلیارد تومان اختلاس انجام شده است!» و از نقش و تسلط گروه‌ها و افراد وابسته به مدیران دولتی و آقا زاده‌ها بر این نهادها خبر داد «به نحوی که آن‌ها این نهادها و اموال آن را به شرکت‌های خانوادگی خویش تبدیل کرده‌اند تا جائیکه برخی از این افراد حتا در ده شرکت عضو هیأت مدیره می‌باشند و پاداش‌های ۴۵۰ میلیون تومانی تا هزار سکه‌ای نیز هدیه داده‌اند!» و اینکه «از لحظه آغاز این تحقیق و بررسی، با فشارهای سیاسی متعددی از سوی بسیاری از «چهره‌ها» و حتا هیأت رئیسه مجلس روبرو بوده است و در حالیکه داشتیم به سرنخ‌های بیشتری در این پرونده بزرگ تخلف مالی پی می‌بردیم، هیأت رئیسه مجلس از ادامه تحقیق و بررسی جلوگیری بعمل آورد که اگر چنین نمی‌شد می‌توانستیم تخلفات بیش از سه هزار میلیارد تومان را با سند و مدرک اثبات کنیم.» خبرگزاری مهر به نقل از وی نوشت که «کمیته تحقیق و تفحص گزارش خود را روز سه‌شنبه دهم آبان در صحن علنی مجلس ارائه نموده است در عین حال چنین افزود که تخلفات برخی از نمایندگان مجلس نیز در این پرونده فساد مالی **”محرز و مستند”** است.^(۱۴)

^(۱۴) <https://fararu.com/fa/news/۹۳۹۷۷/> آبان‌ماه ۱۳۹۰ ۹

در پی این اعتراف‌ها در سایت حکومتی مهر، رحمت الله حافظی مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی در صدد پاسخگویی برآمد. وی به ناچار گفت: در «شستا» مشکلاتی در این زمینه وجود داشته و موضوع تحقیق و تفحص از این سازمان به قبل از دوره مدیریت وی بر می‌گردد. محمدعلی یزدانجو مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) نیز در گفتگو با خبرگزاری فارس وابسته به سپاه، «تخلف» را به سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بازنشستگی وابسته دانست، و پذیرفت که در «شستا» نیز تخلف انجام شده اما سهم آن از اختلاس یک هزار میلیارد تومانی هنوز مشخص نشده است! یعنی مزد سالانه ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار کارگر.

نادر قاضی‌پور، نماینده حکومتی از ارومیه و از اعضای هیات تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی، در یک نشست خبری اعتراف کرد: «ما پرونده‌ای داریم که در آن رقم میلیاردی به نام یک فرد زده شد وقتی از آن فرد پرسیدیم که این پول را چه کردید اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت که اصلاً این پول به او داده نشده است.»^{۱۰} وی افزود: «وقتی گیرنده و دهنده پول را با یکدیگر روبرو کردیم آنها همدیگر را نشناختند، این نشان می‌دهد که این اسناد به صورت صوری زده شده است و تنها کلاهبرداری عظیمی است.» در این گزارش از سوی باند رقیب در مجلس آشکار شد که: «گزارش خبرگزاری ایسنا، وی که در یک نشست خبری سخن می‌گفت با بیان این‌که «تاکنون بیش از ۳۰۰۰ برگ شکایت و سند تخلف از سازمان تأمین اجتماعی به این هیات ارائه شده» افزود: «کسانی هستند که هزار میلیارد تومان سند پیش آنهاست که باید این موارد تعیین تکلیف شود»»

وی توضیحی در مورد هویت پنهان‌کنندگان این اسناد نداد و تنها گفت این اسناد که از زیرزمین یکی از ساختمان‌های تأمین اجتماعی جابه‌جا شده بود «با کمک کارگران» پیدا شده‌است. فاش شد که این اسناد، به گزارش

^{۱۰}(https://www.radiofarda.com/a/f12_lost_documents_related_to_ahmadinejad_ally_fraud_found/20124381.html)

روزنامه قانون، نتیجه تحقیق و تفحص یک ساله مجلس هشتم از سازمان تامین اجتماعی طی دوره‌ای است که سعید مرتضوی ریاست این سازمان را برعهده داشت.

علی زنجانی، عضو کمیته تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی در مجلس هشتم، روز ۲۵ شهریور ماه به خبرگزاری مهر گفت: «این اسناد که ۲۰ هزار صفحه هستند توسط برخی از افراد وابسته به یکی از نمایندگان مجلس سرقت شد.»

وی افزود: «پس از این ماجرا گزارش کتبی از مدارک گم شده به لاریجانی رییس مجلس هشتم داده شد که البته نام فردی را که نسبت به این کار اقدام کرده بود هم آوردیم، اما با توجه به پیگیری‌هایی که آنها انجام دادند، اتفاقی نیفتاد.»^(۱۶)

سعید مرتضوی در مجلس گوشه‌ای از رشوه دهی به نمایندگان مجلس و «کمیسیون تحقیق و تفحص» را افشا کرد تا زبان نمایندگان باند رقیب را ببندد. سعید مرتضوی دوشنبه ۱۸ آذر اعلام کرد که اسامی و مشخصات نمایندگانی را که از این سازمان 'دریافتی داشته‌اند' به همراه نامه‌ای خطاب به رئیس کمیسیون اصل نود به مجلس فرستاده بود. در این نامه درونی که هرگز آشکار نشد، تنها خبر رسید که «نمایندگان مجلس هشتم در چند نوبت از سازمان تامین اجتماعی هدیه دریافت کرده‌اند و تعداد آنها در سه مورد، ۱۴۳، ۷۵ و ۶۷ نفر عنوان شده بود.» اما گزارش نهایی هیئت تحقیق و تفحص مجلس از تامین اجتماعی تعداد نمایندگان دریافت‌کننده هدیه و بن کالا از این سازمان ۳۷ نفر اعلام شده بود، بدون آن که نامی از آنها برده شود. علیرضا محبوب سردسته چماقداران خانه کارگر اشغال شده و شوراهای اسلامی کار از سوی رهبر وظیفه داشت تا وظیفه اسلامی خویش

^{۱۶}(

https://www.radiofarda.com/a/f12_lost_documents_related_to_ahmadinejad_ally_fraud_found/۲۰۱۲۴۳۸۱.html

را به‌جا آورد. مرتضوی در نامه خود به رئیس کمیسیون اصل نود مجلس، از جمله علیرضا محبوب و اکثر همکاران ایشان در هیئت تحقیق و تفحص خود از دریافت‌کنندگان کارت هدیه و بن کالامعرفی کرده بود^(۱۷). در این برهه، خامنه‌ای به همقطاران و کارگزاران خود نهیب می‌زند که بس کنند و فتیله را پایین بکشند. پای سید مجتبی خامنه‌ای و همدست وی طائب در میان بود و بیت رهبری و لاریجانی‌ها و سعید مرتضوی قاضی و نور چشم خامنه‌ای از جمله شرکای این اختلاس بودند. در پی این حکم حکومتی بود که هادی مقدسی عضو هیأت رئیسه کمیته تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی و رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، به میدان آمد و گفت: «هنوز گزارش کمیته تحقیق و تفحص جمع بندی نشده است، هرگونه اختلاس و اعمال فشار سیاسی علیه این کمیته “کذب محض” است. بنا به همین درز اختلاس، افزون بر یک هزار میلیارد تومان دزدیده شده، رقمی است که نزدیک به ۴ میلیون کارگر هر ماهه به مدت یک سال بابت بیمه پرداخته اند! جدا از موارد دیگر سرقت، گزارش می‌شود که رقم یک هزار میلیارد تومان اختلاس، برابر است با مزد سالانه ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار کارگر! بنا به آمار دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی، ۱۰ میلیون و ۶۳۲ هزار و ۲۲ نفر بیمه شده اصلی در سراسر کشور تا پایان خرداد سال ۹۰ زیر پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار داشته‌اند که از این تعداد ۸ میلیون ۴۰۰ هزار نفر بیمه شدگان اجباری هستند. دارایی‌ها و سرمایه‌هایی که در صندوق سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بازنشستگی و شستا روزانه در بازار استنثار و سهام، هر روز هم بر میزان آن افزوده می‌شود، از همین بیمه شدگان یعنی کارگران و زحمتکشان ربوده شده است. گزارش شده است که درآمد ماهانه سازمان

^{۱۷}(

http://www.bbc.com/persian/iran/2013/12/131210_126_mahjub_ub_mortazavi_majlis

تأمین اجتماعی از ۹۸۰ میلیارد تومان در نیمه اول سال ۸۹ به ۱۵۰۰ میلیارد تومان در سال جاری افزایش یافته است.

در بسیاری موارد، در حالیکه سهم بیمه پرداختی از دستمزد کارگران و کارمندان به وسیله کارفرما کسر شده، اما هیچگاه به حساب صندوق بیمه واریز نشده است. در جمهوری اسلامی قانون اصلی، نه روی کاغذ، بلکه سلاحی است که در دست نیروی سرکوبگر سرمایه‌داران و ابزار حاکمیت آنان، یعنی حکومت است. در اینجا کارفرمایان، سرمایه‌داران، مدیران بلند پایه، بستگان سران حکومت و مجلس و دولت و سران سپاه و آقا زاده و دولت در دولت سپاه و بیت رهبری و همه کارگزاران ریز و درشت حاکم، دست در دست هم فساد را نهادینه کرده و فلاکت می‌آفرینند.

علی خامنه‌ای در سال ۱۳۸۵، یعنی ۱۲ سال پیش، فرمان خود در رابطه با ضرورت تسریع روند خصوصی‌سازی را صادر کرده بود، اما سه سال بعد در جریان آنچه "بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران" نامیده شد، ۱+۵۰ درصد از سهام شرکت مخابرات ایران در روز پنجم مهرماه سال ۸۸ در کمتر از نیم ساعت به کنسرسیوم "توسعه اعتماد مبین" واگذار شد. ارزش سهام خریداری شده برابر هفت هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان، برابر با ۷ / ۸ میلیارد دلار آن زمان اعلام شده بود.

کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین متشکل از شرکت‌های سرمایه‌گذاری توسعه اعتماد، شهریار مهستان (هر دو در مالکیت بنیاد تعاون سپاه) و شرکت گسترش «الکترونیک مبین ایران» وابسته به «سناد اجرایی فرمان امام» بود.

در ۵ مهر ۱۳۸۸، سپاه با خرید ۵۱٪ از سهام شرکت مخابرات، به ارزش تقریبی ۸ میلیارد دلار، برنده بزرگترین مزایده تاریخ بازار بورس تهران شد. این ربایش وقتی امکان یافت که تنها رقیب واقعی از بخش خصوصی، یعنی شرکت تعاونی پیشگامان کویر یزد، تنها چند ساعت پیش از انجام خرید، به دلایل امنیتی رد صلاحیت شد. بنگاه سرقت «مهر اقتصاد ایرانیان» سپاه بنا به مانورهای حکومتی دیگر باید با چراغ خاموش

وارد داد و ستد شود. وام هنگفتی به «کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین» داده شد تا سپاه بتواند مخابرات را به چنگ گیرد. سپاه با سلطه به مخابرات به دو هدف اقتصادی و امنیتی خود این رشته حیاتی دست یافت. این کنسرسیوم از چند شرکت به نام های سرمایه گذاری «توسعه مبین»، سرمایه گذاری شهریار مهستان، و گسترش الکترونیک مبین، تشکیل شده است و هر دو شرکت سرمایه گذاری توسعه مبین و سرمایه گذاری شهریار مهستان هر دو در مالکیت بنیاد تعاون سپاه می‌باشند. سپاه، در یک یورش ناگهانی، به جای پیشگامان کویر یزد، به نام «سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان»، وابسته به موسسه مالی-اعتباری مهر (بسیجیان) تایید صلاحیت گردید و پیشگامان یزد رد صلاحیت و بلوک شد. به این گونه، «توسعه اعتماد مبین» بدون رقیب، ۲۲ میلیارد و ۹۳۶ میلیون سهم مخابرات را به قیمت ۳۴۰۹ ریال برای هر سهم (فقط ۹ ریال بالاتر از قیمت پایه) تصاحب کند. همزمان با درخواست مجلس شورای اسلامی برای تحقیق در مورد «مزایده غیر رقابتی مخابرات ایران»، مجید سلیمانی پور، مدیر عامل توسعه اعتماد مبین، و همسرش به مرگی ناگهانی محکوم و در خانه خود در گذشتند.^{۱۸} همان زمان، محمدرضا رحیمی پاسدار و جنایتکار پیشین از بیجار، در کردستان و آذربایجان معاون اول محمود احمدی‌نژاد، که پس از جابجایی احمدی نژاد، به جرم فساد به زندان افکنده شد و اینک در مرخصی و آمد و شد به همان فساد سرگرم، از واگذاری شرکت مخابرات ایران به یکی از شرکت‌های زیرمجموعه سپاه پاسداران ابراز تاسف کرد و آن را نادرست دانست. رحیمی گفته بود: «بخش ارتباطات را که یکی از کارسازترین و پردرآمدترین بخش‌های وزارت ارتباطات بود به توصیه آقایان فروختیم رفت. نوش جان‌شان، اما ای کاش این کار را نمی‌کردیم.»

^{۱۸} (مرگ مدیر عامل شرکت خریدار سهام مخابرات بر اثر گاز گرفتگی!»، آفتاب (تهران)، ۲۱ آذر ۱۳۸۸.

این آدمکش روزی که استاندار کردستان بود گفته بود به جای کلاشینکف به دست جوانان کرد، یک و افور می‌دهیم.

بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران روز چهارشنبه، دوم آبان‌ماه ۱۳۹۷ پس از سالها سود، اینک که مخابرات در تحریم جدید و نیز فرسودگی تکنیک دچار تنگنا شده با صدور اطلاعیه‌ای از خروج خود از سهامداری شرکت مخابرات خبر می‌دهد. از سوی این منبع، گزارش شده که «رهبر جمهوری اسلامی به ستاد کل نیروهای مسلح ایران مأموریت داد و آگذاری بنگاه‌های اقتصادی «غیرمرتبط» در سپاه پاسداران، ارتش و وزارت دفاع را پیگیری کند.» سپاه با و آگذاری این بخش به دیگر باندها، بدون شک بر این منبع نظارت و حاکمیت دارد.

گزارش شده که «روابط عمومی بنیاد تعاون سپاه در اطلاعیه خود از و آگذاری سهام و خروج این مجموعه از شرکت توسعه «اعتماد مبین» مربوط به سهامداری شرکت‌های مخابرات ایران و همراه اول خبر داده است. در این بیانیه بدون اشاره به جزئیات تنها آمده است که بنیاد سپاه این تصمیم را «در راستای تدابیر ستاد کل نیروهای مسلح کشور گرفته است.» و به این گونه، نیروهای مسلح ایران، دستگاه‌های امنیتی و دیگر نهادهای وابسته به سپاه و باند رهبری در سال‌های گذشته شبکه عظیم مالی و اقتصادی را به چنگ گرفتند. فرمان خامنه‌ای این روند را پشتیبانی می‌کرد. اما در ماه‌های اخیر، در دستور خامنه‌ای بنا به مصلحت روز، به نیروهای مسلح برای و آگذاری بنگاه‌های اقتصادی «غیرمرتبط»، اشاره شده بود که فعالیت‌های نیروهای مسلح در حوزه «سازندگی» از جمله فعالیت‌های قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران، بر اساس نیاز دولت ادامه پیدا خواهد کرد.

قرارگاه خاتم‌الانبیاء با دریافت میلیاردها دلار از دسترنج کارگران و هستی جامعه برای اجرای پروژه‌های بی‌شمار بسیاری از این پروژه‌ها را پس از پایان زمان قراردادی و سالهاست که تحویل نداده. این درحالی‌است که سپاه، از دولت به دلیل و آگذار نکردن تمامی قراردادهای در حوزه نفتی و

ساخت کشتی و دریایی به باند خود، انتقاد کرده است. اکبر ترکان، دبیر وقت شورای هماهنگی مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران در سال ۹۳ با انتقاد از قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران به دلیل «جذب نکردن» سرمایه‌گذاری خارجی برای پروژه پل خلیج فارس جزیره قشم گفته بود که «زور دولت به قرارگاه خاتم نمی‌رسد». رمضان شریف، سخنگوی سپاه پاسداران در واکنش در پاسخ به باندهای رقیب گفت که «بیک مشت آدم قالتاق» در حوزه پیمانکاری کشور فعالیت می‌کنند. در همان روز دوم آبان ماه ۱۳۹۷ که خبر خروج سپاه از سهامداری شرکت مخابرات پخش می‌شد «طرح سپردن گذرگاه اینترنت به نیروهای مسلح» در کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.^(۱۹)

بنیاد تعاون سپاه

بنیاد تعاون سپاه، در سال ۱۳۶۵ برپا شد و از جمله شبکه‌های مالی و اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران است بنا به اساسنامه این بنگاه مالی: «موسسه‌ای غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی مستقل و وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد.» و از جمله اهداف خود را اینگونه بیان کرده است:

الف- تامین نیازمندیهای پرسنل کادر ثابت در ابعاد مسکن و وام .
ب- پشتیبانی از تعاونیهای مسکن سپاه از طریق تامین زمین و تغییر کاربری آن و انجام حمایتهای حقوقی و تولید و عرضه مصالح و محصولات ساختمان سازی .
تبصره ۱ - موارد بالا از طریق فعالیتهای تجاری و بازرگانی و تاسیس واحدهای تولیدی و عمرانی صورت می‌گیرد. سرمایه اولیه آن تنها ده میلیون ریال که به وسیله خامنه‌ای اهدا شده است.^(۲۰)

^{۱۹} (تسنیم، خبرگزاری صدا و سیما

^{۲۰} (اساسنامه بنیاد تعاون سپاه پاسداران «انقلاب

این بنیاد، در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی در ۱ شهریور ۱۳۶۵ برپا شد و اکنون به یکی از بازیگران اصلی میدان اقتصاد و فساد ایران تبدیل شده است. سپاه هر چند خود به طور مستقیم در داد و ستدهای بازار بورس تهران وارد نمی شود، اما شاخک‌ها و کارگزاران امنیتی و ماموران، دلالان و گماشتگان مخفی سران سپاه هستند که از تمامی نوسان‌های بازار بورس با خبر و ماموریت خبررسانی به باند سپاه را وظیفه مند هستند.

روابط عمومی بنیاد تعاون سپاه پاسداران روز اول آبان ماه ۹۷ در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این بنیاد «با واگذاری سهام خود، از شرکت توسعه اعتماد مبین (مربوط به سهامداری شرکت‌های مخابرات ایران و همراه اول) خارج شد». در اطلاعیه بنیاد تعاون سپاه اعلام شده بود که این اقدام «در راستای تدابیر ستاد کل نیروهای مسلح» انجام گرفته است. اما در این اطلاعیه روشن نیست که «بنیاد تعاون سپاه» سهام هزاران میلیاردی خود در «مخابرات» و «همراه اول» را به کجا و به چه کسی واگذار کرده است. البته با توجه به اینکه «ستاد اجرایی فرمان امام» نیز از جمله مالکان «کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین» بوده، می‌شود دریافت که تمامی سهام مخابرات به این ستاد نرسیده باشد. با این اعلام رسانه‌ای که سپاه پاسداران سهام میلیاردی مخابرات و همراه اول را واگذار کرد، شاید اقدام‌های پیشگیرنده از تحریم‌های دور دوم باشد. خامنه‌ای پیشتر اشاره کرده بود نظامیان از کارهای «غیرمرتبط» فاصله گیرند. این یک «نرمش قهرمانانه» سپاه در برابر تحریم‌ها نبود، بلکه یک جابجایی صوری بود.

"ستاد فرمان اجرایی امام" نیز یک مجموعه عظیم اقتصادی است که در بزرگترین بانک‌های ایران سرمایه‌گذاری کرده و در حوزه‌های گوناگون دیگری نیز از بیمه، تولید انرژی، پالایش نفت و ساخت و ساز گرفته تا تولید سیمان و کارخانه‌های تولید نوشیدنی فعالیت‌های گسترده‌ای دارد. رویترز آبان ماه سال ۹۲ در یک گزارش پژوهشی که نتیجه‌ی کار تیمی شش‌ماهه‌ی گروهی از خبرنگاران رویترز بود، مجموع دارایی‌های

این ستاد را که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی اداره می‌شود، به استناد بیانیه‌های رسمی، اطلاعات و وبسایت‌های شرکت‌های وابسته و اوراق بهادار، حدود ۹۵ میلیارد دلار تخمین زده بود.

به گزارش رویترز، «این رقم چیزی حدود چهل درصد بیشتر از صادرات نفتی ایران در سال گذشته است» و «حتی از ثروت اندوخته شاه سابق ایران هم پیشی می‌گیرد.» به نوشته رویترز، رقم «۹۵ میلیارد دلار» که این گزارش به آن دست یافته برگرفته از ارزیابی از بیانیه‌های مقام‌های رسمی ستاد، آمار بورس اوراق بهادار تهران و وبسایت‌های شرکتی به علاوه اطلاعاتی از وزارت خزانه‌داری آمریکا است.^(۲۱)

گزارش‌های منتشرشده به هنگام "بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران" نشان می‌داد که هیچ‌گونه رقابتی در کار نبوده و شرکت تعاونی "پیشگامان کویر یزد"، به عنوان تنها رقیب سپاه، چند ساعت قبل از معامله با نامه رئیس "سازمان خصوصی‌سازی" از معامله کنار گذاشته شده است. گزارش‌ها حاکی از آن بود که از حضور شرکت "پیشگامان کویر یزد" که خود را برای رقابت در خرید سهام مخابرات آماده کرده بوده، به بهانه "فقدان صلاحیت امنیتی" جلوگیری شده است.

هیأت تحقیق و تفحص مجلس ایران نیز روز ۳۰ آذر ماه ۸۹ اعلام کرد که مزایده بر سر خرید سهام شرکت مخابرات، که در راستا و به نام "خصوصی‌سازی" انجام گرفته بود، "صوری و کاملاً غیررقابتی" بوده است. ملاحظه‌های این هیأت نیز سپس به قوه قضائیه ارسال شد. حتی محمدرضا رحیمی، معاون اول محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری وقت، نیز روز ۱۹ آذر ماه سال ۹۱ از واگذاری سهام مخابرات «به توصیه

^{۲۱}(http://www.bbc.com/persian/world/۲۰۱۳/۱۱/۱۳۱۱۱۳_u۰۸_khamenei_assets_cluster)

آقایان» ابراز تأسف کرد و گفت: «نوش جانشان، اما ای کاش این کار را نمی‌کردیم.»

اکنون پس از گذشت نه سال از تسلط پرفراز و نشیب سپاه پاسداران بر مخابرات ایران، این نهاد نظامی از واگذاری سهام خود در این شرکت در راستای "تدابیر ستاد کل نیروهای مسلح" خبر داده است؛ اقدامی که در نگاه اول حرکتی در جهت خروج سپاه از فعالیت‌های "غیرمرتبط" اقتصادی و گشایش راه برای خصوصی‌سازی واقعی به نظر می‌رسد. برخی اما معتقدند که خروج بنیاد تعاون سپاه از بخش ارتباطات ثابت (مخابرات) و سیار (همراه اول)، برای گریز از تحریم‌های آمریکا و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از آن برای منافع این نهاد نظامی صورت گرفته است.

با وجود دستور خامنه‌ای مبنی بر خروج نظامیان از کارهای «غیرمرتبط» فعالیت‌های مناقشه برانگیز قرارگاه خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران ادامه دارد و شمار زیادی از پروژه‌های سنگین سال‌های گذشته در ایران در حوزه‌هایی بسیار گسترده با موافقت دولت و ترک تشریفات مناقصه، به این قرارگاه واگذار شده است.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در مهر ماه ۱۳۹۳ هنگامیکه احمدی نژاد دیگر مصرفی نداشت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان از تخلقات نفتی دولت محمود احمدی‌نژاد را منتشر کرد. در این تخلف‌ها نام دو سردار اسلامی نیز به میان آمد. رستم قاسمی، وزیر نفت و اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی. این دو تبه‌کار، باجی که بایسته بود به باند رهبری و دیگر همقطاران خود نپرداخته بودند.

فروش نفت توسط نیروی انتظامی و بازنگرداندن پول آن بخشی از ماجرا بود. اسماعیل احمدی‌مقدم به انفسال موقت از خدمات دولتی محکوم و چند فرمانده بنیاد تعاون نیروی انتظامی نیز بازداشت شدند. اسماعیل احمدی‌مقدم روز ۱۵ مهر ۹۳، دولت احمدی‌نژاد را کارفرمای خود معرفی کرد و گفت به دلیل تحریم‌ها امکان فروش نفت را نداشته و احمدی‌نژاد به

او پیشنهاد کرده بود که نیروی انتظامی برای پرداخت حقوق کارکنان نیروهای انتظامی به فروش نفت بپردازد. احمدی‌مقدم تنها به این نکته اشاره کرد که نیروی انتظامی دو محموله نفت به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار از دولت تحویل گرفته و فروخته که ۱۸۰ میلیون دلار از این مبلغ را به خزانه واریز کرده و همه را برای «کسری حقوق» کارکنان نیروی انتظامی هزینه کرده است.

سردار سپاه اسلام، اما پذیرفت که شش میلیون دلار از این پول هنوز به حساب خزانه دولت واریز نشده است.^(۲۲) کمیسیون برنامه و بودجه مجلس هم در گزارش خود اعلام کرد که بر اساس تفاهنامه شهریور ماه سال ۹۱ بین رستم قاسمی، وزیر نفت، اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، ابوالفضل قنبرپور، فرمانده بنیاد تعاون ناجا و احمد قلعه بانی، مدیر عامل شرکت ملی نفت، یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه به شرکت «پتروتیما» که از سوی نیروی انتظامی معرفی شده بود، تحویل شده است.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، ارزش این محموله نفت خام را که بیش از ۱۸۵ میلیون دلار گزارش داد که «با وجود پیگیری‌های مکرر» شرکت ملی نفت ایران، وصول آن پول «تاکنون بدون نتیجه مانده» و بر اساس محاسبه امور مالی قراردادهای شرکت ملی نفت ایران، تا پایان سال ۹۵ بیش از ۹ میلیون دلار به آن «بهره تعلق گرفته است».

نیروی انتظامی به علاوه بدهی محموله دیگری را که سال ۹۲ تحویل گرفته بود به ارزش بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان به شرکت ملی نفت هرگز پرداخت نکرده است. سردار قاسمی وزیر نفت با باند احمدی مقدم‌ها همدست بود و بابک زنجانی‌ها و ضراب‌ها تنها دلال فروش نفت روی دریاها بودند. در این میان تنها چند دلال-پاسدار زیر دست احمدی مقدم بازداشت شدند و دادسری دیوان محاسبات در سال ۹۳ اسماعیل احمدی مقدم را به انفسال موقت از خدمات دولتی محکوم و از نیروی انتظامی

^{۲۲}(<https://zeitoons.com/۴۸۵۹۷>)

خواسته که ۱۸ میلیون دلار بدهی خود را به خزانه واریز کند. وب سایت «کلمه» برکناری اسماعیل احمدی مقدم را به دلیل کشف یک «فساد» مالی ۱۲۰۰ میلیارد تومانی در بنیاد تعاون ناجا گزارش داد و از بازداشت «یکی از اعضای خانواده» او خبر داده بود. اما، آشکار است که احمدی مقدم اما خبر برکناری خود به دلیل فساد مالی و بازداشت پسر و دامادش را تکذیب کند.^(۲۳) اسماعیل احمدی مقدم، سردار بیت رهبری، اما اصل فساد در بنیاد تعاون نیروی انتظامی را تأیید کرد و گفت که چهار ماه پیش از پایان تصدی‌اش بر نیروی انتظامی، پرونده «فساد اقتصادی» در شرکت «قدر» که از شرکت های زیر مجموعه «بنیاد تعاون ناجا» را پیگیری کرده و به همین دلیل تهدید شده و متهمان به او گفته‌اند که «اگر با ما در بیفتی ما تو را خودمان را می‌کشیم پایین». احمدی مقدم، فرمانده سابق پلیس در برنامه "امشب" شبکه یک تلویزیون ایران از غار گفتارها پرده را کمی گشود: "پرونده را بردیم به مرجع قضایی دادیم، دیدیم اعمال نفوذ کردند. قاضی وسط پرونده رفت کنار. به مجلس رفتند و وکیل گرفتند و به ما هم گفتند اگر با ما در بیفتی ما خودمان را هم با تو می‌کشیم پایین. فیلم گرفته‌ایم و می‌گذاریم در فضای مجازی تا مردم بریزند در موسسه قوامین."^(۲۴) «شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی» از شرکت‌های بزرگ نفتی در ایران و از زیر مجموعه‌های بنیاد خاتم الانبیا و زیر نام غدیر، فعال در زمینه‌های فراساحل به ویژه در میدان گازی پارس جنوبی به شرکت «ناجی قدر» واگذار شد. این واگذاری به باندی از سپاه، در سال ۸۸ انجام گرفت و ۴۹ درصد از سهام «شرکت مهندسی و

گزارش-تخلفات-نفتی-محمود-احمدی- (http://farsi.iranbriefing.net/)^{۲۳}

/نژاد-و-اس

^{۲۴}(

http://www.bbc.com/persian/iran/2015/06/150610_145_ahmadimoghadam_police_corruption_interrogation

ساخت تاسیسات دریایی» به ناجی قدر واکذار شد. «ناجی قدر»، یکی از شرکت‌های تابعه «بنیاد تعاون ناجا» بود.

کمیسیون برنامه و بودجه مجلس همچنین اعلام کرد که شرکت «پتروتیما» که محموله‌های نفتی به آن تحویل شده «هیچ وابستگی به بنیاد تعاون نداشته و یک شرکت کاملاً خصوصی» است. از زبان سخنگوی کمیسیون مجلس حکومتی:

«وابستگی شرکت [پتروتیما] به بنیاد تعاون صرفاً براساس یک برگ توافقی بوده که بین شرکت مذکور و بنیاد تعاون مبادله شده و بر این اساس مقرر بوده است تا پنجاه درصد سهام شرکت پتروتیما به بنیاد تعاون واکذار» شود اما این اقدام انجام نشده و «حتی یک سهم از سهام شرکت مذکور به بنیاد تعاون ناجا انتقال رسمی نیافته است.»

محمود صادقی، نماینده رژیم اسلامی از تهران، نیز در توییتر خود نوشت: «امروز گزارش تخلفات نفتی معجزه هزاره طی سال‌های ۸۶ تا ۹۲ در صحن علنی مجلس قرائت شد؛ جمعا بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد ریال! بعضی از پرونده‌ها حدود ۶ سال است که در دادسرا خاک می‌خورد. مقامات محترم قضایی بفرمایند چه حکمتی در عدم رسیدگی به این تخلفات بوده است؟!».

نقش رستم قاسمی، فرمانده پیشین قرارگاه خاتم‌الانبیاء سپاه پاسداران و وزیر نفت دولت محمود احمدی‌نژاد در این فساد آشکار بود. وی سردسته این تبهکاری بود. شرکت پتروتیما، از سوی سپاه و به دلالتی سردار رستم قاسمی به بابک زنجانی و باندش سپرده شده بود. تحویل نفت به بابک زنجانی با دلالتی رستم قاسمی و تحویل شرکت پتروتیما انجام می‌گرفت. امیرعباس سلطانی عضو کمیته پی‌گیری پرونده بابک زنجانی در مجلس گفته بود که رستم قاسمی بابک زنجانی را به جلسه‌ای برده و پس از این جلسه نامه‌ای به امضای خود او و وزیر اطلاعات، وزیر اقتصاد و رییس بانک مرکزی به او داده که براساس آن به او نفت تحویل شده است.

قوه قضائیه حکومت باندها، پرونده در مرزسرداران نفتی رسانید و تنها حکم انفصال اسماعیل احمدی‌مقدم صادر شده است. سردار قاسمی و قلعه‌بانی تبرئه شدند و احمدی‌مقدم به واریز مبلغ ۱۸ میلیون و ۵۲۴ هزار و ۲۴ دلار به حساب خزانه‌داری کل کشور در سال ۹۲ رستگار شد.

بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

این بنگاه سرقت به حکم روح‌الله خمینی در ۹ اسفند ۱۳۵۷ بنیان‌گذاری شد. شورای انقلاب اسلامی با اموال مصادره شده دربار پهلوی وابسته‌گان آنها و برخی کارخانه‌داران و بازرگانان، برخی انتشاراتی‌ها و چاپخانه‌ها و او در ایران، به ادعای دروغین «کمک به فقرا و نیازمندان» دستور خمینی به کمیته‌های انقلاب که دلالتان و اوباشان پیرامون خمینی را با خود داشتند ابلاغ کرد. دلالتانی میدان تره بار تهران و قمه‌کشانی مانند محسن رفیق دوست‌ها و برادران و همقطاران وی عوامل اجرایی این فرمان بودند. بنیاد، در تاریخ ۳ مرداد ماه ۱۳۵۸ با شماره ۱۹۸۳ در اداره کل ثبت شرکت‌ها بصورت غیرانتفاعی ثبت شد. در این میان، ۵۳ مرکز صنعتی و تولیدی زیر نام وابستگی به بنیاد مستضعفان و اگذار شد. این بنیاد با مالکیت بیش از ۸۰۰ کارخانه به بزرگ‌ترین هولدینگ جهان تبدیل شد. اما رفته رفته با رقابت باندها و فساد در این کارتل مالی اقتصادی، باند سپاه بسیاری از شرکت‌ها را از چنگ بنیاد بیرون آورد به گونه‌ای که اکنون بیش از ۱۰۰ واحد در اختیار بنیاد مستضعفان نمانده است. کارخانه‌های خودروسازی و ایران خودرو از نمونه‌های آن است که درآمد سالانه خود را ۵۸ میلیارد تومان اعلام کرده اند. نام این بنیاد مالی و اقتصادی عظیم، در تاریخ ۳ آذر ماه ۱۳۶۷ با صدور فرمانی به نخست‌وزیر میرحسین موسوی، از بنیاد مستضعفان به بنیاد جانبازان تغییر نام داد. بار دیگر در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۸۳ به فرمان خامنه‌ای که به جای خمینی نشسته بود بار دیگر به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی بازگشت.

این بنیاد مالی و اقتصادی در سال ۱۳۶۸ بیش از ۸۰۰ شرکت را که همگی مصادره شده بودند در تصاحب داشت. صدها شرکت این بنیاد به سران و فرماندهان و الیگارش حکومتی واگذار شد. در سال ۱۳۷۸ شمار شرکت‌ها به ۴۰۰ شرکت رسید. برخی از شرکت‌ها به‌بهانه ورشکستگی تعطیل شدند و اموال آن‌ها توسط سران حکومت اسلامی ربوده شد. «بنیاد...» سال ۱۳۸۸ روی هم رفته، نزدیک به ۱۵۰ شرکت را در تصاحب داشت. شرکت آزاد راه تهران شمال، هتل‌هایی از قبیل استقلال و آزادی در تهران، مجموعه بانکی سینا، مجموعه تفریحی ارم‌سبز، صنایع نوشیدنی زمزم و...، سهام‌دار عمده چند شرکت نفتی و مجموعه‌های صبا و سینا در بورس، بنیاد علوی، شرکت نفت بهران که در زمینه پالایش و تولید روغن موتور، روغن‌های صنعتی، روانکارها، ضدیخ، گریس و دیگر فراورده‌های نفتی می‌باشد و وو از جمله شرکت‌های این نهاد است. که با فریب بنا بود به سود تهی دستان دارایی‌های مصادره شده را هزینه سازد. بنیاد علوی در آمریکا به نام «سازمان غیرانتفاعی خصوصی» به ثبت رسیده. این سازمان در سال ۱۹۷۳ به دستور محمدرضا شاه پهلوی با نام بنیاد پهلوی برپا شد. در سال ۱۹۸۱ به نام بنیاد مستضعفان تغییر نام داد و در سال ۱۹۹۲ به نام بنیاد علوی در آمد. در سال ۲۰۰۹ پلیس فدرال آمریکا، فرشید جاهدی رئیس بنیاد علوی را در پیوند با یک پرونده مالی مربوط به بانک ملی ایران بازداشت کرد. اتهام وی پرداخت اجاره‌های ساختمان‌های وابسته به خود را به وسیله‌ی شرکت آسا در اختیار بانک ملی ایران بود. بانک ملی ایران نیز به دلیل پشتیبانی مالی از برنامه‌ی اتمی ایران در لیست تحریم‌های دور نخست قرار گرفت.

دادستان فدرال نیویورک، ضبط دارایی‌های بنیاد علوی را که در برگیرنده‌ی حساب‌های بانکی به ارزش بیش از ۵۰۰ میلیون دلار، یک ساختمان ۳۶ طبقه در خیابان پنجم نیویورک، چهار مسجد شیعه در نیویورک، مریند، کالیفرنیا و هیوست دستور داد. در پی اعلام اتهام ایران در دست داشتن در حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و همدستی با

حزب‌الله و بن لادن، حکومت اسلامی ایران به پرداخت ۶ میلیارد دلار غرامت به قربانیان و بازماندگان حملات تروریستی در آمریکا محکوم شد. در سال ۲۰۱۴ این حکم توسط دادگاه فدرال با ۱۹ شاکی و بستانکار که در میان بستانکاران خانواده‌ها و قربانیان بمب‌گذاری مقرر **تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت** در سال ۱۹۸۳ و بمب‌گذاری برج «خوبر» در **عربستان سعودی** دیده می‌شدند صادر شد. در این بمب‌گذاری که ۲۴۱ نظامی آمریکایی، ۵۸ نظامی فرانسوی و ۶ غیرنظامی کشته شدند، بیش از هزار کیلوگرم مواد منفجره با دو کامیون به درون ساختمان‌های **صلح‌باتان نیروهای چندملیتی در لبنان (MNF)** منتقل و منفجر شد. سربازان آمریکایی کشته و زخمی شده در آن حمله بخشی از **نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد** به شمار می‌آمدند که برای پایان دادن به **جنگ داخلی لبنان** گسیل شده بودند. در سال ۲۰۰۴، خبرگزاری‌های ایران گزارش کردند که ستون یادبودی به افتخار «شهدای عملیات مارینز» در **قطعه شهدای جهان اسلام در گورستان بهشت زهرا** نصب شده‌است. سال ۱۹۹۱ محسن رفیق دوست در نقش وزیر سپاه در آن انفجارها، به مسئولیت حکومت اسلامی در آن انفجارها اعتراف کرد «در پیروزی انقلاب در لبنان و در خیلی از جاهای دنیا آمریکا ضرب شست ما را بر پیکر منحوس خودش احساس می‌کند و می‌داند که مواد منفجره ای که با آن ایدئولوژی ترکیب شد و در مقر تفنگداران دریایی چهارصد افسر و درجه دار و سرباز را یک مرتبه به جهنم فرستاد و هم تی ان تی آن مال ایران بود و هم ایدئولوژی اش از ایران رفته بود و این برای آمریکا بسیار محسوس است آیا این سخنان را نشنیده و یا خوانده اند؟»^(۲۵)

^{۲۵} محسن رفیق دوست وزیر پیشین سپاه پاسداران در یک سخنرانی در یکی از کارخانه‌های صنایع دفاعی، روزنامه رسالت، ۲۹ تیرماه ۱۳۷۰.

حکومت اسلامی، با این بنای یادبود برای انتحاریون حمله که کامیون‌ها را به داخل برده بودند پشتیبانی خود را دستکم در این کشتارها اعلام کرد. در ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۷ تمامی اموال متعلق به این بنیاد از جمله ساختمان بنیاد در «منهتن» و سایر ساختمان‌های وابسته به آن در شش ایالت دیگر آمریکا مصادره شدند. مالکیت حقوقی بنیاد مستضعفین نه به نام دولت و نه به نام شرکت خصوصی است! این کارتل عظیم مالی، با فریب شرعی، زیر نام شرکت عمومی به استثمار و سرقت مجاز شناخته شده و دولت اجازه دخالت در هیچ گوشه‌ای از فعالیت‌ها و حسابرسی و یا در خواست مالیات از آن را ندارد. «مقام رهبری» یعنی باند ولایت فقیه نظارت و دخالتگری در آن را در انحصار دارد.

از جمله ملک‌های مصادره شده بنیاد مستضعفان می‌توان به باغ فرشته اشاره کرد که بنیاد برای خشکاندن آن از آبیاری باغ حتا به وسیله خودیاری اهالی محل جلوگیری کرده است بنیاد جوی آب این باغ را تخریب کرده. در باغ سیب نیز بنیاد مستضعفان صدها دار درخت سیب را خشک کرده است. بنیاد دست به خشکاندن قنات باغ برره، نیز که در همان محله وجود دارد زده است. پروژه‌های باغ- برج سازی در فضای سبز و باغ‌های تهران به ویژه به نابودی زیست بوم شهر گردیده است شورای شهر تهران و نیز شهرداری تهران در این نابودی و خشک سازی نقش کارگزاران سپاه را داشته‌اند. باغ برره، در منطقه سعادت آباد، بلوار کوهستان، باغ ۲۲ هزار متری در آغاز در مالکیت خانواده «شاپور اردشیرچی» از نزدیکان محمدرضا پهلوی بوده است که به وسیله بنیاد تصاحب شد. باغ برره با سریال برره که در دهه‌ی ۸۰ بر سر زبان‌ها افتاد. کاخ‌ها، ویلاها، باغ‌ها و دارایی‌های دربار و سران رژیم گذشته، از جمله کاخ‌های گلستان، نیاوران، سعدآباد ووو با تمامی جواهرات و تابلوها و قالی‌ها و اشیاء عتیقه و بسیار گرانبها و منحصر به فرد، تنها بخشی از غنیمت‌های بنیاد مستضعفان می‌باشند. باغ سیب، باغ فرشته، فروش کاخ رضاشاهی و هتل گچسر، مصادره کاخ نیاوران و سعدآباد ووو نمونه‌هایی

از این مالکیت عظیم می‌باشند. به زودی برج ۲۱ طبقه‌ای در باغ فرشته در کنار صدها برج‌های حکومتی برفراز تهران بالا می‌رود. مسجدجامعی عضو پیشین شورای اسلامی شهر تهران در این باره به ایسنا گفت: «بر اساس قوانین اگر مشخص شود که مالک به طور عمد قصد تخریب باغ خود را دارد باید این باغ با حکم دادگاه به نفع عموم مردم ضبط شود. همگان می‌دانیم که باید از باغات و فضای سبز باقی مانده تهران محافظت کنیم اما واقعیت این است که شورا و شهرداری به تنهایی نمی‌توانند از این باغات انگشت‌شمار حفاظت کنند و لازم است افکار عمومی نیز پای کار بیایند. متأسفانه قوانین بازدارنده نیست چراکه می‌بینید در ماجرای نگین خودرو در خیابان ولیعصر، که با هرس غیر اصولی درختان خیابان ولیعصر موجب از بین رفتن آن‌ها تنها برای نمایان شدن تبلیغاتش شد...! شاهد آن هستیم که مالک این باغ که یکی از سازمان‌های معروف است با دیوارکشی در قسمت جنوبی کار ساخت‌وساز را شروع کرده است. بنا بر اطلاعاتی که مدیرعامل سازمان بوستان‌ها داده است، شهرداری تهران بیش از ۵۵۰ پرونده شکایت از مالکان باغات به قوه قضاییه داده است که ۵۹ پرونده شامل حال تبصره یک ماده ۶ شدند. یعنی باید این باغات به نفع مردم ضبط می‌شد اما می‌بینیم که این مهم محقق نشده است. واقعیت این است که باید مردم پای کار بیایند و با کمک هم مانع از تخریب این باغ در منطقه دو و تبدیل شدنش به برج دیگر شویم.» (۲۶)

باغ-/۱۷۵۳۰۴۰۳۰۹۷۰۳۰/https://www.isna.ir/news/ خرداد ماه ۱۳۹۷ (۲۶)۷
برره‌در-آستانه-نابودی-عکس

احمد مسجد جامعی مردم را به مداخله می‌خواند و از مصادره باغ «برره» براساس قانون به سود مردم سخن می‌گوید، نماینده باند رقیب در برابر رقبا اشک تمساح می‌ریزد. او سهم باند خود را می‌طلبید. بنیاد مستضعفان در سراسر ایران باغ‌ها و پارک‌های بسیاری را تصاحب و نابود کرده تا برج و «مشهد مال»‌ها و برج و هتل بسازد.

بنا به گزارشی تا سال ۱۳۹۵ بیش از ۳۰۰ مال (گالری) در ایران ساخته است. «سونامی مال‌ها»، که به بزرگترین مجتمع‌های اقتصادی تبدیل شده و با بازارهای مدرن غرب برابری می‌کند، سونامی ورشکستگی خرده‌فروشان، تولید کنندگان خرد، کارگاه‌های خودکفا و هر آنچه از تولید باقی مانده بود را در پی داشته است. این سونامی به دست باندهای حکومتی همانند گردهمایی سراسر ایران را به ویرانی کشانیده است. سرکوبگران مسلح حکومتی، با تصاحب زمین‌ها و باغ‌ها و پارک‌ها و سرازیر کردن نقدینه‌های سپاه و استعمار، سونامی مال‌ها را به سود کالاهای قاچاق وارداتی از اسکله‌های خصوصی سپاه، این دلالتان حکومتی به پیش می‌برند. «فزایش ناگهانی درآمدهای نفتی و هدایت نادرست (مدیریت ناصحیح) سرمایه به سمت بازسازی برای اجناس و برندهای غیر ایرانی در سال‌های اخیر موجب احداث بیست میلیون مترمربع مال تنها در پایتخت شده‌است و چنانچه مطابق آمار اعلامی متوسط هزینه‌ی ساخت هر مترمربع مال در تهران را پنجاه میلیون تومان بدانیم، امروز صد هزار میلیارد تومان سرمایه برای احداث مال‌ها هزینه شده‌است. البته این وضعیت به سراسر کشور قابل تعمیم است، حدود سیصد مال ساخته شده یا در دست ساخت، تهران، اصفهان، شیراز، تبریز و سایر شهرها را درنوردیده‌است و برخی از آن‌ها در شمار بزرگترین فروشگاه‌های جهان به شمار می‌روند. توسعه ساخت مال‌ها با هزینه‌های که ذکر آن‌ها رفت، گرچه توانسته‌است در بخشی از صنایع مرتبط رشد و پویایی ایجاد نماید، اما موجب فریز شدن حجم بالایی از سرمایه در مال‌ها و ممانعت از ورود آن‌ها به بخش تولید گشته‌است.»^(۲۷)

سونامی-فاجعه-مال-ها-<https://www.saat24.news/news/296603/> (۲۷) در-ایران

محمد سعیدی‌کیا، رییس بنیاد مستضعفان تخریب باغ‌ها را انکار کرد و «حاشیه‌سازی» خواند: «نه فقط باغ الهیه که باغ‌های دیگری مثل سعادت آباد و... هم بیشتر ناشی از همان جوسازی‌هاست. ما اصلاً یک شرکت را گذاشته‌ایم مخصوص پیگیری وضعیت باغ‌ها و رسیدگی به آن‌ها. الان خیلی جاها باغ‌های مان را با تانکر آب می‌دهیم. آن وقت مگر امکان دارد که ما بخواهیم حتی یک درخت را هم قطع کنیم! باغ برره هم همین‌طور بود... بر اساس نقشه‌های گوگل، قسمت شرقی خیابان چهاربانده - در باغ سیب - کرج سال‌هاست که اصلاً درختی نداشته است. ما می‌خواستیم آنجا را برای مردم کرج بسازیم و تحویل‌شان دهیم. ضمن اینکه می‌خواستیم باقی آن را هم به شهرداری بدهیم تا بزرگترین پارک کشور را آنجا بسازد. ولی نخواستند! ما هم خودمان باغ را احیا کردیم. همچنین اشکالی وجود ندارد که باغ‌های بنیاد مستضعفان به شکل باغ فروخته شود. اگر هم باغی را بفروشیم با همان کاربری باغ را می‌فروشیم. ما شرکتی داریم که وظیفه‌اش تبدیل زمین‌های بایر به باغ است. بعد هم آنها را می‌فروشد».^{۲۸)}

سعیدی کیا مانند تمامی رهبران در اسلام حکومتی دروغ می‌گوید. نیازی به تصاویر قدیمی از گوگل نیست، تصاویر کنونی گوگل نشان می‌دهند که بنیاد حکومتی از آغاز دهه‌ی ۸۰ تاکنون در حال خشکانیدن باغ‌هاست. آگهی‌های مزایده در بنیاد مستضعفان در مورد باغ‌ها از جمله باغ برره به همراه وعده پروانه ساختمانی بیانگر آن است که باندهای حکومتی در بنیاد مستضعفان به ویژه به سود باند رهبری، در حال تبدیل ایران به زمین سوخته برای دستیابی به پول هستند. بنیاد مستضعفان در یک آگهی، باغ برره نرخ پایه ۲۸۰ میلیارد تومان را به مزایده گذاشت بود که در آن، «زمین و باغ با پروانه ساختمانی» را تبلیغ شده بود. در این آگهی به صدور مجوز ساخت برای ۶۴۸۰ متر مربع اشاره شده بود. گزارش

^{۲۸)} <https://www.kaleme.com/۱۳۹۷/۰۳/۰۶/klm-۲۶۶۹۱۱/?theme=fast>

شده است که تنها در تهران، ۶ هزار هکتار از باغ‌های تهران پس از تصویب طرح برج -باغ‌ها در شورای شهر در تهران نابود شده است.

ستاد اجرائی فرمان امام

«ستاد اجرائی فرمان امام» در سال ۶۸ و یک ماه پیش از مرگ خمینی به فرمان وی تشکیل شد. این بنگاه مالی، به زودی به یکی از کارتل‌های بزرگ مالی تبدیل شد. بازوی اجرائی این شرکت بزرگ در بورس، گروه توسعه اقتصادی تدبیر است که هلدینگ‌های مختلفی را زیرمجموعه خود دارد که سهام عمده شرکت‌های مختلفی را از نفت و پتروشیمی تا مخابرات، تصاحب کرده است. **محمد مخبر** از سال ۱۳۸۶ تاکنون ریاست ستاد را بر عهده دارد.

«ستاد اجرایی فرمان امام» نهادی خودکامه، بدون هیچ حسابرسی و مالیات و گزارش به دولت، در ایران است و اکنون نیز به طور مستقیم زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی ایران اداره می‌شود. خمینی و سپس خامنه‌ای جانشین وی، این مافیای مالی را وظیفه داد تا مدیریت اموالی که بنا به اصل ۴۹۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه می‌باشند را به عهده گیرد. ستاد اجرایی... در دو بخش اصلی امور قضایی و بخش اقتصادی کارکرد دارد. شرکت‌های وابسته به ستاد اجرایی فرمان... از جمله: در فعالیتهای بانکی، مالی، نفت و مخابرات تا تولید دارو و دامپروری ووو نقش دارند. بخش اقتصادی ستاد اجرایی فرمان... یک بازوی عظیم اقتصادی بسیار سود آور بخش‌های گوناگون صنعتی و تجاری و بخش سنگینی از کل واردات و صادرات را سهم خویش ساخته است.

ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام

نام نهاد دیگری است که ارتباطی با ستاد اجرایی فرمان ندارد. بنا به فرمان روزهای نخستین خمینی و سپس بنا به مصوبه ۲۷/۵/۱۳۹۴ دوره

نهم مجلس شورای اسلامی، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی دارای مجوز معافیت از سوی روح‌الله خمینی و سید علی خامنه‌ای را معاف از پرداخت مالیات مستقیم اعلام شد. در این مناسبات، بخش قضایی البته با حق وتوی خامنه‌ای، قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی را پشتوانه دارد و بخش اقتصادی به دستور سید علی خامنه‌ای سازمان دهی شده است. این تناقض دوگانه حقوقی و اقتصادی ستاد دولت در دولت دیگری را به وجود آورده است. بنا به اصل ۴۹ قانون اساسی دولت وظیفه‌مند است تا ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود. در حالیکه بنا به دستور ولی فقیه، دولت اجازه دخالتگری در این امور را ندارد. مصوبه ۱۳۶۳، ۰۵، ۱۷ دوره دوم مجلس شورای اسلامی به ریاست اکبر هاشمی رفسنجانی، تصویب کرد که اگر صاحب آن ثروت مشخص نیست در اختیار ولی امر قرار داده می‌شود. تناقض این مصوبه با اصل ۴۹ قانون اساسی حکومت نیز آشکار است. یافتن تصویر از داریی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی «ستاد اجرائی...» نمی‌توان گزارش دقیقی به دست آورد، حوزه بورس در همدستی با دیگر باندهای مافیای سپاه و دیگر جانبی یکی از میدان‌های این شرکت مافیایی زیر دست باند ولایت فقیه و بیت رهبری است.

گروه توسعه اقتصادی تدبیر [تات]

گروه «تات» (توسعه اقتصادی تدبیر) بازوی درآمدزایی ستاد است و زیر نام بخش خصوصی که بخش‌های اقتصادی و هلدینگ‌های بسیاری را در بر می‌گیرد. گروه اقتصادی «تات»، در شاخه‌های سوداگری-تجاری، فنی و مهندسی و طراحی، مشاوره، نظارت فنی ساخت اجرا در کلیه‌ی پروژه‌های راه و ساختمان و ساختمان‌های اداری و تجاری و مسکونی، مجتمع‌های توریستی و ورزشی، گردشگری، زیارتی، هتل‌ها، مهمانسراها، هتل، آپارتمان‌ها، ویلاها، پلاژها و ساخت شهرکهای توریستی، مراکز بزرگ تفریحی، تیم‌های فوتبال، و باشگاه‌های ورزشی و مشارکت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های خصوصی و دولتی در ایران و بیرون از ایران و نیز طراحی و تولید و مونتاژ و نصب ماشین‌ابزار صنعتی و کارگزاری و راه‌اندازی کارخانجات تولیدی صنعتی، سرمایه‌گذاری در بورس و مشارکت در سایر شرکت‌ها با خرید سهام، پرداختن به امور کشاورزی، دامپروری، طیور و بسته‌بندی، پخش و خرید و فروش مواد غذایی سرد و گرم، صادرات و واردات همه‌گونه کالای بازرگانی. برای پروژه‌های تولیدی، صنعتی، شرکت در کلیه مناقصات و مزیدات داخلی و خارجی، دلالی برای گرفتن وام و اعتبارهای مالی از بانکها، موسسات مالی و اعتباری خصوصی و دولتی و وو. خود را اینگونه معرفی می‌کند:

مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری- نمایندگی ناشر برای ثبت اوراق بهادار و دریافت مجوز عرضه؛

- بازاریابی برای فروش اوراق بهادار؛

- سبدگردانی اوراق بهادار؛

- مشاوره و انجام کلیه امور اجرایی برای پذیرش اوراق بهادار یا

کالا در هر یک از بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس ووو

علی انصاری و علی آقامحمدی، معاون نظارت و هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی، معاون اول رئیس‌جمهور پیشین و او اکنون عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی از کارگزاران «تات» از جمله کسانی بود که به گفته‌ی رضا عبداللهی نماینده مجلس اسلامی: «دولت احمدی‌نژاد یکی از بزرگترین قراردادهای نفت و گاز ایران را با شرکتی بست که یک هفته قبل با سرمایه اولیه ۱۰۰ هزار تومان تشکیل شده بود»^(۲۹)

گروه توسعه انرژی تدبیر و سهام شرکت‌ها:

شرکت نفت پارس (سهامی عام) - ۷۵ درصد
شرکت بهمن گنو (سهامی خاص) - ۸۰ درصد
شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا - ۱۰۰ درصد
شرکت تولیدات پتروشیمی قائد بصیر (سهامی عام) - ۸۰ درصد
شرکت حفاری شمال (سهامی عام) - ۱۰۰ درصد
شرکت توسعه حفاری تدبیر (سهامی خاص) - ۱۰۰ درصد
شرکت مهندسی ری نیرو (سهامی خاص) - ۱۰۰ درصد
شرکت تولید نیروی برق آبادان (سهام عام) - ۷۵ درصد^۱
شرکت شیمیایی مدبران شیمی (سهامی خاص) - ۱۰۰ درصد
شرکت پالایش پارسین تدبیر (سهامی خاص) - ۸۰ درصد
شرکت پارس بازرگان (سهامی خاص)
شرکت گسترش الکترونیک مبین ایران که سهامدار شرکت‌های زیر است:

شرکت توسعه اعتماد مبین که سهامدار شرکت‌های زیر است:

شرکت مبین

شرکت مهر اقتصاد مبین

شرکت مخابرات ایران

^{۲۹}(<http://tnews.ir/ایسنا/FB۸۱۱۹۱۷۴۶۶۱.html>)

شرکت ارتباطات سیار ایران (همراه اول)

شرکت ایرانیان نت

شرکت آسمان مدیا

شرکت رایمون مدیا

شرکت توسعه مخابراتی آریاسل

شرکت گسترش ارتباطات تالیا

شرکت توسعه ارتباطات جامع مبین

شرکت مبین وان کیش

شرکت ارتباطات رهکام ایرانیان

شرکت فناوران مبین خاور

شرکت نواندیشان کشت و صنعت تدبیر، سهامدار شرکت‌های زیر:

شرکت زرین کشت پایدار زرندیه

شرکت زرین دام پایدار تدبیر

شرکت مدبر کشت توس

شرکت توسعه صنعت و معدن تدبیر:

شرکت مجتمع فراورده‌های فسفات کارون

شرکت آینده‌گران صنعت و معدن فردا

شرکت سرمایه‌گذاری تدبیر، سهامدار شرکت‌های زیر است:

شرکت سرمایه‌گذاری پردیس

شرکت لیزینگ ایران و شرق

شرکت ایران و شرق

شرکت تولید و صادرات ریشمک

شرکت کارگزاری تدبیرگران فردا

شرکت دارویی برکت که سهامدار شرکت‌های زیر است:

هربی فارمد گیاهان دارویی)

مؤسسه صندوق پژوهش و فناوری پرشین داروی البرز

شهرک صنعتی دارویی برکت

شرکت بیوسان فارمد
شرکت سل تک فارمد
شرکت برکت تل^۱ (مرکز تلفنی سلامت)
شرکت داروسازی آتی فارمد
شرکت شفا فارمد (مرکز تولید مواد اولیه انواع آنتی بیوتیک از سلول زنده) (تولید حدود ۱۴ درصد کل داروهای ضروری کشور)
شرکت پخش البرز (مصادره‌ای) (متعلق به کاظم خسروشاهی) (دارای ۹۰۰۰ انبار مسقف)
شرکت داروسازی تولیدارو (مصادره‌ای متعلق به کاظم خسروشاهی)
شرکت سرمایه‌گذاری اعتلاء البرز
گروه دارویی سبحان
شرکت تولید مواد اولیه البرز بالک
شرکت البرز دارو^۱ (سرنگ‌های آماده تزریق به نام پریفیلد)
شرکت سبحان دارو (مصادره‌ای)
شرکت سبحان انکولوژی (کارخانه تولید داروهای ضد سرطان سبحان انکولوژی در شهر رشت،) (مصادره‌ای)
شرکت ایران دارو (مصادره‌ای)
شرکت کی بی سی مصادره‌ای - یکی از غول‌های واردات دارو به ایران)

گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر
گروه توسعه ساختمان تدبیر که سهامدار شرکت‌های زیر است:
شرکت توسعه و عمران امید
شرکت ساختمانی بهساز کاشانه تهران
شرکت توسعه آینده پارس
شرکت توسعه و عمران نوآوران تدبیر (توسعه و عمران نوآوران فرحزاد)
شرکت رنج هاسپیتالیتی امید کیش

شرکت ساخت و عمران تدبیر شرکت رویال ساختمان آریا (سهامی خاص)

قراردادهای نفتی ستاد اجرایی فرمان خمینی

سال ۱۳۷۹ این ستاد اقدام به خرید ۴۸ درصد سهام نفت پارس نمود که بزرگترین داد و ستد بورس در آن دوره نام گرفت.

قرارداد توسعه میدان مشترک یاران و میدان‌های کوپال و مارون که نه از سوی منابع رسمی بلکه از سوی خبرگزاری ها، ارزش آن را ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. این توافق میان غلامرضا منوچهری، معاون شرکت ملی نفت ایران و ناجی سعدونی، مدیرعامل شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا امضا شد. شرکت نفتی وابسته به ستاد اجرایی فرمان ... یکی از هشت شرکت ایرانی است که وزارت نفت صلاحیت آن را برای فعالیت اکتشاف نفتی و تولید، تأیید کرده است.

شرکت نفتی وابسته به ستاد اجرایی فرمان خمینی یکی از هشت شرکت ایرانی است که وزارت نفت به آن گواهی فعالیت اکتشاف نفتی و تولید، داده است.

قرارداد توسعه بخش شمالی میدان مشترک یاران (مشترک با عراق):
به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار که در چارچوب قراردادهای پیشین نفتی با شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا (از دیگر زیرمجموعه‌های «ستاد اجرایی فرمان امام» می باشد).

دارایی‌ها

از ارزش و دارایی‌ها و کارکرد این بنگاه اقتصادی هیچ گزارشی در دست نیست. این امپراتوری مالی، نه تنها هیچ مالیاتی نمی پردازد و هیچ سهمی به بودجه داخلی نمی پردازد بلکه بخشی از بودجه سالیانه را نیز تصاحب می کند. ارزیابی ستیز گرگ ها در این سهم بری‌ها جنگل وار ریشه‌یابی می‌شود. در نوامبر سال ۲۰۱۳، خبرگزاری رویترز بنا به اسناد

و گزارش‌های دقیق، با ارزیابی بهای املاک، سهام شرکت‌ها و بنگاه‌های وابسته به ستاد مافیایی امام، ارزش دارایی‌های تحت کنترل ستاد اجرایی فرمان خمینی را بالغ بر ۹۵ میلیارد دلار برآورد کرد.^(۲۰) پیش از این گزارش، رئیس «ستاد ارزش املاک و مستغلات» در تصرف سازمان اجرایی فرمان خمینی را پنجاه هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود.

حلقه‌های فساد و باندهای مافیایی برای تصاحب اموال زیرپوشش اصل ۴۹ و ستاد اجرایی و پی آمدهای آن، با گسترش فساد در دستگاه قضایی، ارگان‌های مربوطه و ستاد اجرایی، در حال رقابت و درگیری و همزمان دست در دست هم، حکومت اسلامی باندها را ساختار می‌دهند.

شاپرک:

شرکت شاپرک یک شرکت سهامی عام نیست، یعنی در بورس و فرابورس سهامش خرید و فروش نمی‌شود. یک شرکت عادی سهامی خاص است. در حالی که شرکت‌های پی‌اس‌پی مثل «به پرداخت ملت» یا «شرکت سامان کیش» یا «شرکت تجارت الکترونیک پارسیان» یا «آسان پرداخت» همه سهامی عام هستند و سهام این شرکت‌ها در بورس قابل خرید و فروش است.

شرکت شاپرک و دارای سرور مشترک با بانک ملت است و هر دو (هم ملت و هم شاپرک) زیر نظارت سپاه بوده و مدیر عامل‌هایش نیز توسط سپاه انتخاب می‌شود.

در روز چند ده هزار میلیارد تومان در کارت‌خوان‌های بانکی که حد اقل ۶ تا ۷ میلیون دستگاه خودپرداز در کل ایران است. سپاه حد اقل ۳۰ درصد سهام شرکت‌های دیگر پی‌اس‌پی را هم خریداری کرده است. مثلاً شرکت سداد بانک ملی، حداقل ۵۰ درصد در اختیار سپاه است. شرکت «به پرداخت ملت» حداقل ۴۰ درصد، شرکت «تجارت الکترونیک پارسیان»

^{۲۰}(<https://www.reuters.com/investigates/iran/#article/part1>)

حداقل ۳۰ درصد، شرکت «سامان کیش» و «آسان پرداخت» حداقل ۳۰ درصد، شرکت «مبنا کارت آریا» حداقل ۵۰ درصد، شرکت «ایران کیش» حداقل ۳۰ درصد و کل بانک‌های خصوصی و دولتی هم یا تحت نظر سپاه یا ستاد اجرایی فرمان امام یا بنیاد مستضعفان هستند. جدا از بانک‌های خصوصی و دولتی سپاه و بسیج هم بنگاه‌های مالی مانند انصار، موسسه ثامن، بانک مهر اقتصاد یا همان بسیجیان سابق، موسسه کوثر (وزارت دفاع)، بانک حکمت (۵۰ درصد ارتش و زیر چتر سپاه)، بانک قوامین (نیروی انتظامی) و... را در اختیار دارند. مروری بر دارایی و سرمایه‌ها و قدرت اقتصادی سپاه و باند رهبری و روحانیت، در این مجال نمی‌گنجد، بنابراین تنها به بخشی و فشرده و نامی از شرکت‌ها و تصاحب‌ها پرداخته می‌شود.

سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا)

این شبکه، در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی در ۱ شهریور ۱۳۶۵ برپا شد، اکنون به یکی از بازیگران اصلی میدان اقتصاد و فساد ایران تبدیل شده است. سپاه هر چند خود به طور مستقیم در داد و سندهای بازار بورس تهران وارد نمی‌شود، اما شاخک‌ها و کارگزاران امنیتی و ماموران این‌ها باند دلالان خبررسانی هستند که از تمامی نوسان‌های بازار بورس با خبر و ماموریت خبررسانی به باند سپاه را دارند. «ساتا»، مسئول امور درمانی و بازنشستگی نیروهای مسلح می‌باشد. اگرچه آمار و گزارش دقیقی از فعالیت‌های اقتصادی این ستاد در دست نیست؛ اما مانند دیگر بنگاه‌های مالی باندهای حاکم، رد پای آنرا می‌توان در بازار بورس و دلالی و فساد سراسر دید. بازوی اجرائی ساتا در بورس، شرکت سرمایه‌گذاری غدیر (شسغ) می‌باشد که سهامدار عمده مجموعه بزرگی از شرکت‌های پتروشیمی و نفت ایران است.

غدیر

شرکت سرمایه‌گذاری غدیر در سال ۱۳۷۰ با سرمایه‌گذاری بانک صادرات (سهامی خاص) و با مالکیت بانک صادرات ایران با سرمایه‌آغازین ۱۰ میلیارد ریال برپا شد. سران سپاه و نیروهای مسلح حکومت اسلامی این شرکت را از چنگ دولتی‌ها بیرون آورده و در سال ۱۳۷۴ به سهامی عام تبدیل کردند و در همان سال در بورس اوراق بهادار پذیرفته شد تا سهام ۱۲۴ شرکت از بانک صادرات ایران به این شرکت واگذار شود و در سال ۱۳۷۵ زیر نام «اصلاح ساختار مالی»، نام شرکت به «سرمایه‌گذاری غدیر» تغییر یافت. با انتقال مالکیت شرکت سرمایه‌گذاری غدیر از بانک صادرات ایران به سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح در سال ۱۳۸۷، رشد سودآوری و ارزش دارایی‌های شرکت شتاب گرفت. به گونه‌ای که اکنون شرکت غدیر، به‌سان بزرگترین شرکت سرمایه‌گذاری چند رشته‌ای در بازار بورس ایران به فرمانروایی مالی می‌پردازد. بنا بر مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت غدیر، در تاریخ ۱۵ مهر ۹۴، این شرکت با سرمایه‌ای افزون بر ۴۶۰۸۰ میلیارد ریال به بزرگترین شرکت سرمایه‌گذاری چند رشته‌ای بورس تبدیل می‌شود. غدیر در زمینه‌های «صنعت‌های نفت، گاز و پتروشیمی، برق و انرژی، صنایع معدنی، حمل و نقل، سیمان، ساختمان، تجاری و مالی و همچنین فناوری اطلاعات و ارتباطات در قالب ۷ هلدینگ می‌باشد.» سرمایه‌گذار اصلی است.

تأمین اجتماعی نیروهای مسلح به‌جز شرکت سرمایه‌گذاری غدیر، زیر نام‌هایی مانند سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح نیز سهامدار بخش عظیمی از شرکت‌های سهامی عام بزرگ است.

در سال ۱۳۷۵، با پروژه‌ی واگذاری به سپاه و مالکیت این کارتل عظیم، سهام ۱۲۴ شرکت که در مالکیت بانک صادرات قرار داشت به غدیر واگذار و به این گونه زمینه برای ربایش آن از بانک صادرات

به‌دست سپاه، تغییر نام داده و به نام شرکت سرمایه‌گذاری غدیر نامگذاری می‌شود. در سال ۱۳۸۷، مالکیت شرکت سرمایه‌گذاری غدیر از بانک صادرات ایران به سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح منتقل می‌شود. با این نیرنگ و پروسه، شرکتی که با سرمایه بانک صادرات ایجاد شده بود، به مالکیت سپاه در آمد.

رئیس هیئت مدیره غدیر

رئیس هیئت مدیره این شرکت، محمود احمدپور داریانی است او پایه‌گذار اطلاعات سپاه در خوزستان بود، و مسولیت تدارکات سپاه که پست مهمی برای سرقت و اختلاس بود در خوزستان در جنگ ۸ ساله با عراق را برای چندین سال به‌عهده داشت. وی پس از جنگ، به معاونت وزارت سپاه رسید و دلال سلاح برای سپاه شد و به همراه دلالی‌های دیگر به یکی از سرمایه‌داران حکومتی تبدیل شد.

بنا به گزارش سایت غدیر(۱۴) با بیش از ۱۴۰ شرکت زیر مجموعه، هلدینگ دریایی و حمل و نقل غدیر در سال ۱۳۸۹ تحت نام شرکت بین المللی توسعه ساحل و فراساحل نگین کیش (سهامی خاص) به ثبت رسید. این هلدینگ به عنوان قطب حمل و نقل کشور در حال رشد و توسعه بوده و سهامدار عمده آن شرکت سرمایه‌گذاری غدیر می‌باشد. هلدینگ دریایی و حمل و نقل غدیر در سال ۱۳۸۹ به نام «شرکت بین المللی توسعه ساحل و فراساحل نگین کیش» (سهامی خاص) به ثبت رسید. این هلدینگ به سان بزرگترین بلوک حمل و نقل ایران است و سهامدار عمده آن شرکت سرمایه‌گذاری غدیر می‌باشد. گروه گسترش نفت و گاز پارسیان (سهامی عام) در هشتم مرداد ماه ۱۳۸۶، با نام اولیه شرکت توسعه الوند غدیر به صورت شرکت سهامی خاص، شرکت بین المللی توسعه ساختمان در تاریخ هشتم بهمن سال ۱۳۶۴ به نام شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان (سهامی خاص) در بردارنده ی شرکت های: شرکت آ.اس.پ. □ مهندسین مشاور پیمان غدیر مهندسی و ساخت پارس سازه □

ساختمان غدیر خوزستان □ شرکت ساختمانی آذربایجان □ شرکت تیساکیش □ شرکت نارنجستان گستر □ شرکت افق سازه پایا □ شرکت سرپناه فارس □ شرکت بهسان پارس □ شرکت کیش رویای زندگی □ شرکت خانه سازی باغمیشه ...

شرکت غدیر با بیش از ۱۴۰ شرکت زیر مجموعه و گزارش شده که بیش از ۱۶۸۱۰ نفر شاغل در شرکت‌های زیر مجموعه را داراست. (۳۱) زمینه‌های سرمایه‌گذاری شرکت هم اکنون صنعت‌های نفت، گاز و پتروشیمی، برق و انرژی، صنایع معدنی، حمل و نقل، سیمان، ساختمان، تجاری و مالی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در شبکه‌ی ۷ هلدینگ می‌باشد تأمین اجتماعی نیروهای مسلح به‌جز شرکت سرمایه‌گذاری غدیر، زیر نام‌هایی مانند سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح نیز سهامدار بخش عظیمی از شرکت‌های سهامی عام بزرگ است.

هلدینگ‌ها:

دریایی و حمل و نقل

صنعت و معدن

مالی و تجاری

برق و انرژی

نفت و گاز و پتروشیمی

ساختمان

سیمان

شرکت بین المللی توسعه ساحل و فراساحل نگین کیش، شرکت بین المللی توسعه صنایع و معادن غدیر (سهامی خاص) ثبت شده در تاریخ ۰۷/۰۴/۱۳۹۰، شرکت گسترش صنعت نوین ایرانیان (هلدینگ مالی) در تاریخ ۳۰/۰۵/۱۳۹۲ به صورت شرکت سهامی خاص، شرکت کاسپین

^{۳۱}(www.ghadir-group.com)

فولاد غدیر، شرکت واسپاری سپهر پارس مدیریت تجهیز و تأمین منابع آرمان، شرکت مصادر جبل علی، خدمات مدیریت و بازرگانی غدیر، سرمایه گذاری زرین پرشیا، خدمات انفورماتیک راهبر، سرمایه گذاری اعتضاد غدیر، شرکت پیمان تجارت پایدار، خدمات بیمه‌ای سپهر ایرانیان، شرکت مدیریت کارآمد کارگزاری بانک صادرات از دیگر شرکت هایی‌اند که سهامدار اصلی آن غدیر یا همان سران نیروهای سرکوب هستند.

سال ۹۵ به گزارش پایگاه خبری بورس پرس، غلامرضا سلیمانی مدیرعامل سرمایه گذاری غدیر «در حالی اوایل شهریور از برنامه افزایش سرمایه ۵۶,۵ درصدی در دو مرحله و تا پایان سال جاری خبر داده بود که این شبکه‌ی مالی و فساد اقدام به ارسال گزارش توجیهی این تأمین مالی به حسابرس و از محل اندوخته کرد.

به این گونه ، با تأیید حسابرس و مجوز سازمان بورس، سرمایه "غدیر" از ۴,۶۰۸ به ۵,۴ هزار میلیارد و در مرحله بعد ۷,۲ هزار میلیارد تومان خواهد رسید داد. در مرحله اول» سرمایه و انباشت این شرکت مانند همه شرکت‌ها در مناسبات سرمایه‌داری از بهره‌کشی از نیروی کار ربوده می‌شود و به انباشت و گسترش‌های سپسین در می‌آید.

به گفته سلیمانی «با رسیدن به سرمایه هفت هزار میلیارد و دویست میلیون تومانی ؛ این شرکت ۲ میلیون یورویی خواهدشد و می تواند در مقابل شرکت های بزرگ اروپایی و چند ملیتی قد علم کند.» بنابه گزارش خبرگزاری بورس پرس، «سلیمانی اسفند سال گذشته (۱۳۹۴) با اعلام مهمترین برنامه های سال جاری از درج این شرکت در بورس لندن به عنوان اولین شرکت ایرانی تا پایان ۲۰۱۶ و برای عرضه اولیه ۲۰ درصد سهام خبر داده است.»^(۳۲)

^{۳۲}(boursepress.ir/news/۳۷۵۶۰/)

بنیاد تعاون سپاه

بنا به اساسنامه این بنگاه مالی: «موسسه ای غیر انتفاعی دارای شخصیت حقوقی مستقل و وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می باشد.» و از جمله اهداف بنیاد:

الف- تامین نیازمندی‌های پرسنل کادر ثابت در ابعاد مسکن و وام .
ب - پشتیبانی از تعاونیهای مسکن سپاه از طریق تامین زمین و تغییر کاربری آن و انجام حمایت‌های حقوقی و تولید و عرضه مصالح و محصولات ساختمان سازی .

تبصره ۱ - موارد بالا از طریق فعالیت‌های تجاری و بازرگانی و تاسیس واحدهای تولیدی و عمرانی صورت می گیرد. سرمایه اولیه آن تنها ده میلیون ریال که به وسیله خامنه ای اهدا شده است.^(۳۳)

مؤسسه مالی و اعتباری انصار

این شبکه مافیایی با بیش از ششصد شعبه در سراسر ایران، در آغاز «صندوق قرض الحسنه انصار المجاهدین» نام داشت و به سان یکی از بنیادهای مالی وابسته به سپاه در سال ۱۳۶۷ برپا شد، یکی دیگر از بنگاه‌های مالی و سرقت سپاه می باشد. هدف نخست «انصار» فراهم آوری وام برای پاسداران انقلاب، جانبازان، و اعضای فعال بسیج بود. سردار پاسدار غلامحسن تقی نتاج مدیر عامل این بنگاه، در سه بانک مدیریت داشته است. وی در موسسه قوامین، در سال ۸۳ مامور ساماندهی صندوق های قرض الحسنه بحران زده و رئیس بانک انصار زمانی که تنها یک صندوق قرض الحسنه بود از سال ۸۶ این صندوق را به بانک تبدیل کرد تا اندوخته‌های روزهای سخت اندوخته‌گذاران را بر بایند و مالباخته‌گان را هزاران هزار به خاک سپاه بنشانند.

^{۳۳} اساسنامه بنیاد تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

به گزارش سرپاسدار نتاج، مدیر عامل «مؤسسه انصار»، این مؤسسه ششصد شعبه در سراسر ایران دارد و شش میلیون ایرانی در آن حساب پس انداز دارند. بنا بر گزارش‌ها، پس از کشمکش‌های دراز میان بانک مرکزی و بانک‌های قرض الحسنه، دولت در ۸ مهر ۱۳۸۶ مالکیت مؤسسه قرض الحسنه انصار المجاهدین را به بانک مرکزی سپرده و اداره آن تا امروز در دست این بانک است. بانک انصار و دیگر بانک‌های در دست سپاه، پروژه‌ی ربایش اندوخته‌ی ذخیره‌کنندگان و بازنشسته‌گان را در ایران به پیش بردند.

بنیاد مهر

مؤسسه مالی و اعتباری مهر که پیشتر «مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان» نامیده می‌شد، به مدیرعاملی غلامحسین تقی نتاج، در سال ۱۳۷۲ برپا شده است. او مهره‌ی بسیجی و امنیتی حکومت اسلامی است که مدرک دکترا اقتصاد را در جیب دارد. بنیاد مهر، پنج شرکت اصلی را صاحب است و بیشترین فعالیت‌های مالی بسیج در تأمین مسکن و تهیه وام‌های اشتغال‌زا برای بسیجیان و پرداخت به اوباشان و لباس شخصی‌های سرکوب به وسیله‌ی اعضای همین «مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان» سابق انجام می‌شود. مهر بیش از ۳۰ مؤسسه و افزون بر هفتصد شعبه در سراسر ایران دارد، و به این ترتیب بزرگترین بانک «خصوصی» در جمهوری اسلامی است. اصل و قانون حاکم بر این مؤسسه: «پابندی به اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ترویج و توسعه فرهنگ قرض الحسنه، ترویج، پابندی، و تعهد به فرهنگ و تفکر بسیجی» اعلام شده و از درآمد و سود و مالیات این بنگاه نظامی هیچ اشاره‌ای نشده است. در تبلیغ بازگشایی و جابجایی مهره‌های سپاه در شبکه‌ی خامانوسوز «مهر و انصار» مدیر عامل بنیاد تعاون سپاه شیدانه گفت: «اعتماد مردم بزرگترین سرمایه مؤسسه مالی و اعتباری مهر است» این سخنان در مراسم جابجایی سرپاسدار احمد شفیع زاده و جانشینی سرپاسدار غلامحسن نتاج به عنوان مدیر عامل مؤسسه مالی و اعتباری مهر با سران

سارق و جانپان سپاه در شمار پرویز فتاح، مدیر عامل بنیاد تعاون سپاه، کلولی مدیر عامل بنیاد تعاون بسیج، مدیران عامل موسسات مالی و اعتباری ثامن الائمه، قوامین و جمعی از معاونان و کارکنان موسسه مهر در مرکز آموزش عالی بانکداری بانک مرکزی برگزار می‌شد (۳۴).

بنگاه مالی مهر یکی از اصل‌ترین کارگزاران بازار بورس سپاه درگیر معاملات بزرگ به کمک شرکت‌های وابسته اش بویژه شرکت سرمایه‌گذاری «مهر اقتصاد ایرانیان» می‌باشد. این شرکت سرمایه‌گذاری یکی از بزرگترین خریداران سهام بورس تهران است که وظیفه‌ی خرید سهام برای سپاه را به عهده دارد و از سهامداران شماری از شرکت‌های بزرگ ایرانی است. چندین فساد بزرگ مالی تا کنون از بنگاه اسلامی مهر اقتصاد ایرانیان آشکار شده است که از خرید معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان یکی از آنهاست. در ۱۱ مرداد ۱۳۸۸ شرکت توسعه معادن روی ایران که از شرکت‌های وابسته به مهر اقتصاد ایرانیان است، معدن انگوران را به مبلغ ۱۸۶ میلیون دلار خریداری می‌کند، پس از انجام داد و ستد، اعلام شد که ارزش واقعی این معدن ۱ میلیارد دلار بوده است. (۳۵)

بانک «مهر اقتصاد» بسیجیان

بانک «مهر اقتصاد» با نام پیشین مؤسسه مالی اعتباری مهر، و پیش‌تر از آن زیر نام «صندوق قرض الحسنه» بسیجیان یک «موسسه مالی و اعتباری» تبدیل شده به بانک در کنار صدها بانک و شبکه‌های سرعت و فساد حکومتی برای ربایش آخرین اندوخته‌های روزگار تنگ کارگران و

پنج شنبه ۷۶۹۱ <http://bankebimeh.blogfa.com/post/۷۶۹۱> (خبرگزاری) (۳۴)
(۱۷ دی ۱۳۸۸)

(۳۵) (ابطال مزایده معدن روی انگوران، سرمایه تهران)، ۲ مهر ۱۳۸۸

کارمندان بازنشسته و زحمتکشان. این بنگاه فساد و دزدی وابسته به «بنیاد تعاون سازمان بسیج مستضعفین» است.

برای فریب، حکومت اسلامی رتبه‌بندی این دامچاله را در ردیف «شرکت‌های برتر» ایران تبلیغ کرد و بنا به گزارش سال مالی ۱۳۹۲ در رده هفدهمین شرکت برتر ایران از نظر میزان فروش و درآمد قرار گرفت. در سال ۹۴ در کل سیزدهم و بین تمامی بانکهای کشور در رتبه ششم شناسانند. بنا بر همین تبلیغات و دام‌گذاری‌ها بود که این مرکز با روی آوری سپرده‌گذاران سراسر ایران روبرو شد. و بنا بر رده‌بندی سازمان مدیریت صنعتی، بانک «مهر اقتصاد» پنجمین بانک ثروتمند ایران و تبلیغ شد که این قمارخانه حکومتی، بیشترین اندوخته را نزد بانک مرکزی دارد و گزارش شد که دستکم هزار و دویست میلیارد تومان اندوخته بانک «مهر اقتصاد» می‌باشد.

صندوق «قرض‌الحسنه» بسیجیان به اینگونه که در سال ۱۳۷۲ با سرمایه ۱ میلیون تومان سرمایه‌گذاری خامنه‌ای که زیر نام «هبه-بخشش» انجام گرفته بود آغاز به دام‌گذاری کرد و در ازای ۲۰ سال، دارای بیش از ۸۰۰ شعبه در سراسر ایران گردید، با اندوخته‌ای افزون بر هزار و دویست میلیارد تومان. بانک سپاه زیر نام بسیجیان، تا آنجا با فریب صندوق‌های خود را انباشته کرد که با بانک ملی و مرکزی رقابت می‌کرد. به بیان غیب‌پرور شمار ۷۶۰۰ صندوق قرض‌الحسنه، از شمار شعبه‌های بزرگترین بانک دولتی در ایران فراتر رفت. این شمار را با ۳۳۰۰ شعبه‌های بانک ملی که بزرگترین بانک دولتی در ایران است، و با مجموع شمار شعبه‌های چهار بانک اول دولتی (ملی، سپه، کشاورزی و مسکن) ۸۲۴۶ شعبه و چهار بانک اول خصوصی‌شده (صادرات، تجارت، ملت و رفاه کارگران) با ۷۶۷۲ شعبه برابری می‌کند. اینان همه دام‌هایی گشوده‌ای با نام مقدرات مذهبی بودند برای غارت سپرده‌گذاران و دسترنج کارگران و زحمتکشان.

سال ۱۳۸۷ شرکت سرمایه‌گذاری «مهر اقتصاد ایرانیان» ۴۲,۵ درصد سهام کارخانه عظیم تراکتورسازی تبریز را مانند بسیاری از شرکت‌ها به تصاحب سپاهیان در آمد. این واگذاری از سوی احمدی نژاد (دولت نهم) با بهایی بسیار کمتر از قیمت واقعی آن، یعنی به مبلغ ۱۷۷ میلیارد تومان و با پرداخت ۴۵ میلیارد تومان در آغاز و ۱۳۲ میلیارد تومان به صورت اقساط ۵ ساله، تصاحب کردند.

تیم فوتبال باشگاه تراکتورسازی زیرمجموعه کارخانه تراکتورسازی نیز به مالکیت سپاه پاسداران در آمده و زیر نظر سپاه عاشورا قرار دارد. ۳۰ درصد از سهام باشگاه تراکتورسازی در مالکیت بنگاه مالی و اعتباری کوثر وابسته به وزارت دفاع است. موسسه سپاهی مهر، تا آبان ۱۳۸۸ این شرکت یک هزار میلیارد تومان، در بازار بورس ایران، سرمایه‌گذاری کرده بود که تا سال ۱۳۹۲ با استفاده از وام‌ها و رانت‌های دولتی، به ۵ هزار میلیارد تومان افزایش یافته بود. بنیاد سپاهی مهر، «۴۵ درصد سهام گروه بهمن»، «۴ درصد سهام گروه سایپا»، و «۲۵ درصد سهام پتروشیمی کرمانشاه» را نیز در سال ۱۳۸۷ خریداری کرد. شرکت سرمایه‌گذاری مهر، از جمله مهمترین تصاحب‌کنندگان شرکت‌ها: آلومینیوم ایران، صدرا، شرکت توسعه معدن انگوران، لوله و تجهیزات سدید، داروسازی جابر ابن حیان، فرآوری مواد معدنی، تایدواتر خاورمیانه، ایرالکو، فولاد مبارکه، توسعه معادن روی، توس‌گستر، بانک پارسیان، ووو می باشد. شرکت «مهر اقتصاد ایرانیان» از آنجایی که سهامدار فولاد مبارکه نیز می‌باشد، فعالیت‌های تیم‌های فولاد اهواز و سپاهان اصفهان را رهبری می‌کند. شرکت استیل‌آدین ایرانیان ۳۴ درصد سهام تراکتورسازی را خرید و هدایتی در مالکیت این باشگاه شریک شد. در اینجا ادغام بازرگانی و ورزش و نقش مافیای سپاه در فساد مالی- باشگاهی و ارتش و سپاه و سربازی را می‌بینیم. باشگاه تراکتورسازی از آنجا که در مالکیت نظامیان

است، مجاز به در خدمت گرفتن سربازان می باشد و هر سرباز سهمیه ارگان سپاه می‌تواند در خدمت نظامیان باشگاهدار در آید. ترکیب اعضای هیأت مدیره تراکتورسازی در سال ۸۸ نمایشی است از نقش سپاه در باشگاه‌های ورزشی به ویژه فوتبال: سردار محمد حسین جعفری مدیرعامل و عضو هیأت مدیره، سردار علی اکبر پورجمشیدیان - فرمانده سپاه عاشورا که به ریاست هیأت مدیره باشگاه نشانیده شد. محمد رستمی معاون پشتیبانی و توسعه منابع انسانی استاندار آذربایجان شرقی، رئیس هیأت مدیره، سرهنگ محمد اسماعیل سعیدی جانشین فرمانده سپاه عاشورا عضو هیأت مدیره، سرهنگ محمد جواد دلفکار مدیر پروژه یادمان سروقامتان آذربایجان شرقی، عضو هیأت مدیره و سخنگوی باشگاه، محمدرضا آهن تن، عضو هیأت مدیره سرپرست «بانک مهر» آذربایجان شرقی که زیر مجموعه موسسه مالی اعتباری «مهر» در تصاحب سپاه پاسداران است. خبرگزاری دولتی اقتصاد مهر در روزهای اخیر اعلام کرد: «مسئولان باشگاه، آجورلو را برکنار کردند و الیاسی به‌عنوان سرپرست انتخاب شد. الیاسی از همان ابتدا خبر واگذاری باشگاه را داد و علاوه بر خصوصی‌سازی، تمدید قرارداد با ساغلام را از جمله هدف‌های باشگاه عنوان کرد. در همین راستا چندی پیش در نشست خبری فرمانده سپاه عاشورا که در تبریز برگزار شد، سردار عابدین خرم خبر واگذاری را تایید کرد. اما واگذاری تراکتورسازی راحت نیست و چیزی شبیه پروسه واگذاری پرسپولیس و استقلال است و به‌نظر می‌رسد برای فصل آینده امکان‌پذیر نباشد و سپاه باید باز هم جور تیمداری در تبریز را بکشد.»^{۳۶} بنگاه مهر، یکی از اصل‌ترین کارگزاران بازار بورس سپاه درگیر معاملات بزرگ به کمک شرکت‌های وابسته اش بویژه شرکت سرمایه گذاری «مهر اقتصاد ایرانیان» می باشد. این شرکت سرمایه گذاری یکی از

بخش-سایر-رسانه-ها-/<https://www.eghtesadnews.com/> (۳۶)
۲۱۲۳۷۳/۶۱-قیمت-فروش-باشگاه-فوتبال-تراکتور-سازی-اعلام-شد

بزرگترین خریداران سهام بورس تهران است که وظیفه‌ی خرید سهام برای سپاه را به عهده دارد و از سهامداران شماری از شرکت‌های بزرگ ایرانی است. چندین فساد بزرگ مالی تا کنون از بنگاه اسلامی مهر اقتصاد ایرانیان آشکار شده است که از خرید معدن سرب و روی انگوران در استان زنجان یکی از آنهاست. در ۱۱ مرداد ۱۳۸۸ شرکت توسعه معادن روی ایران که از شرکت‌های وابسته به مهر اقتصاد ایرانیان است، معدن انگوران را به مبلغ ۱۸۶ میلیون دلار خریداری می‌کند، پس از انجام داد و ستد، اعلام شد که ارزش واقعی این معدن ۱ میلیارد دلار بوده است.^(۳۷)

حجت الاسلام محمد تقی واعظی، امام جمعه زنجان و نماینده ولی فقیه در این استان که از این ربایش رقیب ناخشنود بود، در خطبه‌های جمعه، آشکار کرد: «انگوران را مجانی واگذار می‌کردید بهتر بود!» برخی از نمایندگان باند رقیب در مجلس خواستار بررسی شدند و خاموش ماندند. هر سه خریداران، از یک خانواده و در واقع شرکت سرمایه‌گذاری مهر و از باند سپاه بودند. تحقیقات دیوان عالی محاسبات فاش کرد که حتی فرم‌های درخواست مزایده از سوی سه شرکت مختلف با یک دستخط نوشته شده بودند. دیوان محاسبات عالی پس از انجام تحقیقات افشا کرد که هر سه خریدار معدن انگوران، یعنی شرکت تهیه و تولید روی، شرکت پاسارگارد، و شرکت توسعه معادن روی ایرن، در واقع عضو یک خانواده اند. روزنامه اعتماد گزارش داد شرکت توسعه معادن روی ایران ۱۰۰٪ سهام شرکت تهیه و تولید روی و ۷۰٪ از سهام شرکت پاسارگاد را در اختیار دارد، ۳۰٪ بقیه سهام پاسارگاد نیز متعلق به شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایران است. مهر اقتصاد ایرانیان و شرکت‌های وابسته، تنها یکی از بنگاه‌های فساد و چپاول حکومت اسلامی به شمار می‌آید.

^{۳۷}(<http://www.asriran.com/fa/news/۵۲۶۲۲۱>)

انگوران، نگین زرین ایران نام گرفته و بزرگترین ذخیره سرب و روی ایران است که شمش خامش را صادر می‌کنند. خاک انگوران کانی‌های با ارزشی مانند نیکل، کادمیوم، کبالت و نقره را نیز در بر دارد. نزدیک به ۸۰ شرکت تولید کننده شمش خام در دست سپاه و یا کارگزاران آن است، که تولید معدن انگوران نزدیک به ۴۰ درصد از ظرفیت این شرکتها را پاسخگوست.

معدن زمستان یورت (قشلاق) در فاصله ۱۴ کیلومتری شهرستان آرادشهر از توابع استان گلستان قرار دارد، یکی از شرکت‌های وابسته به هلدینگ معادن روی است و در تصاحب سپاه. این معدن تحت پوشش شرکت صنعتی و معدنی شمال شرق شاهرود است که بنا به گزارش ۱۳ /۲/ ۹۶ هیات مدیره این شرکت، سه عضو از پنج عضو هیات مدیره شرکت بازرگانی توسعه صنعت روی و شرکت معدنکاران انگوران وابسته به هلدینگ توسعه معادن روی ایران می‌باشند که در این هلدینگ نیز عمده سهام متعلق به شرکت‌های گروه مالی مهر اقتصاد و شرکت سرمایه‌گذاری مهر اقتصاد ایرانیان و... می‌باشد که زیر پوشش بانک مهر اقتصاد می‌باشند. انفجار در معدن و کشته شدن کارگران در این معدن، تنها یکی از جنایات سپاه سرکوب است. کارگران این معدن با ۱۶ ساعت کار در روز و نزدیک به ۹۸۰ هزار تومان دستمزد، ماه‌هاست که بدون دستمزد مانده‌اند.

در انفجار روز چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۶، در معدن زغال سنگ یورت ۴۳ معدنچی جان باختند. روز ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۶، رئیس کل دادگستری استان گلستان اعلام کرد براساس جمع‌بندی گزارش کمیته حقیقت‌یاب، مقصر حادثه کارفرما بوده است بنا به بررسی اعلام شد: «بازرس این پرونده شرکت صنعتی و معدنی شمال شرق را به عنوان

کارفرمای کارگاه و با توجه به نبود سیستم تهویه مناسب و کافی در تونل، نبود مسیرهای کمکی برای تهویه، ندادن آموزش های لازم و کافی و نبود نظارت بر کارگران برای جلوگیری از ایجاد هرگونه شعله یا جرقه داخل تونل، مجهز نبودن لوکوموتیوها به تجهیزات رادیاتور آگزوز و نبود تشکیلات امداد و نجات و مدیریت بحران در معدن ۱۰۰ درصد مقصر شناخته است.»^(۳۸) تا اردیبهشت سال ۱۳۹۶ بیش از ۵۰۰ کارگر در این معدن کار می‌کرده‌اند. بر اساس سندی که از گزارش هیئت مدیره معدن یورت منتشر شده است، سه نفر از پنج سهامدار معدن زغال سنگ زمستان یورت وابسته به «گروه مالی مهر اقتصاد» و از وابسته‌گان نهاد بسیج مستضعفان هستند. این بانک همانگونه که اشاره شد، در سال ۱۳۷۲ زیر نام مؤسسه **قرض الحسنه بسیجیان** برپاشده و هم‌اکنون زیرمجموعه بنیاد تعاون بسیج مستضعفان می‌باشد. از همان ابتدا بین دولت و باند رقیب در سپاه بگو و مگوهای بسیاری پیرامون غیرقانونی بودن این روند جاری بود.

مالباخته‌گان و مال‌برده‌گان باندهای تشنه دسترنج کارگران و ستمبران، غنوده در دخمه‌های حوزه و مسجد و امامزاده و بازار و حجره، از همان فردای قبضه‌ی قدرت سیاسی، حاکمیت یافتند تا مناسبات اقتصادی را پاسدار باشند و بر هستی جامعه چنگ بگشایند و قوت سفره‌ها را نیز برابیند. آنان از سویی، با ربایش ارزش افزوده برآمده از استثمار نیروی کار، انباشت اندوختند و از سوی دیگر با زمین، کوه، دریا و جنگل و دریاچه خواری، نقدینه اندوختند و حکومت دلان انگل را ترمیم کردند که پی‌آمد آن ویرانی و فلاکت کنونی جامعه است. باندهای حاکم، با تخریب تولید، دلال کالاهای مصرفی از بنجل‌ترین نوع آن همراه با پرداخت‌های میلیارد دلاری برای سلاح‌های کشتار جمعی و اورانیوم و ساخت سلاح‌های هسته‌ای از روس و چین و دیگر بازارهای سرمایه و دلالی نفت و گاز و

^{۳۸}(<http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۷۲۱۴۹۵>)

دیگر کانی‌ها برای صادرات از درون، رانت‌ها و سودهای کهکشانی تصاحب کردند. سران حکومتی و کارگزاران و شرکا، الیگارش‌های حکومتی را بر گردهای ستمبران برپا کردند. الیگارش حاکم، زیر نام تعاونی‌ها، شبکه‌ی بنگاه‌های مالی و اقتصادی برپا کردند تا آخرین اندوخته و دسترنج کارگران و زحمتکشان را نیز بربایند. گسترش صندوق‌های قرض الحسنه که ریشه در بازار و مسجد داشتند و به ویژه در دهه‌ی ۴۰ پس از رفرم‌های بورژوازی شاه در دستور کار روحانیت قرار گرفت. حوزه‌ها و بازار تکیه داده به روحانیت برای عضوگیری و وابسته کردن شمار هرچه بیشتری از افراد جامعه به زنجیر و شبکه‌های مالی سنتی - مذهبی، این شبکه‌ها را گسترش دادند و با سرنگونی شاه و برکناری بورژوازی کمپرادورحاکم و دربار، همان مناسبات را با اسلام سیاسی و قهاریت قرآنی، در ساختار اقتصادی و سیاسی تداوم بخشیدند. استبداد سرمایه‌داری و مذهبی، با حاکمیتی شرعی و به غایت ضد انسانی صورت‌بندی این مناسبات بود. در چنین شرایطی بود که صندوق‌های فریب قرض‌الحسنه، در حکومت اسلامی، به تعاونی‌های پولی و مالی کلانی تبدیل شدند. این بنگاه‌ها که در آغاز تنها پرداخت وام و پذیرش سهمی از سرمایه را تنها به اعضا و نه خارج از شبکه رواج داده بود، در ادامه، با کنار زدن و یا شراکت روحانیت و بازاریان وابسته به حاکمیت، نیرویی به میدان آورد تا به زودی اقتصاد و قدرت سیاسی را به چنگ آورد. این بازیگران اصلی حوزه‌های اقتصاد و حاکمیت، در سالهای پایانی جنگ ارتجاعی ۸ ساله، در نیمه دوم سال ۱۳۶۵ با روایت دولت رفسنجانی، مجاز شمرده شدند تا همراه با دلالتی برای خرید سلاح از قاچاقچیان جهانی در بازارهای سیاه و حتا از آمریکا و اسرائیل، بنگاه‌های مالی و واردات و صادرات را در چنگ گیرند. این بازیگران، کسانی جز سرداران سپاه و مقامات امنیتی و اطلاعاتی و آقا زاده‌ها موجودات دیگری نبودند. اینان به اینگونه با جواز ولی فقیه که تنها در برابر الله پاسخگو بود و نیز با زبان و قدرت سلاح، صندوق‌های قرض‌الحسنه را به بنگاه‌های مالی و پولی تبدیل کردند و قارچ

گونه گسترش دادند. این دام‌های فریب، با وعده‌ی خدماتی و فریبنده‌ای در آغاز با پرداخت دام-دانه‌هایی به صورت سود بالا، نظر و اعتماد میلیون‌ها کارگر، کارمند جز، بازنشسته‌گان، آموزگاران، کشاورزان، زحمتکشان شهر و روستا و همه آنانی که با جیره‌بندی نان از سفره و گلوی خانواده، مبلغی برای گشایشی از دهها گره‌های زندگی اندوخته بودند را جلب کردند. بانک مرکزی، به عنوان معتبرترین خزانه و پشتوانه اقتصادی، در دست باندها، با سیاست در نقش «شریک دزدان» صندوق‌ها و بنگاه‌های مالی پراکنده را گرد آورد و به آنان جواز سرقت داد تا در اقتصاد رانتهی و دلالی، به ربایش هستی «امت» بپردازند. اعتراف مسئول دبیرخانه ستاد «مبارزه با مفاسد اقتصادی» در حکومت سراسر فاسد در ایران، ریشه‌ی بحران مالباختگی را اینگونه باز می‌گشاید:

«در اوایل سال ۹۰، باتوجه به شرایط اقتصادی ایران، موسسات با توجه به حجم نقدینگی بالای خود در تمامی موارد اعم از مسکن، دادن وام های کلان، دریافت سود سپرده و ... ورود و اقدام به سودآوری می کردند تا این که در دولت یازدهم [حسن روحانی در سال ۹۲] نسبت به دوره قبل، مقداری ثبات لازم برقرار شد به دنبال ایجاد ثبات پولی در کشور که برخی آن را رکود اقتصادی تعبیر می کنند حاشیه سودهای کلان موسسات اعتباری کمتر شد. به دنبال کاهش حاشیه سود این موسسات نتوانستند باز هم مانند گذشته از طریق جذب نقدینگی مردم و دادن سود کلان به حیات خود ادامه دهند. بنابراین وضعیت موجود شکل گرفت».^{۳۹}

در این برهه، این دام‌های پولی و «اعتباری» یا صندوق‌های قرض الحسنه، به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف، پرداختند و با وعده‌ی سود به سپرده‌های پولی و مالی بیش از پیش به افرادی خارج از حوزه اعضای خود روی آوردند. هدف دزدان دریایی، «خلق نقدینه» و پولشویی و ربایش در یک تهاجم بود. با رویش قارچ‌وار صندوق‌ها قرض‌الحسنه که در آغاز نهادهایی برآمده از بازار و مساجد، امام زاده‌ها، عظیم‌ترین هلدینگ مالی

^{۳۹}(<http://aryabazar.com/news/62617>)

مذهبی در جهان یعنی آستان قدس رضوی بودند، از سال ۷۰ به بعد، به صورت شرکت‌های مالی، درون باندهای حکومتی مالی و پولی به غول‌های مخوفی برای بلع دسترنج و دارایی هر سپرده‌گذاری تبدیل شدند و مشروعیت و رسمیتی همانند بانک گرفتند. با این ترفند، نقدینگی‌های پراکنده و اندوخته‌ها باید گردآورده می‌شدند تا در بازار سرمایه در روند غیر تولیدی و بورس و تجارت در شرکت‌های چندین هزارگانه در امارات عربی و بازارهای آزاد و دیگر کشورها با پول‌های سپاه و کثیف و برآمده از فساد، و از فروش مواد مخدر، و سلاح درآمدهای کهکشانی صاحبان این موسسات را تراکم بخشند. بانک مرکزی و وزارت کشور و وزارت تعاون در سال ۸۳ جواز تبدیل این دامچاله‌های فریب را به بانک و موسسات تعاونی پولی و مالی و سپرده‌گذاری صادر کرد. سپرده‌گذاران ریز و درشت با وعده‌های بیش از ۳۰ درصدی فریب داده شدند تا اندوخته‌های خود را، به دزدان حاکم و حاکمیت دزد بسپارند. فریب بهره‌ی بالا، حبابی بود که همراه با فروگاهی ارزش پول که به همان نسبت کاهش می‌یافت، هر آینه به ترکیدن نزدیک می‌شد. در حالیکه، نقدینه‌های در بازار بورس و شرکت‌های برون مرزی و درون مرزی جاری، حجیم تر می‌شد و بحران و تورم می‌آفرید. به گزارش **خبرگزاری مهر** (وابسته به سپاه) به نقل از پژوهشکده پولی و بانکی، اعلام کرد «آمار نشان می‌دهد به طور متوسط طی سال ۸۰ تا ۹۴ متوسط رشد نقدینگی حدود ۲۸ درصد به صورت سالانه است. .. رشد نقدینگی در اقتصاد ایران همواره ۲۵ درصد بوده و به همین دلیل رشد بی‌رویه نقدینگی یک مشکل ساختاری در اقتصاد ایران است.» و افزود: «نقدینگی کشور در سال ۸۴، حدود ۶۸ هزار میلیارد بود، در سال ۹۲ بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بود و الان نیز هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان است.»^۴

^۴ (فارس ۱۴ شهریور ۹۶)

رقابتی سخت بین باندهای حکومتی از سویی با هژمونی سپاه و دیگر ارگان‌های امنیتی و سرکوب و خامنه‌ای و آستان قدس‌اش و در سوی دیگر باند دولتی‌ها به رهبری روحانی اوج می‌گیرد. سپاه و خامنه‌ای فرصت را غنیمت شمرده و دستور ادغام و ورشکستگی بسیاری از بانک‌های قلابی را اعلام کردند. تشکیل بانک کوثر بعد از ادغام با موسسه اعتباری ثامن و بانک مهر اقتصاد در اول تیرماه ۹۶ فعالیت خود را برای سرقت بازهم بیشتر اعلام کرد. با ادغام دامچاله‌های اعتباری کوثر - که هم اکنون از بانک مرکزی مجوز دارد- و موسسه اعتباری ثامن و بانک مهر اقتصاد، خبر از تشکیل بانکی جدید که «جزو بزرگترین بانک‌های کشور خواهد شد.» این بانک «بانک کوثر خواهد بود اما با توجه به منابع مالی فراوان موسسه اعتباری ثامن و بانک مهر اقتصاد، بانک جدید یکی از بانک‌های قدرتمند در کشور خواهد بود. رژیم اعلام کرد که با ادغام کوثر، ثامن و مهر اقتصاد و حکمت ایرانیان که سپرده‌ها را با مجوز خامنه‌ای و اسلام و ائمه معصومین و حرم‌هایشان و بانک مرکزی به یغما برده بودند، «با توجه به کثرت شعب این موسسات و بانک مهر اقتصاد، بانک کوثر حداقل ۱۲۰۰ شعبه خواهد داشت و پشتوانه قوی این بانک موجب قدرتمندتر شدن بانک می‌شود به همین علت هیچ چیز نگران کننده‌ای سپرده‌گذاران این موسسات را تهدید نمی‌کند.» و وعده دادند: «اگر بانک کوثر با ۱۲۰۰ شعبه ایجاد شود و مشکلی بر سر ادغام‌ها پیش نیاید این بانک جدید هشتمین بانک بزرگ از نظر وسعت و تعداد شعبه خواهد بود و عملاً بزرگترین بانک خصوصی کشور تشکیل می‌شود... بانک کوثر در جدول تعداد شعب بانکی بالاتر از بانک‌هایی مثل رفاه کارگران، اقتصاد نوین، شهر، سامان، سرمایه، پست بانک و قوامین قرار می‌گیرد.»^(۴)

برنامه «تیتیر امشب» <https://www.iranjib.ir/shownews/۴۷۳۷۸/> (۴) شبکه خبر

سپس در آخر اسفند ماه ۱۳۹۶ معاون نظارتی بانک مرکزی اعلام کرد که:

«امسال این نتیجه حاصل شد که بانک انصار و دو موسسه مهر اقتصاد و ثامن به محوریت بانک انصار ادغام شوند و در سال آتی هم سه بانک و موسسه اعتباری باقی مانده یعنی حکمت، قوامین و کوثر هم به بانکی واحد بدل خواهند شد.»

صدها بانک و موسسه مالی و اعتباری به نامهای مختلف با بیرق سبز امامان و گاهی با تابلو ایرانییت و پارسی، دام گستر شدند. نمونه بنگاه مالی و پولی «آرمان» که پس از فساد و ورشکستگی با مجوز بانک مرکزی، به «کاسپین» تغییر نام داد. «پدیده شاندیز»، زیر سایه امام هشتم شیعیان و تولیت آستان قدس و امپراتوری آن، در سراسر خراسان رضوی و مشهد، همانند، مسکن مهر که در سراسر ایران مسکن مرگ نامیده می‌شوند، دام گسترانیدند. تعاونی اعتباری ثامن‌الائمه (تعاونی سپاه)، موسسه مالی و اعتباری ایرانیان (بانک حکمت ایرانیان)، موسسه مالی و اعتباری مولی‌الموحدين (بانک ایران زمین)، سینا (بانک سینا) موسسه مالی و اعتباری بنیاد سابق وابسته به بنیاد مستضعفین، موسسه مالی و اعتباری کوثر، بانک پارسیان، «بانک بدون ربا» زیر نظر ابراهیم رئیسی در آستان قدس و نماینده خامنه‌ای و امپراتور خراسان و وو از جمله این شبکه‌های سرقت و فریب بودند. شبکه ملی و پولی کاسپین بر آمده از همان صندوق‌های قرض‌الحسنه، در اواخر سال ۱۳۹۴ با ادغام چند تعاونی مالی- اعتباری تشکیل و با دریافت «مجوز رسمی» فعالیت از بانک مرکزی وارد بازار پولی ایران شد. «موسسه آرمان» و کاسپین در شمار بنگاه‌های فریب فعال در بازار پول، از همان سالهای برپایی به آشکارا چهره‌ای مشکوک داشت. «موسسه آرمان» تشکیل شده از ۸ تعاونی اعتبار، در برگیرنده‌ی تعاونی‌های فرشتگان، الزهرای مشهد، حسنات اصفهان، دامداران و کشاورزان کرمانشاه، بدر توس مشهد، پیوند، امید جلین گرگان (جلین شهری در استان گلستان) و عام کشاورزان مازندران

بودند که موسسه کاسپین را ایجاد کردند. موسسه آرمان ایرانیان در پناه سلاح سپاه و بسیج و بیت رهبری و دولت‌اش با آگاهی بانک مرکزی به فعالیت‌های راهزنانه خود ادامه می‌دادند. در اواخر سال ۱۳۹۴ بود که در جریان ساماندهی بازار غیرمتشکل پولی هشت تعاونی از زیرمجموعه آرمان ایرانیان در مسیر ساماندهی قرار گرفته و در مجموعه کاسپین گرد آمدند و مجوز فعالیت از بانک مرکزی برای این موسسه صادر شد اما دو تعاونی وحدت و البرز ایرانیان در شبکه‌ی کاسپین ادغام نشده و زیر نام موسسه اعتباری آرمان به فعالیت‌های راهزنانه خود ادامه دادند.

بسیاری با توهم و خوش‌بینی از اعتبار مجوز بانک مرکزی به این بنگاه‌های فریب، اعتماد کرده و در آنها سپرده گذاری کرده یا به خرید سهام پرداختند. هستی و اندوخته «روز مبادای» سپرده گذاران به سرقت رفته بود که در پاییز سال ۹۵ عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران اعلام کرد موسسه فرشتگان (از مجموعه موسسات ادغامی در موسسه کاسپین) ۴۰۰۰ میلیارد تومان کسری دارد و توانایی پرداخت تعهدات خود را ندارد. رئیس بانک مرکزی که جواز دهنده‌ی این دام‌چاله‌های مالی بوده از شانه خالی کردن انتقال دارایی‌های بنگاه مالی فرشتگان به کاسپین خبر داد و گفت: «موسسه کاسپین مسئولیتی در قبال سپرده گذاران ندارد». سپرده گذاران که بانک مرکزی یکبار شمار آنان را ۷۵۰ هزار اعلام کرد، در سراسر ایران به خیزش برآمدند. به هجوم و تحصن و گاهی اشغال این دزدخانه پرداختند. آنگاه که مال‌باخته‌گان در اهواز کفن پوشیدند، بانک مرکزی به ناچار از تعیین تکلیف سپرده‌گذاران تعاونی منحل شده فرشتگان خبر داد و اعلام کرد که «بازپرداخت سپرده‌ها در دو مرحله انجام خواهد شد و درگام نخست بازپرداخت سپرده‌های زیر ۱۰ میلیون تومان» عنوان کرد. سپس افزون بر سیصد هزار تن از شماره سپرده گذاران را حذف و اعلام کرد که: «از مجموع حدود ۴۵۰ هزار سپرده‌گذار تعاونی فرشتگان حدود ۴۰۰ هزار نفر سپرده زیر ۱۰ میلیون تومان دارند که شامل مرحله اول طرح تعیین تکلیف می‌شوند» روز ۸ خرداد ۹۶ آخرین روز این تعیین

تسویه بود. درحالی‌که وعده بازپرداخت سود وعده داده شده در این سالها به سپرده گذاران داده شده بود، بانک مرکزی گفت: «اصل پول، ملاک است و سودی به این سپرده‌ها بعد از شهریور ۱۳۹۴ تعلق نمی‌گیرد.» حکومت اسلامی با سران سپاه اسلامی‌اش، از بازپرداخت اصل پول هم شانه خالی کرد. هزاران نفر از سپرده گذاران مؤسسه کاسپین در تهران در روز ۸ خرداد (۹ مه) در برابر بانک مرکزی تظاهرات کردند و با مزدوران ضد شورش نیروی انتظامی درگیر شدند. شیشه‌های در شمالی بانک را شکستند و خیابان میرداماد را بسته و شعار می‌دادند: «عزا عزاست امروز روز عزاست امروز- سپرده ما مردم روی هواست امروز»، «دولت بی کفایت خجالت خجالت»، «مرگ بر سیف [رئیس بانک مرکزی]»، «کاسپین دزدی کرده، بانک مرکزی حمایت کرده». آنها در واکنش به یورش سرکوبگرانه نیروهای مسلح رژیم، شعار میدادند: «مرگ بر داعشی».

روز ۷ خرداد، غارت شده‌گان، در بسیاری از شهرهای خوزستان مانند اهواز، شوش، شوشتر، امیدیه، و ایزده و همچنین در شهرهای خرم آباد، اراک، بوشهر، دلفان به همایش اعتراضی پرداختند و با پرداخت سپرده‌های خود را درخواست کردند. در اهواز معترضان جاده اهواز به شوش را بستند. در خرم آباد خیابانهای علوی و انقلاب و چهار راه بانک را بستند و ساختمان استانداری، محاصره شد. متعرضین بی باکانه هستی از کف داده، برای اشغال استانداری یورش بردند، نیروی ضدشورش و پاسداران دزدها به حمله پرداختند. مردم با شعار «مرگ بر استاندار» به سمت چهار راه بانک راهپیمایی کردند. صدهانفر از مال باخته‌گان شیشه های شعبه تعاونی آرمان را شکستند. گردهمایی‌های خشمگین و اعتراضی در بروجرد، الیگودرز، درود، الشتر، نورآباد، ازنا و تهران و اصفهان ووو همچنان ادامه یافت.

روز ۶ خرداد در بابل مردم شعار می‌دادند: «مدیر بی کفایت، استعفا استعفا، مفسد اقتصادی مجوز را تو دادی»، «این لانه فساد - سیف مجوز داده» - «مرگ بر کاسپین». تظاهرات در اردبیل با شعار «این بانک

مرکزیه یا مرکز دزدیه»، اعتراض در گرگان با شعار «نترسید نترسید ما همه با هم هستیم»، و در شوش و نور آباد اعتراض صدها تن از مالباخته‌گان با آتش زدن لاستیک و راهبندان در برابر مؤسسه آرمان و تصرف شعبه این مؤسسه در کیو (خرم آباد) و دستگیری رئیس آن به شبکه سراسری اعتراض، چهره‌ای دیگری بخشیدند. روستانشینان جنوب استان تهران با همایش‌های اعتراضی در برخی نقاط تهران و به ویژه رو به روی ساختمان جهاد کشاورزی، به ناپدید شدن دسترنج خود که نزد بنگاه‌های مالی و اعتباری زیر مجموعه سازمان تعاون روستایی سپرده شده بود، سرازیر شدند. سپرده‌های این رنجبران به وسیله‌ی بنگاه مالی و اعتباری ولیعصر و شرکت تعاونی توسعه کشاورزی البرز نیز رבוده شده است. بیش از ۴ سال از شروع فعالیت مؤسسه مالی و اعتباری ولیعصر و شرکت تعاونی توسعه کشاورزی البرز می‌گذرد و بسیاری از ساکنان روستایی شهرستان‌های رباط کریم و بهارستان در این مؤسسه‌ها سرمایه گذاری کردند. یکی از مالباخته‌گان مؤسسه مالی و اعتباری ولیعصر، زنی زحمتکش از روستاهای شهرستان رباط کریم زندگی باسپرده‌ی ۱۳ میلیونی خود، به خبرنگار «تابناک» وابسته به باند دزدان، گفت: این ۱۳ میلیون تومان تمام سرمایه زندگی من بود و من با اعتماد به مجوزی که وزارت جهاد کشاورزی به مؤسسه مالی و اعتباری ولیعصر داده بود، سرمایه ام را در این مؤسسه قرار دادم... سودی که این مؤسسه به من می داد به صورت ماهانه ۲۲ درصد بود، اما از تیرماه امسال دیگر نه تنها سودی به من داده نشد، بلکه الان اصل پول من را نیز پس نمی دهند و می گویند مؤسسه اعتبار برای پرداخت بدهی‌ها ندارد.»

مالبختگان در اعتراضی سراسری با شعار علیه ولایت فقیه و دولت‌اش، حکومت اسلامی را نشانه گرفتند. خامنه‌ای در هراس، جلسه روسای قوای حکومتی (روحانی علی و صادق لاریجانی‌ها) را فراخواند. این نشست اضطراری به میزبانی رئیس قوه قضائیه برگزار شد. جلسه‌ای که یکی از مهم ترین مسائل مطرح در آن بررسی مشکل مال باخته‌گان

مؤسسات اعتباری بود. روز ۲۰ آبان ۹۶ حسن روحانی، مأموریت داشت تا اعلام کند که همراه با «اشاره به بررسی مشکلات مؤسسات اعتباری رامحل پرداخت پول به سپرده‌گذاران از سوی بانک مرکزی را رد کند.» او تاکید کرد «بانک مرکزی هم محذوراتی دارد و نمی‌توان گفت که از پول بانک مرکزی برای حل این مشکلات استفاده کند.» دولت خود شریک راه‌زنان بود.

به این گونه مؤسسات مالی فریب، بدون مجوز از سوی بانک مرکزی و با مجوز که در پی انحلال و ادغام مؤسسات غیرمجاز دارای مجوز بودند، میلیون‌ها نفر و خانواده‌هایشان را به روز سپاه نشانیدند. رئیس‌جمهوری حکومت اسلامی در این جلسه با فریب، مالباخته‌گان را به روش تمامی سران حکومتی و مذهبی به فریب و سراب حواله داد که: «امیدواری مردم کشورمان نسبت به آینده کشور، شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی» رضایت دهند و گفت: «همه رسانه‌ها از جمله رسانه ملی، گردانندگان فضای مجازی و تریبون‌های مختلف، باید متوجه این نکته مهم باشند که تصمیم و هدف قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا و آنچه در منطقه شاهدیم نسبت به ایران، نهایتاً برای این است که مردم را به آینده ناامید و کم‌امید کرده و در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها دچار تردید کنند؛ بنابراین این همه باید هوشیار باشند که در زمین دشمن بازی نکرده و در این دام نیفتند. نشست پیشین سران سه قوه هشتم آبان‌ماه [۹۶] به میزبانی مجلس برگزار شده بود.»

سپتامبر ۲۰۱۷ موسسه «بورگن» که به موضوع مبارزه با فقر در سرتاسر جهان می‌پردازد، اعلام کرد که سطح فقر در پی فساد دولتی و طبقه حاکم بر ثروت‌ها، به شدت بالا رفته است. بنا به آمارهای موجود، تنها ۵ درصد از جمعیت ایران که شامل رهبر و خانواده او و شبکه و وابستگان آنهاست، تمامی دارایی جامعه در ایران را در دست دارند و ۹۵ درصد جمعیت کشور در تنگدستی و فقر به سر می‌برند. خامنه‌ای فرمان آتش به اختیار داده بود. روحانی در روزهای اخیر در کنار سپاه قرا

گرفت و به توهم پراکنان دولت تدبیر و امید نشان داد که او کارگزاری وقیح بیش نیست. صادق لاریجانی، نشسته بر ریاست قوه قضاییه حکومت اسلامی، بر خزانه‌ی مالی ۶۳ حساب خصوصی و سود ۲۵۰ میلیارد تومانی در سال و هزار میلیارد در حساب خود غنوده است. راهی جز سرنگونی انقلابی برای بازگشت زندگی و امید و سازندگی نمانده است.

برخی از شرکت های وابسته به بنگاه مالی و اعتباری مهر:

شرکت کوثر آذربایجان

شرکت کوشا پایدار

شرکت خدمات بازرگانی آینده نگر مهر

شرکت سرمایه گذاری مسکن و عمران مهر

شرکت مهر اقتصاد ایرانیان/شرکت تدبیرگران آتیه

برخی از شرکت هایی که همه یا بخشی از سهام آنها در تصاحب

شرکت های سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان است:

سرمایه گذاری توسعه آذربایجان

شرکت آل‌مینوم ایران

شرکت صنعتی دریایی ایران

شرکت فراوری مواد معدنی ایران

توسعه صنعتی ایران

تراکتور سازی ایران

ریخته گری تراکتور سازی ایران

توسعه معدن روی

فولاد مبارکه اصفهان

داروسازی جابربن حیان

تایدواتر خاورمیانه

بانک پارسیان

شرکت لوله و تجهیزات سدید

تراکتور سازی تبریز
شرکت مهندسی تکنوتار
سرمایه گذاری توس گستر

برخی از شرکت های وابسته به بنیاد تعاون بسیج:

مؤسسه تأمین مسکن بسیج
مؤسسه قرض الحسنه بسیجیان
مؤسسه تأمین اقلام مصرفی بسیجیان
مؤسسه فرهنگی هنری رزمندگان اسلام
مؤسسه خدمات علمی و آموزشی رزمندگان

برخی از شرکت‌ها و نهادهای سرمایه‌گذاری‌یی که همه یا بخشی از سهام
آن‌ها در مالکیت بنیاد تعاون سپاه است (تا ۱۰ خرداد ۱۳۸۹)

مؤسسه فرهنگی- خدماتی ثامن الائمه شرکت آلاله کبود کویر
شرکت بهاران
گروه بهاران
مهندسی آماده بهینه ساز
مواد غذایی خمیر مایه چهار محال و بختیاری
شرکت جهاد خانه سازی
شرکت مخابرات ایران
شرکت ذوب روی اصفهان
صنایع پتروشیمی کرمانشاه
شرکت کشت و صنعت شاداب خراسان
شرکت بازرگانی و صنعتی ایران اطلس کیش
شرکت بهارستان کیش
مؤسسه کوثران

صنایع غذایی مائده
مؤسسه میثاق بصیرت
شرکت مخابراتی موج نصرگستر
شرکت نوید بهمن
مهندسی افق توسعه صابرین
شرکت اندیشه و عمران محیط
شرکت خدمات هوایی پارس
شرکت مهندسین مشاور سازه های پیش ساخته سبک
مؤسسه خدمات بازرگانی مشاوره ای رحیم کمیل
مجتمع خانه سازی رزمنده
شرکت مجتمع خانه سازی سپاهان
صنایع معدنی شهاب سنگ
شرکت سرمایه گذاری شهریار مهستان
شرکت سرمایه گذاری توسعه اعتماد
شرکت پشم بافی بهار یزد
فولاد زاگرس

مؤسسه فرهنگی- خدماتی ثامن الائمه شرکت آلاله کبود کویر

شرکت بهاران
گروه بهاران
مهندسی آماده بهینه ساز
مواد غذایی خمیر مایه چهار محال و بختیاری
شرکت جهاد خانه سازی
شرکت مخابرات ایران
شرکت ذوب روی اصفهان
صنایع پتروشیمی کرمانشاه
شرکت کشت و صنعت شاداب خراسان

شرکت بازرگانی و صنعتی ایران اطلس کیش
شرکت بهارستان کیش
مؤسسه کوثران
صنایع غذایی مائده
مؤسسه میثاق بصیرت
شرکت مخابراتی موج نصرگستر
شرکت نوید بهمن
مهندسی افق توسعه صابرین
شرکت اندیشه و عمران محیط
شرکت خدمات هوایی پارس
شرکت مهندسین مشاور سازه های پیش ساخته سبک
مؤسسه خدمات بازرگانی مشاوره ای رحیم کمیل
مجتمع خانه سازی رزمنده
شرکت مجتمع خانه سازی سپاهان
صنایع معدنی شهاب سنگ
شرکت سرمایه گذاری شهریار مهستان
شرکت سرمایه گذاری توسعه اعتماد
شرکت پشم بافی بهار یزد

فولاد زاگرس

چنگ افکنی سپاه و بسیج بر اقتصاد و جامعه ایران بسیار فراگیرتر و ویرانگرانه‌تر از این فهرست است. دخالت سپاه، در تولید، توزیع، بخش خدمات، بازرگانی، و دلالتی در تمامی رشته‌ها و بخش‌ها اقتصادی و مالی و اجتماعی از کوچکترین تا کلان‌ترین آنها فلاکت و فساد ویرانی آفریده است. یارانه‌های (سوبسید) بی‌دریغ و بی‌حساب، انحصارگری و خودکامگی سپاه، به سان دولتی در دولت، این نیروی سرکوب و استثمار

را به شبه دولت و شبه طبقه ای تبدیل کرده که به طور مستقیم طبقه کارگر را در برابر خود دارد. سوده‌های به دست آمده از استثمار نیروی کار و طبیعت و ربایش و مصادره و دلالی و غارت اموال عمومی جامعه ووو به هزینه پرداخت به سران سپاه و امنیتی ها و نیروهای مزدور، خرید افراد کلیدی در دستگاه‌های حکومتی، نمایندگان مجلس، تبلیغات انتخاباتی، حوزه ها و روحانیت و نیز لابی‌های مختلف در خارج از کشور، رسانه ها، برپایی شبکه‌های تلویزیونی و تبلیغاتی (افزون بر ۲۰۰ تلویزیون) هزینه سنگین سپاه قدس، بدر و پرداخت به حزب الله، جهاد اسلامی، حشد الشعبی، و صدها محفل و نیروی ارتجاعی و آدمکش، پرداخت به شبکه های تروریستی در تمامی کشورها، خرید و تامین سلاح و ارسال با هزینه‌های گزاف برای «حوثی‌ها» در یمن، دیگر گروه های تروریستی در بحرین، عربستان، عراق، کویت، کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و اروپایی ووو

با برکناری باند احمدی نژاد از مرکز قدرت سیاسی، گوشه ای از ماهیت مافیایی حاکمیت اسلامی آشکارتر شد. در ۲۲ شهریور ۱۳۹۶ **وبگاه دولت بهار** (خبرگزاری باند احمدی نژاد- مشایی، بقایی) به نقل از حمید بقایی اتهام «دریافت مقدار زیادی ارز از یک نهاد نظامی» را تکذیب کرد. در ۲۵ تیر ۱۳۹۶ **غلامحسین محسنی اژه‌ای** در یک کنفرانس خبری اتهامات حمید بقایی را «تصرف غیرمجاز، اختلاس و تبانی در معاملات دولتی» اعلام کرد. یکی از اتهام‌ها بنا به کیفرخواستی بود که از سوی اطلاعات سپاه صادر شده بود. در این تکذیبیه، بدون آنکه نامی برده شود، نام قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس به میان آمد. بقایی گفت اگر اتهامی هم وارد باشد، «متوجه آن نهاد نظامی و مسئولین ذیربط آن بوده». موضوع به آخرین روزهای دولت احمدی نژاد باز می گردد که قاسم سلیمانی به بقایی می سپارد که بین سران شبکه های تروریستی که زیر نام «جنبش عدم تعهدها» به تهران آمده بودند، تقسیم شود. در اوائل آذر ۱۳۹۶ «**سردار پورمختار**» نماینده **اصولگرای مجلس نهم** و دهم و عضو کمیسیون قضایی

و حقوقی مجلس بقایای را متهم کرد که ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار یورو و ۵۳۰ هزار دلار مربوط به این گروه ها مفقود شده است، به گفته بقایای در جایی ثبت نشده و رسیدی نیز دریافت نداشته است.

روز ۲۰ بهمن ۱۳۹۶ بقایای اعلام کرد: اگر ادعای اطلاعات سپاه صحیح است چرا فرماندهان سپاه قدس که بی حساب و کتاب بدون اخذ سند و رسید به اینجانب ارز داده‌اند دادگاهی نمی‌شوند؟! سپاه قدس باید شاکی باشد که نیست ... آیا تاریخ مصرف برخی به پایان رسیده و قرار است بزودی تصفیه‌هایی در سپاه صورت بگیرد و اینجانب هم باید بهانه و قربانی اختلافات درونی سپاه شوم؟ بقایای 'معاون اجرایی رئیس جمهور یعنی احمدی نژاد در دولت دهم، رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰) و دبیر «شورای عالی مناطق آزاد کشور و ویژه اقتصادی» و اکنون به بهانه یاد شده در زندان با محکومیت ۱۵ سال زندان، شلاق و بازگرداندن پول ها... به جرم پرداختن پول دریافتی از قاسم سلیمانی برای پرداخت به سران و نمایندگان گروه های اسلامی و تروریستی در سمینارهای تهران. احمدی نژاد که اینروزها تنها مانده است، تهدید به افشاگری کرده و در آخرین نامه خود و نیز به بیان بقایای در نامه‌ای سرگشاده منتشر کرده است که: چرا قاسم سلیمانی که فرمادهی سپاه قدس است باید این پول را بپردازد، این پول از کجا آمده است؟ چرا باید به بقایای سپرده شود؟؟ شواهد و مدرک پرداخته نشدن پول از کجا به دست آمد .

بقایای سرانجام، در رقابت و درگیری باندهای حکومتی، به اتهام تصرف غیرقانونی در اموال دولتی شامل ۷۰۳ سکه تمام بهار آزادی، ۱۸۴۲ قطعه نیم سکه، ۱۵ سکه دو و نیم، مبلغ ۲۱۰۰۰/۱۷۵/۳۰۰ ریال و جوه نقدی و ۰/۰۰۰/۴۵۲/۵۱۰ تومان کارت هدیه به پانزده سال حبس و جزای نقدی، بابت اختلاس به مبلغ ۳/۷۶۶/۵۰۰ یورو و ۵۹۰ هزار دلار به پانزده سال حبس و جزای نقدی معادل ۴۳۳ میلیارد و ۲۱۲ میلیون ریال و انفصال دائم از خدمات دولتی و رد مال در حق دولت محکوم شد. حکم

صادره را اسفندیار رحیم مشایی، دستیار احمدی نژاد در برابر سفارت انگلستان سوزانید. این اقدام سمبلیک به آن نشانه بود که صادق لاریجانی و دستگاه قضایی زیر حاکمیت خامنه‌ای از انگلستان دستور می‌گیرد و این رای از انگلستان است. اسفندیار رحیم مشایی فردای همان روز دستگیر شد.

امپراتوری مالی خانواده ی صدر هاشمی‌نژاد

سید محمد صدر هاشمی‌نژاد، از روستای هنزاء در استان کرمان، صاحب بانک اقتصاد نوین، نخستین بانک خصوصی در جمهوری اسلامی ایران، در آغاز به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، فردی گمنام و بی چیز بود. این خانواده همانند لمپن‌هایی همچون رفیق دوست‌ها، شمخانی‌ها، قالیباف‌ها و... پیوسته به خمینی، در همدستی با سران حکومتی و با برخورداری از پشتیبانی فرماندهان سپاه و امنیتی‌ها و همدستی با قاسم سلیمانی‌ها و... به یکی از امپراتوران مالی تبدیل شد.

محمد صدر بدون یک ریال دارایی، دلالی سران حکومت اسلامی می‌پذیرد و به حلقه نزدیک می‌شود. وی در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «بدون هیچ دارایی، ساعت ۵ صبح با اتوبوس به تبریز می‌رسید (دانشگاه تبریز) به حمام عمومی می‌رفت و خود را با روزنامه خشک می‌کردم (اوایل سال‌های ۱۳۶۰ است) هیئتی را دعوت کرده بودند، ۷ تا ۸ هزار تومان لازم بود تا داشته باشیم و نداشتیم به خانه آمدم و مانند ماتم زده‌ها نشستیم. مادر خانم گفت چی شده؟ ماجرا را گفتم و آن پول را برایم تهیه کرد، خدا خیرش بدهد و به تهران رفتم... با آن وضع مالی آغاز کردیم» با همان پول... پروژه پل سازی در خدمت پیشبرد جنگ ارتجاعی را شروع می‌کند. جنگ برایش رحمت می‌شود، همانگونه که خمینی گفته بود. بنیاد مالی شبکه می‌دواند و دست در دست شاخه‌های مختلف حکومتی در سال ۱۳۶۴ در اتوبان سازی ... «ما شدیم اولین پیمانکاری جمهوری اسلامی در خارج کشور.» و «خدا کمک کرد و آن پروژه خوب از در آمد و ما

همگی نو و نوار شدیم.» محمد صدر می‌گوید من «اصول‌گرا هستم و با آنان چفت هستم.» به موازی شرکت‌های گوناگون دست در دست سپاه، برپا می‌سازد، از جمله سرمایه‌گذاری برای برپایی نخستین پالایشگاه خون و فرآورده‌های خونی برای تولید داروها و درمان در کشورهای اسلامی. این شرکت، نخستین و بزرگترین قطب دارویی دنیا می‌شود که از خون مسلمان برای مصرف در کشورهای اسلامی یا برای مسلمانان استفاده می‌شود. شبکه صدر، مافیای اقتصادی حکومت را شریک می‌شود. اقتصاد کل ایران، در کنترل مافیای حکومتی و دولت و مافیای بینابینی که به این باند سپاه‌ولی فقیه- دولت، خدمت می‌دهد. این ثروت افسانه‌ای، در درازای ۱۵ سال با مکیدن خون توده‌های کار و زحمت و به هزینه فقر عمومی جامعه در دست خانواده دلال صدر متمرکز می‌شود. پروژه‌های صدر، در خارج از ایران، همه پروژه‌هایی حکومتی بوده و همه سیاست خارجی حکومت اسلامی را در حوزه‌های مالی وظیفه مند بوده‌اند. نمونه خانه سازی بدون مشارکت و فرمان سپاه قدس، در کربلا و بصره قابل تصور نیست. برای انتقال اسلحه قاچاق به یمن، مجتمع تجاری و مجلس را می‌سازد و در ساخت بندر قاچاق سلاح برای حوثی‌ها و ادامه جنگ داخلی و نیز تهدید عربستان و به خطر انداختن باب‌المنذب، یعنی شاه‌رگ دریایی صدور نفت عربستان، صدر وظیفه مند می‌شود. پروژه‌های خارج کشوری جمهوری اسلام بیشتر برای بده بستانهای سیاسی انجام می‌گیرد، نمونه‌ی پروژه‌های آمریکای لاتین. در نیکاراگوئه، هندوراس، بولیوی در ونزوئلا ... حکومت اسلامی در این کشورها با پرداخت وام‌های کلان و هرگز غیرقابل بازپرداخت، با میانجی‌گری صدرها، سیاست دور زدن تحریم‌ها، پولشویی، پیشبرد شبکه مواد مخدر و خرید پشتوانه رای‌های این کشورها به سود خویش در سازمان ملل را مد نظر دارند. وام نیم میلیارد دلاری به نیکاراگوئه که بازگردانده نشد و به جای آن صدور پشم گوسفند به ایران پیشنهاد شد، نمونه‌ی این پروژه‌ها و چنین اهدافی است. این پروژه‌ها به تنهایی، برای حکومت اسلامی، سود اقتصادی چندانی در بر نداشته بلکه

اهداف سیاسی و بستری برای پیشبرد دیگر اهداف باندهای حکومتی را پی‌می‌گیرند. حکومت اسلامی، در برهه‌ی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، در مشارکت با شرکت نفت و نزونلا پروژه خانه سازی‌ها و شهرک‌سازی‌ها به پیش برد که با ورشکستگی دولت پوپولیست بولیواریستی، پولی بر نگشت، ولی صدر به پولهایش می‌رسید و خدمات سپاه را به پیش می‌برد.

در این داد و ستدها با آمریکای لاتین، رژیم به رابطه و پشتیبانی دولت‌های آن سامان نیاز داشت به ویژه هنگامی که برای پیشبرد پروژه انرژی هسته در تحریم بود و برای دور زدن تحریم‌ها برای خرید سلاح و پولشویی و تبدیل پول‌های برای انتقال به خانه سازی‌ها و وام و فعالیت در آمریکای لاتین نیاز داشت. برای نمونه، فاکتورهای خانه‌های ساخته شده را دو برابر می‌ساخت تا در پولشویی و انتقال پول‌ها راه‌گزی‌هایی جستجو کند. شبکه‌های حزب الله و ارتباط با کارتل‌ها و ترافیک و تولید مواد مخدر از افغانستان تا توزیع مواد، در اروپا و آمریکا یکی از شبکه‌های مالی باندهای حکومتی و نقش کارگزاران دلال‌های مالی همانند صدرها بوده است. مدرک‌های زیادی در دست است که شبکه‌های حزب الله و سپاه در آمریکا و اروپا در پویند با باندهای مافیایی مواد مخدر در داد و ستد بوده است. این فعالیت‌ها که به سالهای نخستین جنگ ۸ ساله با عراق بازمی‌گردد و به ایران گیت شناخته شد، نمونه مک فارلن و سرهنگ نورث از سوئی و در سوی دیگر دولت رفسنجانی و تایید خمینی رابطه با شبکه‌های مواد مخدر و ضد انقلاب در نیکاراگوئه (کنترا) در ادامه خود به شبکه مواد مخدر حزب الله و بازگشت بخش عمده‌ای از درآمد به حزب الله لبنان به رهبری سید نصرالله رسید. شبکه صدر، رضا ضراب، بابک زنجانی‌ها در این میانه، نقش کارگزاران سپاه و بیت رهبری و دولت در خدمت پولشویی و دور زدن تحریم‌ها نقشی حیاتی دارند.

در همین رابطه است که در سال ۸۵ بانک اقتصاد نوین خانواده صدر، تحریم می‌شود و پس از برجام دوباره فعالیت خود را از سر می‌گیرد. و به این گونه در فاصله‌ی ۱۵ سال، پس از آن روزها در تبریز،

شبکه فساد استراتوس، صاحب ۶۰ شرکت در تمامی زمینه های بانکی، صنعتی، بازرگانی و دلالی می شود. مهدی شمس یکی از میانجی‌گران مالی حکومت اسلامی و مهره‌کلیدی شبکه فساد زنجانی- صدر- ضراب و حکومت اسلامی است. وی فرد شماره دوم پرونده بابک زنجانی و اکنون برای ربودن تمامی اموال دریافتی از سهم فساد در زندان حکومت اسلامی است. مهدی شمس، عضو هیئت مدیره «کاپیتال پیلاتوس» واسطه گر مالی است. این بنگاه مالی در انگلستان در (۱۳۸۷ خ) ۱۶ ژوئن ۲۰۰۸م تاسیس شد و در ۲۷ اکتبر ۱۳۹۴ به دستور مقامات انگلستان منحل می‌شود. مهدی شمس ۷ ماه پیش از انحلال بانک، در رقابت باندها دستگیر می‌شود. ۷ ماه بعد پیلاتوس اما در لندن همچنان به ریاست صدر هاشمی نژادها کار می‌کرده است. از ۶ نفر عضو هیئت مدیره، دو نفر آنها که یکی زن و دیگری مردی با نامهای اروپایی هیچ نشانی نیست. حمید رضا قنبری ساکن دبی، ملیت دومینکن، جان جفری دوو دال ملیت انگلیسی، مهدی شمس با پاسپورت انگلیسی، ساکن انگلیس و چندی در آنجا به زندان افتاد و کارگزار خامنه‌ای است. علی صدر، دارای گذرنامه کشور «سنت کیتس» که جزیره‌ای است در دریای کارائیب و اقیانوس اطلس با مساحت ۲۶۰ کیلومترمربع و جمعیتی نزدیک به ۵۲ هزار نفر! کارگزاران حیات بخش حکومت اسلامی چند تابعیتی از انگلستان گرفته تا مالت و جزیره سنت کیتس به اندازه یک میدان فوتبال، پراکنده می‌شوند تا چرخ‌های خونین اربابهی آدمخوار حکومت اسلامی را به چرخش آورند. پرونده علی صدر هاشمی نژاد اکنون دارای دو بخش آمریکای لاتین و بخش شرکت‌های پولشویی در اختلاف‌های سرمایه جهانی گشوده شده است. علی صدر با دو پاسپورت و چند تابعیت، با ایجاد شرکت‌هایی در سوئیس و امارات و مالت وووو برای انتقال پول و پولشویی نقش مهمی در این شبکه جهانی فساد و خلاف داشته است. مهدی شمس در این شبکه، مهره‌ای ویژه و کار کشته است. وی در سال ۲۰۰۵ مسئول کشتی ایران در لندن می‌شود و با مالت رابطه می‌گیرد تا راهی برای دور زدن تحریم‌ها بیابد.. در این برهه به

یاری وی، کشتی‌های جمهوری اسلامی با پرچم مالت در رفت و آمد هستند. مهدی شمس، شرکتی جدید، به نام «جان دالی» دختر وزیر خارجه مالت برپا می‌کند که افشا می‌شود. شرکت «سیریوس» که سپس پیلاتوس نام می‌گیرد در واقع در مالت، به وسیله شمس برپا می‌شود که پیلاتوس نام می‌گیرد. در ژانویه ۲۰۱۴ بانک پیلاتوس به دست نخست وزیر مالت گشایش می‌یابد. حمید رضا قنبری، مدیر بانک می‌گردد. سرمایه‌اولیه بانک، ۸ میلیون دلار بوده است که با پولشویی منتقل شده از ونزویلا برآورده می‌شود. شرکت پرس فینانس در سوئیس، وابسته به باند پولشویی، یکی از مراکز انتقال است. شرکت هاشمی نژاد، با برپایی شرکت های مجازی و نامها و حساب بانکی‌گوناگون نقش رژیم را پولشویی‌ها و خانه سازی‌ها پنهان سازد. بانک‌هایی در سوئیس و ترکیه مبلغ ۱۱۵ میلیون دلار را از مجرای بانک «مسکن ایران» و بانک «اقتصاد نوین» که در مالکیت صدر هاشمی نژاد است به ایران وارد کرده است. بانک پیلاتوس دستکم سه پرونده فساد را در پرونده دارد. در سال ۲۰۱۵ اسنادی به نام «اسناد پاناما» در جهان بازتاب یافت که نام بانک پیلاتوس در میان بانکی بود که نامهای سران کشورها، سیاستمداران و عناصری را پوشش می‌داد و به فرارهای مالیاتی و پولشویی و جرمهای مالی دست زده بود. پولشویی‌ها از طریق پیلاتوس انجام می‌شده و در برخی موارد به ویژه «میشل موسکا»، همسر نخست وزیر مالت دریافت کننده پولهای واریز شده از باکو به بانک علی صدر بوده است. بانک پیلاتوس خلافکاران جهان را از دولتیان باکو نمونه علی اف‌ها در آذربایجان گرفته تا دیگر دزدان جهانی به هم پیوند می‌داده است. از جمله آشکار شد که شرکت هنلی و شرکا (Henley and Partners) شرکتی برای تهیه پاسپورت و ملیت و اقامت برای صدها تن از سارقین جهانی، خلافکاران و سران سپاه و مامورین تروریست حکومت اسلامی در «سنت کیتس»، «مالت» و کشورهایی همانند برای گرفتن شهروندی و گذرنامه و ترانزیت به کشورها و ماموریت‌های دلخواه، دست در دست باند علی صدر و پشتیبانی حکومت اسلامی شبکه‌ی مافیایی را

همراهی می‌کرده است. این شرکت تهیه گذرنامه و شهروندی درسویس در همان ساختمانی دفتر دارد که شبکه صدر دفتر دارد و با ایجاد رابطه خانوادگی، سفارش‌های صدر و شبکه حکومت اسلامی را به انجام می‌رسانیده است. انحصار سرمایه‌گذاری‌ها را سر و سامان می‌داده و برای تهیه گذرنامه مالتی، یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار دریافت می‌کرده. علی صدر برای پیشبرد اهداف و ماموریت‌های خویش بدنام‌ترین و ضرورت‌ترین عناصر، از ملیت‌های مختلف را پیرامون خود گرد آورده بود. هزینه‌ها و پرداخت‌ها، همه به بانک علی صدر واریز می‌شده تا هزینه‌های تهیه پاسپورت، شهروندی، دلالی، رشوه، پرداخت‌ها برای ترور و سلاح، داد و ستد مواد مخدر، برای عبور و مرور و اقامت و مقامات رژیم و تروریست‌ها با نام‌ها و گذرنامه‌های جعلی، ووو نمونه فرار محمودرضا خاوری، رئیس پیشین بانک ملی با سه هزار میلیارد تومان اختلاس و فراری به کانادا نمونه‌هایی از نقش و ماموریت‌های این شبکه‌های میانجی به شمار می‌آیند.

اختلاس از بنیاد شهید

بانک دی در سال ۱۳۸۹ به مالکیت «بنیاد شهید» و «ایثارگران» یا در واقع مافیای سپاه برپا شد و اینک به صورت شبکه‌ی مالی، اقتصادی و سهامدار تبدیل شده است. این شبکه‌ی کلاهبرداری، در حال گسترش سرمایه و شعبه‌های خود در سال ۱۳۹۱ افزایش سرمایه به مبلغ هزار میلیارد افزایش یافت. بانک دی در رتبه‌بندی ۱۰۰ شرکت برتر ایران در جایگاه ۱۵۶ام قرار دارد و در سال ۱۳۹۵ با امضای قراردادی دو ساله با **فدراسیون والیبالی ایران** از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ پشتیبانی مالی تیم‌های ملی ایران را به عهده گرفت. به اینگونه سپاه در تمامی رشته‌های مالی تا ورزشی همانند شبکه‌ی مافیایی ریشه دوانیده است. بنگاه مالی «توسعه دیدار ایرانیان»، شرکت تجارت الکترونیک دی، بیمه دی، شرکت عمران

و مسکن آباد دی، شرکت آتیه سازان دی، صرافی دی، شرکت لیزینگ دی ووو از جمله شرکت های وابسته به این بنیاد مالی و فساد گزارش شده اند. شبکه ای در سال ۲۰۱۱ در جمهوری آذربایجان کشف شد که از ایران و آمریکای لاتین و اروپا و ترکیه گسترش داشت و به حزب الله لبنان می‌رسید. شبکه صدر و همراهان در کارگزاری انتقال پول به حزب الله از کانالهای بانکی خود نقش اساسی داشتند.

خانواده صدر هاشمی‌نژاد با بیش از ۶۰ شرکت، نقش گسترده‌ای در اقتصاد مافیایی -رانتی جمهوری اسلامی ایران دارد. شبکه ی مالی این خانواده در مالت، یمن، جیبوتی، دوبی، ترکیه، سوئیس و جزایر ویرجین، ونزوئلا، نیکاراگوئه، مالزی، آمریکا، کانادا و... گسترش یافت. سید علی صدر هاشمی نژاد، ۳۸ ساله، فرزند سید محمد، صاحب بانک پیلاتوس با سرمایه گذاری در جزیره سنت‌کیتس و نویس، شهروندی این کشور کوچک را به دست آورد و به این گونه، اجازه‌ی تاسیس بانک «پیلاتوس» را در جزیره مالت گرفت.

محمد صدر هاشمی نژاد (پدر)، در سال ۱۳۸۰ هولدینگ «استراتوس» که بیش از ۶۰ شرکت را در بر می‌گرفت، به سان بزرگترین شرکت ساختمانی در جمهوری اسلامی را نیز به پا کرد. راه آهن اصفهان - شیراز، پل معروف روی دریاچه‌ی سد کارون، سد تالوار، ارسباران، سد آزاد در کردستان، اتوبان قم - کاشان و... از جمله پروژه هایی بودند که بدون استاندارد و کارشناسی های ایمنی و تنها برای سود افزایی به محمد صدر واگذار شدند.

سپس در پاکستان نخستین پروژه برون مرزی خود را آغاز کرد. او با برپایی شهرک سازی‌های بی کیفیت و بی بنیاد و پی و سازه، در ونزوئلا پروژه ی خانه سازی را موازی با شرکت کیسون به کنترات گرفت. وی لوحه افتخار «صادرکننده نمونه» را از رئیس جمهور وقت، محمد خاتمی، دریافت کرد. با جایگزینی محمود احمدی نژاد، فعالیت‌های برون مرزی «استراتوس» افزایش یافت. قرار داد مسکن سازی بین دولت ایران به

ریاست محمود احمدی نژاد و شرکت نفت و ونزولا برای ساختن ۷ هزار واحد مسکونی امضا شد. علی صدر هاشمی نژاد، ریاست کمیته اجرایی این پروژه را به عهده گرفت. از جمله، شهر جدید اوهدا در ونزولا شامل ۱۲،۰۰۰ واحد مسکونی و پروژه ساخت ۷۰۰۰ واحد مسکونی به ارزش ۴۷۶ میلیون دلار در ونزولا توسط «شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان»، زیر مجموعه «استراتوس»، رابطه چاوز رهبر پیشین ونزولا با احمدی نژاد یا به بیانی دیگر حضور حکومت اسلامی در آمریکای لاتین را گسترش می‌داد و استوار می‌ساخت. در ادامه، این شرکت ساختن ۲۴۵ واحد مسکونی در کربلا، ۴۶۵ واحد مسکونی در بصره و فرودگاه «سقطرا» در شهری به همین نام (Soctra) در یمن را نیز به عهده گرفت. ساختمان مجلس جدید کشور جیبوتی و یک مجتمع تجاری در این کشور آفریقایی یکی از پروژه های جنجالی هلدینگ صدر بود. مجلس جدید جیبوتی به دست علی لاریجانی گشوده شد. نقل و انتقال پولی برای خرید چهار فروند هواپیمای دست دوم از دیگر فعالیت‌های پولشویی «پیلاتوس» در کشور مالت است. هر چند «پیلاتوس» هنوز نمی‌توانست به سان بانک به فعالیت پردازد، اما به عنوان مؤسسه مالی در جزیره مالت به ثبت رسیده بود و می‌توانست در نقل و انتقال پول های قاچاق نقش مهمی داشته باشد. در آن روزها، شرکت هوایی «ماهان» که از سوی سپاه، در انتقال تسلیحات و نظامیان به سوریه نقش مهمی داشت، در سال ۲۰۱۴ با همکاری یک شرکت هوایی خصوصی در مالت، شرکت «های فلای»، خرید ۴ هواپیمای بوئینگ دست دوم را از «بریتیش ایرویز» انگلستان به پیش برد. گزارش شده است که شرکت هواپیمایی خصوصی «الناصر» عراق نیز در نقش دلال و میانجی این خرید دست داشته است.

رابطه با نیروهای قدس

هلدینگ «استراتوس» پروژه های سست بنیاد و پرسود ده‌ها اتوبان و سد را در ایران در همکاری با قرارگاه خاتم‌الانبیاء، وابسته به سپاه پاسداران به پیش برد. که خشکسالی و مرگ آفریدند. باند صدر، با چراغ خاموش در شبکه ی مافیایی سپاه قدس و کارتل های مالی و تجاری خاتم الانبیاء و همدستی با باهنر (دستیار علی لاریجانی در مجلس)، دیگر برادران لاریجانی‌ها، قاسم سلیمانی‌ها (فرمانده سپاه قدس) و... به یک شبکه جهانی- مافیایی تبدیل شد که رضا ضراب‌ها و بابک زنجانی‌ها که هر دو در سطحی بسیار نازل تر از سید علی صدر در رقابت جناح ها و سرمایه های جهانی به زندان افتاده اند، مدیریت مافیای مالی حکومت اسلامی را کارگزاری می کرد.

مافیای صدر در مالت افشا شد. «دافنه کاروانا کالیسیا»، خبرنگار زن شجاع مالتی که برای نخستین بار پرده از فعالیت های غیرقانونی بانک پیلاتوس و صدر هاشمی نژاد برداشت، جواز مرگ خویش را امضا کرده بود. او به همان شیوه‌ای به قتل رسید که مهندسین اتمی رژیم در تهران به دست حکومت اسلامی به قتل رسیدند. انفجار بمبی که به خودرو دافنه بسته شده بود، او را قطعه قطعه کرد.

«دافنه کاروانا گالیسیا» در نوشتارهایی از اقدامات بانک پرده برداشت و رشوه‌های میلیونی سید علی رضا صدر هاشمی‌نژاد به نخست وزیر کنونی مالت را افشا کرد. «ماریا آفیموا»، کارمند روس‌تبار بانک «پیلاتوس» برخی از اطلاعات را در اختیار دافنه کاروانا گذرده بود. بنا بر افشاگری ها، هاشمی‌نژاد در دو مورد به حساب شرکت پانامایی «اگرانته»، که «میشل»، همسر «جوزف موسکات»، نخست‌وزیر کنونی مالت، از جمله شرکای آن است، پول واریز کرده بود. یک میلیون دلار از این رشوه‌ها از سوی مشتریان بانک از جمهوری آذربایجان و خانواده غلی اف به حساب

شرکت پانامایی یا در واقع همسر نخست وزیر مالت ریخته شده بود. دو میلیون دلار نیز به آمریکا برای خرید خانه شخصی خود وی منتقل شد. همزمان ۴۰۰ هزار دلار دیگر از یک میلیون دلار را بانک «پیلاتوس» از حساب «شرکت نگارین» به نام نگار صدر، خواهر سید محمد رضا، از راه بانک پیلاتوس به حساب همسر نخست وزیر مالت واریز شد. شرکت نگارین در رشته مدلینگ، در بریتانیا به ثبت رسیده اما فعالیت‌های مد و طراحی خود را در ایالت کالیفرنیا متمرکز کرده است. خانواده سید صدر، این دست راست حکومت اسلامی و شریک سپاه قدس و سلیمانی و خامنه‌ای، در حالی شبکه مدلینگ خود را در بریتانیا تا کالیفرنیا و به کمک دلالی و رانت های اسلامی شبکه مافیایی خانواده به پیش می برد که زنان در ایران در صورت بیرون آوردن شال و روسری اجباری، دستگیر و شکنجه و مورد تجاوز مامورین رژیم قرار می گیرند.

اینک، سیدعلی صدرهاشمی نژاد متهم است که با برپایی شرکت‌های دروغین و روی کاغذ و حساب‌های بانکی متفاوت، ۱۲۵ میلیون دلار پول از ونزوئلا به جمهوری اسلامی ایران منتقل کرده و تحریم ها را زیرپا گذارده است. در پی افشاگری های دافنه و ماریا اَیموا، و قتل دافنه، و فرار ماریا که پس از گفتگو با دافنه کاروانا گالیسیا، مالت را ترک کرد و به قبرس رفت و درخواست پناهندگی کرد، می تواند پرونده ی دیگری از تروریسم حکومت اسلامی را بازگشاید. ماریا اَیموا همزمان با دستگیری سید محمد هاشمی نژاد در آمریکا، با شکایت ناگهانی یک شرکت روسی همدست حکومت اسلامی بازداشت و هم اکنون در حومه شهر آتن در زندان است. شرکت روسی که مرکز آن در قبرس است و ماریا اَیموا را پیش از استخدام در بانک «پیلاتوس» در استخدام داشته، چهار سال پس از استعفا و چندسال پس از افشاگری های دافنه کاروانا گالیسیا، از او به اتهام اختلاس شکایت کرده. اتهام ماریا اَیموا برداشت نزدیک به ۵ هزار یورو بدون اجازه از حساب شرکت روسی است که چهار سال بعد و هنگام بازداشت صدرهاشمی نژاد با شکایت شرکت روسی بازداشت می شود. این

شکایت، نشان‌دهنده همدستی شرکت روسی و باند هاشمی‌نژاد است یا در واقع بیانگر همدستی حکومت روسیه و حکومت اسلامی در فساد و تروریسم است.

سیدعلی‌رضا صدر هاشمی‌نژاد، سرانجام در آخرین هفته‌ی مارس ۲۰۱۸ در آمریکا به اتهام پولشویی و دور زدن تحریم‌ها بازداشت شد. وی در صورت ثابت شدن اتهامات وارده، ۱۲۵ سال زندان در پیش روی دارد. میادله‌ی مهره‌های مافیا و، سناریو دیگری است که رضا ضراب‌ها و هاشمی‌نژادها را به اقدامات حکومت اسلامی امیدوار می‌سازد.

بابک زنجانی

بابک مرتضی زنجانی (ب. ز) (زاده‌ی سال ۱۳۵۳، بسیجی و با برخورداری از استعداد دلالی کلان و بازی در شبکه‌ی فساد حکومتی، به زودی به یک بازرگان و میلیاردر بزرگ خاورمیانه تبدیل شد. مدیرعامل گروه تجاری و مالی «سورینت» و صاحب بزرگترین شبکه‌ی زنجیره‌ای در ایران شد و در ترکیه و مالزی و تاجیکستان گسترش یافت. با پایان یافتن کارگزاری باند احمدی‌نژاد در پست ریاست جمهوری، دلال نفتی حکومت اسلامی و سپاه باید قربانی می‌شد تا دولت «تدبیر و امید» مشروعیت یابد. زنجانی در سال ۱۳۹۲ با فراخوان دادستانی کل کشور به اتهام بدهی بیش از دو و نیم میلیارد یورو به وزارت نفت و بانک مرکزی و نیز جعل اسناد بانکی با پرداخت رشوه به بانک ملی تاجیکستان بازداشت شد. نام وی در پرونده رضا ضراب، دلال تاجر ایرانی- ترکیه‌ای دستگیرشده در ترکیه به اتهام قاچاق طلا گره خورد. رضا ضراب در دادگاه ترکیه اعتراف کرد که وی زیر فرمان بابک زنجانی بوده و هیچ اختیاری نداشته‌است.^(۴۲)

^{۴۲})Entekhab.ir. ۲۰۱۴-۰۸-۲۸.

رسانه تسنیم وابسته به سپاه به نقل از هفته‌نامه «آسمان»^{۴۳} به ادعای زنجانی، وی زمان سربازی به سپاه اردکان اعزام و چون مرتب‌تر بود و تمیزتر می‌نوشت به قرارگاه فرماندهی سپاه منتقل شد. وی می‌افزاید در اردکان یزد، در دیدار ۱۳ تا ۱۴ ماه با دیدار اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور سابق (که خود در استخر به‌گونه‌ای مشکوک در شرایط حساس درگیری باندهای حکومتی جان سپرد) از قرارگاه سپاه و تأکید بر نیاز برخی مراکز، از جمله بانک مرکزی به سرباز، وی را به عنوان سرباز به بانک مرکزی تهران می‌فرستند. چندی بعد راننده محسن نوربخش، رئیس وقت بانک مرکزی می‌شود. او در آنجا در کنار رانندگی، ثبت نامه‌های بانک را به عهده می‌گیرد. در این دوره صاحب چند کارت بانکی می‌شود و پس از پایان دوره سربازی به دلیل اینکه «صاحب چند کارت» برای دلالتی بانک مرکزی بود، تصمیم می‌گیرد در تزریق دلارهای بانک مرکزی برای کنترل بازار فعالیت کند. زنجانی می‌گوید، نخستین ارزی که از بانک مرکزی برای توزیع گرفته ۱۷ میلیون دلار بوده؛ کارمزدی که بابت توزیع آن دریافت کرده ام ۱۷ میلیون تومان بوده‌است. او هر روز ۱۷ میلیون دلار از بانک می‌گرفت و پخش می‌کرد و ۱۷ میلیون تومان هم سود دریافت می‌کرده‌است.

زنجانی پس از درگذشت نوربخش تصمیم می‌گیرد دلال «سالامبور» (پوست دباغی) پوست گوسفند به خارج از ایران می‌شود. وی پوست گوسفندان را می‌خرد، سپس دباغی کرده و به ترکیه می‌فرستد. زنجانی می‌گوید، در نخستین کانتینری که به ترکیه فرستاد هر «سالامبور» برایش نیم دلار تمام شد؛ اما آن‌ها را در ترکیه به ۱۹ تا ۲۰ دلار فروخت و پولش یک‌باره چندبرابر شد. او کارش را با ۵ هزار پوست شروع کرد و

^{۴۳} (<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/10/28/1299030>)

سودهای کلانی عایدش شد؛ همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه در سال ۱۹۹۶ میلادی ورشکست شد و به زندان افتاد.^{۴۴}

«نقطه عطف زندگی‌اش، سربازی در سپاه و رانندگی برای محسن نوربخش، گفته می‌شود که داستانی ساختگی است. اما خبرگزاری تدبیر این روایت و حتی تاریخ‌های ذکر شده را جعلی دانسته است و ثروتمند شدن او را از سال ۹۰ و استفاده از روابط رانتی می‌داند.^{۴۵} در فروش پوست گوسفند ورشکسته می‌شود و به زندان می‌رود. این نخستین بار نیست، در کلاس راهنمایی و ارز فروشی در بازار در نوجوانی آنگاه که دانش‌آموز دوره راهنمایی بود دستگیر شده بود. این بار بالغ شده است، و همانند مرتضی رفیقدوست، مسئول فروشگاه زندان می‌شود. به زودی از زندان به ماموریت فرستاده می‌شود و از راه کوه به ترکیه می‌رود و بر می‌گردد. این بار شرکت‌هایی در ترکیه و امارات و مالزی و تاجیکستان برپا می‌کند. و شبکه‌ی زنجیره‌ای هتل‌های سورینت را برپا می‌سازد. گروه هتل‌های سورینت یکی از شرکت‌های وابسته به هلدینگ توسعه سورینت قشم بود. وی از دست رفسنجانی و خاتمی و روحانی و دیگر سران رژیم جایزه کارآفرین «سرمایه‌دار» لوح طلا و جایزه‌های گوناگون دریافت می‌کند. ۳۹ ساله است با افزون بر ۷۰ شرکت در ایران و دیگر کشورها. گفتگو برای خرید نقد باشگاه پرسپولیس از دیگر سران باند سپاه به گفته خود وی با ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان نقد در میان است تا به‌مانند قدرتمندترین سرمایه‌دار با سران سپاه در تصاحب باشگاه‌ها رقابت کند و پرسپولیس را

^{۴۴} (گزارش‌های سریالی «تدبیر» از جزئیات عملکرد «میلیارد کاغذی» (بخش نخست/تولد میلیارد در کیش))، تدبیر، ۲۳ دی ۱۳۹۲

<http://www.tadbirkhabar.com/economy/۱۱۱۴۵> .

^{۴۵} (بابک زنجانی-هیچ وقت- /۳۵۲۰۶۵/https://www.tabnak.ir/fa/news) راننده نوربخش-نیوده است

در کنار باشگاه راه آهن قرار دهد. می‌گوید ماهیانه ۲۲ میلیون تومان حقوق به ۱۷ هزار کارگر و کارمندان خود می‌پردازد، یعنی ماهیانه نزدیک به یک میلیون تومان به هریک و چندین برابر منهای زیر خط فقر! نام وی در میان ۵ ثروتمند بزرگ ایران اعلام می‌شود. گروه هتل‌های سورینت از هجدهم خرداد ۱۳۹۰ در «منطقه تجاری آزاد» قشم آغاز شد و تا پیش از واگذاری اموال بابک زنجانی به عنوان بدهی، در مالکیت خود او بود. هتل سورینت صدف در کیش، هتل سورینت مریم و طرح ساخت هتل سورینت مریم ۲ و نیز هتل در حال ساخت سورینت قشم در مجموعه هتل‌های گروه سورینت قرار داشتند.

بابک زنجانی در آغاز ورود به بازار اقتصادی در سال ۱۳۸۳ در شرکت صنایع غذایی «ثامن گوارای» کیش با سرپاسدار سید مرتضی میریان شریک می‌شود. میریان در سال ۱۳۸۴ سهام خود را به محمد ایزدپناه طوسی می‌فروشد. این دو از باند سپاه هستند و از این سال به بعد دیگر ردپایی از این شرکت در اسناد موجود نیست. از سال ۱۳۸۴ به بعد نیز از مجموعه اسناد رسمی ناپدید می‌شود و از انحلال یا ادامه‌کاری شرکت خبری نیست. سردار سید مرتضی میریان، جانشین عملیات نیروی زمینی سپاه و فرمانده نیروی ویژه صابرین است. نیروی ویژه «صابرین» یک یگان ویژه از زبده‌ترین نیروهای سپاه است که برای «عملیات سخت و دشوار خصوصا در خاک دشمن» در نظر گرفته شده است.^{۴۶}

زنجانی از سوی قرارگاه خاتم به گفته خود وی «کالایی که سپاه نمی‌توانست وارد کند» ماموریت می‌گیرد تا کالای مهم را وارد کند. این کار بسیار سنگینی است که زنجانی برای سپاه انجام می‌دهد. قرارگاه خاتم از وزارت نفت، ۵ میلیون دلار طلب دارد و زنجانی مامور وصول آن می‌شود. وی در ۵ ساعت پول را از دولت وصول و آن را به سپاه بازمی‌گرداند. سپاه و دولت، وظیفه او بازگرداندن پول‌های نفت از خارج و

^{۴۶}(<http://bamdadkhabar.com/۲۰۱۳/۰۴/۲۶۶۷۱/>)

فروش نفت به مشتری‌ها در بازار سپاه تحریم‌ها می‌شود. زنجانی در این دوره تنگاتنگ عامل وزارت نفت، با وزارت رستم قاسمی سرپاسدار، دلال سپاه، دلال وزارت اقتصاد دولت و کارگزاری برای وزارت اطلاعات گرفته تا بانک مرکزی و بیت رهبری به ویژه مجتبی خامنه‌ای.. ووو را به پیش می‌برد.

از سال ۸۵ با شبکه و هولدینگ «الغدیر» سپاه به همکاری آشکار می‌پردازد. بابک زنجانی به گفته خود وی «عملیاتی روی نفت» انجام می‌دهد تا ایرانی بودن آن مشخص نشود و قابل ردیابی نباشد. وی اینک خود را «بسیجی اقتصادی» می‌نامد. در این برهه، دولت، ۶۳ درصد از سهم نیروگاه آب تبریز را بابت بخشی از بدهی‌ها به سازمان تامین اجتماعی می‌فروشد. دولت ۲ میلیارد ۵۶ هزار میلیارد به سازمان تامین.. بدهی دارد. کمتر از ۲۵ روز بعد سازمان تامین با مدیریت و دلالی سعید مرتضوی، به بابک زنجانی می‌فروشد. بدون رد و بدل هیچ پولی، بابک زنجانی این سهم را با دوبرابر خردی اولیه، به سپاه می‌فروشد. این یک پولشویی است و سران سپاه و باندها نیروگاه آب تبریز را صاحب می‌شوند. زنجانی برای این داد و ستد، چهار میلیارد یورو چک ضمانتی از «سازمان تامین اجتماعی» می‌گیرد و بازپس نمی‌دهد و مدعی می‌شود که «دومیلیارد آن بابت بدهی نزد وزارت نفت» است. مرتضوی می‌گوید چک‌ها قابل وصول نیستند و به بابک زنجانی پاتک زده بودند، روی ۵ فقره چک نزد بابک زنجانی که از سوی سعید مرتضوی ین ژاپنی نوشته شده بود و همین به معنای بی ارزشی آنها بود. زنجانی ۱۳۸ شرکت سازمان تامین اجتماعی را از مرتضوی خریداری می‌کند اما مرتضوی بعدها مدعی می‌شود که ۱۳۸ شرکت تنها یک تفاهم نامه بود. بخشی از این شرکت‌ها شامل هواپیمایی و کشتیرانی نیز بود. یکی از لابی‌ها و دلال‌های بابک زنجانی، سرکویگر امنیتی و سردسته اوباشان حکومتی است به نام «سیدحسن میرکاظمی» از فرماندهان بسیج و اطلاعات. عکس‌های وی روی موتور سیکلت سپاه با هفت‌تیر در کمر هنگام کشتار خیزشگران سال ۸۸ در

تهران رسانه‌ای شد. میرکاظمی در داد و ستد و دلالی از جمله یک هتل دلال زنجانی است. این دو با هم به مسافرت در هواپیمای خصوصی وی به کردستان عراق می‌روند. زنگنه به جای قاسمی نشسته و درخواست دو میلیون دلار می‌کند. قربانی خویش و باندها در زندان است و با یک حکم دار بر فراز سر. هنوز تمامی ذخایز و مال خود را نشان نداده است.

بابک زنجانی شبکه مالی خود را در آسیا گسترش می‌دهد. بابک زنجانی به گفته خودش دارای بیش از ۷۰ شرکت است از جمله شرکت هولدینگ توسعه سورینت قشم، بانکی به نام «اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی» سهامدار شرکت هواپیمایی انور ترکیه، مؤسسه مالی اعتباری، شرکت‌هایی در دوبی، ترکیه و تاجیکستان دارد. زنجانی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا گفته است که او ۶۴ شرکت داخلی و خارجی دارد و «هم‌اکنون در ایران و دیگر کشورهای دنیا با ۱۷ هزار نفر پرسنل مشغول ارائه تجارت و خدمات هستیم.»^(۴۷)

بنا به گزارش فارس نیوز وابسته به سپاه از زبان زنجانی: «۶۴ یا ۶۵ شرکت در گروه من در صنایعی مانند لوازم آرایشی، مواد غذایی، نفت و هواپیمایی فعالیت می‌کنند. در پایگاه اینترنتی «گروه سورینت» حداقل نام ۱۲ شرکت وجود دارد که اکثراً در امارات و برخی در ترکیه مستقر هستند.»

در سال ۱۳۸۸ شرکت هولدینگ توسعه سورینت قشم متعلق به بابک زنجانی مالک این شرکت گردید. در تاریخ ۱۸/۱۰/۹۱ رسماً اسم شرکت از هواپیمایی فراز قشم به هواپیمایی قشم تغییر یافت. و سرانجام، این شرکت در سال ۱۳۹۳ به وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران واگذار گردید.

^{۴۷}) <https://www.tabnak.ir/fa/news/۳۴۱۸۸۴> -بابک-زنجانی-بسیجی-اقتصادی%۸C%۸۰%۲Eم. «در امارات و بانک ارزش تاجیکستان اسلامی»

وی در کنفرانس خبری در برابر رسانه‌های گروهی این واگذاری و ورود هواپیماها را از راه‌های غیرقانونی بدون کمک سپاه و گمرک غیرممکن دانست و از آنان سپاسگزاری کرد.^{۴۸}

بایک زنجانی از سوی باند سپاه کارگزار می‌شود تا مشکلات مالی شرکت‌ها و بانک‌ها که در پی تحریم‌های دور اول دچار مشکل شده بودند را با دور زدن تحریم‌ها حل کند. او بانکی در مالزی به نام «نخستین بانک اسلامی» برپا می‌کند و خود در ادامه در گفتگو با تابناک، وابسته به محسن رضایی پاسدار، اینگونه نمایان می‌سازد: «بانک هست اما من عضو هیات مدیره یک بانک در مالزی (First Islamic Bank) هستم. این بانک با سرمایه ۱۰۴ میلیون دلار فعالیت می‌کرد و فعالیتش هم نرمال و خوب بوده است. این بانک صاحبش اصلاً من نیستم. سهام هم در آن ندارم. بلکه صاحبش یک بانک دیگری در اندونزی بود که به بانک دیگری سهامش را واگذار کرده بود که آن بانک هم سهامدارانش کسانی دیگری هستند. من تنها یکی از اعضای هیات مدیره این بانک بودم» این «کسان‌دیگر» همان دیگری هستند که پشت ماجرای «زنجانی‌گیت» پنهان شده‌اند، سران سپاه، بیت رهبری و بالاترین مهره‌های امنیتی و دولتی.

این بانک با نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه به اعتراف زنجانی در همان گفتگو با تابناک: «۱۷,۵ میلیارد یورو از پول‌های نفت ایران را در خارج از کشور نجات داد و در داخل کشور پخش کرده است»، وی در این رابطه می‌گوید: «دقیقا! پس از مدتی بانک‌های داخلی که قادر به انتقال پول‌های خود نبودند از طریق بانک مرکزی منابع خود را به این بانک انتقال و این بانک منابع را به مشتریان در خارج از کشور انتقال می‌داد. حتی ال‌سی و خریدهای خارجی را برای بانک‌ها و مشتریان داخلی کشور به سرعت انجام می‌داد تا جایی که ۱۷,۵ میلیارد یورو از منابعی که در

تاجر-/<https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۱۱۰۰۴۰۰۰۴۴۳/>^{۴۸}

ایرانی-تحریم-شده-هرگونه-رابطه-با-دولت-ایران-را-تکذیب-کرد

خارج از کشور بود و مربوط به بانک‌ها بود با کارمزد هفت در هزار یعنی کمتر از یک درصد منتقل می‌کردیم و هر روز بانک‌ها و مشتریان بیشتری به این سیستم نزدیک می‌شدند.» و می‌افزاید: «من به ۱۵ بانک داخلی کمک کردم تا منابعشان را نقل و انتقال کنند.»

بایک زنجانی ادامه می‌دهد: «برای فروش بار ۱۲ کشتی نفت ایران کمک کردیم و زمینه آن را فراهم ساختیم، پولش را هم گرفتیم... بانکی که در تاجیکستان است به مجموعه هلدینگ ترکیه ما تعلق دارد که من سهامدار آن هستم. ما در آنجا کارهای تجاری خوبی انجام داده‌ایم اما اگر هواپیمایی، ترمینال‌های اتوبوسرانی و ... هم در تاجیکستان داشتیم که خیلی خوب است.» و در رابطه با پیوند خود با سعید مرتضوی، می‌گوید: «آقای مرتضوی دو سه بار جلسه داشتیم. در جلسه اول قرار شد در ازای واریز مبالغی ۱۱۷ شرکت تامین اجتماعی را بخریم. او اینک دلال سپاه و اطلاعات است و با هواپیمای شخصی در کنار سید حسن میرکازی به ترکیه و کردستان و تاجیکستان و وو سفر می‌کند و عکس می‌گیرد و مسلحانه در کردستان عراق دیده می‌شود. وی در این باره می‌گوید: «عکس‌های منتشر شده من با اسلحه نیز مربوط به اربیل عراق است. مجموعه‌ای در عراق داریم که در آنجا کار نفتی می‌کند. آنجا نفت را تبدیل به گازوئیل کرده و از کردستان عراق به افغانستان ترانزیت می‌کردیم. آن زمان هم از سر مرز تا اربیل همه مسلح بودند و من هم همین‌طور.»^(۹)

سید حسن میرکازمی مشهور به «حسن رعیت» از فرماندهان و آدمکشان نیروهای موسوم به لباس شخصی، مدیر عامل کارخانه «دنیای فلز»، «پارسیان فلز البرز»، «لوح فشرده پارس» و تاجر و دلال وابسته به باند سپاه و فرمانده لباس شخصی‌ها سرکوبگر و بسیجی می‌باشد.

تاجر- /-۴۳/۰۰۴۰۰۰۴۱۱۳۹۱۱۰۰۰/https://www.farsnews.com/news/ (۹)
ایرانی-تحریم-شده-هرگونه-رابطه-با-دولت-ایران-را-تکذیب

در روزهای خیزش سال ۸۸ رسانه‌های گروهی، عکس‌هایی از سید حسن میرکاظمی مسلح به سلاح کمری فرماندهی نیروهای موتورسوار سپاه که به کشتار همایش کنندگان می‌پرداختند رسانه‌ای کردند.

اداره کل حقوقی بانک کشاورزی به بازرسی شعبه چهارم دادسرای امور اقتصادی در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۸۷، میرکاظمی این عنصر امنیتی و قاتل را با بیش از ۱۷۵ میلیارد تومان بدهکاری، بزرگترین بدهکار بانک کشاورزی در کل کشور معرفی کرد. فاش شد که این اوباش حکومتی، بدهی خود را تسویه نکرده و بسیاری از اعتبارات را نیز بدون وثیقه و با ضمانت شخصی دریافت کرده است. این مکاتبات ابتدا در سال ۱۳۸۸ و دوباره در سال ۱۳۹۱ بازتاب یافت. میرکاظمی تنها یک رونما و مهره‌ی دون پایه امنیتی و اوباش بود. چهره‌های پشت پرده پولشویی‌ها، ترافیگ طلا و نفت و میلیاردها دلار، شبکه فساد حکومتی در بالاترین رده‌ی باندهای حکومتی، سپاه، باند خامنه‌ای و دولت اصولگرا و رفسنجانی تا روحانی بوده و هستند.

زنجانی، راز موفقیت خود را چنین می‌داند: «فکر می‌کنم که راز موفقیتیم در تشخیص حلال و حرام و لطف خدا و اعتقاد به کشور جمهوری اسلامی و ولایت فقیه است.»

سال ۱۳۹۵ علیرضا زیبا حالت منفرد یکی از همدستان وی که به دلیل تخلفات مالی در جمهوری دومنیکن دستگیر شده بود توسط پلیس بین‌الملل به ایران تحویل داده شد. وی پس از آگاهی از تلاشها برای دستگیری خود، از مالزی به جمهوری دومنیکن گریخته بود. وی با توجه به رابطه با نخست‌وزیر جمهوری دومنیکن روزولت اسکریت و با استفاده از گذرنامه سیاسی و مصونیت دیپلماتیک موفق به فرار از مالزی شده بود که از سوی باند رقیب ربوده شد و به ایران بازگردانده و بدون آنکه زیاد رسانه‌ای شود در سلولی در اوین به سکوت نشانیده شده است. به گفته زنجانی، دارای بیش از ۷۰ شرکت است از جمله شرکت هولدینگ توسعه سورینت قشم، بانکی به نام «اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی» (به

انگلیسی: First Islamic Investment Bank) در مالزی، سهامدار شرکت هواپیمایی انور ترکیه، مؤسسه مالی اعتباری در امارات و بانک ارزش تاجیکستان است. او همچنین شرکت‌هایی در دوبی، ترکیه و تاجیکستان دارد.^[۱] در یکی از قطعنامه‌های تحریم اقتصادی اتحادیه اروپا که از او اسم برده شده ۱۵ شرکت منتسب به او نام برده شده است. زنجانی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا گفته است که او ۶۴ شرکت داخلی و خارجی دارد و «هم‌اکنون در ایران و دیگر کشورهای دنیا با ۱۷ هزار نفر پرسنل مشغول ارائه تجارت و خدمات هستیم.»^[۲] زنجانی همچنین مالک و رئیس هیئت مدیره باشگاه فوتبال راه‌آهن است. وی در ۱۴ آذر ۱۳۹۲ در گفتگویی با علی پروین فوتبالیست اعلام کرد حاضر است ۲۰۰ میلیارد تومان نقد بدهد تا مالک باشگاه پرسپولیس شود. علی دایی فوتبالیست دلال این داد و ستد و گفتگو بود. زنجانی با خرید هواپیمایی قشم، رئیس هیئت مدیره هواپیمایی قشم نیز گردید.

دو روز پیش از دستگیری زنجانی، محمدعلی پورمختار، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده بود که «بابک زنجانی بدهی ۲,۶ میلیون یورویی خود بابت فروش نفت ایران را به دولت پرداخت کرده است. مصطفی افضل‌فرد، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی روز بعد، یک روز پیش از دستگیری زنجانی مدعی شد که در ابتدا مسئولان بانک مرکزی ایران گمان کردند با توجه به اسناد و مدارک ارائه‌شده از جانب زنجانی، پول حاصل از فروش نفت در حساب این بانک می‌باشد؛ اما با بررسی بیشتر جعلی بودن این اسناد محرز شد و زنجانی متهم شناخته شد.»

در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۳، هواپیمایی متعلق به خطوط هوایی یو.ا. اس با محموله ۱,۵ تن طلا در فرودگاه آتاتورک کشف می‌شود. مقصد بخشی از این طلاها شرکت‌های ترکیه‌ای بوده و بخشی نیز به نام شرکت

سورینت در ایران بوده‌اند.» احمد توکلی در سایت الف این گزارش را بازتاب می‌دهد^(۰). نام رضا ضراب در ترکیه رسانه‌ای شده بود. رضا ضراب در سال ۱۳۶۲ در خانواده‌ای ثروتمند در تبریز زاده شد و از همان جوانی همانند بابک زنجانی به دلالتی و کارگزاری مالی باندهای حکومتی در ایران و در حوزه‌های تجارت نفت و طلا به واسطه‌گری می‌پردازد.

روز ۲۶ آذر ماه ۱۳۹۲ پلیس ترکیه ۵۳ تن را به اتهام پولشویی و فساد مالی بازداشت کرد. در میان بازداشت شدگان پسران سه وزیر ترک، و نیر مصطفی دمیر، شهردار منطقه فاتح (مجله‌ی سنتی و مذهبی) استانبول و عضو حزب حاکم عدالت و توسعه به همراه سلیمان ارسلان، رئیس بانک دولتی هالک بانک و رضا ضراب بیش از بقیه به چشم می‌آمد. اتهام این افراد نقل و انتقال غیرقانونی به ارزش ۸۷ میلیارد یورو و نیز قاچاق طلا برای دور زدن تحریم‌های ایران گزارش شد. رضا ضراب، تابعیت ایران، ترکیه و آذربایجان با گذرنامه مقدونیه‌ای در ماه مارس ۲۰۱۵ در شهر میامی در ایالت فلوریدای آمریکا با اتهامات فساد اقتصادی و نقض قوانین آمریکا بازداشت شد. ضراب در زندان با پلیس آنجا به همکاری پرداخت و رئیس خلق بانک ترکیه را (Halk Bankasi) و بابک زنجانی را مهره‌های اصلی معرفی کرد. رئیس هالک بانک نیز در آمریکا دستگیر شد.^(۱)

کشف بیش از ۱,۵ تن طلا در فرودگاه آتاتورک ترکیه بخشی از پرونده‌هاست. در تاریخ ۱ ژانویه ۲۰۱۳، هواپیمایی مربوط به خطوط هوایی یو.ا.س با محموله ۱,۵ تن طلا در فرودگاه آتاتورک از ادامه پرواز بازداشته شد. به گزارش رسانه‌های ترکیه، کارگزاران این قاچاق، با تنظیم و جعل اسناد سرانجام با پرداخت ۱,۵ میلیون دلار رشوه به پسر

^(۰) (<http://old.alef.ir/vdcgny9xqak9zx4.rpra.html?209251>)

^(۱) (<http://old.alef.ir/vdcgny9xqak9zx4.rpra.html?209251>)

اردوغان و فرزندان سه وزیر و چند مقام مهم دولت ترکیه، هوایم‌های حامل طلاها را از ترکیه به سوی دوی پرواز می دهند.

در رابطه با نقش بابک زنجانی با رضا ضراب از جمله بانک پاسارگاد - بانک سامان - بانک کشاورزی - بانک پارسیان - بانک توسعه صادرات ایران - بانک سرمایه مرتبط بودند.^(۵۲)

نقش سران حکومتی ایران و ترکیه به رهبری دولت اسلامی- اخوانی اردوغان و حزب عدالت و توسعه وی در این ترافیک فساد انگیز به سان بزرگترین فساد مالی تاریخ ترکیه" نام می‌برند. روز ۲۶ آذر ماه ۱۳۹۲ پلیس ترکیه ۵۳ با افشاگری روزنامه‌های مستقل در ترکیه بازداشت کرد. در میان بازداشت شدگان پسران سه وزیر ترک، و نیز مصطفی دمیر، شهردار منطقه فاتح (محله‌ی - سنتی و مذهبی) استانبول و عضو حزب حاکم عدالت و توسعه به همراه سلیمان ارسلان، رئیس بانک دولتی هالک بانک (Halk Bankasi) و نیز رضا ضراب به چشم می‌خورد.

در گزارش‌های از انتقال غیرقانونی به ارزش ۸۷ میلیارد یورو و قاچاق طلا برای دور زدن تحریم‌های ایران سخن رفته بود.

وی را «خدا» به احمدی نژاد معرفی کرده بود

«پرویز کاظمی» در پست وزارت رفاه دولت اول محمود احمدی‌نژاد و از مدیران پیشین بانک سرمایه، مناسبترین وزیر بود که از سوی خدا به احمدی نژاد معرفی شده بود. این موجود خدایی، پس ۱۳ سال از آن روز خدایی، در ۲۱ آبان ۹۷ بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، به نقل از «یک منبع آگاه در قوه قضاییه» نوشت بازداشت کاظمی به اتهام «اخلال در نظام اقتصادی کشور» بوده است.^(۵۳)

^{۵۲)} www.entekhab.ir/fa/news/۱۴۲۰۱۱

^{۵۳)} (<http://www.irna.ir/fa/News/۸۳۰۹۵۷۱۹>)

محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ هنگام معرفی پرویز کاظمی به عنوان وزیر رفاه، در جلسه رأی اعتماد به نمایندگان مجلس گفته بود «خدا، کاظمی را به من معرفی کرده است». او اما، در مهر ماه ۱۳۸۵، از کابینه احمدی نژاد استعفا کرد و سبب آن را نداشتن اختیار در انجام مسئولیت‌های قانونی اعلام کرد. وی سپس به منتقد احمدی نژاد تبدیل شد و در انتخابات سال ۹۲ نامزد شد تا با روحانی رقابت کند، اما صلاحیت او از سوی شورای نگهبان رد شد.

بعد از ۵ سال از آن روز سودای ریاست جمهوری، غلامحسین محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، روز یکشنبه ۲۰ آبان خبر داد که دو تن از مدیران سابق بانک سرمایه بازداشت شده‌اند. خبرگزاری‌ها، این دو تن را پرویز کاظمی رییس هیات مدیره پیشین و علی بخشای مدیرعامل پیشین بانک سرمایه بوده‌اند.

کاظمی در پست رئیس هیات مدیره بانک سرمایه، از اعضای هیات امنای صندوق ذخیره فرهنگیان نیز بود که وظایف زیر را همراه با پاسداری و عنصر امنیتی به پیش می‌برد:

• مدیر عامل یا عضو هیات مدیره شرکتهای تحت پوشش وزارت

صنایع

- مدیر عامل شرکتهای گروه سایپا
- مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی ایران خودرو
- مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات ایران
- رئیس هیات مدیره بانک سرمایه
- عضو هیات امنای صندوق ذخیره فرهنگیان
- رئیس مجمع باشگاه فرهنگی ورزشی استقلال
- رئیس یا عضو هیات مدیره شرکتهای (فولاد خراسان، ملی صنایع مس ایران، صنعتی معدنی چادرملو، صنایع آذرآب، واگن پارس، شهاب خودرو، تجارت الکترونیک، باشگاه فرهنگی ورزشی سایپا، گروه

سرمایه‌گذاری مسکن، پلاسکوکار، سولیران، گروه نورد و پروفیل پارس، خدمات مسافرتی.)

- عضو کمیسیون اقتصادی دولت
- عضو کمیسیون اجتماعی دولت
- عضو کمیسیون کار و اشتغال دولت
- رئیس شورای عالی سازمان تأمین اجتماعی
- رئیس مجمع بیمه روستاییان و عشایر
- رئیس شورای سازمان بهزیستی
- رئیس شورای سازمان بازنشستگی کشوری
- رئیس شورای سازمان بیمه خدمات درمانی
- مشاور اقتصادی و رفاهی وزیر آموزش و پرورش
- مدیر نمونه صادراتی کشور
- عضو بعثه رهبری، ناظر و مدیر کاروانهای حج
- کارفرمای نمونه

این سرمایه‌دار نمونه و اصول‌گرا، با این پشتوانه، که توصیه‌نامه‌ی خدا را برای وزارت حکومت اسلامی در دست داشت تا به احمدی نژاد نشان دهد، اینک در ستیز گریزناز وار باندها به زندان برده شده تا درکنار چند مهره یکبار مصرف رژیم با پرونده فساد «هشت هزار میلیارد تومانی» از صندوق ذخیره فرهنگیان، هم ماهیت خدای احمدی نژاد را آشکار سازد و هم سهم امام از سرقت را واگذارد.

شبکه فساد در «بیمه عمر ایثارگران»

در مرداد ماه سال ۱۳۹۱ و در جریان بررسی وضعیت مالی «بنیاد شهید» توسط سازمان بازرسی کل کشور، آشکار شد که یکی از مدیران بخش تسهیلات بنیاد شهید توانسته، در رابطه با قرارداد «بیمه عمر ایثارگران» که بین بنیاد شهید و یک شرکت بیمه‌گذار بسته شد، افزون بر ۱۵ میلیارد تومان اختلاس کند.

۳۱ نفر بر تمام بانک‌ها دست‌اندرخته‌اند

مسعود زریبافان رییس بنیاد شهید دیگر باج و سهم همقطاران را نپرداخته یکی از متهمانی بود که به دادگاه معرفی شد. مسعود زریبافان (زاده سال ۱۳۳۶ در تهران) پاسدار و کارگزار امنیتی و معاون رئیس‌جمهور در دولت محمود احمدی‌نژاد و گرداننده‌ی اصلی تیم استقلال تهران بود. وی رئیس سابق بنیاد شهید و امور ایثارگران بود و در زمان ریاست او بر بنیاد شهید، فسادهای گسترده‌ای را رهبری کرد و بنا شد «کمیتة تفحص مجلس گزارش آن را در صحن علنی بخواند» که خواند. وی همقطار باند احمدی‌نژاد در مأموریت‌های آدمکشی در کردستان و آذربایجان به شورای شهر تهران در دوره دوم منتقل شد در زمان انتخابات نهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۴)، مسئولیت ستاد حمایت از احمدی‌نژاد را بر عهده داشت. سپس، علاوه بر عضویت در شورای شهر تهران، به عنوان دبیر هیئت دولت احمدی‌نژاد نیز نشانیده شد. چندی بعد، با مصوبه مجلس مبنی بر ممنوعیت اشغال چند پست توسط کارکنان دولت ناچار به استعفا گردید و پس از شکست در انتخابات دور سوم شوراهای اسلامی (که به عنوان کاندیدای ائتلاف رایحه خوش خدمت بود)، ریاست مجمع باشگاه دولتی استقلال را در دست گرفت.

زریبافان در دولت دهم، به جای حسین دهقان به عنوان معاون رئیس‌جمهوری و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران منصوب شد و پس از چندی، از ریاست مجمع باشگاه استقلال کنارگیری کرد. با این همه فساد و سرقت، او هرگز محکوم نشد. پس از گذشت سال‌ها از عملکرد این موجود اسلامی، رئیس «هیات تحقیق و تفحص» از بنیاد شهید، تنها توانست اعلام کند: «بانک دی و سرمایه‌دستان در یک کاسه است.»

وی، در گفت و گو با خبرگزاری ایلنا در رابطه با روند رسیدگی به اختلاس در بانکهای دی و سرمایه گفت: ما با یک فهرست ۳۱ نفری روبرو هستیم که در تمام بانک‌ها دست داشته‌اند. یکی از مبالغ اختلاس در

بانک سرمایه ۱۱۰۰ میلیارد تومان بوده که به نام یک شرکت، زمینی که ارزش آن ۱۰۰ میلیارد بود را به عنوان وثیقه، سندسازی کردند و روی آن ۱۱۰۰ میلیارد تومان وام گرفتند. این مبلغ دیگر غیرقابل وصول است. این ۳۱ نفر باید هر چه زودتر تعیین تکلیف شوند. امیرخجسته، رییس هیات تحقیق و تفحص از بنیاد شهید می گوید: افرادی که بانک دی را غارت کردند همان‌هایی هستند که از بانک سرمایه هم اختلاس کرده و با یکدیگر همدست هستند. به اینگونه حکومت اسلامی، تمامی پس اندازها و حقوق «خانواده شهدا و ایثارگران» را بدون هیچ پنهان سازی به سرقت برد. سارقین، بنا به اعتراف یکی از کارگزاران رقیب باند سپاه، کسانی نیستند به جز سرداران بسیج و سپاه که: «اموال یتیم و صغیر را که جزو خانواده شهدا و جانبازان هستند را این گونه سرقت می‌کنند.»

خجسته می‌افزاید: «فقط در یک قلم ۵۰۰ میلیارد تومان از صرافی بانک دی اختلاس شده و به دوبی منتقل شده اما ما ایستادگی کردیم تا این مبلغ برگشت داده شد. صرافی‌های باندها در حکومت اسلامی، سرپلی است برای فروش و داد و ستد ارز و ارزش زدایی از پول رایج در حکومت اسلامی.

خجسته از بازگرداندن هتل سفید، یکی دیگر از اموال به فروش رفته در بندر انزلی از باندی به باند دیگر خبر داد و گفت: با پیگیری‌های صورت گرفته ما توانستیم این هتل را به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان نیز بازگردانیم.

عضو «کمیسیون شوراها» از واگذاری وام‌های کلان بانک پرده بر می‌دارد: وام‌های کلانی که از این مجموعه صادر شده از رقم ۱۰۰ میلیارد تا ۳۰۰ میلیارد بوده است. ۳۱ نفر مفسد اقتصادی در بانک‌های دیگر هم دست برده بودند و وثایق مشکوک‌الوصول و غیرقابل وصول نیز داشتند و اصلاً معلوم نیست این پول‌ها برگردد یا خیر.»

با همایش صدها نفره خانواده‌های به فریب به جنگ ۸ ساله گسیل شده در برابر مجلس، به ناچار برخی نمایندگان حکومتی با اشک تمساح به میان آمدند. غلامعلی جعفرزاده امین‌آبادی، در صحن علنی مجلس در پاسخ به سخنان زریبافان خبر داد که این هیات به نکات تلخ و باورنکردنی در جریان تحقیق از این بنیاد دست پیدا کرده است. «تنها بخشی از این حقایق تلخ، ثبت ۸۰ مورد تخلف ثبت شده از این بنیاد است. تخلف‌هایی که به گفته این نماینده مجلس کار را به جایی رسانده تا هر روز عده‌ای در مقابل مجلس تجمع کنند. احتمالاً اشاره او به تجمع سه روز پیش خانواده‌های جانبازان و ایثارگران دوران جنگ در مقابل مجلس است.»^(۴)

زریبافان در ضد حمله، از شکایت علیه دو تن از نمایندگان، «به علت وارد کردن اتهامات واهی و تشویش اذهان عمومی نسبت به بنیاد و مدیران آن خبر داد و مدعی شد: «این افراد (همدستان زریبافان از جمله غلامعلی جعفرزاده امین‌آبادی که اینک نماینده مجلس ارتجاع شده‌اند) مدیران سابق بنیاد هستند که به علت سهل‌انگاری‌ها و تخلفات فراوان از سمت مدیریت در بنیاد برکنار شده‌اند و یکی از آن‌ها بدون این‌که شش ماه قبل از ورود به مجلس از سمت خود در بنیاد استعفا دهد، در رقابت‌های انتخاباتی شرکت کرده است و این یک تخلف انتخاباتی است.»

افشای اختلاس از بنیاد شهید به مرداد ماه سال ۹۱ بازمی‌گردد. با بررسی وضعیت مالی بنیاد شهید، آشکار شد که مسئول بخش تسهیلات به جای بدهی بنیاد به شرکت بیمه که پنج میلیارد تومان بوده مبلغ ۹ میلیارد تومان به حساب این شرکت واریز کرده است. مسعود زریبافان رییس بنیاد شهید اعلام کرد این اختلاس «شش میلیارد تومان بیشتر نبوده است.»

در پی فساد نهادینه‌ی حکومتی در بنیاد شهید و اعتراض‌های هزاران نفر از جانبازان پیشین در راه اهداف حکومت اسلامی و خانواده کشته شده‌گان در جنگ (ایثارگران)، اختلاس از بانک دی، بانکی که با سرمایه

^(۴) <http://www.beytoote.com/news/politics-social/bnews۲۵۵۵.html>

بنیاد شهید تاسیس شده بود، «جامعه اینارگری را دوباره به شوک برد. موج همایش‌های اعتراضی بالا گرفت. اختلاس ۵۰۰ میلیاردی از صرافی بانک دی هنگامی که اعتراض‌ها شدت گرفت از زبان رئیس هیات تحقیق و تفحص از بنیاد شهید شنیدنی است. ۵۰۰ میلیارد تومان از صرافی بانک دی اختلاس شده و به دوبی منتقل شده بود.

به گزارش بانک مردم، «امیر خجسته، رئیس هیات تحقیق و تفحص از بنیاد شهید، درخصوص آخرین وضعیت تحقیق و تفحص از پرونده بنیاد شهید به ایلنا گفت: این پرونده به شعبه ۷ دادسرای کارکنان دولت ارجاع داده شده است ما در مجلس دهم با آقای لاریجانی صحبت کردیم. من ۳۰ هزار سند خدمت ایشان نشان داده‌ام و بعد پیش آقای آملی لاریجانی رفتیم که در نهایت به آقای دولت‌آبادی، دادستان تهران، دستوراتی دادند و تعدادی دستگیر شدند» وی نماینده رژیم از همدان در مجلس شورای اسلامی است که ... ادعا کرد، «چه من در مجلس باشم یا نباشم این موضوع را پیگیری می‌کنم تا حقوق خانواده شهدا و اینارگران احیا شود. اینها خیلی بی‌انصاف هستند که اموال یتیم و صغیر را که جزو خانواده شهدا و جانبازان هستند را این گونه سرقت می‌کنند.» این اختلاس بازگردانده نشد. تنها ادعا شد که «هتل سفید، کنار بندر انزلی از دست رفته بود اما ما آن را بازگرداندیم این هتل الان ۲۰۰ میلیارد تومان ارزش دارد... وام‌های کلانی که از این مجموعه صادر شده از رقم ۱۰۰ میلیارد تا ۳۰۰ میلیارد بوده است. ۳۱ نفر مفسد اقتصادی در بانک‌های دیگر هم دست برده بودند و وثایق مشکوک‌الوصول و غیرقابل وصول نیز داشتند و اصلاً معلوم نیست این پول‌ها برگردد یا خیر.» وی اعتراف می‌کند که در حکومت باندها «خیلی جاها آنها آمدند و اختلاس کردند. افرادی که بانک دی را غارت کردند در بانک سرمایه هم اختلاس کردند. این ۳۱ نفر در تمام بانک‌ها دست انداخته‌اند.» (°)

اختلاس ۵۰۰ - میلیاردی - از - صرافی - بانک - دی (http://bankdaran.com/)

امیرخجسته، رییس هیات تحقیق و تفحص از بنیاد شهید می گوید: افرادی که بانک دی را غارت کردند همان‌هایی هستند که از بانک سرمایه هم اختلاس کرده و با یکدیگر همدست هستند. فساد حکومتی در این بانک و نقش سران سپاه در مرداد ماه سال ۱۳۹۱ و رقابت باندها به بهانه‌ی «بررسی وضعیت مالی سازمان بنیاد شهید» توسط «سازمان بازرسی کل کشور»، از پرده بیرون افتاد. فاش شد که «یکی از مدیران بخش تسهیلات» این سازمان توانسته، در قضیه قرارداد بیمه عمر ایثارگران که بین بنیاد شهید و یک شرکت بیمه‌گذار انجام گرفته بود، افزون بر ۱۵۰ میلیارد ریال را اختلاس کند. مسعود زریبافان رییس بنیاد شهید وقت یکی از متهمان اصلی پرونده به دادگاه معرفی شد. زریبافان در دفاع اعلام کرد: چیزی از سرمایه بانک دی سوخت نشده و همه اموال عوامل آن توقیف شده‌اند و منتظر رای دادگاه هستیم» اشکار شد که بانک دی و سرمایه در این ربایش و فساد همدست بوده‌اند.

خجسته افزود «این پرونده به شعبه ۷ دادرسی کارکنان دولت ارجاع داده شده است. ... و در مجلس دهم با آقای لاریجانی صحبت‌هایی شد. من ۳۰ هزار سند خدمت ایشان نشان داده‌ام و بعد پیش آقای آملی لاریجانی (صادق لاریجانی و قاضی‌القضات حکومت اسلامی که خود ۶۳ حساب شخصی داشت و فاش شد) رفتیم که در نهایت به آقای دولت‌آبادی، دادستان تهران، دستوراتی دادند و تعدادی دستگیر شدند.» نماینده مجلس اسلامی از همدان ادامه داد: «این تفحص در حال عملی شدن است و من چه در مجلس باشم یا نباشم این موضوع را پیگیری می‌کنم تا حقوق خانواده شهدا و ایثارگران احیا شود. اینها خیلی بی‌انصاف هستند که اموال یتیم و صغیر را که جزو خانواده شهدا و جانبازان هستند را این‌گونه سرقت می‌کنند.»

وی افزود: «فقط در یک قلم ۵۰۰ میلیارد تومان از صرافی بانک دی اختلاس شده و به دوبی منتقل شده بود اما ما ایستادگی کردیم تا این مبلغ برگشت داده شد...» وی از «بازگرداندن» هتل سفید، از جمله اموال

بفروش رفته در بندر انزلی خبر داد و گفت: با پیگیری‌های صورت گرفته ما توانستیم این هتل را به ارزش ۲۰۰ میلیارد تومان نیز بازگردانیم.

وی از «واگذاری وام‌های کلان بانک» سخن گفت و اعتراف کرد: وام‌های کلانی که از این مجموعه صادر شده از رقم ۱۰۰ میلیارد تا ۳۰۰ میلیارد بوده است. ۳۱ نفر مفسد اقتصادی در بانک‌های دیگر هم دست برده بودند و وثایق مشکوک‌الوصول و غیرقابل وصول نیز داشتند و اصلاً معلوم نیست این پول‌ها برگردد یا خیر...»

خجسته گفت: خیلی جاها آنها آمدند و اختلاس کردند. افرادی که بانک دی را غارت کردند در بانک سرمایه هم اختلاس کردند. این ۳۱ نفر در تمام بانک‌ها دست انداخته‌اند. یکی از مبالغ اختلاس در بانک سرمایه ۱۱۰۰ میلیارد تومان بوده که به اسم یک شرکت، زمینی که ارزش آن ۱۰۰ میلیارد بود را به عنوان وثیقه، سندسازی کردند و روی آن ۱۱۰۰ میلیارد تومان وام گرفتند. این مبلغ دیگر غیرقابل وصول است این ۳۱ نفر باید هر چه زودتر تعیین تکلیف شود.^(۶)

احمد توکلی نماینده مجلس باندها، نهم روز هفتم آذرماه ۹۶ تنها تهدید به افشای نام دریافت‌کنندگان وام از مؤسسه مالی ورشکست شده «ثامن الحجج» کرد. وی تنها اشاره کرد که «اکثر این افراد قاضی‌های باسابقه و فرزندان روحانیون شاخص و شخصیت‌های سیاسی هستند.» رئیس بانک مرکزی ولی‌الله سیف همچنین اعتراف کرد که یکی از مدیران تعاونی «غیرمجاز» فرشتگان، «۷۰۰ میلیارد تومان از حساب تعاونی به نفع خود برداشت کرده است» سیف پیشتر نیز این اعلام کرده که: «۳۱۰۰ میلیارد تومان از دارایی تعاونی اعتباری فرشتگان و ۳۰ ساختمان شخصی مدیران آن شناسایی شده که فعلاً ۲۵۰۰ میلیارد تومان از این دارایی‌ها قابل انتقال به مؤسسه کاسپین است.» این «تعاونی» مافیا، تنها یکی از هشت تعاونی مؤسسه اعتباری کاسپین است. در ستیز باندها بود که حسن روحانی روز ۱۹ آذر یعنی چند روز بعد از سیف و نماینده رژیم از همدان، در مجلس

^۶(<https://www.alef.ir/news/۳۹۶۰۹۲۱۱۰۰.html>)

گفته بود که «۲۵ درصد از بازار پولی کشور در اختیار شش تعاونی متخلف بود» و آنان «هر روز که اراده می‌کردند درباره سود تصمیم می‌گرفتند و هر طور که می‌خواستند بازار ارز، سکه و املاک را به هم می‌زدند.»^{۵۷}

شستا

شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) از جمله بزرگترین کارتل‌های مالی، تولیدی و استثمرگر در دست باندهای حکومتی در ایران است. این بنگاه عظیم استثماری، در زمینه مدیریت سرمایه‌گذاری، تولید، تجارت و بازرگانی، مدیریت دارایی و مبادلات سهام شرکت‌ها، فعالیت می‌کند.

شستا در سال ۱۳۶۵ به صورت یک شرکت سهامی خاص، با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان، از دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی ایران که برآورده شده از استثمر کارگران و رنج زحمتکشان بود، برپا گردید. شستا، به زودی، به بنگاهی عظیم تبدیل شد به گونه ای که اکنون، بیش از ۱۰ درصد ارزش بورس اوراق بهادار تهران را در مالکیت دارد. شستا وظیفه سرمایه‌گذاری و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی با سرمایه‌های صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی را نیز برای غارت به سود باندهای حکومتی بر عهده دارد. این شبکه‌ی عظیم اقتصادی که اکنون در مدیریت دولت قرار دارد، اما در تیول سپاه و باند خامنه‌ای است و شمار گوناگونی از شرکت‌ها و بنگاه‌های مالی و دارایی‌ها را در مالکیت دارد. این مجموعه، در بردارنده‌ی ۱۷ شرکت پتروشیمی، ۹ شرکت نفتی گازی، ۳۰ شرکت تولید و پخش دارو، ۱۳ شرکت سلولزی، چند شرکت تولید لوازم خانگی و کشت و دامداری است. این مجموعه سهام‌دار چهار

^{۵۷}(https://www.radiofarda.com/a/f4_sarmayeh_day_bank_corruption_31_people/28912298.html)

بانک، پنج بیمه، یک شرکت «تأمین سرمایه» و سه شرکت «کارگزاری باهنر»، «صبا تأمین» و «تأمین آینده» نیز می‌باشند.

مالکیت: داروسازی اکسیر، داروسازی فارابی، شرکت کشت و دامداری فکا، داروسازی زهراوی، داروسازی ابوریحان، داروسازی دانا، لابراتوارهای رازک، پارس دارو و شرکت ژلاتین کپسول... و دارای ۳۰ شرکت زیرمجموعه و ۷ شرکت هلدینگ می‌باشد. این بنگاه مالی، همانند اختاپوس بر سراسر ایران چنگ افکنده و دستکم بر ۴۰ درصد بازار توزیع دارو، سرمایه‌گذاری ۴۰ درصدی در بازار سیمان، در اختیار گرفتن ۳۰ درصد از بازار قیر، ۱۷ درصد بازار تایر، ۷۰ درصد ترابری ریلی و برخی فعالیت‌های اقتصادی دیگر را در انحصار دارد. شستا مالکیت انحصاری و تمام یا عمده سهام شرکت تاپیکو، بانک رفاه کارگران، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، شرکت ملی صنایع مس ایران، دانشگاه علوم قضایی، نفت ایرانول، پتروشیمی جم، شرکت سرمایه‌گذاری خانه سازی ایران، خدمات بهداشتی درمانی میلاد سلامت تهران، گروه پزشکی حکمت و مؤسسه‌های دیگر را در انحصار دارد و مجموعه‌ای با بیش از ۱۷۰ شرکت و مؤسسه را اداره می‌کند. مجموع دارایی‌های این شرکت سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۹۱ بالغ بر ۳۹ هزار میلیارد تومان و سود سالانه برآمده از استثماری نیروی کار این کارتل اقتصادی نزدیک به ۳۰۰۰ میلیارد تومان بوده و اینک در پی سرقت بیمه‌های بازنشسته گان، به باندهای دیگر واگذار می‌شود.

به گزارش اینلنا به نقل از شستا «مرتضی لطفی صبح شنبه ۱۹ اسفندماه (۹۶) در سومین جلسه کشوری معرفی شرکت‌های قابل واگذاری (شستا) به مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی گفت: شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی با ۳ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان سرمایه، ۱۰ درصد از بازار سرمایه کشور را به خود اختصاص داده است و طی سه دهه فعالیت خود حفظ ذخایر بیمه‌شدگان» را به سرقت برده است.

در آبان ماه سال ۱۳۹۰ سلیمان جعفرزاده، رییس «کمیته تحقیق و تفحص مجلس»، از اختلاس یک‌هزار میلیارد تومانی در ۱۵۰ شرکت زیرمجموعه سازمان بازنشستگی و شستا خبر داد. هیئت رئیسه مجلس از بررسی این فساد به فرمان خامنه‌ای جلوگیری کرد. جعفرزاده، به خبرگزاری مهر وابسته به باند سپاه، گفت: «اگر هیات رئیسه مجلس از ادامه کار جلوگیری نمی‌کرد، می‌توانستیم بیش از سه‌هزار میلیارد تومان اسناد و مدارک تخلف در این شرکت‌ها را اثبات کنیم.»

هیئت مزبور سلاح باند دولتی‌ها بود در برابر باندهای رقیب و در همان حال، تبلیغات انحرافی بود تا فساد را به باند احمدی نژاد و تنها چند نفر از کارگزاران حکومتی ناچیز جلوه یابد. آنگاه که دامنه‌ی اعتراض‌ها و فسادها بالاگرفت و به سران سپاه و باند خامنه‌ای رسید، خامنه‌ای فرمان داد تا «قتیله‌ها را پایین بکشند!» این یک دستور قرآنی بود.

بنا به گزارش هیئت «تحقیق و تفحص مجلس»، پس از بررسی وضعیت ۱۵۰ شرکت زیرمجموعه سازمان بازنشستگی و «شستا» بیش از یک‌هزار میلیارد تومان اختلاس انجام شده است. به گزارش رئیس هیئت؛ بررسی‌های پشت درهای بسته «به سرخ‌های بیشتری در این پرونده بزرگ اختلاس پی برده بود، از ادامه تحقیق و تفحص جلوگیری شد.»

بنا به گزارش «هیئت تحقیق و تفحص مجلس» اموال ۳۰ میلیون بازنشسته تأمین‌اجتماعی به شرکت‌های خانوادگی تبدیل و تمامی قراردادهای کوچک و بزرگ به فرزندان مدیران و بستگان و آقازاده‌ها واگذار شده است. سعید مرتضوی، جلد کهریزک و دیوان‌خانه‌ی حکومت اسلامی یکی از مالخوران، دلالان و همدستان باند خامنه‌ای در این سرقت بزرگ است.

سعید مرتضوی

او کیست جز مهره‌ای سوخته، همانند خلخال‌ی و لاجوردی! زاده‌ی سال ۱۳۴۶میلادی یا تفت استان یزد است که در سن ۱۹ سالگی از یک

بسیجی فالانژ، بدون هیچگونه آموزشی، با مدرک دبیرستان، دادیار دادگاه انقلاب شهر بابک می‌شود و نخستین آدمکشی‌هایش را در راه دین و رهبر و نظام به نمایش می‌گذارد. سعید مرتضوی، با آغاز دهه ۶۰ برای کشتار و سرکوب فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی و دیگر مخالفین حکومت اسلامی حکومت، با برگزاری دوره‌های آموزش قوانین قرآنی و حقوق شرعی چند ماهه، همراه هزاران آخوند و بسیجی آماده قتل عام برای ماموریت‌های دینی و طبقاتی به سراسر ایران روانه می‌شوند. سعید مرتضوی یکی از آنان است. این جانی، ۲۰ ساله است که دادستان انقلاب شهر بابک می‌شود و در همین شهر، دهها نفر از کارگران و زحمتکشان به اعتراض برآمده و آزادیخواهان را به جوخه‌های مرگ می‌سپارد. در کرمان خون می‌ریزد و در سال ۱۳۷۳ به سفارش اسدالله بادامچیان از رهبران مؤتلفه، به ریاست شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران نشانیده می‌شود. در دانشگاه آزاد به پاس جنایت‌هایش، گواهی لیسانس حقوق اسلامی می‌گیرد. در دوره ریاست محمد یزدی، رئیس دستگاه قضاییه، به شعبه ۳۴ مجتمع قضایی کارکنان دولت و سپس در دهه ۷۰ به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات فرستاده می‌شود تا جلاد برخی نویسندگان و روزنامه‌ها و مجله‌های در توهم اصلاحات حکومتی هم باشد. در این بگیر و ببند فله‌ای، پیام فضلی نژاد اصلاح طلب تواب و اکنون یار شریعتمداری در بازجویی و پرونده سازی در کیهان حکومتی و شاگرد الکساندر دوگین، همراه است. خامنه‌ای در تهدید به توهم اصلاحات، آنگاه که تیغ کشید: «اگر با انگشتم اشاره کنم مردم همه شماها را سر جای خودشان می‌نشانند.» انگشت او به سوی سردهسته‌ی آدم‌هایش، اژه‌ای، سعید مرتضوی و قاضی مغیثه و حداد... است. سعید مرتضوی برای گرفتن اعترافات جنسی از دستگیر شدگان رسانه‌ای به ویژه دختران، آنان را به داشتن روابط «نامشروع» زیر شکنجه می‌برد. امید معماریان یکی از دستگیر شدگان است:

«کسانی که من را بازجویی کردند و در سلول انفرادی یک زندان سری مواردی را که خود می‌خواستند از من با فشارهای مختلف بدنی و روانی گرفتند، مریض جنسی و روانی بودند من به آقای شاهرودی گفتم که نه تنها در مورد من بلکه این افراد نباید با هیچ‌کس در یک اتاق تنها بمانند چون که آن‌ها تعادل روانی ندارند و می‌توانند کارهایی بکنند که هیچ انسان با شرم و حیایی نمی‌تواند انجام بدهد. آقای شاهرودی قول دادند رسیدگی کنند، اما حالا متوجه شده‌ایم که این ما هستیم که باید تاوان یک سیستم بیمار و مریض را بدهیم که در آن در گوشه سلول انفرادی در محاصره یک مشت آدمی که هر کاری از شان بر می‌آید دو ماه را سپری کرده‌ایم...»

مرتضوی از سال ۱۳۸۱ تا هفتم شهریور ۱۳۸۸ دادستان تهران است. در خیزش سراسری سال ۱۳۸۸ در پست دادستان تهران، جنایت کهریزک را زیر فرمان مستقیم سید علی خامنه‌ای و فرزندش مجتبی فرماندهی می‌کند. در این برهه با بیت رهبری نزدیک و نور چشمی خامنه‌ای و زیر فرمان سید مجتبی در سرکوب خیزش، برای بقاء نظام، شبانه روز در تب و تاب است.

پس از اینهمه جنایت، برکناری از دادستانی تهران مرتضوی، او نور چشمی احمدی نژاد شد و به دستور وی در سال ۱۳۸۸ به ریاست «ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز» نشانیده می‌شود تا این «تجارت» در انحصار باند رهبری و چند فرمانده سپاه و اطلاعات باشد. در این برهه با خانواده لاریجانی در گیر است. سال ۱۳۹۰ به ریاست سازمان تامین اجتماعی نشانیده شد. سازمان تامین اجتماعی، جایی است که تمامی ذخیره و بیمه بازنشسته‌گان و بیمه‌شدگان در آن گرد آمده است با حجم دارایی کهکشانی. این انتقال آرزوی نورچشمی خامنه‌ای بود.

همسر و همدست مرتضوی، دکترهما فلاح در رشته پزشکی به پاس آدمکشی‌های «فی سبیل‌الله» وی، پی در پی مقام می‌گیرد. با ریاست مرتضوی در سازمان **تامین اجتماعی** است که هما فلاح به ریاست بیمارستان شریعت رضوی، وابسته به سازمان تامین اجتماعی نشانیده می‌شود و به زودی به

مدیرکلی آموزش و پژوهش سازمان تامین اجتماعی گمارده می شود. در برهه افشای نقش مرتضوی در جنایت کهریزک، فلاح نامزد چهارمین دوره شورای شهر تهران است.

مرتضوی، در تیرماه سال ۱۳۸۲ زهرا کاظمی (دکتر زیبا) شهروند کانادایی- ایرانی را که در حال عکاسی از خانواده‌های زندانیان در بخش بیرونی زندان اوین بازداشت شده بود را به دست خود زیر شکنجه می‌کشد. سال ۸۷ ماجرای فروش سئوالات کنکور زیر نام «انتحار قضایی» فاش می‌شود، و به مجلس هفتم ارتجاع کشیده می‌شود. کل پرونده سر به نیست می‌شود. مرتضوی یکی از متهمین این ماجراست. تابستان داغ ۸۸ در ۱۸ تیر ماه، با خیزش سراسری که در آغاز در اعتراض به تقلب انتخاباتی فوران یافت، به دستور مرتضوی دستکم ۳۰۰ تن از دستگیر شدگان را به سوله‌های کوره مانند کهریزک می‌برند. در آنجا پیکرخونین جوانان را به دست آدمکشان و اوباشانی در کهریزک نگه داری می‌شدند می‌سپارند، به برخی از دستگیر شدگان تجاوز می‌شود، آنان را آویزان می‌کنند تا نفس‌های آخر. دستکم ۵ نفر از جوانان به نام های محسن روح‌الامینی، محمد کامرانی، امیر جوادی‌فر، احمد نجاتی کارگر و رامین قهرمانی جان می‌بازند. محسن روح‌الامینی، فرزند یکی از فرماندهان سپاه و از سرسپردگان علی خامنه‌ای است. دستگاه سرکوب، این جنایت را به‌سان یک شوک روانی، آشکار می‌سازد تا جامعه دچار شوک شود. این جنگ روانی کارساز افتاد، زیرا برای نخستین بار بود که از زبان خود حکومتیان به تجاوز و آویزان کردن در کهریزک اعتراف می‌شود. در مجلس سرمایه، نمایندگان جناح- باندها به شوخی، یکدیگر را به «کهریزی کردن» تهدید می‌کنند. مرتضوی کهریزک را موضوعی: «تبلیغاتی، سیاسی، تخریبی و ابهام‌آور» می‌خواند. این جانی در پاسخ به هیئت بررسی فرمالیستی مجلس ارتجاع نوشت: "با تاکید اینجانب مبنی بر اینکه فقط ارادل و اوباش مؤثر در آشوب و بلوا و تخریب اموال عمومی به کهریزک اعزام شوند از حدود ۳۰۰ نفر از بازداشت شدگان، ۱۵۳ نفر

آنان به اوین اعزام شدند و ۱۴۷ نفر بازداشت شدگان بر اساس گزارش نیروهای در صحنه و اظهارات آنان در پاسخ به تفهیم اتهامات وارده و به دلیل نبود مکان خالی در اوین و اضطرار زمانی مذکور، به کهریزک اعزام شدند. "برای مدتی، مرتضوی به همراه حسن حداد دهنوی معروف به قاضی حداد (معاون امنیت وقت دادستان تهران) و علی اکبر حیدری فرد (دادیار) یکسال بعد در مرداد ماه ۱۳۸۹ تنها از پست‌های خود معلق می‌شوند. مرتضوی سبب مرگ بازداشت شده‌گان را بیماری مننژیت اعلام کرد. یکی از پزشکان مردمی، به شهادت آمد، او را کشتند. نوشتند که رامین پوراندراجانی (زاده ۱۹ خرداد ۱۳۶۲ تیریز - در ۱۹ آبان ۱۳۸۸) پزشک بازداشتگاه کهریزک، در ساختمان بهداری نیروی انتظامی تهران درگذشت.» بیشتر او را تهدید کرده بودند تا خاموش بماند. مرتضوی در تیر ماه ۱۳۹۰ از تمامی اتهام‌های حوادث کهریزک تبرئه شد. ترفند تکذیب خبر و تایید، فریب همیشگی رژیم به کار آمد. گفتند پرونده گشوده است تا خشم مردم فرونشیند و موضوع به وادی فراموشی سپرده شود.

مرتضوی در شراکت با مجتبی خامنه‌ای و برخی از سران وزارت اطلاعات، بخشی از شستا (شرکت سازمان تامین اجتماعی) را به بابک زنجانی فروخت. این داد و ستد «در ازای پرداخت ۵,۳ میلیون یورو از جانب زنجانی، این سازمان نیز چند شرکت زیرمجموعه خود را با نرخ تعیین شده بر اساس بورس کالا، به زنجانی» می سپرد. باند رقیب این معامله به میدان آمد و قضیه در دهم مرداد ماه ۱۳۹۱ به دستور دیوان عدالت اداری خاموش ماند. در اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ ترفند «رسیدگی نهایی» به پرونده کهریزک در دستور کار رژیم گذارده شد. رای دادگاه اسلامی «جریمه ۲۰۰ هزار تومان» اعلام شده بود. سرانجام وی در مرداد ۹۴ از «اتهامات» وارده تبرئه شد.

مرتضوی در همدستی با احمدی نژاد که در پست ریاست جمهوری در رقابت باندها، در یک تله گذاری برای لاریجانی ها، فاضل لاریجانی

از برادران ۵ گانه حکومتگر را به دام انداخت. بابک زنجانی در این ماجرا نقش دلالی داشت که لاریجانی را به پرداخت میلیونها دلار راضی می ساخت تا نزد برادرش صادق لاریجانی، قاضی القضاة رژیم به لابیگری برود. فاضل دلال، دلالی را پذیرفت، غافل از اینکه دوربین مخفی درکار است و احمدی نژاد سرانجام پس از آن همه «بگویم، بگویم» ها آن را در مجلس حکومتی پخش کرد. سعید مرتضوی، مدیرعامل وقت صندوق تامین اجتماعی، بود که این فایل ویدیویی در ۱۵ بهمن ۱۳۸۹ موضوع استیضاح شیخ الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مجلس در یک جلسه علنی منتشر شد. سبب استیضاح وزیر کار، شدت یابی رقابت های درونی باندها بود. باند لاریجانی خشمگین از به دام افتادن فاضل لاریجانی به وسیله سعید مرتضوی که ولی فقیه بود، خواهان برکناری وی به دست وزیر کار بود. وزیر کار خود شریک این باند در دزدی ها در شستا و همدستی با مرتضوی بود. او حکم دیوان عدالت اداری (به دستور صادق لاریجانی) و خواست برکناری سعید مرتضوی از ریاست سازمان تامین اجتماعی را اجرا نمی کرد. آن روز را یکشنبه سپاه نامیدند و سید علی خامنه ای با فریاد خواهان «پایین کشیدن فتیله ها» شد. و آنرا خلاف شرع نامید: «این که رئیس یک قوه به خاطر یک سند اثبات نشده دو قوه دیگر را متهم کند، خلاف شرع و قانون و تضییع حقوق مردم است».

با به نمایش گذاردن ویدیو این بده بستان ها در مجلس، در جلسه استیضاح «وزیر کار و رفاه اجتماعی» علی لاریجانی پاتک خورده از احمدی نژاد، با صدایی لرزان و منزجر روی به احمدی نژاد گفت: «اتفاقا خوب شد شما که دائم بگم بگم در کشور راه انداختید امروز این فیلم را نشان دادید تا مردم شخصیت شما را بهتر بشناسند».

احمدی نژاد اجازه پاسخگویی نیافت و با خواری از مجلس بیرون رفت. وزیر کار او نیز برکنار شد، اما سعید مرتضوی به زودی از بازداشت بازگشت. قربانی کردن سید محمد جهرمی به اختلاس بزرگ

بانکی باز می‌گردد که او ریاست بانک صادرات را به عهده داشت. مه‌آفرید امیرخسروی، از مالکین اصلی مجتمع فولاد اهواز، توانسته بود ۳ هزار میلیارد تومان (سه تریلیون تومان) و یا ۲۸۰۰ میلیارد تومان را از شبکه‌های بانکی به سرقت ببرد. این سرقت، پیش از افشای پرونده بابک زنجانی بود. رسانه‌ها در شهریور ماه ۱۳۹۰ از کشف اختلاسی نام بردند که از کانال بانک صادرات ایران انجام و کشف شد. لغو مجوز بانک آریا و دستگیری رئیس آن امیرمنصور آریا و تنی چند از همدستان وی پی آمد این آشکار شدن بود. بانک‌های درگیر این دزدی‌ها از جمله: بانک ملی، بانک سامان، بانک سپه، بانک صنعت و معدن و بانک پارسیان که شبکه‌ای از بانک‌های سپاه و دولت را تشکیل می‌دادند، ایمن ماندند.

محمودرضا خاوری مدیر عامل بانک ملی در هفته اول مهر ماه ۱۳۹۰ از مقام مدیریت عامل بانک ملی ایران به بهانه «مشکلات عصبی حادث شده و بیماری مزمن» استعفا داد و به کانادا فرار کرد. تا نامی از سید محمد جهرمی که از سران سپاه و اطلاعات سپاه بود برده نشود. جهرمی به وزارت کارنشانیده شد. اما همدست دزدی‌های مرتضوی بود و پشتیبان او که از برکناری مرتضوی در شستا سر باز می‌زد. سرانجام در آذرماه سال ۱۳۹۰ قرار مجرمیت جهرمی، مدیرعامل وقت بانک صادرات ایران هم صادر شد. رئیس قوه قضائیه در همان زمان گفت که این فساد در دولت رخ داده و کوتاه نمی‌آییم. محمود احمدی‌نژاد، اینک در برابر لاریجانی‌ها و حتا ولی فقیه خاموش فرمان نمی‌برد. او کارگزاران دولت‌اش را خط قرمز خود اعلام کرده بود. صادق آملی لاریجانی در پاسخ به او گفت: گفتن خط قرمز توهم است. هر مسئولی در این پرونده دخیل باشد محاکمه می‌کنیم.

در پرونده مرتضوی-جهرمی-امیرخسروی-خاوری نام ۳۹ نفر در میان بود. پس از ۵ ماه در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۹۰ آخرین جلسه دادگاه برگزار و سرانجام: مه‌آفرید خسروی، بهداد بهزادی مشاور حقوقی مه‌آفرید، ایرج شجاعی مدیر مالی شرکت سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا و سعید کیانی رضا زاده رئیس شعبه بانک صادرات گروه ملی فولاد در

پرونده فساد مالی بزرگ به اعدام، رد مال و جزای نقدی محکوم شدند. همچنین مه‌آفرید خسروی متهم ردیف اول پرونده به پرداخت یک چهارم درآمدهای به دست آمده از پولشویی به میزان ۲۵ هزار و ۷۲۹ میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و پرداخت ۲۸ هزار میلیارد و ۵۵۴ میلیون ریال به بانک‌ها، معادل کل ال سی‌های پرونده محکوم گردید.

پس از فروش اموال مه‌آفرید خسروی و گرفتن دارایی‌هایش به جای بدهی‌های وی، حکم اعدام مه‌آفرید سحرگاه روز شنبه - سوم خردادماه ۱۳۹۳ - در محل زندان اوین اجرا شد سه متهم همچنان در زندان ماندند. پرونده دیگر متهمان این فساد بزرگ که افزون بر ۱۰۰ نفر شدند، در حال رسیدگی ماند. جهرمی رئیس وقت بانک صادرات یکی از این متهمین بود و به جریمه ۸ میلیون تومانی پایان یافت و او با پرداخت این پول تو چیبی آقازاده ای خردسال، بدون اعتراض و با خشنودی با ولی فقیه و باند لاریجانی‌ها کنار آمد.

در سال ۱۳۹۰ در اوج افشای فساد بانکی شدن اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی که با «ال‌سی»‌های جعلی بانک صادرات به دست سید محمد جهرمی صورت گرفته بود، موضوع حقوق‌کهنکشانان جهرمی نیز به میان آمد. آشکار شد که وی در دولت نهم وزیر کار محمود احمدی‌نژاد، در زمان ریاست بر بانک صادرات ماهیانه مبلغ ۲۹۷،۱۶۲،۶۹۵ ریال (۲۹ میلیون و هفتصد هزار تومان) دریافت می‌کرده و کارنامه سه ماهه او ۴،۸۵۸،۹۵۷،۹۶۹ ریال (۴۸۵ میلیون تومان) بوده است. باند رقیب افشا ساخت که از اقدامات دولت نهم از جمله پرداخت مبالغ هنگفتی در جریان طرح موسوم به «بناگاه‌های زود بازده»، انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی و ادغام صندوق تعاون و صندوق مهر رضا و طرح جابجایی پایتخت از اقدامات جهرمی بوده است.

متن کامل روخوانی احمدی‌نژاد در مجلس از دیدار مخفی مرتضوی وفاضل لاریجانی پیاده شده از روی ویدئو:

«یک فردی به نام آقای میم که معاون مجتمع قضایی تهران است آمده و می‌گوید که می‌دانید من با یکی از برادران آقای لاریجانی رفت و آمد خانوادگی داریم. مرتضوی می‌پرسد: شما ارتباط دارید. معاون مجتمع قضایی می‌گوید بله. من می‌خواهم این را بگویم که بقیه برادران به گرد پای فاضل نمی‌رسند و نمره‌هایشان پیش من صفر است. یعنی اگر بقیه برادران فاضل نبودند من چند فحش به آن‌ها می‌دادم و قبولشان ندارم، بهش گفتند شما هرچه می‌خواهید به مرتضوی شفاف بگویید. فاضل لاریجانی پیش مرتضوی می‌آید. باید رک به آقای مرتضوی بگویید که آقای ز [بابک زنجانی] که می‌خواهد با تأمین اجتماعی قرارداد ببندد باید از قبل من به شما وصل شود.

فاضل لاریجانی خطاب به مرتضوی می‌گوید کسی که می‌خواهد قرارداد ببندد باید هشیار باشد که در مورد ما تبلیغات نکند و اعلام نکند که با ماست. خودمان جایی می‌بینیمشان و قراردادهای را می‌بندیم. مرتضوی در اینجا از آقای میم می‌خواهد که جلسه را ترک کند و احساس می‌کند که ممکن است حرف‌هایی مطرح شود که این فرد نباید متوجه شود.

بعد از خروج فرد مورد نظر آقای فاضل لاریجانی به آقای مرتضوی می‌گوید که من می‌خواهم با گروه ز کار کنم ولی به صورت کتبی این کار را نمی‌کنیم. بعد از آقای مرتضوی می‌پرسد اخیراً علی آقا را دیده‌اید یا خیر، مرتضوی می‌گوید ندیده‌ام. فاضل لاریجانی لاریجانی جواب می‌دهد که آقا علی نظرش روی شما خیلی مساعد است و می‌تواند کمک کند و حتی با قوه قضاییه تملطیف کند موضوع را.

خصوصاً یک ملاقات جدی باید انجام دهیم بیرون از قوه و مجلس. مثلاً در منزل مادر و بدون سر و صدا انجام شود. علی آقا و آقا صادق [علی لاریجانی و صادق لاریجانی] هم نباشند. آقای مرتضوی تعجب می‌کند و می‌گوید بدون علی آقا و آقا صادق؟

آقای لاریجانی می‌گوید هردوشون نباید بدانند. بعد آقا فاضل می‌گوید ابتدا صادقانه و پوست کنده می‌گویم: ما می‌خواهیم با گروه ز کار کنیم و یکی دو پروژه خوب به‌شان پیشنهاد کنید. مثل پالایشگاه یا پروژه‌های مشابه که تمایل داشته باشند با ما کار کنند در ایران یا خارج که جاذبه هم داشته باشند.

مرتضوی می‌گوید شما بفرمایید من چکار کنم و بدانم چکار باید کرد. فاضل می‌گوید یک زمینه‌ی آشنایی ایجاد شود. مرتضوی می‌گوید شما نمی‌شناسید آقای ز را. آقای فاضل می‌گوید نه. باید یک زمینه آشنایی ایجاد کنیم و توصیه بفرمایید که با ما کار کنند که گروه ز احساس کنند نمایندگی شما را دارم.

در همین پروژه‌هایی که با شما قرارداد بسته‌اند ما را معرفی کنید که با آن‌ها همکاری داشته باشیم و نظارت و کمکی کنیم و در کارها با آن‌ها قاطی شویم. کارهای اقتصادی اگر صلاح می‌دانید و هرکار دیگری که شما توصیه می‌کنید به گروه «ز» [یعنی بابک زنجانی] توصیه کنید که همکاری ما با آن‌ها برای آینده ایران خوب است. مرتضوی می‌گوید در خارج از کشور هم من پیشنهاد کردم با شما کار کنند شما چه نظری دارید؟ لاریجانی می‌گوید من نمی‌دانم شرایط چگونه است؟ اگر من را به عنوان مباشر خودشان تلقی کنند من می‌توانم در تمام کارها با آن‌ها همکاری کنم. مرتضوی می‌گوید اگر من شما را به

عنوان مشاور معرفی کنم درشان شما نیست. لاریجانی می‌گوید تلقی‌اش اینطور باشد لازم نیست جایی مطرح شود.

مرتضوی می‌گوید شما برادر رئیس مجلس و رئیس قوه مقننه این مملکت هستتید مناسب نیست که شما را به عنوان مشاورشان تلقی کنند. لاریجانی می‌گوید به آن‌ها بگویید حضور من می‌تواند یک ارتقایی باشد برای آینده کاری خودتان و به آن‌ها توصیه کند. مرتضوی می‌گوید در مجلس و قوه قضاییه می‌توانید کاری کنید؟ می‌گوید بله آمادگی داریم بستگی به کیسش دارد دیگر. مشکلاتی که آقای ع. ب که فرد مشهوری است و شما می‌شناسید و آدم متدین و زحمتکشی است و ده پانزده پروژه پتروشیمی دارد و احتیاج به کمک دارد. مرتضوی می‌گوید شما برایش چکار کردید. لاریجانی می‌گوید این فرد چندین مشکل دارد. یک سری مشکل بانکی دارد که همین فردا ساعت ۹ من با این فرد قرار دارم تا مشکلاتش را پیگیری کنم و مشکلات واحدهای پتروشیمی‌اش را می‌خواهم حل کنم.

آقای ع. ب و آقای میم هم می‌آید و مشکلاتی که در قوه قضاییه دارد و مشکل‌های اجرایی دیگرش را می‌خواهم حل کنم. از مفاسد اقتصادی هم پرونده داشت که برایش پیگیری کردم و از طریق اخوی مشککش را حل کردم.

اخوی دستور داده است مشکلاتش حل شود؟ لاریجانی می‌گوید بله من خودم هم مشاور بانک صنعت و معدن بودم و قسط‌های این بنده خدا را تقسیط کرده‌ام که حل شود.

پرونده زیاد بوده و رئیس دادگستری یکی از استان‌ها هم یک عده از او سر زمین شکایت کرده بودند و ما صحبت کردیم و مشکلاتشان را از طریق آقای الف حل کردیم.

مرتضوی می‌گوید: بحث‌های کارگری بوده. لاریجانی می‌گوید هم کارگری بوده و هم مسائل مالیاتی همه را حل کرده‌ایم. من الان پوست کنده بگویم. من کار دانشگاهی کرده‌ام و الان نوه دارم و اموراتم با ماهی ۲ میلیون تومان نمی‌چرخد تازه دوزاری من افتاده است و الان یک فرصت ویژه پیدا شده است و در این چند سال که ورود به کار اقتصادی پیدا کرده‌ایم و الان قلقلها دستم آمده است و واقعیت این است که می‌خواهم برای من قدمی بردارید و یک مسکن مختصری چیزی به نام یکی از بستگان من کنید برای شروع کارش. مقطعی به قضیه نگاه نکند و فکر کند می‌خواهد یک استفاده‌گزی بکند. بگویید یک آپارتمان ۶۰۰ یا ۷۰۰ متری به ما بدهد. مرتضوی می‌گوید ویلایی می‌خواهید یا آپارتمان؟ لاریجانی می‌گوید اگر ویلایی باشد بهتر است. مرتضوی می‌پرسد خودتان جایی را دارید معرفی کنید. لاریجانی می‌گوید بله به نام یکی از اقوام ما آپارتمان را بخرد. این بنده خدا پدرش فوت کرده است و به چشم نمی‌آید و اسمش را به مرتضوی می‌گوید.»^(۵۸)

^{۵۸}(<http://fararu.com/fa/news/140319>

«نابدید شدن» چک ۱۷ هزار میلیاردی تومانی تامین اجتماعی»،
"فروش زمین ده هزار متری پارکینگ هتل همای تهران به یک دهم
ارزش واقعی" به سران رژیم، "فروش ۱۳۸ شرکت تامین اجتماعی به
بابک زنجانی"، "اعطای میلیون ها تومان کارت هدیه به برخی نمایندگان
مجلس" و حتا پرونده تجاوز فردی سعید مرتضوی، کشتار در کهریزک
و... از جمله اعمالی اند که بدون پشتوانه سیدعلی و مجتبی خامنه‌ای انجام
نمی‌گیرند. به همانگونه که ماجرای شرکت «سورینت قشم» هواپیمایی
جمهوری اسلامی بابک زنجانی، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان،
بانک صادرات، هتل‌های هما، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی تبریز، شرکت
ملی نفتکش، چوب و کاغذ ایران، شرکتهای گوناگون بیمه در شمار بیمه
«ملت»، «میهن»، «دانا»، «پارسیان» و... کشتیرانی جمهوری اسلامی،
بانکهای پاسارگاد، تات، پارسیان، دی و ... صنایع مس باهنر و ۲۰۰۰
میلیارد تومان چک صادره ... ماجرای «شرکت سورینت قشم» به اینگونه
آغاز شد. قشم به سان منطقه آزاد را حیات خلوت دولت احمدی نژاد می
نامیدند. حضور حمید بقایی معاون اجرایی محمود احمدی نژاد به عنوان
دبیر مناطق آزاد میانجیگر دست اندازی احمدی نژادی ها (پسران) و هم
بابک زنجانی شد. محمد اصغری»، «رضا موسوی» و «اسفندیار حیدری
پور» به ترتیب مدیران منطقه آزاد قشم بودند و هرکدام بخشی از جزیره را
در اختیار زنجانی گذاردند. واگذاری شرکت هواپیمایی قشم به بابک
زنجانی بود. با گزارش شرکت: «در سال ۱۳۸۵ مالکین قشم ایر تصمیم
به واگذاری شرکت نمودند و در نهایت در سال ۱۳۸۸ شرکت هولدینگ
توسعه سورینت قشم مالک این شرکت گردید.» «شرکت هولدینگ توسعه
سورینت قشم» به ریاست بابک زنجانی که اکنون مالکیت این هواپیمایی را
دارد، در سال ۱۳۸۸ اصلا وجود نداشته است. به گزارش ایرنا،
خبرگزاری جمهوری اسلامی، «شرکت هولدینگ توسعه سورینت قشم در
شهریور سال ۱۳۹۰ تاسیس شده است» و به بیان همین خبرگزاری دولتی
«یکی دیگر از شرکت های بابک زنجانی که در قشم تاسیس شد، شرکت

هوایمایی فراز قشم و شرکت کترینگ فراز قشم است. شرکت کترینگ فراز قشم به صورت اختصاصی تولید کلیه مواد غذایی برای هوایمایی کیش ایر و قشم ایر را در اختیار دارد. فراز برای طرفداران پرسپولیس شناخته شده تر است، زیرا همان شرکتی است که قرار است هوایمیا در اختیار پرسپولیزی -ها بگذارد. یک فروند ایرباس ۳۲۰ که تابستان امسال توسط شرکت هوایمایی فراز قشم وارد ناوگان هوایی کشور شده به گفته مدیرعامل این شرکت به باشگاه پرسپولیس داده شده تا از آن برای پروازهای اختصاصی استفاده کند»^۹

این خبر گزاری اما نه در زمان کارگزاری باند احمد نژاد، بلکه با روی کار آمدن باند اعتدالیون به رهبری حسن روحانی دست به افشای رقیب میزند. باندهای فساد و فساد نهادینه شده و سیستماتیک حاکم، این ربایش ها را به هزینه ربودن نان شب سفره کارگران و به بهای به زیر فقر مطلق نشانیدن بیش از ۶۰ میلیون از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران و به هزینه نابودی و فلاکت جامعه به پیش می برند.

ادعا می شود که دولت، ۷۶ درصد مستمری‌های صندوق بازنشستگی ایران را پرداخت می‌کند که از پرداخت آن به صندوق خودداری کرده است. این صندوق بازنشستگی، با ربایش حق بازنشستگی افزون بر یک میلیون نفر از بازنشستگان، به بهانه خودداری دولت از پرداخت بدهی های خود به صندوق، در آستانه اعلام ورشکستگی است. سلمان خدادادی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در آذرماه ۹۶ اعتراف کرد: «درحال حاضر ۱۸ صندوق بازنشستگی در کشور فعالیت می‌کنند که منهای صندوق تامین اجتماعی مابقی صندوق ها ورشکسته هستند.» (دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۶ **سلمان خدادادی** در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری **خانه ملت**)^{۱۰}

^۹ (<http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=۸۱۰۱۵۹۸۷>)

^{۱۰} (www.rajaneews.com/news/۲۸۰۷۴۴/)

«با اشاره به اینکه ۳ مشکل اساسی آرامش کشور را تهدید می‌کند، گفت: این مشکلات درحوزه صندوق‌ها، محیط زیست و مسائل مربوط به بخش آب است، نمی‌توان به سادگی از کنار این مشکلات عبور کرد؛ به طور حتم برای این حوزه‌ها نیز باید کمیته بحران در جامعه تشکیل شود، متأسفانه در راس صندوق‌های باننشستگی مدیران ناکارآمد فعالیت می‌کنند... بنا برآمار غیررسمی بدهی دولت به تامین اجتماعی نزدیک به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان است، اما مسئولان دولتی زمان تصویب این قانون در مجلس با نارضایتی جلسات کمیسیون تلفیق را ترک کردند؛ ضمن اینکه در سال جاری ۲۰ هزار میلیارد تومان به بدهی دولت به تامین اجتماعی اضافه شد و مجلس دولت را موظف به پرداخت بدهی‌ها کرد... امروزه ۹۰ درصد هزینه‌های کشور جاری است، درحال حاضر صندوق باننشستگی کشوری بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر عضو دارد؛... درحال حاضر ۱۰ درصد اعتبارات کشور عمرانی است. اگر شرایط فعلی ادامه پیدا کند، همین میزان هم صرف هزینه‌های جاری می‌شود، بنابراین در زمانی که هیچ کار عمرانی انجام نمی‌شود؛ نمی‌توان توقع حل بیکاری و حاشیه‌نشینی را داشت؛ شرایط متأسفانه بحرانی است، البته مرکز پژوهش‌های مجلس هم به دنبال حل مشکل تامین اجتماعی است؛ اما طرح این نهاد هم به جایی نمی‌رسد...»

وی با انتقاد از عدم سرمایه‌گذاری موثر صندوق‌ها برای مرحله پیری، روشن کرد: «در همه‌ی دنیا صندوق‌های باننشستگی خصوصی و حق‌الناس هستند، اما در این جامعه صندوق‌ها وسیله و بازیچه دولت‌ها هستند؛ هم اکنون صندوق تامین اجتماعی بیش از ۴ میلیون نفر مستمری بگیر و ۳۵ میلیون نفر را تحت پوشش قرار می‌دهد، اما این صندوق همیشه بازیچه دولت‌ها بوده است.» خدادادی وابسته به رقیب در افشای باند دولت ادامه می‌دهد: «... متأسفانه همه دولت‌ها گماشتگان خود را در مدیریت صندوق‌های باننشستگی قرار می‌دهند، در دولت هشتم و نهم هشت مدیرعامل برای مدیریت صندوق تامین اجتماعی انتخاب شد؛ البته در دولت یازدهم

مدیریت‌ها تا حدودی تثبیت شد، اما در کشور ما دولت‌ها صندوق‌ها را به دلخواه خود اداره می‌کنند... از عجایب روزگار است که رییس‌جمهور در دولت دوازدهم زمان معرفی وزیرتعاون، رییس شرکت شستا را هم معرفی می‌کند، از این رو این مورد نشان از دخالت دولت‌ها در صندوق‌ها دارد؛ بنابراین تا دخالت دولت‌ها کاهش پیدا نکند، وضعیت صندوق‌ها تغییری نخواهد کرد.

این هشدار کارگزاران سرمایه، درست یکسال پیش از خیزش سراسری دی ۹۷ است. به گزارش «صدای معلم»: ورشکستگی صندوق به معنای بلا تکلیفی یک میلیون و ۲۶۸ هزار نفر بازنشسته است. صندوق تامین اجتماعی نیروهای مسلح، ۶۷۰ هزار بازنشسته دارد و گفته می‌شود که ۹۸ درصد مستمری پرداختی خود را با کمک دولت تسویه کرده است. صندوق کارکنان فولاد ورشکسته شده است. این صندوق نزدیک به ۸۵ هزار بازنشسته مستمری‌بگیر دارد که با دخالت وزارت رفاه در حال تسویه مستمری‌های بازنشستگان خود با تاخیری دو ماهه است.^(۶۱) نه تنها صندوق بازنشستگی، بلکه دولت ورشکسته است. ورشکستگی صندوق و بانک‌های سراسر ایران، نشانه‌ی سونامی ورشکستگی حکومت اسلامی است.

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، خطری برای نظام

علی ربیعی، چهره‌ی امنیتی، و بازجو و وزیر پیشین کار حکومت اسلامی، دوشنبه بیست و یکم آبان‌ماه ۹۷ (۱۲ نوامبر ۲۰۱۸) صندوق‌های بازنشستگی ایران را ورشکسته و خطری در برابر حکومت اسلامی خواند. وی هنگام معارفه‌ی جانشین خویش در وزارت کار، محمد شریعتمداری، چهره امنیتی و مدیر امپراتوری ملی خامنه‌ای افزود که باید به چاره‌ای فوری در برابر خطر "دردناک در صندوق‌های بازنشستگی کشور" برآمد.^(۶۲)

^{۶۱)} (<http://sedayemoallem.ir/>)

^{۶۲)} <https://www.tabnak.ir/fa/news/۶۲۹۳۰۶/>

ربیعی شرایط کنونی در ایران را با شرایط فوریه ۱۹۱۷ و سرنگونی تزار و برآمد جنبش کارگری انقلاب کارگری در روسیه همانند دانست و افزود: «مهمترین انقلاب‌های قرن گذشته از جمله انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در نتیجه تحولات جمعیتی روی داده و ایران امروز نیز "اکنون با همین تحول روبرو است...، و افزون برای اینکه کشور با چالش‌های بزرگی نظیر فقر و بیکاری و ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی روبرو است.» این اعتراف، بازگو کننده‌ی شرایط همه‌جانبه‌ی بحرانی حکومت که در کنار اسحق جهانگیری جانشین اول حسن روحانی و در برابر رسانه‌های گروهی بر زبان می‌آمد، یک اعتراف ساده نیست. این اعتراف از زبان علی ربیعی فرماندهی ۴۰ سال حکومت خونین و فلاکت، و مسئول مهار و کنترل و سرکوب جنبش کارگری و چهره‌ی امنیتی حکومت اسلامی که همراه با سعید حجاریان، بنیانگذار وزارت اطلاعات و اتاق فکر پروژه اصلاح‌طلبان حکومتی و از مهندسين آن، نه تنها بیانگر بحران فروپاشی حکومت است، بلکه دسیسه‌ای برای ربایش تمامی آنچه به نام ذخیره صندوق‌های بازنشستگی در این سالیان دراز اندوخته شده و به علاوه مشروعیت بخشی به ربایش میلیاردها تومان سهم و بدهکاری دولت به صندوق‌های بازنشستگی است. با این اعلام در یک دستبرد حکومتی- اسلامی، هم صندوق‌های میلیاردها میلیاردی و هم بدهی‌های هنگفت و میلیاردهی دولت است که می‌بایستی به صندوق بازنشستگی پرداخت نشده به روش خمینیسم ر بوده می‌شوند.

وزیر جدید کار، محمد شریعتمداری، پس از اعترافات دسیسه آمیز علی ربیعی، نیز اعتراف کرد که: "منابع غالب ۱۸ صندوق بازنشستگی کشور از محل بودجه عمومی تأمین می‌شود که این مسئله‌ای چالش آفرین است." او نیز همانند گماشته سرمایه‌داران و باندهای حاکم، وظیفه داشت که سناریو سرقت صندوق‌ها را تکمیل تر کند و بیافزاید که: صندوق بازنشستگی سازمان تأمین اجتماعی کشور نیز با کسری شدید منابع روبرو است و بخش مهمی از این کسری ناشی از بدهی‌های دولت به

سازمان تأمین اجتماعی است» و میزان آن را افزون بر «۱۵۰ هزار میلیارد تومان» اعلام کرد و افزود: « دولت امکان پرداخت نقدی بدهی‌های خود به سازمان تأمین اجتماعی را ندارد». به این بیان، دولت از پرداخت معاف می‌شود. وی بی آنکه توضیح دهد که چه سودایی در سردارند، افزود: « برای پرداخت این بدهی‌ها باید ترتیبات دیگری" انجام گیرد. پیش بینی ادامه این سناریو همانند فیلم‌های فارسی بسیار ساده است: شرکت‌ها و هلدینگ‌های زیر مالکیت صندوق بازنشستگی و تأمین اجتماعی «زیان ده» اعلام می‌شوند که باید به «بخش خصوصی واگذار شوند». بار دیگر، به این‌گونه، دهها شرکت زیر نام «زیان ده»، به کارگزاران حکومتی و سرداران سپاه و امنیتی‌ها واگذار می‌شوند و صندوق ذخیره به طور کامل به وسیله‌ی باندهای حکومتی حراج و به سرقت برده می‌شوند. محمد شریعتمداری که پرونده‌ای در مجلس ارتجاع سرشار از فساد دارد، برای توجیه این سرقت گفت: "ما نمی‌توانیم منابع بیمه شدگان را در قالب بنگاه‌هایی که زیر پنج درصد در اقتصاد بازدهی دارند سرمایه‌گذاری کنیم. این کار خیانت در امانت است.»

وزیر کار به این‌گونه دسیسه‌ی «واگذاری شرکت‌های ورشکسته سازمان تأمین اجتماعی» را به زبان می‌آورد، با این توجیه فریبکارانه که: "در غیر این‌صورت با اداره بنگاه‌های زیان‌ده تنها فقر را میان فقرا تقسیم می‌کنیم." اما هر ذهن آشنا با داد و ستد کالایی از خود می‌پرسد اگر این بنگاه‌ها زیان ده هستند کدامین بخش خصوصی حاضر به ریسک سرمایه‌گذاری و خریداری آنهاست؟! البته خود حکومتیان سخنی از فروش به میان نیاورده‌اند، بلکه سخن از «واگذاری شرکت‌ها» در میان است. این واگذاری از دولت به چه کسانی؟ آشکار است، به همان بخش «خصوصی»، یعنی سران سپاه و امنیتی‌ها و هلدینگ‌های بیت رهبری و شرکا. دولت حسن روحانی می‌گوید: « ۵۵ درصد درآمدهای نفتی کشور فقط صرف پرداخت مستمری بازنشستگان می‌شود.» این هزینه‌ها با اعلام ورشکستگی صندوق‌ها و تاکنون به کجا سرازیر شده است؟

در همین نشست، اسحاق جهانگیری، جانشین رئیس جمهوری نظام در بحران، نیز از واگذاری بنگاه‌های زیان ده دولت و سازمان تأمین اجتماعی به بخش خصوصی پشتیبانی کرد و افزود: «مدیران این بنگاه‌ها بر اساس رانت قدرت و نه صلاحیت‌های فردی یا به تعبیر خود او با "من بمیرم، تو بمیری" و سوابق سیاسی افراد در حکومت برگزیده می‌شوند.» و چنین ادامه داد: «دهها میلیارد دلار سرمایه در این بنگاه‌ها وجود دارد. اما، نه فقط سودی از آنان عاید دولت نمی‌شود، بلکه بدون کمک دولتی این بنگاه‌ها حتی از پرداخت حقوق کارکنان خود عاجز هستند.» او همانند ربیعی مزدور، اعتراف کرد که رژیم در سرازیری فروپاشی قرار گرفته است و گفت: «دو خطر بیکاری و کاهش قدرت خرید مردم، کشور یا در واقع نظام اسلامی ایران را تهدید می‌کنند.» معاون و دستیار حسن روحانی، کارنامه حکومت اسلامی را اینگونه بیان کرد: «حتی پیش از اعمال تحریم‌ها، کشور با ابرچالش‌هایی نظیر بیکاری، فقر مطلق و ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی روبرو بود و اکنون باید مراقب بود که تحریم‌ها به ریزش بیشتر کار و تشدید بیکاری منجر نشود.» اسحق جهانگیری‌ها، علی ربیعی‌ها و محمد شریعتمداری‌ها اینک در نقش دلال و نماینده امپراتوری بیت رهبری و از جمله کارتل و هلدینگ بزرگ مالی و استعمار شاه عبدالعظیم، در پست وزارت کار، وظیفه‌مند است که «خیانت در امانت» را تا سرانجام نهایی تکمیل کند، شرکت‌ها را رایگان زیر نام «بخش خصوصی» به باندهای حکومتی واگذار کند و دولت روحانی و باند خویش را در ربایش و ورشکستگی صندوق از پرداخت بدهی دستکم ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی خود معاف و تمامی آنچه که تا کنون از دستمزد کارگران و کارکنان به صندوق‌ها پرداخت شده و نیز سهم پرداخت شده از سوی کارفرما به صندوق‌ها را بربایند.

پی‌آمد روند بحران فزاینده‌ی سیاسی و مالی حکومت اسلامی، چنین رقم می‌خورد که دولت به بهانه تحریم و کاهش درآمد نفت، بهانه‌ای می‌یابد تا همان ۵۵ درصد در آمد نفتی که باید به بیان حسن روحانی به

صندوق‌های تامین و اگذار شود، سرباز زده و پرداخت نشود. اما پی‌آمد این سرقت‌ها و پروژه‌های جنایت بار آشکار، اعتراض‌ها و انفجار میلیون‌ها کارگر و کارکنان بازنشسته و نیز شاعلی است که با اعلام ورشکستگی صندوق‌ها، آتشفشان خواهند شد، و همانگونه که کارگزار امنیتی رژیم، علی ربیعی پیش بینی کرده است به خطری علیه نظام تبدیل خواهد شد. و تنها همین دو خطر «خطر بیکاری و کاهش قدرت خرید مردم، کشور یا در واقع نظام اسلامی ایران را تهدید می‌کنند.» در میان صدها خطر دیگر کافی است که نیروی کار به همراه تهی دستان شهر و روستا با شعار کار، نان، مسکن، آزادی به خیزش آیند و همایش‌هایی همانند پیش از انقلاب اکتبری علیه تزارسم روسیه ۱۹۱۷ را در ایران به نمایش بگذارند.

آستان قدس رضوی

سابقه تاریخی آستان قدس و تولیت آن به‌سان یک دامگاه فریب و جهالت، و نیز در همان حال دریایی از دارایی و درآمد برای والیان قدرتی که کلید داران آن هستند و در ۴۰ سال گذشته با نام عباس واعظ طبسی گره خورده، به زمان صفوی‌ها برمی‌گردد. در آن زمان شاهان صفوی که شاه عباس‌اش خود را سگ خانه علی (کلب‌علی) و یا سگ آستان رضا (کلب آستان رضا) می‌نامید تولیت آستان را برمی‌گزیدند، و در حکومت پهلوی، استانداری وظیفه تولیت را به عهده داشت و خرده ریزی به سفره‌ی لشکر دعا پرتاب می‌کرد. اکنون ولی فقیه به جای شاه سلطان حسین نشسته است «امپراتوری آستان» و تولیت‌اش را «والی خراسان» نام داده‌اند. این بنگاه فساد و استثمار، با ربایش نذرها و صدقه‌های میلیاردی زائران سرگشته و بی‌پناه، با سالانه بیش از ۳۰ میلیون زائر سرگشته و به وادی فراموشی افتاده و در آمدهای شرکت‌ها با هلدینگ‌های شریک با باند سپاه، به راستی یک امپراتوری مالی را همراه با هزاران هکتار زمین‌های قابل کشت در مشهد و دیگر شهرهای ایران در تصاحب این آستان فریب و

بندگی است. ارزش نسبی این زمین‌ها تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. این بنیاد بزرگترین کارفرما در استان خراسان رضوی است:

شهر مشهد و برخی شهرهای خراسان زیر حاکمیت متولی حرم و موقوفات علی بن موسی الرضا، ولیعهد مامون، جانشین هارون الرشید عباسی، امام هشتم شیعیان اداره می‌شود. تولیت آستان قدس رضوی از فردای به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، به حکم روح‌الله خمینی پایتخت عباس واعظ طبسی و خانواده فاسد وی بود که با مرگ او و با حکم آیت‌الله خامنه‌ای از تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۴ مدیریت این آستان به سید ابراهیم رئیسی جلاد و آمر کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷، داماد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در مشهد واگذار شد.

آستان قدس رضوی با داشتن ۵۰ شرکت سودده و مالکیت ۹۰ درصد اراضی زیر کشت و اغلب زمین‌های مسکونی مشهد، و با آن که در استان‌های دیگر هم موقوفات بسیار زیادی دارد، درآمد خود را فقط ۱۳۰ میلیون دلار در سال اعلام کرده است که با توجه به این ثروت هنگفت، این رقم به نحو حیرت‌آوری پایین است. و از آنجا که رسیدگی به بنیادهای زیر نظر رهبری تنها به امر رهبر امکان‌پذیر است، واعظ طبسی که خود را از آیت‌الله خامنه‌ای کمتر نمی‌دانست و برگزیده و نماینده و نایب التولیه آیت‌الله بود، نزدیک به ۳۵ سال تا پایان عمر بر این امپراتوری حکم راند.

کاسبان «المکاسب»

«ناصر واعظ طبسی» آفازاده‌ی آیت‌الله واعظ طبسی بزرگترین فساد مالی را در سال ۱۳۷۴-۷۵ به بار آورد. پرونده اختلاس با دخالت مستقیم خامنه‌ای و به قدرت امپراتوری رضوی پایان یافت و دادگاه او را تبرئه و تنها به محکومیت و زندان چندخبرنگار که به افشای این فساد پرداخته بودند انجامید و پایان دادگاه «بلخ» اعلام شد. شرکت «المکاسب» که یکی از شرکت‌های ناصر جوان بود، یکصد میلیارد تومان در بانک ملی حساب سازی و به حساب خود واریز کرد. ناصر واعظ طبسی تنها چند ساعت به

تهران دعوت شد تا با قوه قضاییه که آن زمان آیت الله شاهرودی هم‌مقار پدرش و خامنه‌ای بود داد و ستدی انجام گیرد. قاضی پرونده، زیاده‌روی کرده بود باید برکنار می‌شد و و برکنار شد و پرونده را از او گرفتند. شرکت «المکاسب» وابسته به بانک ملی ایران در سال ۱۳۶۳ برپا شده بود با تبنانی خامنه‌ای و طبسی همراه با چند شرکت دیگر در سال ۱۳۷۵ به مؤسسه خصوصی همیاری کوثر واگذار شدند. همیاری کوثر زیر پوشش بنگاه ویژه کارکنان بانک ملی، به یکی از بنگاه‌های مالی و فساد حکومتی تبدیل شد. از جمله شرکت‌های زیر این بنگاه، شرکت مدیریت سرمایه گذاری بانک ملی، شرکت ملی خدماتی تدارک و چند شرکت دیگر می‌باشند.

محمودرضا خاوری (زاده ۱۳۳۱ در خرم‌آباد)، مدیر عامل سابق بانک ملی ایران و از مجرمان محکوم شده به دلیل مشارکت در اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی ناصر طبسی در سی دهه عمر خود به پشتوانه حاکمیت اسلامی و فریب‌خوردگان روی آورده به امام هشتم شیعیان، بزرگترین خزانه طلا و جواهرات ایران تکیه زده در شمار ۵ شریک و بازیگر بزرگ تجاری در ایران است. وی پس از تیرئه از آن همه سرقت، بزرگترین دفتر تجاری را در شیخ نشین دوبی برپا کرده و درست در همان روزهای افشا، برای زایمان همسر خود، همراه وی راهی امریکا گردید تا همانند بسیاری از کارگزاران بالایی رژیم، تولد نوهی «سلطان خراسان» در امریکا، از شهروندی قانونی و حقوقی نوزاد و والدینش، که پدرش در نمایش‌های نماز جمعه «شیطان بزرگ» اش می‌خواند برخوردار گردد.

آستان قدس، بزرگترین نهاد وقفی جهان اسلام است. اداره تمام نذرها و صدقه‌های بی پناهانی که به درگاه این ولیعهد مامون پناه می‌برند و به نام موقوفات **به نام «امام هشتم شیعیان** واریز می‌شود همه به بنگاه مالی و اقتصادی و استثمارگر آستان قدس سرازیر می‌شود. بی آنکه با فرمان خمینی ریالی مالیات بپردازد. برای این معافیت نامه‌ای از **آیت‌الله خمینی** در دست دارد که سهم بری باند دولتی از این گنجینه بی‌کران غارت

و استثماری را بیمه کرده است. نه تنها مالیات نمی‌پردازد، بلکه مدعی است از بودجه سالانه باید سالانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد ریال بابت اجاره زمین‌های موقوفی به مافیای قدس رضوی باج بپردازد. بیش از ۱۳ هزار هکتار از مساحت ۳۱ هزار هکتاری شهر مشهد یعنی بیشتر از ۴۳ درصد از کل مساحت شهر به نام موقوفات آستان قدس رضوی ثبت شده است. این موقوفات تنها مشهد و خراسان را در بر نمی‌گیرند و استان قدس در سرتاسر ایران، زمین، باغ، رشته چاه و قنات‌ها و رودها را دارد؛ از آذربایجان شرقی و غربی و گلستان و گیلان تا تهران و سمنان و یزد و کرمان.

سازمان اقتصادی رضوی

سازمان اقتصادی رضوی وظیفه‌ی رهبری شبکه‌ی اقتصادی آستان باندها را به عهده دارد. گزارش می‌شود که این سازمان مدیریت ۸۹ شرکت و بنگاه اقتصادی را رهبری می‌کند به گزارش خبرگزاری‌های حکومتی در ۴۴ مورد بیشتر از ۵۰ درصد سهام را در اختیار دارد. پیشینه برخی از این شرکت‌ها که موقوفی هستند به دهه‌های پیش باز می‌گردد که پس از مرگ خمینی در تیول باند خامنه‌ای در آمده است. از سالهای ۱۳۷۰ به بعد برای گمراه سازی و پنهان کاری، نام «تأمین و ایجاد مالی و اقتصادی مطمئن برای فعالیت‌های فرهنگی و اهداف عالی آستان» به آن نهاده شده. سال ۱۳۷۷ فعالیت‌های اقتصادی آستان با شراکت سپاه و خامنه‌ای از دیگر فعالیت‌ها جدا و در پی آن سازمان اقتصادی رضوی در اوایل سال ۱۳۸۳ ثبت شد. گفته می‌شود این شبکه اقتصادی برآمده از خون و فساد و سرقت نان و هستی درمانده‌گان روی به حرم ولیعهد مامون آورده برای درمان درد و حاجت، بیش از ۱۲ هزار نفر به استثماری دارد و به‌سان «بزرگترین مجموعه اقتصادی ایران» با قرارگاه خاتم‌الانبیا و بنیاد تعاون ناجا وابسته به نیروی انتظامی رقابت می‌کند. سازمان اقتصادی رضوی به گفته خود آستان قدس رضوی «یکی از بزرگترین هولدینگ‌های

اقتصادی ایران به ویژه در شرق کشور» به شمار می‌آید. این ساختار اقتصادی و مالی، در شرکت‌های مختلف و زیر رهبری یک شرکت مادر به بهره‌کشی و تصاحب مشغول است:

عمران و ساختمان
مالی و تجاری
کشاورزی و دامپروری
صنایع غذایی و دارویی
صنعت و معدن
خودروسازی
انرژی

فناوری اطلاعات

همانگونه که اشاره شد این بزرگترین شبکه اقتصادی باند خامنه‌ای و سپاه بی آنکه مالیاتی بپردازد، همچنان به گسترش و بلع زمین، خاک، کوه و در و دشت و آب و معادن و خون کارگران و تهی‌دستان بی‌پناه، فربه و پروار می‌شود. احمد توکلی از بنیانگزاران سپاه و از رهبران باند حجتیه، در شکایت از نداشتن سهمی از این غارت، از موضع یک حجتیه‌ای پاسدار و به حاشیه رانده شده می‌گوید: «همه شرکت‌های تولید فرش یا خودروسازی یا داروسازی یا صنایع غذایی کشور، مکلفند ۲۵ درصد سود سالانه خود را به عنوان مالیات بپردازند، اما شرکت تولید فرش رضوی یا داروسازی ثامن یا شهاب خودرو یا شرکت‌های صنایع غذایی رضوی از این هزینه معافند و بنابراین می‌توانند بدون بهره‌وری بالاتر، قیمت محصولات خود را پایین‌تر از رقبا قرار دهند. بگذریم از اینکه بیشتر این شرکت‌ها از زمین‌های وقفی یا کم اجاره و تسهیلات بانکی ارزان قیمت استفاده می‌کنند

که در نتیجه حاشیه سود آنها را بالاتر برده است و رقابت را نابرابرتر می‌کند.»^{۱۳}

حوزه‌های اقتصادی زیر تیول آستان قدس
عمران شرکتهای زیر مجموعه:
شرکت ساختمانی بتن و ماشین قدس رضوی
شرکت مسکن و عمران قدس رضوی
شرکت مهندسان مشاور و شهرسازی آستان قدس رضوی
شرکت مهندسی آب و خاک قدس رضوی
شرکت کارخانجات بنای سبک قدس رضوی

ساختمان:

زمانی این فعالیت‌ها در محدوده‌ی مشهد و خراسان بود، اما اینک به خارج از ایران هم گسترش یافته است. به گفته کارگزاران سازمان «در اوایل سال ۱۳۹۴ حدود دو میلیون متر مربع پروژه جدید عمرانی در حوزه‌های مختلف از سوی آستان در حال اجرا است». تابستان سال گذشته هم فرودگاه بین‌المللی سرخس، بخشی از راه‌آهن مشهد-بافق، آزاد راه شمالی مشهد، پارکینگ طبقاتی صحن رضوی، ساخت مراکز تجاری بزرگی مانند دهها 'مشهد مال' بخشی از پروژه‌های داخلی عمران و ساختمان آستان قدس تنها گوشه‌ای از کار کرد باندهاست. یکی از این مراکز اقتصادی پروژه عظیم «مشهد مال» است که در زمین هشتاد هزار متر مربعی ساخته شده است و به وسیله‌ی آستان قدس و بانک «تات» شکل گرفته و دربرگیرنده‌ی شامل یک «مگامال» بسیار بزرگ می‌باشد. برج مسکونی «رزارمیتاژ»، «جهان مال»، «کوهسرمال مشهد»، اطلس مال،

^{۱۳} («جزئیات پرداخت مالیات توسط آستان قدس رضوی» (fa) به کوشش مشرق نیوز. ۲۰۱۷-۱۲-۱۱. ۰۸)

ووو زیر نام قبری است که روزی با انگوری جان سپرد و ولیعهد مامون عباسی بود و خواب خلیفگی امپراتوری هارون الرشید را می‌دید. تابستان سال ۱۳۹۳ شرکت مسکن و عمران قدس رضوی اعلام کرد که این مؤسسه برای حضور در فعالیت‌های برون مرزی «شرکت بین‌المللی عمران رضوی اقدام کرده و دامنه فعالیت‌های خود را در خارج از مرزهای ایران گسترش داده است». از جمله پروژه‌های خارجی این شرکت ساخت پل راه‌آهن روی رودخانه فرات به درازای هزار متر در کشور سوریه عنوان شده است. (۶۴)

مالی و تجاری:

مؤسسه مالی و اعتباری رضوی

این بخش زیر نام «حمایت از مؤسسات آستان قدس و رفع مشکلات مالی شرکت‌های تابعه آستان قدس» اما در واقع همانند تمامی شبکه‌های مالی، اعتباری و بانگی باندها، دام‌های مذهبی بودند برای سرقت با نام‌های امامان و آیه‌های قرآنی و به‌پشتوانه‌ی تقدس‌های مذهبی که برای سرقت چیده شده بودند بر پا می‌شدند. در اسلامی که با فریب و ادعا، ربا و بهره حرام اعلام می‌شد، حکومت اسلامی به نام امام هشتم‌اشان بهره‌های کلان از تنگستانی که برای زنده ماندن و آرزوی سرپناهی به وام روی می‌آوردند، می‌گیرند و شبکه‌های مالی و اقتصادی اشباع از فساد را بر گردن هر حکومت شونده‌ای، چون طناب داری افکنده و در خیابان‌های حکومت به زمین می‌کشاند.

^{۶۴} (در آستان قدس؛ در 'بزرگترین نهاد موقوفی جهان اسلام' چه می‌گذرد؟).
بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴

شرکت کارگزاری رضوی:

شرکت کارگزاری رضوی، در بازار بورس کالا و اوراق بهادار استان کارگزار است. در مرکز فعالیت‌های این مرکز قمار مالی به سهام‌داران و خریداران و فروشندگان سهام مشاوره می‌دهد. همراه با این مشاوره مالی و سرمایه‌گذاری در بازار قمار بورس، در حوزه انرژی، پتروشیمی، قیر و فراورده‌های نفتی، کشاورزی و صنعت و معدن فعال است و نیز سرمایه‌گذاری می‌کند. به گفته مدیر عامل شرکت کارگزاری رضوی، «این شرکت در سال ۱۳۹۳ حدود ۹ هزار میلیارد ریال اوراق بهادار و مشارکت خرید و فروش کرده است.

منطقه ویژه اقتصادی سرخس

منطقه ویژه اقتصادی سرخس (Free Trade Zone) به گستره‌ی ۵۲۰۰ هکتار در مرز ترکمنستان و نزدیک شهر سرخس، در سال ۱۳۷۵ به وسیله دولت خاتمی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و آزاد از هرگونه مالیات و معاف از هرگونه قانون کاری برپا شد. ترانزیت کالا و انبارداری، از جمله مهمترین وظیفه این منطقه تجاری است. به گفته مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی سرخس، آستان قدس رضوی برای برپایی واحدهای تولیدی و برآوری زیرساخت‌های منطقه بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه کرده است. سرمایه‌گذاری بخش باند سپاه، آستان قدس و وو در این منطقه در سال‌های ۹۰ نیز نزدیک به ۳۷۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

کشاورزی و دامپروری:
شرکت کشاورزی رضوی
شرکت کشاورزی و موقوفات چناران
شرکت کشت و صنعت اسفراین
شرکت کشت و صنعت انابد
شرکت کشت و صنعت سرخس
مؤسسه باغات آستان قدس رضوی
مؤسسه کشت و صنعت مزرعه نمونه
مؤسسه موقوفات و کشاورزی جنوب خراسان
موقوفات و کشاورزی سمنان
دامپروری صنعتی قدس رضوی

افزون بر زمین‌های کشاورزی و مراکز دامپروری، شمار بسیاری از چاه‌ها، قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی در سرتاسر ایران وقف آستان قدس رضوی است. آستان قدس رضوی افزون بر ۴۰۰ صد هزار هکتار باغ و زمین کشاورزی در سراسر ایران در تصاحب دارد. این بخش جدا از زمین‌های ساختمانی، مستغلات، خانه‌سازی‌ها، شهرک‌سازی‌ها، بازارچه‌ها و دکان‌ها و کارگاه‌ها ووو در سراسر ایران است. گزارش شده است که نزدیک به ۴۳ درصد مساحت سراسر ایران، زیر نام وقف در تیول آستان قدس یا در واقع در تصاحب باندهای حکومتی است و دولت هیچگونه اجازه دخالتگری، نظارت، مالیات بندی ووو ندارد و این فرمان خمینی در سال ۵۸ بود. به گفته سرپرست مؤسسه کشاورزی رضوی، سالانه ۳۰ هزار تن انواع محصولات کشاورزی و دامی در این شبکه‌ی استثماری تولید می‌شود. بنا بر همین گزارش، مرکز دامپروری قدس رضوی بیش از ۳۰۰۰۰ اس‌گاو دارد که ۲۵ درصد شیر صنعتی استان خراسان را تولید می‌کند. سرپرست مؤسسه باغ‌های آستان قدس می‌گوید نزدیک به ۷۰۰

هکتار از اراضی شهر مشهد و پیرامون آن را باغ‌های موقوفه آستان تشکیل می‌دهد.^(۶۵)

محصولات غذایی و دارویی:

دونات رضوی

شرکت‌های زیر مجموعه:

شرکت نان قدس رضوی

شرکت آرد قدس رضوی

شرکت خمیرمایه رضوی

شرکت فراورده‌های غذایی رضوی

شرکت فراورده‌های لبنی رضوی

شرکت قند آبکوه

شرکت قند تربت حیدریه

شرکت قند چناران

شرکت داروسازی ثامن

گزارش می‌شود که دوازده درصد فرآورده‌های کیک و شیرینی ایران به وسیله‌ی نان رضوی تولید می‌شود. این شرکت با تولید بیش از ۹۰ نوع فرآورده تولید می‌کند و در ۸ ماه اول سال جاری خورشیدی هزار و ۷۰۰ تن محصول به ارزش ۳ میلیون دلار صادر کرده است. نان قدس در کشورهای حاشیه خلیج فارس و آسیای میانه نیز نمایندگی دارد. در شرکت خمیرمایه رضوی نیز یک چهارم خمیرمایه ایران را برآورده می‌سازد و بیش از ۵۰ درصد از فرآورده‌های خود را به خارج از ایران صادر

^{۶۵} «آستان قدس؛ در 'بزرگترین نهاد موقوفی جهان اسلام' چه می‌گذرد؟ در (۶۵) . اسفند ۱۳۹۴ بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶

می‌کند. شرکت لبنی رضوی نیمه اول سال ۱۳۹۴، حدود هشتصد تن انواع فرآورده‌ها با به استنمار شدید کشانیدن نیروی کار صادر کرده است. در کنار این شرکت، شرکت فرآورده‌های غذایی رضوی کنسرو و کمپوت و نوشیدنی‌های تقدیس را تولید می‌کند. به گفته مدیرعامل شرکت فرآورده‌های غذایی رضوی، این شرکت در ۵ ماه اول امسال، با استنمار نیروی کار هزار و ۷۰ تن محصول صادر کرده است.^(۶۶)

صنعت و معدن:

شرکت تهیه و تولید فرش آستان قدس رضوی

شرکت فرش آستان قدس رضوی یکی از بزرگترین تولیدکنندگان فرش دستباف در ایران است که با استفاده از نیروی کار ارزان و خاموش کودکان و زنان زیر نام امام هشتم شیعه و نیز فرمان خامنه‌ای و نماینده قاتل هزاران زندانی سیاسی تابستان ۶۷، سید ابراهیم رئیسی، سالانه حدود ۶ هزار مترمربع فرش دستباف تولید می‌شود.

قالی‌های دستباف این نیروهای کار در شمار گرانترین و مرغوبترین دستباف، یا برای فرش قبر امامان و امامزاده‌های شیعه در سراسر ایران، عراق و عربستان و سوریه و نیز هدیه به سران و کارگزاران حکومتی و دیگر کشورها بافته می‌شود و فرش‌های قدیمی را گرانتر در بازارهای سیاه می‌فروشند یا به‌سان کالا در کنار نفت روانه بازارهای داخلی و خارجی می‌سازند. ۸۵ درصد از شرکت هشتاد ساله شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان در مالکیت آستان قدس رضوی است.

^{۶۶} (در آستان قدس؛ در 'بزرگترین نهاد موقوفی جهان اسلام' چه می‌گذرد؟». بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴)

شرکت کارخانجات صنایع چوب آستان قدس رضوی

ارزش پروژه‌های شرکت کارخانه‌های صنایع چوب آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۲ بیش از ۵ میلیارد تومان برآورد شده است. در سال ۱۳۹۴ این شرکت علاوه بر پروژه‌هایی در گورگه خمینی و علی در نجف ووو، و در شماری از هتل‌ها نیز پروژه‌هایی در تیول خود دارد.

شرکت معادن قدس رضوی

فعالیت مرکزی این شرکت تولید و برآورده‌سازی سنگ می باشد. سال ۸۰ شرکت گرانیت قدس رضوی که در حوزه تولید سنگ‌های گرانیت و تزئینی فعالیت داشت، در اختیار شرکت معادن قدس قرار گرفت. این شرکت اکنون ۱۰ معدن سنگ گرانیت در تصاحب دارد. به گفته سرپرست شرکت معادن قدس رضوی در ۶ ماه اول ۱۳۹۴ بیش از ۲۶ هزار متر مربع سنگ نما در این شرکت تولید شده است.

خودروسازی:

شرکت شهاب خودرو

شرکت شهاب یار

شرکت کمباین سازی ایران

این شرکت علاوه بر مونتاژ خودروهای سنگین و ترابری، روی برآورده‌سازی قطعات و لوازم یدکی نیز متمرکز است. شرکت شهاب خودرو با نام اصلی لیلاند موتورز ایران در سال ۱۳۴۲ برپا شد، در سال ۱۳۷۴ تغییر نام داد و آستان قدس، در سال ۱۳۷۸ سهام آن را تصاحب کرد. این سهم را به رایگان و با یک کلاهبرداری اسلامی صورت گرفت.

به این گونه که ۶۵ درصد از سهام این شرکت را به بهای ۹ میلیارد تومان خرید و بدون اینکه پرداختی صورت گیرد. گفته شد که این تصاحب در ازای بخشی از بدهکاری دولت به آستان قدس صورت گرفته است. تولید و فروش اتوبوس، کامیون و تانکر از جمله فعالیت‌های اصلی این شرکت است. گفته می‌شود که اتوبوس‌های دو طبقه ایران را تولید کرده و دومین تولیدکننده اتوبوس در ایران است.

انرژی:

شرکت توسعه نفت و گاز رضوی

شرکت توسعه نفت و گاز رضوی، با شرکت شستا که در فساد و استثمار، رکورد دار و همقطار و شریک است. شرکت آستان قدس ۴۹ درصد سهام و ۵۱ درصد آن در مالکیت شستا (شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی) یعنی سران سپاه و امنیتی‌ها می‌باشد. جایگاه این شرکت میان ده شرکت نخست تولید و تجارت در صنعت نفت و گاز ایران، گزارش شده است. دست‌اندازی سراسری بر میداین نفت و گاز، دلالی و خرید و فروش نفت خام و فراورده‌های نفتی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های پالایشگاهی نفت و گاز و پتروشیمی، از جمله میدان‌های اقتصادی این شرکت است. ساخت پنج دکل حفاری دریایی از جمله پروژه‌های این شرکت در سال ۱۳۹۴ بود که به بیان مدیر عامل آن در قراردادی به ارزش یک میلیارد و صد میلیون دلار به شرکت نفت و گاز رضوی رسید.

مهاب قدس

شرکت مهاب قدس یکی از بزرگترین شرکت‌های مهندسی مشاوره و اجرا در زمینه‌ی پروژه‌های آبی و سدسازی در ایران است. این شرکت با پروژه شریک جرم بی آبی و نابودی کشاورزی در ایران و شریک هسته‌ای حکومت اسلامی است که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته بود. دولت و باند خاتمی و روحانی در برابر سپاه و خامنه‌ای

نتوانستند سهمی از غارت را تصاحب شوند و چندی است که در مرکز درگیری‌های قضایی و وزارت نیرو قرار دارد. وزارت نیرو مدعی است که واگذاری بیشترین بخش این شرکت به آستان قدس در دولت احمدی نژاد، چند هزار میلیارد تومان زیر قیمت انجام شده و تلاش می‌کند که از واگذاری آن جلوگیری کند. به گفته وزیر نیروی دولت روحانی، «این موضوع در قوه قضاییه مطرح شده و به دستور رهبر ایران در حال رسیدگی است. احمدی نژاد در برهه‌ی کارگزاری خویش آنگاه که به خامنه‌ای و باند سپاه سرسپار بود، سهام دولت در شرکت مهاب قدس به بهانه پرداخت بخشی از پیش پرداخت اجرای پروژه خط آهن گرگان مشهد به شرکت عمران رضوی وابسته به آستان قدس واگذار کرد. دولت روحانی از فساد ۱۲ هزار میلیارد تومانی در این پروژه خبر داد و از همین روی خواهان لغو قرار داد واگذاری است.»^(۶۷)

شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات رضوی:

شرکت مشاوره و خدمات رایانه قدس رضوی در تاریخ ۱۳۷۷/۰۳/۲۷ زیر نام شرکت سهامی خاص برپا شد و در تاریخ ۱۳۸۶/۰۳/۱۰ به شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات رضوی تغییر نام یافت. این شرکت، کالاها و اطلاعات خود را در برابر پرداختی سنگین در زمینه‌های گوناگون IT به سازمان‌ها، شرکت‌ها در داخل و خارج آستان قدس، می‌فروشد. شرکت فناوری... در زمینه‌های نرم‌افزار، سخت‌افزار، شبکه‌ها و امنیت فعالیت و در اجرای پروژه‌های بزرگ فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت و سرمایه‌گذاری دارد.

^{۶۷} (در آستان قدس؛ در 'بزرگترین نهاد موقوفی جهان اسلام' چه می‌گذرد؟) .. بی‌بی‌سی فارسی، ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ ..

آموزشی - ایدئولوژیک:

- دانشگاه بین‌المللی امام رضا

این دانشگاه غیردولتی در سالهای پایانی دهه ۱۳۷۰ برپا شد و در سه دانشکده فنی و مهندسی، معماری و هنرهای اسلامی، و تربیت بدنی، نزدیک به چهار هزار دانشجو دارد.

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

این دانشگاه از نیمه دوم دهه‌ی ۱۳۶۰ برپا شده و بر مطالعات و آموزش درس‌های حوزه‌های علمیه، تبلیغات اسلامی، فقه و حقوق اسلامی می‌پردازد. بیش از هزار دانشجو دارد و برای تربیت کادرهای آینده حکومت اسلامی رایگان است.

دارالقرآن

در این مرکز انواع کلاس‌های آموزشی مذهبی و خرافات و مغز شویی زیر نظر شیادترین رهبران مذهبی برگزار می‌شود.
سخنگوی سازمان اوقاف و امام زاده‌ها اعلام کرد که «در سال ۹۳ فقط از حرم امام رضا مبلغ ۶۴ هزار میلیارد تومان پول خارج شده.

مؤسسه تربیت بدنی آستان قدس رضوی

این مرکز در میانه دهه‌ی ۱۳۷۰ برپا شد و سپس در چهار مجتمع گوناگون، با ۲۵ هکتار مساحت با سه زمین چمن، چندین سالن چندمنظوره، بزرگترین سالن تیراندازی ایران و چندین استخر در اختیار دارد. ورزشگاه امام رضا توسط آستان قدس ساخته شده‌است. در ۱۲ تیر ۱۳۹۶ دکتر علی اکبر هاشمی جواهری، آموزش دیده در رشته ورزشی طب از مسکو به عنوان مدیر عامل جدید به‌جای حسین یوسفی؛ نشانیده شد.

پزشکی-دارویی:

«دارالشفای امام رضا»

این مرکز در زمینی که در دوران صفویه وقف قبر ولیعهد مامون، امام رضا شده بود ساخته شده است. دارالشفاء، بیمارستانی در کنار حرم با بیش از ۴ هزار متر مربع گستره و با فریبکاری به نام «خدمات درمانی به زائران» پس از ربایش های گوناگون، با دریافت هزینه‌های سنگین به پذیرش بیمارانی می‌پردازد که امام هشتم و «ضامن آهو از دست صیاد»، خود در تولیت صیادان اسلامی، دالانی است که زخم‌خوردگان مناسبات سرمایه‌داری و مذهب، را به بیمارستان‌های خود روانه می‌سازد تا سهم سر ولایت و کارگزاران رهبری افزون‌تر گردد. آنانی که دیگر پیشیزی در کیسه ندارند، تنها باید خود را به پنجره‌های امامی ببندند که خود در ولایت‌عهدی مامون جان سپرد و یا در زیر دست و پای زوار بمیرند و یا به شهر و روستا نرسیده جان بسپارند.

بیمارستان فوق تخصصی رضوی

بیمارستان رضوی در میانه‌ی دهه ۱۳۸۰ گشوده شده است و در زمینی به گستره‌ی ۳۹ هکتار و نزدیک به ۹۰ هزار متر مربع زیربنا دارد. بیمارستان ۳۳۱ تختخوابی فوق تخصصی رضوی با ۵ طبقه و ۳۶ هکتار از فضای مزبور، فضای سبز به‌شمار می‌رود. در این بیمارستان، تنها با دریافت هزینه سنگینی به درمان بیماران سرطانی رسیدگی می‌شود. رسیدگی‌های سرطان و بیماری‌های قلبی البته در تخصص امام هشتم نیست و این بیمارستان‌ها نقش امام بازی می‌کنند- البته در برابر دریافت هزینه‌های سنگین.

موسسه دارویی رضوی

موسسه «خدمات دارویی رضوی» نیز یک بنگاه اقتصادی و انحصاری باند خامنه‌ای- سپاه است که در اسفند ماه سال ۱۳۶۲ به صورت

نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه‌ای در اقتصاد ایران

زیرمجموعه‌ای از آستان قدس گشایش یافت. این بنگاه اقتصادی، فروش دارو، انحصار برخی داروها، آموزش داروشناسی و نیز مرکزی از داروهای گیاهی و سنتی در اختیار دارد.

داروسازی ثامن

شرکت داروسازی ثامن در سال ۱۳۷۱ گشایش یافت و تولید داروهای بیوتکنولوژیک مونتاژی و وابسته به مواد پایه از دیگر کشورها، از جمله فعالیت‌های این بنگاه اقتصادی و استثمرارگر است.

فرهنگی-رسانه‌ای

فعالیت‌های فرهنگ اسلامی و خرافات با چندین ارگان فرهنگ حکومتی و رسانه‌ای زیر نظر این نهاد هستند.

موزه‌های آستان قدس

در گورگاه امام رضا، هفت موزه با اشیاء تاریخی گرانبها، تمبر و اسکناس، اسلحه و فرش از جمله نسخه‌های عتیق قرآن، مدارک تاریخی، نسخه‌های خطی دیگر در بردارنده‌ی مدال‌ها و نشان‌های شخصیت‌های ورزشی، هنری و علمی است که یادبودهای خود را در بیمه کردن موقعیت و سهمی برای روز مبادا از حکومت شاه و اسلامی چاپلوسانه به آستان قدس هدیه داده‌اند.

روزنامه قدس

روزنامه قدس از سال ۱۳۶۶ آغاز شده و سراسری پخش می‌شود. و دارای یک وبسایت خبری-تحلیلی نیز می‌باشد.

آستان نیوز

خبرگزاری آنلاین آستان قدس رضوی که بیشتر به اطلاع‌رسانی درباره‌ی امور این نهاد می‌پردازد.

بنیاد پژوهش‌های اسلامی

در این بنیاد، نزدیک به ۲۰۰ کارگزار مغز شویی در ۲۰ گروه پژوهشی مختلف (از قرآن و حدیث گرفته تا نجوم و جغرافیا و ترجمه زبان‌های اروپایی به کار گرفته شده‌اند).

مرکز چاپ و انتشارات:

انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر و چاپ آثار و کتابهای مذهبی به زبانهای گوناگون می‌پردازد.

این شرکت، بزرگترین مرکز نشر و چاپ را در ایران تشکیل می‌دهد. و با استفاده از یارانه‌های هنگفت، و رانت‌های حکومتی از کاغذ و دیگر نیازهای چاپ و نشر، انحصار چاپ و نشر در ایران را به تصاحب دارد.

بخشی از وظایف و اهداف این مرکز نذریق جهل و خرافات را از زبان خود گردانندگان آن بشنومیم:

«...بزرگترین و مدرنترین مراکز چاپ و نشر قرآن کریم و معارف اهل بیت(ع) در جهان اسلام...» و

ماموریت:

«ماموریت این موسسه چاپ و توزیع قرآن کریم و انواع کتب و محصولات فرهنگی در جهان اسلام به منظور ترویج معارف اسلامی و معرفی جایگاه فرهنگی آستان قدس رضوی است. ... این موسسه می‌کوشد با بهره‌گیری از اعتبار معنوی آستان قدس رضوی، تعهد و تخصص پرسنل و استفاده از مدرنترین تکنولوژی‌های چاپ به اهداف خویش نایل آید. در کنار فعالیت‌های فوق، این موسسه به ارائه خدمات درآمدزایی از قبیل خدمات چاپی و ثبت سفارشات نیز مبادرت می‌ورزد.»

اهداف استراتژیک:

از زبان خود متولیان: «توسعه چاپ و نشر قرآن کریم...»

بهره‌وری مناسب از دارایی‌ها و امکانات موجود

ارزش‌ها:

حرکت در جهت ترویج فرهنگ قرآنی...
ترویج معارف اسلام و سیره اهل بیت (ع)
حفظ جایگاه و اعتبار آستان قدس رضوی...» (۲۸)

کتابخانه

زیارتی

خرطوم سیری ناپذیر آستان قدس رضوی برای بلع زندگی و دسترنج درماندگان و بی‌پناهان و باورمندان به خرافات و جهل شهر و روستا، به نام نذرها و موقوفه‌ها با شیادی و فریب، با وعده‌های فریبکارانه‌ی درمان دردها و بیماری‌های کشنده و برآوری نیازها و حاجات درمندان، بی‌پناهان را با زنجیرهای جهل و خرافت به پنجره‌های آهنین مرقد می‌بندند. این باند فریب و حيله، دست به فریب و دام دیگری زده و کسانی که امکان سفر به مشهد را ندارند می‌توانند با ثبت نام آنلاین با پرداخت هزینه‌ای به مرگپرستان تا به نیابت از آنها حرم امام رضا را زیارت کند. آستان قدس می‌گوید: «این زیارت نیابتی ظرف یک تا دو هفته انجام می‌شود و پس از آن به درخواست‌کننده ایمیلی برای تأیید زیارتش ارسال می‌شود. آستان قدس رضوی این امکان را ایجاد کرده است که بتوان صدا و تصویر حرم امام هشتم شیعیان را به طور زنده در اینترنت دنبال کرد. همچنین با ارائه تصاویر تعاملی سراسرنما (پانوراما) از حرم امام رضا کاربران می‌توانند به «زیارت مجازی» در حرم بپردازند.» در سال ۲۰۱۴ در آمد آستان قدس را ۲۱۰۰ میلیارد تومان و سود خالص را ۱۶۰۰ میلیارد تومان و

^{۲۸}(<http://astanprint.ir/about.aspx>)

مالکیت آن را نظام جمهوری اسلامی معرفی کردند با کارگران و کارکنانی افزون بر ۲۱۰۰۰۰ نفر.

بنا بر آمار رسمی جمهوری اسلامی سالانه نزدیک به سی میلیون نفر برای زیارت حرم رضوی به مشهد می روند.^{۶۹} تا میلیاردها تومان به امپراتوری بیت رهبری سرازیر کنند. این درآمد کهکشانی جدا از درآمدی است که از درآمد فروش زنان و دختران به خریداران سکس، سهم امام و بیت رهبری محفوظ.

توریسم برای خرید برده جنسی در استان قدس

محمد قانع، رئیس اتحادیه هتلداران خراسان رضوی از افزایش مردان عراقی در خانه مسافرها همراه با زنان ایرانی را تایید می‌کند و می‌گوید: در شهرهایی مثل مشهد و قم که زنان را پذیرا هستند، مراوده و مراجعه افراد غیرایرانی به خصوص عرب‌های عراق خیلی بیشتر مشهود است و حالا با مطرح شدن موضوع ازدواج موقت باید بیشتر مراقب باشیم»

این اعتراف برای نخستین بار نیست که به زبان برخی از کارگزاران رژیم شنیده می‌شود. برای نخستین بار روزنامه گاردین در گزارشی نوشت: "برخی از اعرابی که به ایران سفر می‌کنند اهداف دیگری غیر از سیاحت و زیارت دارند و به قصد تفریح در پارک‌های آبی مشهد و مسائل جنسی به ایران سفر می‌کنند." «آیه‌های قرآنی و روایت‌ها و حدیث‌های مذهبی، نه تنها بردگی زنان، بلکه خرید و فروش زنان برای بهره‌بری جنسی نیز مجاز می‌شمارد: «و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. خداوند، دانا و حکیم است.»

^{۶۹} <http://www.mizanonline.com/fa/news>

آیه ۲۴ سوره نسا، آیه ای که به آشکارا به متعه یا بردگی جنسی از زنان در برابر پول اشاره می‌کند. قرآن پلی‌گامی مردان ثروتمند را تا ۴ زن رسمی و تا بیست‌بار زنان صیغه‌ای روا می‌دارد که «اگر شمارا بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هرچه شما را پسند افتد، دو دو و سه و سه و چهار، چهار به نکاح (نکاح در عربی به معنای کامجویی جنسی است) در آورید.»^{۷۰}

با چنین مجوزهای قرآنی و نیز درآمد سرشار از این سوداگری جنسی است که خانه‌های مسافره‌های مشهد روز به روز بیشتر می‌شوند و هزاران هزار مردان زیارتی-سیاحتی، با زنانی که در مشهد و قم به ویژه به همراه گرفته‌اند راه ورود به هتل‌ها را می‌جویند. از آنجا که برخی از هتل‌ها در این اواخر از پذیرایی علنی مسافریین سکس خودداری می‌کنند، این سوداگران صیغه به سوی بیش از ۶ هزار خانه مسافر غیرمجاز تنها در مشهد، پایتخت امپراتوری ولی فقیه و هزاران خانه‌ی کرایه‌ای را به ویژه از عراق و عربستان و دیگر کشورهای اسلامی می‌گیرند. از همین روی گزارش شده است که سفر «عراقی‌ها به ایران ۹۰ درصد» بیشتر از پیش شده است.

رئیس اتحادیه هتلداران خراسان رضوی: پیرامون خرید بردگان جنسی زیر نام «صیغه»، به وسیله‌ی «عراقی‌ها با زنان ایرانی باید بیشتر مراقب باشیم.» وی افزود: «دیروز این مطلب از جانب صفحه رسمی روزنامه شرق و به نقل از روزنامه شهروند منتشر شد.» قانعی رئیس اتحادیه هتلداران خراسان رضوی، پس از اعتراف به وجود صدها هتل برای در اختیارگذاشتن دختران و زنان بی پناه و به فلاکت نشسته در اختیار خریداران سرازیر شده از کشورهای اسلامی و عربی، ناچار به اعتراف دیگری شد و به آشکارا اعلام کرد: «... من در مصاحبه‌ای که داشتم به این موضوع اشاره کردم که در مشهد ۶۰۰ خانه مسافر مجوز قانونی دارند و حتی آن‌هایی که مجوز قانونی ندارند هم خدمات اقامتی

^{۷۰}(قرآن، سوره النساء (۴) آیه ۳

ارائه می‌دهند و لزوماً به این معنا نیست که این خانه‌های مسافری در زمینه خدمات جنسی و غیرقانونی فعالیت می‌کنند.»^{۷۱}

روزنامه «گاردین» روز ۱۷ اردیبهشت ماه ۲۰۱۵ پرده فریب و ریای مقدس از فراز آستان قدس رضوی برداشت و زیر عنوان «زیارت، غذا، سکس و پارک آبی در شهر مقدس مشهد». ^{۷۲} گزارش داد.

«توریست های زیارتی عراقی در پی کاهش و افت ریال به ایران و دو شهر مشهد و قم هجوم آوردند و در پی زنان و دختران ایرانی برای خرید سکس هستند.» گاردین در گزارش خود با پی روی نهادن آمار گردشگران از عراق و از زبان معاون برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری مشهد می‌افزاید: «فرودگاه مهرآباد تهران مبداء این سفر به مشهد است و پروازی که عده‌ای عراقی هم در آن حضور دارند. ده‌ها هتل پنج ستاره و مسافرخانه از میدان برق (بسیج) تا حرم وجود دارد. بسیاری از مدیران این مراکز اقامتی تأیید می‌کنند که درخواست مشترک گردشگران عراقی عبارت است از جایی که زنان تن فروش را ببابند.»

روزنامه شهروند و شرق مجالی یافتند تا به فاجعه‌ی در پایتخت مذهبی حکومت اسلامی و نیز به حضور برخی از مسافران توریستی زیارتی از عراق در منطقه آزاد اروند اشاره‌ای داشته باشند.

سایت رجانیوز وابسته به اصولگرایان حکومتی در برابر دستور گرفت تا به انکار بپردازد و چنین نوشت: «تیتیر عجیب دیروز حسابی سروصدا کرد و باعث شد تا شایعه‌ی دروغ «وجود خانه‌های فساد در برخی مناطق کشور از جمله مشهد و منطقه آزاد اروند و استفاده شهروندان عراقی از آن» لباس واقعیت به خود ببوشاند و رگ غیرت ایرانیان را

ماجرای-ادعای-/<https://www.fardanews.com/fa/news/۸۶۴۲۸۶/> (۷۱) هادر-مشهد۸۰٪E۲٪%خدمات-جنسی-به-عراقی

(۷۲) <https://www.theguardian.com/world/iran-blog/۲۰۱۵/may/۰۷/prayer-food-sex-and-water-parks-in-irans-holy-city-of-mashhad>

بجنابند!» اصولگرایان اسلامی در دفاع از خامنه‌ای ادامه می‌دهد: «تایید ادعای استفاده جنسی مردان عراقی از زنان ایران! در منطقه آزاد اروند می‌توان رد خانه‌هایی را گرفت که برای استفاده جنسی از زنان به راه می‌افتد. رئیس اتحادیه هتلداران خراسان رضوی: در مورد ازدواج موقت عراقی‌ها با زنان ایرانی باید بیشتر مراقب باشیم.» دیروز این مطلب از جانب صفحه رسمی روزنامه شرق و به نقل از روزنامه شهروند منتشر شد و حسابی دست به دست شد. اما برخی از کاربران فضای مجازی که گویا دوست دارند این‌گونه شایعات را بدون تحقیق درباره صحت خبر بپذیرند، این خبر را هم باور کردند.»^(۷۳)

پیش از این مرتضی نعمت‌زاده، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری منطقه آزاد اروند به صراحت گفته بود که «بخشی از مسائلی که مطرح می‌شود ناشی از نگرانی‌هاست و این نگرانی‌ها باعث می‌شود شایعاتی از برخورد میان شهروندان دو کشور مطرح و هر روز بیشتر منتشر شود.»

به گزارش **خبرگزاری حکومتی تسنیم** از مشهد، «رمضانعلی فیضی ظهر امروز در نشست خبری رئیس کمیسیون ویژه مناطق پیرامونی و کم برخوردار جمعیتی در حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر یعنی بیش از یک سوم جمعیت مشهد در این مناطق زندگی می‌کنند که ابعاد منفی بسیاری به لحاظ سیما و منظر شهری و تمامی مولفه‌های رفاه، مسائل امنیتی، اقتصادی، آموزشی و وجود آسیب‌های اجتماعی در پی دارد...»^(۷۴)

^{۷۳} (رجا نیوز ۵ شهریور ۱۳۹۷)

تکذیب-ادعای-عجیب-و-/-۲۹۱۶۰۳/۲۹۱۶۰۳/news/www.rajanews.com/http://
جهت-دار-روزنامه-شرق-درباره-استفاده-جنسی-مردان-عراقی-از-زنان-صوت

^{۷۴} (

جمعیت-حاشیه-نشین-مشهد-به-یک-سوم-افزایش-پیدا-کرده-است
/۱۳۹۷/۰۵/۱۰/۱۷۹۱۵۲۵/news/www.tasnimnews.com/fa/
جمعیت-حاشیه-نشین-مشهد-به-یک-سوم-افزایش-پیدا-کرده-است

فساد مالی

با مرگ واعظ طبسی - سلطان خراسان و نماینده همیشگی خمینی و خامنه‌ای در آستان قدس، عضو مجلس خبرگان و تشخیص مصلحت نظام در ۱۴ اسفند ۱۳۹۴، ابراهیم رئیسی، جلال افزون بر ۵۰۰۰ زندانی سیاسی در تابستان سال ۶۷ از خامنه‌ای حکم گرفت تا هم کارگزار وی باشد و هم کاندید ریاست جمهوری او شود. وی، داماد علم‌الهدی نماینده خامنه‌ای و امام جمعه مشهد است و تولیت آستان قدس را به عهده گرفت. رئیسی در ستیز باندها، در اردیبهشت ماه سال ۹۶ دستیار آستان قدس **مهدی عزیزیان**، برادر همسر واعظ طبسی را به فساد مالی متهم کرد تا باند طبسی را از آستان و مرکز حکومتی خود به کناره براند.

مهدی عزیزیان برادر همسر واعظ طبسی بود که ۳۴ سال تمام از سال ۶۱ تا ۹۵ سمت‌های مدیریتی گوناگون در این امپراتوری مالی را به عهده داشت. هم‌زمان رئیس مجامع و رئیس هیئت مدیره سازمان اقتصادی رضوی که بزرگترین هلدینگ اقتصادی ایران بود. او همچنین رئیس هیئت مدیره شرکت‌های "مسکن و عمران قدس رضوی"، "مسکن و عمران بین الملل"، "بتن ماشین قدس رضوی"، "قند خراسان رضوی"، "قند آبکوه" و "قند چناران" بوده که همگی به آستان قدس تعلق دارند. مهدی عزیزیان پس از مرگ عباس واعظ طبسی و گسیل سید ابراهیم رئیسی در خرداد ۱۳۹۵ در پست مشاور عمرانی و عضو هیئت امنای آستان قدس باقی ماند. در برهه‌ی ریاست جمهوری احمدی نژاد، و با مدیریت مهدی عزیزیان و به دستور مستقیم خامنه‌ای و علم‌الهدی بخش‌های هنگفتی از سهام شرکت‌های دولتی و زیر بنایی، باید واگذار می‌شد و به نام مپنا و مه‌اب قدس به مجموعه مالی زیر مدیریت عزیزیان منتقل می‌شد. در ماه‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد «شرکت بین‌المللی عمران رضوی» به مدیریت مهدی عزیزیان و «شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور» قراردادی بسته

شده که در آن مجموعه آستان قدس رضوی به پشتوانه مالی، ۱۵ درصد از حجم قرارداد راه‌آهن گرگان - بجنورد - مشهد را تأمین کند. دولت روحانی در ادامه‌ی وظیفه‌ی احمدی نژاد، و خدمت‌گذار رهبر می‌بایست بنا بر مصوبه مورخ ۲/۵/۱۳۹۲ دولت، با برآورده سازی اعتبار ۱۵ درصد از پروژه ریلی گرگان - بجنورد - مشهد، که نزدیک به ۶۰۰ میلیارد تومان برآورد شده بود، ۴۹ درصد از سهام شرکت مهندسی مشاور «مهتاب قدس» به آستان قدس رضوی منتقل گردد و در پی‌آمد آن، پس از قیمت گذاری ۴۹ درصد سهام انتقالی، آستان قدس رضوی بقیه آنچه از ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه پروژه ریلی با ارزش ۴۹ درصد سهام شرکت «مهتاب قدس» می‌ماند را به دولت پرداخت نماید. در شهریور ماه ۹۲ دوماه پس از جابجایی احمدی نژاد و با روی کار آمدن دولت روحانی «چیت چیان» وزیر نیرو در رقابت با باند طبسی از «کشف و خنثی کردن فساد ۱۲ هزار میلیاردی» در وزارت نیرو خبر داد: «برای ۱۵ درصد تأمین مالی بخش ایرانی، بخشی از نیروگاه‌ها و اموال بیت المال در وزارت نیرو به ارزش ۶۰۰ میلیارد تومان به پیمانکار واگذار شود. اما در حقیقت بخشی از بیت المال به ارزش ۱۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد برای واگذاری به پیمانکار این پروژه تخصیص پیدا کرده بود که ما در هیئت دولت موضوع این تزییع بیت المال را مطرح کردیم و جلوی مصوبه دولت گذشته گرفته شد. وزیر نیرو با اعلام اینکه می‌خواستند به جای ۱۵ درصد پروژه بیش از ۲۱ برابر پیش پرداخت و بیش از ۳ برابر ارزش کلی پروژه را از بیت المال پرداخت کنند»^(۷۰)

^(۷۰) «چیت چیان خبر از اختلاسی عظیم در یک پروژه ریلی داد اختلاس ۱۲ هزارمیلیاردی کشف و خنثی شد». اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۲/۰۶/۱۸.

«همه چیز راجع به مهتاب قدس و پروژه فاینانس ریلی ماجرای دود شدن ۱۲ هزارمیلیارد تومان؟». اقتصاد آنلاین.

با مرگ آیت‌الله طبسی و انتصاب رئیسی، برای دور سازی عزیزیان و باند طبسی از آستان قدس، در دادگستری تهران پرونده‌ای تشکیل شد. به گفته رئیسی، مهدی عزیزیان یک ماه پس از تشکیل پرونده با سرقت هنگفت به خارج گریخت. «اختلاس مالی در آستان قدس رضوی؛ برادر همسر واعظ طبسی متواری شد» تا از فساد و اختلاس باندها به ویژه باند خامنه‌ای سرپوشی باشد. وی در تدارک سفر به جزیره امن خاوری در کانادا یا گوشه‌ای امن دیگری بود که خود را به ضریح دیگری در ولایت فرنگ گره بزند در نامه‌ای نوشت:

«خود را به پنجره ضریح حضرتش گره می‌زنم و من بعد مثل همان روزگار کودکی بیرون حرم به احترام می‌ایستم و بعد از ۳۴ سال نوکری عاشقانه و خاضعانه در محضر عالم آل محمد(ص) با زبان التماس جاروها و فصاحت کلام صادقانه دربان‌ها می‌سرایم:

مگر از آهو کمترم ثامن الائمة
کشکولم پر کن برم ثامن الائمة
عمرتان بلند تر از آفتاب خدا و آفتاب بختتان همرنگ گنبد زر نگار حرم
امام رضا(ع).

خادم خاکسار و همیشه امیدوار رحمت امام مهربان^(۷۶)
و خاک پای زائرین خورشید خراسان
مهدی عزیزیان / بهار ۱۳۹۵

مهدی عزیزیان با کشکولی پر به بزرگی بار گیر جمبوجت با خود برد و پیش تر برده بود و در بانک ذخیره داشت و آن خادم خاکسار دربار طبسی را بی بهره نگذاشت از ربایش قوت گرسنگان آویزان به ضریح

مدیرعامل سابق مپنا: سهامدار مهاب قدس یک روز هم سابقه مدیریت ندارد/ اساس و آگذاری زیر سؤال است». خبرآنلاین.

^{۷۶}(<http://khorasannews.com/Newspaper/MobileBlock?NewspaperBlockID=۵۳۲۶۴۵>)

ضامن آهو.» «حجت الاسلام والمسلمین رئیسی» جای سلطان خراسان نشست تا زیر گنبد ولایت عهد مامون، کارگزار بیت رهبری باشد.

هودینگ حرم عبدالعظیم

آستان قدس دارای آنچنان ثروت و درآمدی است که از زمان تبدیل آن به یک بنگاه مالی و اقتصادی، نایب تولیت‌اش را "سلطان بی جقه" می‌نامند. در کنار این والیان با جقه، خرده والیانی وجود دارند که ریز و درشت شمار آنها را بیش از ۱۱ هزار در سراسر ایران گزارش داده‌اند. این گرداب‌های فریب و جهل، حرم‌ها و امام زاده‌هایی هستند که با صندوق‌های صدقه و خیریه و نهادهای وقفی شبکه‌ی عظیم مالی و اقتصادی و استثمار و فساد را در سراسر ایران گسترانیده‌اند. این دام‌های ربایش و تجاوز به هستی جامعه، با درهم‌آمیختن دو سازه‌ی مذهبی و قدرت سیاسی سرمایه، یعنی دو استبداد قدرت حکومتی و مناسبات سرمایه‌داری را در پوشش باورهای کاذب و مرگین مذهبی ننگین‌ترین قدرت حاکمیت را برای فرمانروایی به پیش می‌برند. این شبکه‌های فساد، نه تنها پایه‌های اقتصادی باندهای حکومتی، به ویژه روحانیت و باند رهبری را برآورده می‌سازند، بلکه بر‌آترین و کشنده‌ترین سلاح سمی مسخ و هراس بی‌پناهان را تشکیل می‌دهند. این دام‌های سرقه، بیش و پیش از همه میلیون‌ها انسان‌های در ناآگاهی فروافتاده در چنگال این جارچیان مرگ، بی‌پناه و دردمند و تهی دست و دچار بیماری‌های بی‌درمان و دشوار را نشانه گرفته‌اند. قربانیان این دام‌ها، در بی‌پناهی آخرین پناهگاه و فریادرس خود را، موهوماتی می‌دانند که خود دست مایه فریب و تجاوز روحانیت شده‌اند. قربانیان این مرردها و پنجره‌های نقره و طلا و پولادین این دام‌های فریب گردن نهاده و بسته با دستان خود به پنجره‌های زندان خویش و زنجیر شده به درماندگی به سوی گورهایی دست نیاز دراز می‌کنند که هیچ مرده‌ای در آن نیست و یا خود روزگاری از زندگی به کام مرگ فروخفتند. بر این گورهای خالی یا شاید که پوکه استخوانی اگر هنوز

به کلسیم و آهک تبدیل نشده باشند، تنها مرقدی و نامی جعلی و دامی به اندازه‌ی شجره و نزدیکی به امامی که یا به دست زانانشان خفه شدند با انگور و آب سمی یا در سالخورگی در میان دهها زانی که بیشتر به برده‌گی گرفته شده بودند، سرانجام به کام گوری در مدینه و عراق و یکی-اشان هم که هشتم بود، مایوسانه به زیر خروارها خاک سپرده شدند. برخی از این گورها و نام‌ها، هرچند خود در نیستی، اما از کلان سرمایه‌دارانی به شمار می‌آیند که با شرکت‌های بزرگ جهانی برابری می‌کنند. از جمله این کلان شرکت‌های مالی، اقتصادی که در فساد و اختلاس و ربایش هستی مردم شانه به شانه آستان قدس رضوی دارند، کمپانی عظیم «شاه عبدالعظیم» در شهر ری است.

محمد ری شهری، نایب التولیه حرم عبدالعظیم است و به بیان دیگر او همانند واعظ طبسی برای خمینی و خامنه‌ای و سپس ابراهیم رئیسی برای خامنه‌ای در آستان قدس، وی نماینده خامنه‌ای در این بنگاه فریب کارگزاری می‌کند.

محمد ری شهری کیست؟ نماینده حکومتی از تهران در مجلس خبرگان رهبری، حاکم پیشین شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی، با هزارن قتل در پرنده، **دادگاه انقلاب ارتش**، وزیر اطلاعات در دهه‌ی خونین ۱۳۶۰ بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸، **دادستان کل کشور**، دادستان دادگاه ویژه روحانیت و سرپرست حجاج ایرانی و هم‌اکنون نایب تولیت **شاه عبدالعظیم** و رئیس **مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث** است. یک جانی بالفطره و غنوده در بیت رهبری در کنار رهبر و فلاحیان و ولایتی و گلپایگانی و یزدی و دیگر جانیان. ری شهری به همراه همقطاران و دستیاران آدمکش امنیتی حکومت اسلامی در شمار مانند محمد شریعتمداری، وزیر بازرگانی و صنعت پیشین و اکنون وزیر کار و رفاه و امور اجتماعی، و یاسینی و دیگران، شرکت "فواد ری" را در خیابان جردن در تهران برای مدیریت موقوفات و تجارت، زیر نام بازسازی حرم عبدالعظیم برپا کرد.

موسسه اقتصادی " فواد ری " تنها یکی از بخش‌های جانبی مافیای مالی رهبری است که از سال ۱۳۷۲ با ماموریت محمد شریعتمداری بعنوان قائم مقام وزیر بازرگانی سابق و رییس ستاد اجرایی پیشین «فرمان امام» گمارده شد. این هلدینگ در آغاز زیر نام توسعه‌ی بقعه شاه عبدالعظیم و راه اندازی دانشکده علوم حدیث به سرپرستی آیت الله محمدی ری شهری مولای محمد شریعتمداری در وزارت اطلاعات و حجه الاسلام غیوری نماینده ولایت فقیه در شهرری و نیز شریفی رییس دفتری شهری ساختار یافت. با برخورداری از گزارش‌های اطلاعاتی از واردات کالاهای اساسی کشور (گندم، جو، شکر، گوشت و.....) و دلالتی و ارائه گزارش به فروشندگان اصلی خارجی طرف قرارداد وزارت بازرگانی و با برخورداری از تمامی امکانات برای گشودن اعتبارات اسنادی یا L/C در کمتر از بیست سال، به یک هلدینگ عظیم در مالکیت ولی فقیه درآمد. پشتوانه این شبکه‌ی دلالتی، سرقت و اسثمار و سوداگری، یک ساختار سازمانی سیاسی به نام " جمعیت دفاع از ارزشها" بود که با دخالتگری و حضور بالاترین کارگزاران امنیتی پیشین در شمار ری شهری، شریعتمداری، رازینی، حسینیان، سعیدی کیا، پورنجاتی، یاسینی، شریفی (همه از پیشبرندگان قتل‌های سیاسی) و دیگران بودند که در بهمن ماه ۷۴ تحت عنوان یک حزب انتخاباتی موردی، اعلام موجودیت کرد. محمودیاسینی مشاور اجرایی شد تا دستیار محمد شریعتمداری در وزارت بازرگانی باشد و گزارش‌های اطلاعاتی سوداگری و امکانات رسمی دولتی را به سود جناح باند خامنه‌ای در اختیار شبکه مافیایی خامنه‌ای در شاه امپراتور یمالی شاه عبدالعظیم بگذارد. سید محمودیاسینی روحانی زاده و از یاران محمد هاشمی رفسنجانی در کالیفرنیا بود که انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان در آمریکا گروه «فلق» را که یکی از گروه‌های هفتگانه مجاهدین انقلاب اسلامی در حکومت اسلامی شد به همراه مصطفی تاج زاده، واعظی، ماکویی، خسروی را تشکیل می‌دادند. به نقل از نشریه

توقیف شده شهروند امروز^{۷۷}) به دستور خامنه‌ای به سبب نشر این گزارش در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی وارد شده تا زیر نام خط ۳، گزینه‌ای باشد در مقابل دوجناح دیگر. بار دیگر در انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم یا فریب اصلاحات دوم خردادی‌های سال ۷۶ محمدی ری شهری را پشتوانه شد که با ۷۰۰ هزار رای به بیت رهبری بازگشت. نشریه ی "ارزشها" چندی به رهبری پورنجاتی به ادعای مبارزه با فساد اقتصادی برپا ساخت و خود به‌سان یک گرداب فساد و شبکه‌ی مافیایی مالی و سیاسی را در باند رهبری نمایندگی می‌کرد. نشریه شهروند امروز که با سردبیری محمد قوچانی (داماد عمادالدین باقی) و محمد عطریانفر (دوتواب بازداشتهای سیاسی سال ۸۸) با نوشتاری از بهراد مهرجو به این قصد که با قرار دادن نام‌هایی از همقطاران گذشته و رقبای کنونی گزارش گونه‌ای «محتطاطانه» از مافیای " فواد ری" و هلدینگ‌های شریک را زیر نام " بزرگترین شرکت تجاری ایران را چه کسانی اداره می‌کنند" برد، دست در لانه اژدها کرده و به افشای یکی از بزرگترین بنیادهای مالی رهبری می‌زند. در این گزارش به دارایی افزون بر ۵۰ میلیارد دلاری این مافیا اشاره می‌شود که توقیف نشریه شهروند روز را در پی داشت. در پی این گزارش بود که برای نخستین بار نام مافیای مالی " فواد ری" حالیکه این باند در بازار سهام تهران سرگرم خرید سهام ایران خودرو و بانک پارسیان بود شنیده شد. در مهرماه ۸۵ آشکار شد که مدیریت بانک پارسیان در برابر فشارهای آیت الله ری شهری و محمدشریعتمداری درواگذاری ۲۸٪ سهام ایران خودرو به بنگاه‌های سرمایه‌گذاری وابسته به "فواد ری" و "ستاد اجرایی فرمان امام" ایستادگی کرده و ری و ری شهری به اهرم احمدی نژاد در پست ریاست جمهوری روی می‌آورند. احمدی نژاد مامور می‌شود تا به سود خامنه‌ای «مبارزه» با برادران قاچاقچی خویش را به زبان آورد. با ورشکسته سازی

^{۷۷} (http://persiancavalier.blogspot.com/۲۰۱۱/۰۹/blog-post_۰۶.html)

برخی بانک‌های در دست سران سپاه زیر نام بانک‌های خصوصی، باهمدستی همان عناصر دارایی‌ها و سپرده‌های سپرده‌گذاران را برابند. آشکار شد که مالکیت نزدیک به نیمی از سهام نفت پارس (شریک شرکت شل انگلیس) که فروش سالانه اش به ۲۵۰ میلیون دلار در سال می‌رسید، نمایندگی ماشین‌های لوکس بی. ام. و با شراکت علی نوریانی که اکنون با شراکت ۵۰-۵۰ با آیت‌الله‌ری شهری در سود و زیر نام "پرشیاخودرو" فعالیت می‌کند و شرکت در واردات ۳۰۰۰ خودرو در سال و گسترش روزافزون این سوداگری‌ها تا مورد تویوتا از ژاپن و وو.

"گروه سرمایه‌گذاری ری" در سال ۱۳۸۶ به وسیله‌ی "پرشیا خودرو" نزدیک به ۶۷ درصد سهام نمایندگی نوریانی (واردکننده برنده BMW به ایران) را با وجود مخالفت وی در اختیار گرفت. سپس در بهار سال ۱۳۹۲ باند سپاه ۱۰۰ درصد سهام پرشیا خودرو را در یک مزایده از "سرمایه‌گذاری ری" و "نوریانی" خریداری کردند. بنا به گزارشی که در شماره روز هفتم آبان ماه سال ۱۳۸۶ روزنامه "سرمایه" منتشر شد، سرمایه‌ی ثبت‌شده این شرکت در آن زمان رقمی افزون بر ۱۲ میلیون و پانصد هزار دلار آمریکا برآورد شد. با این وجود، محمد محمدی‌ری شهری در اردیبهشت ۱۳۹۲ در تلویزیون حکومتی ظاهر شد و ادعا کرد که «آستان حرم عبدالعظیم با «فشار» دولت احمدی‌نژاد مجبور به تعطیل کردن همه فعالیت‌های اقتصادی خود شده و کارهای اقتصادی خود را «به ستاد اجرایی فرمان امام» واگذار کرده است. چهار ماه پیشتر نیز محمد شریعتمداری مدعی شده بود که: «آستان دیگر هیچ فعالیت اقتصادی نمی‌کند» و «همه کارهایش را به ستاد اجرایی فرمان امام داده است».

محمد شریعتمداری و همقطاران‌اش در بیت رهبری و دیگر باندهای رقیب به خوبی می‌دانند که او نه تنها عضو هیأت امنای "ستاد اجرایی فرمان امام" است بلکه دست در دست مصطفی خامنه‌ای (فرزند رهبر جمهوری اسلامی) و محمد ایروانی (رئیس پیشین این ستاد) از جمله مدیران اصلی «ستاد» و چشم و گوش رهبر حکومت اسلامی به شمار

می‌آیند. از این ستاد به آن ستاد رهبری، فریبی است و هن آور از باندهای فسادى که حکومت اسلامى را رهبرى مى‌کنند.

پایان‌بندی: اصلاح‌طلب اطلاعاتی یا اطلاعاتی اصلاح‌طلب!؟

محمد شریعتمداری بی‌شک یکی از پرنفودترین چهره‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی در ساختار نظام جمهوری اسلامی است. او از آن دسته جوانانی بود که اگرچه شور انقلابی داشت و به کارهای اطلاعاتی روی آورد اما برخلاف یاران سابقش همچون سعید حجاریان، در تمام این سالها به بیت رهبری و هسته اصلی قدرت در حکومت ایران نزدیک و نزدیک‌تر شد.

معاون سازمان اوقاف و امور خیریه ایران می‌گوید بدهی دولت به امامزاده‌ها و مساجد افزایش یافته و «حدود ۱۸۰ میلیارد تومان است.»
"فواد ری" اینک با مدیریت محمد شریعتمداری و محمود یاسینی با برخورداری از باند بیت رهبری و دستگاه امنیتی سپاه به گسترش هلدینگ‌ها و برپایی شرکتهای دلالی و اقتصادی در داخل و خارج ایران زده و از واردات گوشت و پرورش شترمرغ و واردات لبنیات گرفته تاخانه سازی در آفریقای جنوبی و همزمان در رشته ساختمان سازی، ساختن دانشکده علوم حدیث و خانه سازی برای طلاب این حوزه جهل و خرافات و دیگر حوزه‌ها در حال گسترش است. نمونه‌ی ژرژان فابین باتاوش مامور اطلاعاتی فرانسوی که در لباس میهماندار همراه خمینی با ایر فرانس روز ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ زیر بازوی خمینی را گرفت و ماندگار شد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای نخستین بار پس از ۳۱ سال هویت وی را فاش کرد.^(۷۸)

افشای-هویت-کسی-که-روز- /-۸۴۲۳۲/ (https://www.tabnak.ir/fa/news/۸۴۲۳۲/)^{۷۸}
۱۲-بهمن-در-پلکان-هواپیما-دست-امام-را-گرفته-بود

وی از سوی وزارت اطلاعات فرانسه در کنار خمینی فرستاده شد و در با تغییر نام و آیین خود مسلمان و خط امامی شد و همسر ایرانی برگزید و ماندگار شد. این مامور اطلاعاتی واسطه‌ی بازرگانی ایران و فرانسه بود و از جمله به نمایندگی از شرکت "فواد ری" با کارخانجات ماشین سازی فرانسه وارد دلال شد.

- شرکتهای گروه سرمایه گذاری ری:

- ۱- شرکت سرمایه گذاری ری
- ۲- شرکت فواد ری
- ۳- شرکت نوسازی و عمران امید ری
- ۴- شرکت زرگوشت تهران
- ۵- شرکت بیجین گستر ری
- ۶- شرکت کشت و صنعت روزان
- ۷- شرکت کشت و صنعت لاله آزاد
- ۸- شرکت حمل و نقل بین المللی راه گشا بار
- ۹- شرکت پارس ام سی اس
- ۱۰- شرکت صنایع تولید تجهیزات خودروهای گازسوز
- ۱۱- شرکت پرشیا خودرو
- ۱۲- شرکت رش شیمی
- ۱۳- شرکت پارس سامان مهر
- ۱۴- شرکت معدنی آرمان پژوه سبزواران
- ۱۵- شرکت خدمات مهندسی ری سامان
- ۱۶- شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا
- ۱۷- شرکت مهندسی ری نیرو
- ۱۸- شرکت نگین گارنت ری (ری گارنت)
- ۱۹- شرکت کشت و صنعت بین المللی ری

- ۲۰- شرکت بین المللی صنعت سیمان لیان
- ۲۱- شرکت بین المللی تحقیقات و تولید شتر مرغ ایران
- ۲۲- شرکت پارس ام سی اس نوین (توسعه اقتصاد فردا)
- ۲۳- شرکت سازه گسترری
- ۲۴- شرکت فناوری اطلاعات ری
- ۲۵- شرکت بین المللی توسعه، تحقیقات و مدیریت منابع انسانی ایران
- ۲۶- موسسه آستان مقدس عبدالعظیم
- ۲۷- دانشکده علوم حدیث
- ۲۸- مجتمع آموزشی و فرهنگی حکمت
- ۲۹- موسسه انتشاراتی دارالحدیث
- ۳۰- شرکت بیمه دی (سهامی عام)
- ۳۱- شرکت نفت پارس
- ۳۲- شرکت خدمات مشاوره مالی و مدیریتی مبین ری
- ۳۳- موسسه فرهنگی فروغ مهر تابان
- ۳۴- شرکت بین المللی تی ری
- ۳۵- شرکت سرمایه گذاری صنعت نفت

در اساسنامه شرکت "فواد ری" نام یک شرکت خصوصی به شماره ثبتی ۱۰۰۷۲۲ قید شده است: «واردات و صادرات و بازرگانی علمی مواد غذایی، کشاورزی، دامداری، دامپروری، مواد اولیه ماشین‌آلات، تجهیزات، مواد اولیه فولادی مانند شمش آهن، تیر آهن و همچنین گوشت منجمد شرکت در مناقصه‌های دولتی و خصوصی و مشارکت با شرکت‌های داخلی و خارجی و و از هرگونه حسابرسی و گزارش مالیاتی معاف است. درحالیکه هسته اولیه مدیران شرکت هیچ اثری از مدیران بخش خصوصی را در خود نمی‌دید. اما حضور چندین وزیر و معاون وزیر چون شریعتمداری، نودری، یاسینی و..... سبب شد تا «فواد ری» پس از مدتی کوتاه به یکی از بزرگترین شرکت‌های واردکننده کالاهای اساسی در ایران

بدل شود. گزارش‌های رسمی شرکت نمایان می‌سازد، فواد ری طی سه دهه، خوراک دام و طیور، جو دامی، گندم دامی، نرت، کنجاله، سویا، کرده است. اصلی‌ترین شایعات درباره فعالیت‌های فواد ری هنگامی قوت گرفت که محمد شریعتمداری همزمان حضور در مدیریت وزارت بازرگانی و شرکت راطی ۱۶ سال تجربه می‌کرد.

«شرکت سرمایه گذاری ری» نیز با سرمایه‌ای برابر با ۴۰ میلیارد تومان (نزدیک به ۴۳ میلیون دلار آن زمان) برپا و در نخستین گام، **غلامحسین نوذری** دومین وزیر نفت دولت نهم، احمدی نژاد) به عنوان رئیس هیأت مدیره شرکت نشانید. پیش از این انتصاب بود که « فوادری» ۶۶ درصد از سهام **شرکت نفت و گاز پارس (شل ایران)** را هم به سیاهه‌ی دارایی‌های خود افزوده بود. ۱۳ درصد دیگر سهام را نیز شرکت سرمایه‌گذاری ری خریداری کرد. مدتی بعد شرکت نفت و گاز پرشیا یکی دیگر از شرکتهای هلدینگ ری، ۱/۷ درصد سهام نفت و گاز پارس را مالک شد. نقش محمودیاسنی و محمد شریعتمداری در این تصاحب‌ها بیش از دیگران چشمگیرتر است. با دخالت «سرمایه‌گذاری ری» در این مجموعه ۱۷۰ پروژه جدید با هزینه ۱۵۰۰ میلیارد تومان (حدود ۱/۷ میلیارد دلار) برای شرکت گزارش شده است. صنایع پتروشیمی ایران، فولاد مبارکه، ذوب آهن اصفهان، فولاد خوزستان، راه آهن، فولاد خراسان، کشتیرانی، ایران خودرو، سایپا، تراکتورسازی و کمپرسورسازی ایران عمده‌ترین مشتریان نفت و گاز پارس به شمار می‌آیند. شرکت در سال ۱۳۸۷ بیش از ۲۰ میلیارد تومان به سرمایه اولیه خود افزود و به هر سهم سهامداران خود ۲ هزار و ۵۰۰ ریال سود داد.

حضور سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نفتی برای گردانندگان شرکت، جاذبه داشت از این روی شرکت «پارس.ام.سی.اس» را با سرمایه اولیه‌ی ۱۴ میلیارد تومان (معادل ۱۵/۵ میلیون دلار) اعلام کردند. این شرکت از همان آغاز با شرکت MCS international GmbH آلمان وارد قرار داد شد. به ناگهان شرکت «پارس.ام.سی.اس» قرار داد همکاری با

کارخانه‌های خودروسازی برای تولید ۱۸۵ هزار دستگاه سوخت سی.ان.جی بست. این یک دلالی بود برای شرکت آلمانی که ولی فقیه از جانب شاه عبدالعظیم جواز شرعی آن را صادر کرده بود. سوی قرارداد، سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت بود. گفته می‌شد که هیچ نهاد اطلاعاتی به جز باند امنیتی رهبری از برگزاری مناقصه خبر نداشت. کمی بعد، شرکت سرمایه‌گذاری صنعت نفت نیز به مجموعه دارایی‌های شرکت «سرمایه‌گذاری ری» افزوده شد. شرکت‌های بازرگانی نیک نفت، شرکت پتروکام کیش، شرکت حمل و نقل بین‌المللی اطلس ترابرو شرکت نفت‌یاب و وو زیر مجموعه‌های این شرکت شدند.

مجموعه‌ی دیگری برای هلدینگ "فوادری" زیر نام «ری شیمی» برپا شد. این شرکت واردات و صادرات فرآورده‌های نفتی را برعهده داشت. شرکت «ری شیمی» به ۲۲ شرکت خارجی دیگر محصولات نفتی می‌فروشد. این دلالی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های شاه عبدالعظیمی، تنها بخشی از سوداگری‌های مافیای بیت رهبری و شرکا به شمار می‌آید، از دیگر فعالیت‌های اقتصادی «سرمایه‌گذاری ری» در حوزه کانی‌هاست. «آرمان پژوه سبزواران» در این مزنیه، یکی از مجموعه وابسته به سرمایه‌گذاری ری می‌باشد که در سال ۷۹ برپا شده بود و در سال ۸۳ بیش از ۹۲ درصد سهام آن به وسیله‌ی سرمایه‌گذاری ری به قیمت ۱۲/۵ میلیارد ریال (برابر با ۱/۴ میلیون دلار) خریداری شد. شرکت سالانه بیش از ۵۰۰۰ تن مس استخراج می‌کرد. معدن مس سرگزکوه جبرفت تنها یکی از دارایی‌های این مجموعه گزارش شده است. پس از خرید سهام این شرکت به وسیله‌ی مافیای «سرمایه‌گذاری ری»، تنها یکی از پروژه‌های شرکت با سرمایه ۴۲۵ میلیارد ریالی (برابر با ۴۷/۲ میلیون دلار) برای استخراج ۱۰ تن مس آغاز به کار کرد. «سرمایه‌گذاری ری» به سوی رشته برق و الکترونیک پنجه گشود. شرکت مهندسی «ری نیرو» برپا کرد و سپس نیروگاه گازی ۵۰۰ مگاواتی اصفهان هم به دارایی‌های سرمایه‌گذاران ری افزوده شد. سپس از صنعت نفت و برق به بیمه شتافت "بیمه دی" که

وابسته به بنیاد شهید و سال‌ها با مدیریت محسن مهرعلیزاده رئیس سازمان تربیت‌بدنی دولت اصلاحات بود با سرمایه‌گذاری ۳ میلیارد تومان (معادل ۳/۳ میلیون دلار) وارد داد و ستد شد تا ۱۵ درصد سهام این بیمه را هم به مالکیت خود درآورد. و ۵ درصد دیگر سهام شرکت نفت و گاز پارس هم ۱۰ میلیارد ریال را به چنگ آورد. گزارش‌ها بیانگر آنند که این داد و ستد به طور عمده در سال ۱۳۸۳ در زمان نشانیدن احمدی نژاد به پست ریاست جمهوری، آنگاه که نور چشم رهبری بود انجام گرفته است. باند، سپس به سوی شبکه راه و ترابری و حمل و نقل روی آورد و شرکت عظیم «راهگشا پار» را تصاحب شد. بنا به گزارش‌های رسمی این شرکت در یک دوره ۵۵۰ هزار تن جو، ذرت و سویا، ۱۱۰ هزار تن شمش آهن و ۵۰ هزار تن فرآورده‌های نفتی حمل کرده است.

کشاورزی برای سرمایه‌گذاران شاه‌العظیم نیز جذابیت داشت. مدیران اقتصادی بیت رهبری در سال ۱۳۷۸، ۲۳۰ هکتار باغ در نزدیکی‌های شهری برای برپایی شرکت «بجین گستر ری» خریداری کردند. مدتی بعد یک مشاور اسپانیایی به جمع آنان آمد و پروژه بزرگترین گلخانه ایران به وسعت ۲۰۰ هزار مترمربع آغاز شد. تولید زعفران و پسته از دیگر برنامه‌های شرکت بود. شرکت «زرین گوشت تهران» برای جبران کمبودها برپا شد. این شرکت سال ۷۳ ایجاد شده بود، اما سهام آن در سال ۸۲ به نام سرمایه‌گذاری ری شد. «زرین گوشت تهران» با افزودن بر بهای گوشت، و انحصار، به سود هنگفتی دست یافت و برای در انحصار گرفتن گوشت، کشتارگاه صنعتی «خانلق» متعلق به شرکت پشتیبانی امور دام وزارت جهادکشاورزی را به بهایی ارزان به چنگ آورد. این شرکت، براساس آمارهای رسمی حدود ۱۵۰۰ تن گوشت گوسفند، ۲۰۰۰ تن گوشت گاو، ۵۰۰ تن گوشت چرخ‌کرده و ۳۶۵ تن گوشت مرغ را سالیانه روانه بازار کرده است. کشتارگاه این شرکت ۶۸۵۰ مترمربع وسعت دارد و روزانه ۵۰ رأس گاو و ۵۰۰ رأس گوسفند کشتار می‌کند.

کارگاه بسته‌بندی نیز به گسترهی ۱۳۸۰۰ مترمربع از دیگر مالکیت‌های «فواد ری» می‌باشد که در آن سالانه ۱۲۰۰ تن خشکبار بسته‌بندی می‌شود. فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه و شهروند، شهرداری تهران و کارخانه‌های ایران خودرو و سایپا بزرگترین مشتریان شرکت تولید گوشت، سرمایه‌گذاری ری به شمار می‌آیند. به این شبکه‌ی سرمایه‌داری، ۸۰۰ هکتار باغ نیز به مجموعه «کشت و صنعت روزان» پیوست یافت تا ۲۰۰ رأس گاو شیرده بخش صنایع لبنی سرمایه‌گذاری ری را فربه تر سازند. گزارش‌ها بیانگر آن هستند که فواد ری حتی "پروژه‌های ساختمانی در آفریقای جنوبی" را با همکاری شرکت «ککتان» در دست اجرا داشته است. دارایی‌های سرمایه‌گذاری ری همواره با تصاحب املاک و دارایی‌ها و استثمار و دلالی و رانت‌های اقتصادی و فساد و اختلاس کهکشانی افزایش می‌یابند. تنها يك ساختمان هشت طبقه به مساحت ۳۶۳۳ متر در میدان آرژانتین تهران را به قیمت پایه ۱۵ میلیارد تومان (معادل ۱۷ میلیون دلار) به مزایده گذاشت.

در این برهه بود که نام «ساکنان ساختمان خیابان جردن» بر زبان‌ها افتاد. از دیگر شرکت‌های وابسته به سرمایه‌گذاری ری در سال‌های گذشته جنگ اندازی به شبکه‌های تلویزیون و سینما بوده است. برنامه «به خانه برمی‌گردیم» شبکه پنجم سیمای حکومت اسلامی یکی از این پروژه‌ها بوده است. محمدهادی رضوی، یکی از تهیه‌کنندگان سریال حکومتی "شهرزاد" داماد محمد شریعتمداری (وزیر کنونی کار...) است که تهیه‌کنندگی این سریال رقمی در بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد تومان برآورد می‌شد. آقای رضوی اما در پاسخ به پرسشی در باره خود، خویش را "بچه هیأتی" و "ولایتمدار" معرفی کرده و می‌گوید: «من در مدرسه متلفه درس خوانده‌ام. به هر حال متلفه‌ای‌ها از قدیم به چه چیزی معروف بوده‌اند؟ تجارت و بازرگانی.» ایران ان لاین در گزارش ۵ دی ماه ۱۳۹۴ خود در گفتگویی با داماد محمد شریعتمداری با تیتُر «حرفهای صریح سرمایه‌گذار جوان و میلیارد در سریال «شهرزاد» از جمله می‌نویسد: «هر قدر استقبال

از سریال «شهرزاد» بیشتر شد، حاشیه‌های بیشتری هم به سراغ آن آمد. بخش مهمی از این حاشیه‌ها نصیب سیدمحمدهادی رضوی سرمایه‌گذار آن شد؛ چهره جوان و ناشناخته که با آوردن چند میلیارد سرمایه دلیل اصلی شکل‌گیری این سریال پرمخاطب لقب گرفت. او می‌گوید در محفل موفته بزرگ شده است که به تجارت و اقتصاد شهره هستند گفت‌وگوی صریح او درباره شائبه پولشویی، نسبتش با معاون اجرایی رئیس جمهور و حاشیه‌های سریال خواندنی است»^{۷۹} «خب ما مدعی ولایت‌مداری هستیم. این یعنی چه؟ یعنی آن چه دستور دادند حتی اگر خلاف میل شما بود به آن عمل کنید... قبل از انقلاب دو سال آمریکا بوده و با وقوع انقلاب به ایران بر می‌گردد. مدتی در جنگ بود و بعد از سال ۱۳۶۴ در بخش خصوصی کارخانه تولید کننده ماشین‌های اداری و تجهیزات رسانه‌ای به راه انداختند. قبل از اینکه به عنوان داماد آقای شریعتمداری معرفی شوم همه من را می‌شناختند. پدر من از سال ۷۰ با همین صدا و سیمای جمهوری اسلامی خرید و فروش تجهیزات داشته است.»^(۷۹)

دولت احمدی نژاد دستور داشت که با مصوبه هیات وزیران در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۸ مبلغی نزدیک به ۱۰ میلیون دلار به شرکت "فواد ری" به سبب زیان از واردات غله پرداخت شود. این مبلغ تنها یک بخش از ارزش افزوده‌ای است که به سان درآمد در دست دولت انباشته شده بود.

حرم‌های آستانه شاه چراغ، آستانه معصومه در قم، بخشی از بنگاه‌های مالی و شبکه‌هایی هستند که باند خامنه‌ای و روحانیت همراه را با دو سازه‌ی اقتصادی و ایدئولوژیک، ساختار می‌دهند. هلدینگ بیت رهبری زیر نام «فواد ری» با معجزه‌ی شاه عبدالعظیم نبود، با قدرت نظامی و امنیتی و دین سرکوبگر و مافیایی ولایت فقیه و مافیای حکومت اسلامی بود که به بزرگترین شرکت تجاری ایران بدل شد. از نفت و گاز گرفته تا برق و حمل و نقل و بیمه و کانی‌ها و ووو در کنار شبکه سرشار از

^{۷۹}(<http://www.ion.ir/News/۵۲۴۰۶.html> ۱۳۹۴/۱۰/۵

فساد و اختلاس و استثماری استان قدس و شاه چراغ و معصومه و بیش از ۱۱ هزار امامزاده‌های جعلی و ساختگی و یا دارای رابطه‌ای با امامان شیعه که برای شرکت در حکومت یا برخورداری از شرايطی که در ایران به ویژه امپراتوری مأمون، جانشین هارون الرشید عباسی بود یا در پی ولیعهد مأمون، یعنی علی موسی‌الرضا از مدینه و عراق راهی ایران شدند تا به نوایی برسند.

سازمان اوقاف

اوقاف ریشه تاریخی بس درازی دارد و وقف بخشی از دارایی و ملک به شخصیت‌ها و قبورها و به نام رهبران دینی از سوی مالکین است. **وقف** به بیان شرعی آن و تعریف (ماده ۵۵ قانون مدنی) به آن معنا است که «عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» یعنی که واگذاری همیشگی مال و یا ملک برای خدمت عمومی یا نگه داشتن اصل چیزی و جاری بودن منفعت آن در راه نیک. این اما یک کلاه شرعی است برای فریب تا مالک نه تنها بقیه مالکیت را بیمه کند، بلکه دست وی را برای تصاحب‌ها و انباشت و ستمگری‌های بیشتر باز بگذارد. در ایران موقوفات از بزرگترین و عظیم‌ترین شبکه‌های مالی، ملک و مستغلات و ربایش و فساد مقدس را نهادینه کرده و زیر نظر مستقیم علی خامنه‌ای اداره می‌شوند و در شبکه مالی رهبر امپراتوری اقتصادی باند خامنه‌ای و روحانیت وابسته به وی را در برمی‌گیرند. منافع اقتصادی این شبکه فساد بیت رهبری و روحانیون سراسر ایران در آن است و روایت‌های شرعی ممنوعیت فروش و اجاره و استفاده شخصی از وقف که از نظر فقهی و حقوقی ممنوع و حرام است را به کمک گریزگاه‌های قرآنی و روایت و شرع زیر پا بگذارند. روحانیون متخصص این فریبکاری‌ها هستند که برای هر شیادی، گواهی و فتوا و جوازی صادر می‌کنند. شورای عالی حوزه، آیت الله مومن- دبیر سابق آن فروش و داد و ستد آن را بنا به مصلحت باند رهبری اعلام این لغو حکم شرعی را اعلام کرد. حجت الاسلام میرنعمتی،

که تا سال ۱۳۹۰ نماینده آیت الله مومن- دبیر سابق شورای عالی حوزه-در رسیدگی به موقوفات حوزه بوده، می گوید: "موقوفات حوزه و املاک و اموال وقفی مربوط به مدارس علمیه به وسیله حوزه اداره نمی شود، بلکه در اختیار اداره اوقاف است و اداره اوقاف با مبلغ کمی آن‌ها را اجاره می‌دهد. متأسفانه سرقتی اکثر موقوفات هم فروخته شده». بیت رهبری، مدرسین و آیت‌الله‌های حوزه‌ها را فریب داد و سهمی از این ربایش را به شورای عالی واگذار نکرد که در حوزه‌ها خرج شود.

حجت الاسلام میرنعمتی همچنین به نمایندگی از آیت الله مومن، گزارشی از یک درگیری مدرسه علمیه کرمانی‌ها در قم که وقفی ست، تهیه کرده و برآن است که مجید انصاری، معاون پارلمانی حسن روحانی آن را مالک شده است و می نویسد: "قسمت عمده املاک از نظر مساحت در شهداد بود که شامل حدود ۵۰۰ هکتار زمین کشاورزی و چند حلقه چاه می شد. برخی از اراضی واقع در شهداد را واگذار کرده بودند. بخشی از این زمین ها را هم فروخته بودند". و می‌افزاید: "در املاک شهداد، یک سری وسایل نقلیه راه سازی و باربری مثل کامیون، بولدوزر، لودر و تراکتور هم وجود داشته که از اینها عین و اثری نیست... قسمت دیگر املاک در کرمان بود. این املاک از املاک شهداد، آبادتر و ارزشمندتر بود. در این بخش از زمین‌ها دو شهرک احداث شده است و بخشی از آن هم فروخته شده است." وی در ادامه شکواییه خود در رقابت باندها ادامه می‌دهد: «بخش دیگر املاک در راور بود از املاکی که مربوط به مدرسه کرمانی‌ها نبوده، بلکه سهم امام بوده است نیز توسط آقای انصاری و دوستانش تصرف شده است. آقایان این‌ها را هم به ناحق تصرف کردند و فروختند... املاک مدرسه کرمانی‌ها از نظر شرعی وقف است، چون موسس این املاک می گوید من این زمین ها را احیا کردم و سپس آنها را وقف کردم و مال وقفی را نمی توان فروخت، بلکه باید اصل آن را حفظ کرد و درآمد آن را صرف ما یحتاج موقوف له کرد. مثلاً چاهی را که در راور فروخته بودند، در حال حاضر روزانه ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار تومان آب

می فروشد. درآمد همین چاه به تنهایی مدرسه را تأمین می کرد. "حجت الاسلام نعمتی ادامه می‌دهد: "پس از تحقیقات و بررسی‌های زیاد و تشکیل چندین جلسه، دادگاه حکم جامعی را صادر کرد که پس از تأیید توسط قوه قضاییه به مرحله اجرا رسید، اما در حین اجرا، ناگهان متوقف شد!"^(۸)

روز چهارشنبه، ۲۷ دی (۱۶ ژانویه)، خبرگزاری مهر متن گفتگویی با احمد شرف خانی، معاون سازمان اوقاف، حج و زیارت را منتشر کرده که در آن گفته است "بدهی دولت به امامزاده‌ها و مساجد افزایش یافته" و میزان این بدهی را ۱۸۰ میلیارد تومان دانسته است. و اعلام شد که: "دولت حدود ۱۵۰ میلیارد تومان به مساجد و ۲۹ میلیارد تومان به امامزاده‌ها بدهکار است." وی برای نوسازی دکان‌های فساد و فریب، برای جذب مشتری، گفت: "واقعاً وضعیت امامزاده‌ها در شان این بزرگواران نیست." به گزارش خبرگزاری مهر، شرف خانی گفت «بر اساس مصوبه جدید مجلس، دولت باید بودجه‌ای برای بُقاع و مساجد اختصاص دهد که تاکنون این کار انجام نشده است.» وی همچنین گفت ایرانی‌ها روزانه ۱۸۰ میلیون تومان نذر امامزاده‌ها می‌کنند. بیشتر خبرگزاری‌های کار ایران - ایلنا - به نقل از یک کارشناس میراث فرهنگی از وجود ده هزار امام زاده در ایران خبر داده بود که تنها حدود دو هزار امامزاده دارای سند و شجره‌نامه است. و این بنا به خبرگزاری خانه کارگر اشغال شده، به آن معنا می‌باشد که دستکم ۸۰ درصد امامزاده‌ها در ایران، ساختگی، تقلبی و بی‌شناسنامه‌اند. در مرداد ماه سال ۱۳۹۰، حسن ربیعی سخنگوی سازمان اوقاف و امور خیریه، تعداد امام زاده‌های ایران را "نزدیک به ۱۱ هزار" اعلام کرده و افزوده بود که امام زاده‌ها در این سال، نسبت به سال پیروزی انقلاب ایران "هفت برابر" شده‌اند. در سال ۱۳۵۷، حدود ۱۵۰۰ امام زاده در ایران وجود داشته است. ربیعی در مصاحبه با روزنامه شرق، تمام این امام زاده‌ها را فرزندان و نوادگان خاندان پیامبر اسلام

^(۸) <https://ir.voanews.com/a/iran-endowment-donation-3100000.html>

معرفی کرده و گفته بود که در سال ۱۳۸۹ "بیش از صد میلیون نفر زائر" به این امام زاده‌ها مراجعه کرده‌اند. این بازار فریب، از سال ۸۹ تا کنون یعنی سال ۹۷ پیوسته رنگ آمیزی شد با خون و رنگ سبز و قمه و زره و کلاه خود و شتر و شمر و شیر فضه و تعزیه و مرثیه در سراسر ایران. این شعبده‌ها برای آن است تا مشتریان صد میلیونی را در عاشورا و کربلا سرگردان و اربیعن را با علمداری آلکساندر دوگین، مشاور پوتین و رهبر پروژه اروآسیا، کاروان سازد. کاروان اربیعین، پیاده تا کربلا، نمایشی است از شعبده و از خودبیبگانگی میلیون‌ها نفر بی‌پناه، نیرنگ و فریب حکومتی در ایران.

مسجد جمکران

مسجد جمکران امروز یکی از ثروتمندترین مسجدهای ایران است تاریخ لغو مالکیت از زبان یک شیاد با بیان خوابی جعلی. مین زیر پای خانه‌ی خدا دارد. افسانه‌ای ساختگی و دسیسه آمیز همداستانی یک سید روحانی با یک شیاد دیگر، برای خلع مالکیت از مالک پیشین. این دروغپردازی در نبود آگاهی تاریخی تا آنجا به پیش می‌رود که ساخت آن را به امام غایب یا امام زمان شیعیان نسبت می‌دهند. این مسجد خود به‌جای همه امامان و امامزاده‌ها نیز در خدمت مومنان و مومنات است، شفا می‌دهد و چاهی سیری ناپذیر دارد که امام همیشه غایب ۱۳۰۰ سال پیش تا کنون در آن پنهان شده و نامه‌ها و دردنامه‌های حاجات نیازمندان را دریافت و به آنها رسیدگی می‌کند و از شفای فوری بیماری پیش رفته سرطان تا درمان جنون و فلج و دیگر دردهای درمان ناپذیر در تخصص این مسجد- امام‌کده است.

زمین این مسجد که زمینی کشاورزی و در دست برزگری خودکفا بوده که به آخوند انگل روستا باجی نمی‌پرداخته، پس با نیرنگ آخوندی به امر امام زمان که پدیدار می‌شود، رنجبر را از زمین رانده تا بر آن مسجدی برپا شود تا دیگر کسی هوای سرپیچی از باج‌دهی به روحانیت و

مالک را در سر نپروراند. داستان به همین جنایت پایان نمی‌یابد؛ به امر امام زمان ناپیدا برای پرداخت هزینه ساخت مسجد، کشاورز را وادار می‌کنند که دسترنج ۵ سال جان‌کندن روی این زمین از کف داده را به همان نماینده امام زمان پرداخت کند که خود روایتگر یک شیادی است. این فریبکاری به فردی به نام «شیخ حسن بن مثله جمکرانی» باز می‌گردد که مدعی می‌شود که در بیداری و دیداری خصوصی با امام دوازدهم شیعیان، **مهدی همیشه غایب و هیچگاه زاده نشده**، دیدار کرده‌است و «**حجت ابن الحسن**» **حضوری** دستور ساخت مسجد را به وی داده‌است. **حسن بن مثله جمکرانی** در روایتی که تنها سند موجود این دسیسه به نظر می‌رسد، چنین می‌گوید:

«من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ ق در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود، مهدی را اجابت کن که تو را طلب نموده‌است. آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده، جوانی سی ساله [مهدی پس از ۱۰۰۰ سال] بر آن تخت تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته‌است، آن پیر، **خضر نبی** بود که مرا امر به نشستن نمود، حضرت مهدی مرا به نام خودم خواند و فرمود:

برو به حسن مسلم (که در این زمین کشاورزی می‌کند) بگو، این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کند. عرض کردم: یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه‌ای داشته باشم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمی‌کنند.

فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم، و همچنین نزد سید ابوالحسن (یکی از

علمای قم) برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید. به مردم بگو به این مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گزارند. آنگاه امام فرمودند: هر که این دو رکعت نماز را در این مکان (مسجد جمکران) بخواند مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.

چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا بازخواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و به بیماران انفاق کن، هر مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد. حسن بن مثله جمکرانی می‌گوید: به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خوانده و به سراخ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتیم، و در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام حدود بنای مسجد را نشان می‌داد.

سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سید مرا گرمی داشت و گفت: ای حسن بن مثله من در خواب بودم که شخصی به من گفت:

حسن بن مثله، از جمکران نزد تو می‌آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و به قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن.

از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم، آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم، سید بلافاصله

فرمود تا اسب‌ها را زین نهند و بیرون آورند و سوار شدیم، چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می‌آمد، چون به میان گله رفتم، همینکه بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم، به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کردم و هر بیماری که گوشت آن تناول کرد، شفا یافت.

ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرده و زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب محصور نمود.

سپس زنجیرها و میخ‌ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت، هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می‌مالید، خدا او را شفای عاجل [سریع] می‌فرمود، پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آن‌ها را ندید.^(۸۱)

هیچکس جز روحانیت همیشه انگل، قادر نیست چنین «غصبی» زیر نام «وقف» را سناریو کند و داستان بزغیبی و زنجیرهای غیبی و امام زمان غیبی را به هم بیافد تا با دست‌های غیبی رنجبری را بر زمین گرسنگی بنشانند و همه‌ی هستی و دسترنج و مایه‌زندگی خود و خانواده‌اش را بر بایند، کسی را خلع مالکیت کند و انگل‌خواری سکت و سلف خویش را تا ابد تضمین کند و بیمه مهدی غایب سازد. همانگونه که ۴ نایب و باب امام زمان در زمان حسن عسکری از مهدی هرگز زاده نشده، امام غایبی ساختند تا روحانیت و آنانی که با شلاق دین بر گرده‌ها سوارند، همواره تا ابد راکب باشند و بر گردونه‌های تن و جان امت سوار.

وبگاه عصر ظهور؛ توقیع و نیز اندیشه قم؛ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (۸۱) امام زمان به علی بن محمد سمری

کمیته امداد «امام»

کمیته امداد خمینی، به دستور روح‌الله خمینی، در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ زیر نام پشتیبانی از «محرومان و مستضعفان و خودکفا کردن آن‌ها» و به نام بنیادی «ناسودبر» و «عام‌المنفعه» به سرپرستی حبیب‌الله عسکراولادی (از جمعیت موتلفه و بازار)، مهدی کروی، و حبیب‌الله شفیق (از بنیانگذاران حزب موتلفه اسلامی، مدیر پیشین مدرسه رفاه پیش از قیام ۵۷، که با آمدن خمینی در روزهای نخست مقر او گردید، برپا کننده صندوق‌های قرض الحسنه) برپا شد. پاسدار پرویز فتاح، سرپرست کمیته در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۹۴ با حکم خامنه‌ای جانشین سید رضا نیری که ۲۷ سال رئیس کمیته امداد انقلاب اسلامی بود گردید. سرپاسدار فتاح، در نخستین گام خود مجموعه بزرگ کمیته امداد در سوهانک را به مبلغ ۱۰۰۰ میلیارد ریال فروخت و این مبلغ را به وام داد. فتاح، از سران سپاه و مدتی وزیر انرژی در دولت نهم (احمدی نژاد) و رئیس بنیاد تعاون سپاه بوده است.^(۸۲)

در سال ۱۳۹۶ گزارش شد که کمیته امداد فقط در نیمه نخست سال ۹۶ بیش از ۱۵۳ میلیارد تومان زیر نام صدقه به این نهاد پرداخت شده است. این نهاد نه تنها «ناسودبر» و «عام‌المنفعه» نیست بلکه پوششی است برای ربایش از سفره‌های تنگستان، فریب و نیرنگ برای جذب پول زیر نام صدقه و بلاگردان، و نیز مانند دیگر نهادهای مذهبی-حکومتی، نهادی سوداگر و اقتصادی است که زیر نظر مستقیم ولی فقیه و پس از مرگ خمینی، در تصاحب خامنه‌ای است. بخشی از پول‌های واریز شده به صندوق‌ها و کمیته امداد زیر پوشش کمک‌های غذایی و عید فطر و ووو برای جهاد اسلامی و حماس و دیگر گروه‌های مذهبی و کارگزاران حکومت اسلامی سرازیر می‌شود. سرپاسدار پرویز فتاح اعتراف کرد که

^{۸۲}) <http://hamyarannet.ir> -کمیته-امداد-امام-خمینی-تاریخچه/

پول‌های ریخته شده و یا پرداخت شده به کمیته امداد و صندوق‌ها به کجا می‌روند: «اگر پولی برای کمک به مردم یمن یا فلسطین به صندوق مختص آن ریخته می‌شود وظیفه داریم برای همان‌جا هزینه کنیم.»^(۸۳)

در اردیبهشت ماه ۱۳۹۵، پرویز فتاح از فروش ساختمان مرکزی کمیته امداد در سوهانک به مبلغ ۱۰۰۰ میلیارد تومان خبر داد و پیش از آن فساد در کمیته امداد رسانه‌ای شده بود. این مرکز در سوهانک با وسعت یکصد هزار متر مربع در بردارنده‌ی مجتمع اداری، برج ده طبقه، مجتمع ورزشی، استخر و هتل ۵ ستاره بود. کمیته امداد به برجی ۱۸ طبقه در خیابان آزادی منتقل شد. هزینه خرید و بهره‌برداری از این ساختمان ۱۸۰ میلیارد تومان اعلام شد. باقیمانده یعنی ۸۲۰ میلیارد باقیمانده تنها از این دارایی، سهم بیت رهبری و سران سپاه و همدستان سید مجتبی خامنه‌ای، تقسیم شد.

تنها کمیته امداد خمینی در کشور ۷ میلیون و ۴۰۰ هزار صندوق دارد. از طرفی هم رییس کمیته امداد گفته که از «صندوقهای صدقات مبلغ ۸۰۰۰ میلیارد تومان پول خارج شده» است. بنا، به گزارش سایت همیاران از کمیته امداد: بودجه کمیته امداد در سال ۱۳۹۶ برابر با ۴۳۷۰ میلیارد تومان بوده است که این مبلغ با ۱۰ درصد افزایش در سال ۱۳۹۷ به رقم ۴۸۰۰ میلیارد تومان رسیده است.^(۸۴) شمار این صندوق‌ها در شهر تهران افزون ۴۰ هزار صندوق می‌باشد.

^{۸۳} (<https://www.mashreghnews.ir/news/۸۶۱۱۶۵۰>)

^{۸۴} (<http://hamyarannet.ir/تاریخچه-امام-خمینی-تاریخچه>)

غلامحسین غیب‌پرور، «رئیس سازمان بسیج مستضعفین» این بازوی نظامی حکومت اسلامی اعلام کرد: «این سازمان به منظور کمک به محرومان، ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه در سراسر کشور را با محوریت مساجد دنبال می‌کند.» غیب‌پرور افزود: «به طوریکه ۷۶۰۰ مسجد به عنوان هدف مشخص شده است.»^(۸۵)

اسکله‌ها

جدا از ترمینال‌های هوایی و زمینی و گمرک‌ها، اسکله‌های بیشمار در انحصار سپاه کشور را با صدها اسکله و هواپیما و کشتی و کامیون‌های بیشمار به یک مرکز قاچاق جهانی تبدیل کرده است.

بنا به قوانین حکومتی، اسکله‌های بازرگانی بایستی در کنترل گمرک و سازمان بنادر و دریانوردی باشد. دیگر وزارتخانه‌ها به جز اسکله‌های صیادی که در اختیار سازمان شیلات و شماری اسکله که در اختیار وزارت نفت است، اسکله‌های نظامی و دفاعی هستند. در سال ۱۳۸۶ شمارگان اسکله‌های ایران ۲۰۱ اسکله گزارش شد. بنا به گزارش ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از این شمارگان را ۴۳ اسکله تجاری، ۶۹ اسکله صادراتی، ۲۰ اسکله صنعتی، ۲۳ اسکله چند منظوره، هفت اسکله مسافری، ۱۵ اسکله نظامی و ۱۳ اسکله متروک بوده‌اند. اگر همین گزارش را بپذیریم، ۱۱ اسکله در این میان پنهان می‌مانند.

رئیس این ستاد در سال ۱۳۸۳ نیز اعلام کرده بود که از مجموع ۲۰۱ اسکله در کشور ۲۰ درصد دارای مرز گمرکی و ۸۰ درصد دیگر دارای مرز مجاز گمرکی نیستند. تنها ۴۰ اسکله قانونی در میان ۲۰۱ اسکله وجود دارد. به اعتراف احمدی نژاد، همانگاه که به دیگرباندها دست به گریبان شده بود، تنها همین شمار زیر نظارت گمرک بودند. «ستاد

ایجاد-/۱۳۹۶۰۶۱۴۰۰۱۰۲۹/<https://www.farsnews.com/news/13960614001029/> (۸۵) صندوق-قرض

مبارزه با قاچاق کالا و ارز» مدعی ساماندهی ۱۶۰ اسکله غیرقانونی شد. اما اسکله‌ها برای فعالیت‌های غیرمجاز، مجاز بودند. سعید مرتضوی در جایگاه رئیس «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» به پاداش کشتارها از جمله در کهریزک، به این پست گمارده شد، گفته بود: «هیچ گونه اسکله غیرمجاز وجود ندارد و پرونده‌های آنها مختومه شده است».^(۸۶)

احمدی‌نژاد در هفته جاری حتی رییس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز را که خود وی بدنامترین فاسدان حکومت اسلامی بود موظف کرد که به همراه وزیر کشور و استانداران مرزی در این مورد اقدامی انجام دهد. در گله‌ی کفتارها، محمود احمدی‌نژاد در این مورد گفته است: «اینها را تنظیم کنید و وزیر کشور، استانداران مرزی و رییس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هم بنشینند، نظمی به این کار بدهند و آن را مستمر کنند. اینها نیز باید ثبت شوند تا معلوم شود چه کالاهایی چه موقع و از کدام مرز وارد کشور شده است؟ در واقع باید کددار، ثبت و مشخص شود تا وقتی کالا وارد بازار شد، معلوم شود که این کالا مجاز است».^(۸۷)

محمود احمدی‌نژاد در دور دوم ریاست جمهوری‌اش آنگاه که با باند خامنه‌ای و بخشی از سران سپاه درگیر شد، به گونه‌ای خودافشاگر و فشرده و آشکار باندهای حاکم را اینگونه معرفی کرد: "بین ۵۵ تا ۶۰ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود که معادل ۲ هزار میلیارد تومان است. این رقم همه قاچاقچیان درجه یک دنیا را به طمع می‌اندازد، چه رسد به «برادران قاچاقچی» خودمان!"

احمدی‌نژاد در هفته جاری حتی رییس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز را موظف کرد که به همراه وزیر کشور و استانداران مرزی در این مورد اقدامی انجام دهد. محمود احمدی‌نژاد در این مورد گفته است:

^{۸۶}(<http://aftabnews.ir/vdcaewn۶y۴۹neu۱.k۰k۴.html>

^{۸۷}(نیوز

آفتاب

همان

<http://aftabnews.ir/vdcaewn۶y۴۹neu۱.k۰k۴.html>

«اینها را تنظیم کنید و وزیر کشور، استانداران مرزی و رییس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با هم بنشینند، نظمی به این کار بدهند و آن را مستمر کنند. اینها نیز باید ثبت شوند تا معلوم شود چه کالاهایی چه موقع و از کدام مرز وارد کشور شده است؟ در واقع باید کددار، ثبت و مشخص شود تا وقتی کالا وارد بازار شد، معلوم شود که این کالا مجاز است.»^(۸۸)

محسن رفیق‌دوست

محسن رفیق‌دوست، از همان آغاز آوار حاکمیت اسلامی بر جامعه، یکی از کارگزاران تبه‌کار حکومت اسلامی است. رفیق‌دوست در خاطرات خود از قاتل بودن خویش در زمان شاه به افتخار یاد می‌کند و چنین می‌نویسد: «روزی مشاهده کرده این فرد با چماق یک پیرمرد روحانی را بر زمین انداخته و به عمامه وی لگد زده،» رفیق دوست مدعی است که برای قتل «از سید محمدهادی میلانی، مرتضی مطهری و محمدرضا مهدوی کنی اجازه گرفته‌است. در میان این نامه تنها یکی زنده است و آن هم چیزی به یاد نمی‌آورد.

رفیق‌دوست می‌افزاید: «یک شبی که به شدت باران می‌آمد، شاید یکی از شب‌هایی بود که توی تهران کمتر آن جور باران می‌آید. البته من چند شبی کشیک او را کشیدم با یک چماق حسابی و چون کمتر شبی بود که این مست نباشد. بالاخره او، از ماشین پیاده شد، می‌خواست برود خانه‌اش. من مخفی شده بودم و با چماق زدم توی سر این. او افتاد و یک هفت هشت تا چماق دیگر هم زدم توی سر و کله این و هلش دادم افتاد توی جوی آب و

^{۸۸}(<http://aftabnews.ir/vdcaewn۶y۴۹neu۱.k۰k۴.html> آفتاب نیوز)

رفتم. فردای آن روز شایع شد که یک جنازه‌ای توی میدان شوش توی آب‌ها پیدا شده و ان شاءالله خدا قبول کند. (۸۹)

یکی دیگر از تبهکاری‌های وی به همراه برادرش، فرمانده کمیته سپاه سعدآباد در قربانی کردن فاضل خداداد است. رفیق‌دوست، در میدان تره‌بار تهران، پیش از انقلاب اسلامی، پادو پدر فاضل بود. فاضل خداداد در ۹ بهمن ۱۳۷۳ به اتهام تبانی با کارکنان بانک صادرات و مشارکت در اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بازداشت شد. **فاضل خداداد** بازرگان و سرمایه‌دار بازار و از خانواده‌ای ثروتمند دست در دست برادران رفیق دوست، در دولت رفسنجانی در سالهای ۶۰ به شبکه‌ای فساد حکومت گره خورد. برادر بزرگش حسین خداداد بنیانگذار بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی و نخستین کارخانه یخ در ایران و نیز مالک ساختمان «تماشاگاه زمان» بود. فاضل خداداد در سال ۱۳۷۱ در تبانی با محسن رفیق دوست که بنیاد مستضعفان را فرماندهی می‌کرد، با دلالی مرتضی رفیق دوست برادر به خرید زمین‌هایی در شمال تهران پرداخت. یکی از این زمین‌ها در تصاحب بنیاد مستضعفان و جانبازان بود. فاضل در این خرید به محسن رفیق‌دوست، رئیس وقت بنیاد مستضعفان وادر داد و ستد شد و مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان را مستقیماً به حساب رفیق‌دوست و نه بنیاد واریز کرد. سرپاسدار مرتضی رفیق‌دوست، رئیس وقت کمیته انقلاب اسلامی سعدآباد دلالی بود که باید به بانک صادرات شعبه باغ فردوس تجریش مراجعه می‌کرد و دلال میشد و با معرف او تا حساب جاری ویژه کارگزاران رده اول حکومتی با شماره ۲۰۰، برای فاضل خداداد گشایش یابد. گردش حسابهای شخصی فاضل خداداد در یازده ماه در این حساب ۱۲۳ میلیارد تومان گزارش شد که ۵ میلیارد تومان آن مبلغی بود که مرتضی رفیق‌دوست در این مدت به همین شیوه و در همان شعبه بانک به

(۸۹) رفیق دوست و آن کیسه پر از طلا» (فارسی). دنیای اقتصاد، ۲۴ آذر ۱۳۸۷.

گردش درآمده بود. روند معامله یازده ماه به درازا کشید و خداداد با شم سوداگری خود درمی‌یابد که قربانی یک کلاهبرداری نماینده امام در بنیاد مستضعفان شده است. محسن رفیق دوست راننده خودرو خمینی از فرودگاه تا تهران در تاریخ ۱۲ بهمن ماه و اینک فرمانده پاسداری نشسته بر شبکه‌ی مالی عظیم بنیاد مستضعفان و پای بر گردن مستضعفان، نه تنها زمینی به وی واگذار نمی‌کند، بلکه به پشتوانه‌ی رفسنجانی و رهبر، خداداد را می‌تواند با یک پرونده سازی به سوی خدا روانه سازد. خداداد نقدینگی خویش را از دست رفته می‌بیند و از محسن رفیق دوست خواهان بازپس‌گیری پول خود می‌شود، اما این پول هرگز به وی بازگردانده نمی‌شود و طناب دار در انتظار وی لحظه شماری می‌کند.

پرونده خداداد آمده است تا به اتهام تبانی با کارمندان بانک صادرات ایران زیر نام «اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان»ی محاکمه و به اعدام با طناب دار، پس از میهمانی به یک آیه مرگ قرآنی محکوم شود مرتضی رفیق‌دوست به جای برادر باید در کنار وی می‌نشست. همسر مرتضی رفیق‌دوست - صاحب چکهای وی - هرگز به دادگاه احضار نشد. در دادگاه اسلامی، فاضل خداداد با سندهایی که بین وی و ولی‌الله سیف انجام گرفته بود نشان داد که بانک صادرات نه تنها تمامی بدهکاری‌ها را بلکه مبلغی بیشتر از بدهی‌ها را دریافت کرده است. اما خداداد باید به دار فانی فرستاده می‌شد تا «دار باقی» سهم باندهای حکومتی شود. وی این پرونده سازی موضوع پول‌های ربوده شده به وسیله محسن رفیق‌دوست و زمینها در پرونده نیامد. هدف ملاخور کردن تمامی دارایی‌های خانواده خداداد بود که گامی به سودای سود بیشتر و سهمی از غنیمت اسلامی در شراکت و اعتماد با رفیق‌دوست‌ها گذارد بود. فاضل بارها به موضوع معامله زمین متعلق به بنیاد مستضعفان و جانبازان و مطالباتش از محسن رفیق‌دوست و حوزه علمیه باقرالعلوم اشاره کرد اما محسنی از‌های دستور داشت که این امور را خارج از پرونده بنامد. رای دادگاه اسلامی فاضل خداداد به عنوان متهم ردیف اول پرونده به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور به اعدام

محکوم کرد و وی در سحرگاه اول آذر سال ۱۳۷۴ در زندان اوین به دار کشیده شد. و دیگر متهمین این پرونده از جمله مرتضی رفیقدوست، متهم ردیف دوم مدتی کوتاه از زندان به مرخصی آمد تا به آلمان سفر کند و مامور خرید حکومت اسلامی باشد. در این میان «ویلائی فرمانیه» از غنیمت‌های اسلامی در تصاحب بنیاد مستضعفان بود با سندی مزین به آیات قرآنی، به نام محسنی اژه‌ای، قاضی پرونده و حکومت اسلامی هدیه داده شد. «محسن رفیقدوست» در یکی از ماموریت‌های تجاری خود به کشور آلمان، افزون بر قرارداد خرید تسلیحات نظامی، قرارداد خرید ۶۰۰ دستگاه «ب. ام. و» را با برخورداری از «کمسیون» یا دلالی برای بنیاد مستضعفان امضا کرد. این خودروها، با برخورداری از نام بنیاد که در تیول بیت رهبری بود از پرداخت هرگونه عوارض و حقوق گمرکی معاف و اسناد همگی آنان به نام بنیاد مستضعفان صادر شده بود. بی درنگ با انتقال اسناد مالکیت خودروها پس از ترخیص از گمرک به نام «جواد و محسن رفیقدوست» سند سازی شد. «مرتضی رفیقدوست» هنگامی که چند ماهی در زندان بود به برادر «هفت خط» از زندان پیام معنی داری داده بود: «حواستون باشه، من از ماجرای ۶۰۰ دستگاه ب ام و چیزی به بازجوها نگفته‌ام!»^{۹۰}

سالها بعد روز ۱۷ آبان ۱۳۸۸ محسن رفیقدوست در همان گفتگو با رسانه‌ی اینترنتی جام جم در پاسخ به پرسش خبرنگار که پرسیده بود «شما از کجا فاضل خداداد را می‌شناختید؟»

پاسخ می‌دهد: «از قبل انقلاب او را می‌شناختم. پدر و برادر بزرگش همکاران پدرم بودند. اتفاقاً در همان شغل پدر ما بودند. آنها از مافیای

^{۹۰} (<https://irankhabarnews.com/۲۰۱۷/۱۱/۲۷/>)

قدرت بودند. واردات و فروش میوه. کل میدان قدیم ترمبار مال پدر ایشان

بود. پدر من هم مثل ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر دیگر در این میدان حجره داشت.»^{۹۱} رفیق دوست وزیر سپاه شد و بسیاری از خریدهای سپاه را مستقیم به همراه دیگر سران سپاه مستقیم دلالی می کرد و پورسانتاز می گرفت و در همان گفتگو با جام جم با فرار از جلو، اما غیر مستقیم در پاسخ به این پرسش خبرنگار: «شما تنها وزیر سپاه و مسوول خریدهای جنگ بودید و پول فراوانی دستتان بود. پرونده یا مساله‌ای از آن موقع برای شما نساختند؟» غرضی اعتراف می کند که: «نمی توانستند بسازند» و دلیل می آورد که «چون هیچ وزیری خودش خرید نمی کند. اتفاقا کسی که آن زمان در وزارت سپاه مامور اصلی خریدهای من بود چند روزی است به قائم مقامی وزارت دفاع رسیده و من با اطمینان پشت سر ایشان نماز می خوانم. آقای سردار احمد وحید دستگردی که خواهر ایشان هم وزیر بهداشت می باشد. آن زمان که من وزیر بودم، مسوول خرید اصلی وزارت ایشان بود که پسر مرحوم دکتر وحید است. خود دکتر وحید از اوتاد بود. خودشاخته، برجسته و ممتاز بود. ایشان رئیس هلال احمر بود.

رئیس خرید تسلیحاتی من همین آقای وحید بود؛ اما نه چیزی برای من و نه چیزی برای او داشت. اما در زمان بنیاد پرونده‌های زیادی برای من درست کردند...» آقا وحید همان چهره‌ی پشت سر خامنه‌ای در بیت رهبری است که حکم ریاست جمهوری را او به رئیس جمهورهای حکومت اسلامی می دهد. وحید حقانیان که بیشتر با عناوین «سردار وحید» و «آقای وحید» شناخته شده است یکی از فرماندهان پیشین نظامی است که در سال‌های اخیر معاون امور ویژه دفتر علی خامنه‌ای نشانیده شد. وی مدتی است با فاش شدن نقش وحید حقانیان و فرزندش در شبکه‌های پولشویی و فساد که تا ترکیه کشانیده می شد، برای مدتی در کنار خامنه‌ای ظاهر نشد و پشت صحنه گذارده شد.

^{۹۱} (<http://jamejamonline.ir/online/670460138692181248>)

محسن رفیق‌دوست در گفتگو با جام جم سالها پس از جابجایی از بنیاد می‌گوید «من از مردم زمین می‌خریدم و ساختمان می‌ساختم. در بلوار شهید دستواره زمین خریدم و ۳۳۴ دستگاه آپارتمان ساختم. همزمان با ساختن این آپارتمان‌ها، در زعفرانیه هم خانه‌ای را از شخصی خریدم و ۱۲ دستگاه آپارتمان در آن ساختم.»^{۹۲}

و می‌افزاید «من ثروت قارونی ندارم. با دولت هم معامله ندارم. بیش از آنچه بشود تحمل کرد بدهی دارم که امیدوارم با راه افتادن کارخانه دارویی و فروش ساختمان‌ها که بسازم، پرداخت شود. بعلاوه در پایین شهر تهران هم در حال کشاورزی هستم. وضعمان در آنجا خوب است. من نه مافیای اقتصادی هستم و نه ثروتمند. هرچه هم داشته باشم برای خودم نگه نخواهم داشت، چون آدم کارآفرینی هستم. آدمی هستم که توانستم ۱۰ سال بزرگترین بنگاه اقتصادی مملکت را اداره کنم و از آنجا سرسوزنی به خودم نچسبید. من خودم می‌توانم پول در بیاورم، اما معتقد نیستم وقتی آدم پول درمی‌آورد آن پول مال خودش می‌شود. این بنیاد را که درست کردم، کلی مصرف‌کننده دارد و ربطی به خانواده من هم ندارد. خودم تشخیص می‌دهم برای چه کسانی چه کارهایی انجام دهم.» و در باره بنیاد نور می‌افزاید: «این بنیاد تعاون نور را که می‌بینید، تاسیس کردم و با آنچه داشتم رفتم کارخانه دارویی را از بورس خریدم، آن هم با سیستم حساب شده‌ای که بتوانم امروز به این گونه حرف‌ها پاسخ دهم. یعنی کارخانه داروسازی لقمان را در بورس می‌فروختند، من هم به آنجا آدم فرستادم که آن را بخرند. با ۴۰ درصد بیش از آخرین قیمتی که مشتری پیدا کرده بود، خریدم.» به زبان ساده یعنی جاسوس در بین گردانندگان بورس، با «سیستم حساب شده‌ای که بتواند امروز ... پاسخ گوید»

و «... که تا آن سال ضررده بود، از سال اول سودده شد و از محل سودش اقساطش را پرداخت کردیم. بعد هم تصمیم گرفتیم یک کارخانه

^{۹۲}(<http://jamejamonline.ir/online/670465138692181248>)

دارویی جدید بسازیم... کارخانه لقمان را فروختم و یک کارخانه ایجاد کردم که هنوز هم کار ساختش تمام نشده است... الان من در حال درست کردن یک کارخانه دارویی دیگر هستم که همه‌اش مال شخص خودم هم نیست. ۱۱ درصد آن مال کارخانه لقمان است که الان در اختیار موسسه اقتصادی دیگری است، ۱۴ درصدش خصوصی است و ۷۵ درصد هم برای بنیاد تعاون نور است که در این بنیاد وقف است.

پس از این کار شروع به کارهای ساختمانی کردم. «

رفیقدوست پس از جابجایی از بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۶۸ شخصاً بنیاد نور را برپا کرد. بنیاد نور هم به تولید دارو می‌پردازد و هم ساختمان سازی و بساز و بفروش. رفیقدوست را «لقب جیب طلا داده‌اند». «بنیاد نور» در همراهی با «بنیاد خیریه گل یاس»، در تجاوز به دختران بی‌پناه، آورده به «خانه های امن» حکومت اسلامی در کرج همدست بود.^(۹۳)

بنیاد خصوصی نور حامی مالی تشکیلاتی «موسسه خیریه گل یاس» نماینده ولی فقیه در آن حجت‌الاسلام هادی منتظری مقدم نامیده می‌شد و در پی فرار یکی از دختران از «خانه هدایت» کرج-خانه «امن»-

تجاوزگران حکومت اسلامی این جنایت رسانه‌ای گردید.^(۹۴) رفیقدوست همچنان با درجه سرتیپی عضو سپاه پاسداران می‌باشد و

هنوز عضو هیئت امنای بنیاد مستضعفان است.^(۹۵) بازوی نظامی ماندگاری حکومت اسلامی و تثبیت آن در روزهای نخست، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود که سران آن از سازمان

۹۳

(<http://iran-tejarat.com/News/Cat11/News20268.html>)

۹۴

(روزنامه ایران، ۱۹ آذر ۱۳۸۱.

۹۵) (شهروند امروز، ۶ بهمن ۱۳۸۶.

مجاهدین خلق ایران جدا شده و به خمینیسم پیوند خورده بودند. محمد غرضی یکی از بنیانگزاران سازمان مجاهدین خلق و از مهمترین مهره سازمانده انشعاب از این سازمان و بنیانگزار کمیته‌ها بود.

مجاهدین انقلاب اسلامی، از اتحاد هفت گروه سیاسی چند نفره بودند که با ادعای مبارزه مسلحانه علیه شاه محفل‌های ابتدایی را تشکیل داده بودند. گروه **امت واحده**، گروه **توحیدی بدر**، گروه **توحیدی صف**، گروه **فلاح**، گروه **فلق**، گروه **منصورون**، گروه **موحدین**، محفل‌ها ۷ گانه این نیروی مسلح و کشتارگر به ویژه در نیمه نخست دهه ۶۰ بودند.

نخستین شورای هماهنگی سازمان با عضویت محمد سلامتی و صادق نوروزی (از امت واحده)، مرتضی الویری (فلاح)، محمد بروجردی (صف)، محمود بخشنده (موحدین)، محمدباقر نوالقدر و محسن تحویل‌زاده، تشکیل شد. از اعضای کلیدی دیگر این سازمان از آغاز می‌توان سعید جاریان، بهزاد نبوی، محسن آرمین، مصطفی تاج‌زاده، محسن رضایی (سبزوار)، فیض‌الله عرب سرخی، مجتبی شاکری، محسن مخملباف، حسین فدایی و حسن واعظی و لطف‌الله میثمی را نام برد. مجاهدین انقلاب در سرکوب نیروهای انقلابی و ملت‌های زیر ستم در کردستان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و گنبد و ترکمن صحرا و آذربایجان نقش اصلی داشتند. به گونه‌ای که محسن رضایی در کشتار و به خاک و خون کشاندن شوراهای انقلابی خلق ترکمن و ربودن چهار تن از رهبران شوراها (مختوم، جرجانی، واحدی، توماج) با فرمان حاکم شرع و جلال صادق خلخالی، نقش فرماندهی داشت. پاسداران جمهوری اسلامی در ۱۸ بهمن سال ۱۳۵۸ چهار تن از رهبران خلق ترکمن را شبانه ربودند و پس از شکنجه‌های مرگ آور در ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ تیرباران کردند و پیکرهایشان را در ۱۲۵ کیلومتری جاده بجنورد، زیر پل رها کردند. رضایی در دوران جنگ کردستان فرمانده سپاه پاسداران در غرب کشور و محمد بروجردی فرمانده ارتش در غرب کشور علی صیاد شیرازی هر دو از اعضای این سازمان بودند.

این بازوی نظامی و جنایت‌کار در سال ۱۳۶۵ پس از تصمیم آیت‌الله خمینی مبنی بر عدم حضور نماینده‌اش در سازمان منحل شد. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ترکیبی از باند «خط ۳» حکومتی و نیز موتلفه و حزب‌الله به رهبری ابوشریف ووو را نمایندگی می‌کرد، باید منحل و نفرات آن در دیگر نهادهای امنیتی و سرکوب، گماشته می‌شدند. نقش یکی از مهره‌های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نمادی است از دیگر اعضا این باند جنایت‌کار.

سید محمد غرضی

سید محمد غرضی (زاده‌ی ۱۳۲۰ در اصفهان) مهندس برق از دانشکده فنی دانشگاه تهران و برخوردار از بورس شاهنشاهی برای کارشناسی در انگلستان) است. وی در سال ۵۰ همراه نخستین رهبران و بنیانگذاران مجاهد در زندان و در کنار مسعود رجبی و محمد حنیف نژاد تنها کسی است که در پیشگاه شاه به عجز و لایه می‌افتد. وی به همراه ۶۸ تن از بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران محاکمه نظامی تنها به یک سال زندان محکوم شد. بنا به نوشته تقی شهرام، غرضی تنها فردی از آن جمع بود که در دادگاه ابراز ندامت کرد و توبه‌نامه نوشت و تواب و رهایی می‌یابد تا سال ۵۷ پاسدار خمینی شود.^(۹۶)

سید محمد غرضی از جمله بنیانگذاران سپاه و یکی از اعضا گروه ۴ نفره فرماندهی آن می‌شود. اصغر صباغیان و ناصر آلاپوش در باغ شاه زیر سرپرستی حجت‌الاسلام لاهوتی همراه با علی دانش منفرد، محمد توسلی، محسن سازگارا، تهرانچی، محسن رفیق‌دوست، علی‌محمد بشارتی، علی فرزین، سنجقی و محمودزاده گروه فرماندهی اولیه سپاه پاسداران را برپا کردند. دکتر چمران و دکتر ابراهیم یزدی در این سازماندهی نقش

^{۹۶}(<https://www.radiofarda.com/a/f2-iran-election-candidates-mohammad-gharazi-who-he-is-taleghani/۲۵۰۰۹۱۷۲.html>)

داشتند و غرضی با هردو رابطه داشت. پیشنهادیه رابط با یزدی و چمران به همکاری اینان در سوریه و حزب امل باز می‌گردد. امل که بعدها حزب‌الله لبنان از آن پایه گرفت و امروزه بازوی مسلح حکومت اسلامی ایران در خاور میانه است، پیش از آنکه با اسرائیل سرستیز داشته باشد علیه جنبش فلسطین و به ویژه الفتح مبارزه می‌کرد. غرضی به همراه محسن رفیق‌دوست و مرضیه دباغ به قم رفتند و نظر خمینی در انتقال سپاه از دولت موقت به زیرمجموعه شورای انقلاب را جلب کردند.

از این برهه به بعد، با فرماندهی جواد منصوری، غرضی فرماندهی عملیات سپاه را به عهده گرفت. وی از جمله پاسدارانی بود که سپاه را با حزب جمهوری اسلامی همراه ساخت. در سال ۵۸ به سرپرستی هاشمی رفسنجانی که بر وزارت کشور نشسته بود، وی به جای تیمسار شاهنشاهی احمد مدنی وابسته به جبهه ملی، به استانداری خوزستان گسیل می‌شود تا جنبش کارگری و شوراهای نفتگران و کارگران پروژه‌های و بیکاران و فعالین سازمانهای سیاسی چپ و سوسیالیست را سرکوب کند. غرضی سال ۱۳۶۰ به پاداش این جنایت‌ها در راس وزارت نفت نشانیده می‌شود. و از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ وزارت پست و تلگراف و تلفن را به دست می‌گیرد و در آنجاست که به یک غول مالی و در شبکه فساد تبدیل می‌شود. نماینده اولین دوره مجلس شورای اسلامی از اصفهان، وزیر نفت در دولت مهدوی کنی و میر حسین موسوی و وزیر پست و تلگراف و تلفن، در دولت دوم موسوی و دولت اکبر هاشمی رفسنجانی و شورای اسلامی شهر تهران پست‌های این برهه‌ی اوست و همزمان از زمان برپایی «سازمان نظام مهندسی» تا سال ۱۳۸۹، در پنج دوره سه‌ساله، ریاست این بنگاه حکومتی را به پیش می‌برد. مهندسی تمامی ساختمان‌های دولتی در انحصار سید محمد غرضی می‌باشند. غرضی بارها هوس ریاست جمهور شدن در سر داشت و بارها در انتخابات شرکت کرد و از سوی رقبا به جوکر انتخاباتی تبدیل شد و سرانجام در آخرین تلاش در سال ۹۶ از سوی شورای نگهبان بی‌صلاحیت تشخیص داده شد. وی اکنون برخوردار از میلیاردها دلار

دارایی ربوده شده و فساد آلود، و سرمایه‌گذار مدیر شرکت مشاور (مشاور نیرو)، بزرگترین شرکت مشاور وزارت نیرو، و نظارت بر مهندسی تهران است که با سردار پاسدار قالیباف شهردار پیشین تهران، نیز رقابت در اختلاس داشت.

غرضی، دو ماه پس از به قدرت رسیدن خمینیسف، در نقش رئیس کمیته فرمان ربایش و سر به نیست کردن مجتبی طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی را کارگزاری کرد. رفیق مجتبی طالقانی در سال ۵۰ به سازمان مجاهدین پیوسته بود و در انشعاب سال ۱۳۵۴ به بخش انشعابی آن پیوست و به همراه تقی شهرام، سازمان سپسین پیکار را پایه ریزی کرده بود. غرضی در دستگیری مجتبی، همسر وی و ابوالحسن، فرزندان آیت‌الله طالقانی، را در اواخر فروردین ۱۳۵۸ را که از دیدار هانی الحسن نماینده جنبش فلسطین در تهران باز می‌گشتند فرمانده بود. او به همراه آلاپوش که به همراه بخشی از حزب الهی‌های سازمان مجاهدین به خمینی پیوسته بود و اصغر صباغیان تنها قصد ربایش و سر به نیست کردن مجتبی را داشتند به ناچار هر سه را ربودند. یکی از برادران طالقانی به نام محمدرضا طالقانی پس از ۲۴ ساعت در کمیته سعادت آباد، خودرو برادران خود را می‌شناسد و نقش غرضی در این ربایش آشکار می‌شود. آیت‌الله طالقانی که در این برهه با خمینی و ولایت فقیه وی سرناسازگاری داشت و اما در نقش امام جمعه به دریافت خود از «شورا» این ساختار را بازدارنده قدر قدرتی خمینیسف می‌دانست، غرضی را بازداشت کرد. با میانجی‌گری احمد خمینی آنگاه که در پشتیبانی از طالقانی بیم اعتراض می‌رفت همزمان گروگان‌های کمیته اسلامی آزاد و غرضی رها شد. طالقانی همراه خانواده به عنوان اعتراض تهران را به سوی شمال تهران و نماز جمعه و حکومت را ترک کرد و چند روزی پنهانی زیستند. خمینی در همان روزها بود که گفت «من اگر احمد را بازداشت کنند، هیچ حرفی نمی‌زنم». همایش سراسری خمینی را نگران کرده بود. وی احمد خمینی را روانه شمال کرد و با عجز و لابه طالقانی‌ها را بازگرداند. آیت‌الله طالقانی

پس از بازگشت نیز در سخنرانی در مدرسه فیضیه اعلام کرد: «ربودن فرزندان من در روز روشن آن هم پس از ملاقاتی که با نماینده فلسطین داشتند از طرف من نگرانی‌آور بود و احساس کردم همان کبریت‌هایی که در سندانج منشاء اشتعال شد و در گنبد، از اینجا شروع شده. برای این که مسئله به صورت تفاهم و دقت و بدون احساسات بررسی شود از جانب دولت، مراجع، شورای انقلابی کمیته‌ها، من صلاح در این دیدم که چند روزی تهران را ترک کنم و دفترها بسته باشد...»^(۹۷)

علی محمد بشارتی، مسئول وقت اطلاعات سپاه، بعدها گفت که دستور بازداشت مجتبی طالقانی را وی صادر کرده است.

علی ربیعی، محمد شریعتمداری

دو وزیر امنیتی با حضوری ۴۰ ساله

علی ربیعی، پیش از انقلاب، تکنسین کارخانه‌ی ارج، در تهران، از سال ۵۷ تا ۱۳۶۰ مسئول شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی و چماقدار حزب‌اللهی در کارخانه‌ی ارج، پاسدار می‌شود، بازجو و شکنجه‌گری از همین برهه آغاز می‌کند. همزمان در اشغال خانه کارگر به فرمان بهشتی رهبر حزب جمهوری اسلامی از نماز جمعه تا خانه کارگر سردرسته اشغال خونین خانه کارگر است. وی در برپایی شورای اسلامی مرکزی خانه کارگر شرکت دارد و همزمان زیر نام «بازجو عباد» بازجوی کارگران و سوسیالیست‌ها در کمیته‌ها و زندان‌هاست. در دهه ۶۰ «نماینده کارگران» و عضو شورای عالی کار بود. ربیعی مسئول شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی در دهه شصت و عضو شورای مرکزی خانه‌ی کارگر از آغاز تا امروز می‌باشد. از ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۴ مسئول اجرایی و مسئول کمیته تبلیغات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی است که حسن

ماجرای-سفر-اعتراضی-/-۹۷۰۱۲۶۰۹۱۰۲ (https://www.isna.ir/news/۹۷۰۱۲۶۰۹۱۰۲) ^{۹۷}
آیت-الله-طالقانی-پس-از-انقلاب

روحانی ریاست آن را به عهده داشت (روحانی سرهنگ - ملایی است که اینک در پست ریاست جمهوری گماره شده است) ربیعی در سال ۱۳۸۸ از اعضای اصلی ستاد میرحسین موسوی می‌شود و در پناه رفسنجانی، معترض به نتایج انتخابات که به زودی واپس می‌نشیند. بازجو عباد، در کنار حسن روحانی هنگامیکه دبیر شورای عالی امنیت ملی در دوره ۲۳ ساله بود و رسیدن به پست ریاست جمهوری وی، مسئول اجرایی دبیرخانه و ریاست کمیته سیاست‌گذاری تبلیغات و کمیته امنیت داخلی شورای عالی امنیت ملی بود. از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۲ در دوره خونبار وزارت محمد ری شهری و علی فلاحیان، معاون حقوقی و پارلمانی وزارت اطلاعات است، ۶۵ ماه فرماندهی سرکوب در کردستان (جبهه‌های غرب) به فرمان خمینی و خامنه‌ای را به عهده دارد. با آغاز «ریاست جمهوری» خاتمی، از ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مشاور اجتماعی سید محمد خاتمی در دو دوره ریاست خاتمی «تدارکات چی» بود.

دکتر می‌گیرد و به پست استاد دانشگاه‌های تهران و پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و اقتصادی نشانیده می‌شود و با جابجایی احمدی نژاد و آوردن دولت «تدبیر و امید» حکومتی، علی ربیعی به مدت پنج سال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌شود تا مستقیم به مهار طبقه کارگر و به فلاکت نشانیدن طبقه و خانواده‌های کارگران، با شماری افزون بر ۴۰ میلیونی باشد. سرانجام در اوج‌گیری بحران سیاسی و مشروعیت حکومتی، این مهره جنایتکار و موثر در سرکوب و مهار جنبش کارگری در ۱۷ مرداد ۱۳۹۷ در مجلس شورای اسلامی استیضاح و جا به جا می‌شود با مهره دیگری به نام محمد شریعتمداری که درست همانند خود وی اطلاعاتی است و از مشاورین خامنه‌ای مهار جنبش کارگری و سرکوب را به پیش برد. محمد شریعتمداری فوراً باید از وزراتی که تازه به ریاست آن نشانیده شده بود، استعفا دهد و به جای ربیعی بنشیند.

محمد شریعتمداری وزیر کار و رفاه و امور اجتماعی سرمایه پدر بزرگ پدری‌اش آیت‌الله شیخ جلال‌الدین شریعتمداری و مادرش نیز نوه حجت‌الاسلام حاج شیخ محمود عطار بود. همین شجره کافی است تا از ماهیت وی پی برده شود. خود از پیشینه ضدمردمی‌اش می‌گوید: در سن ۱۶-۱۵ با دوستانش دوره‌هم جمع می‌شدند و "دعای فرج" می‌خواندند و یک معلم مذهبی نیز به آنها مفاهیمی "ضد بهائیت" درس می‌داد. همسرش از کارگزاران دستگاه سرکوب به ویژه زنان آموزگار، دانش‌آموزان دختر و کارمندان زن در آموزش و پرورش در بالاترین پست این ارگان حکومت اسلامی پاسدار و مهره‌ی امنیتی است.

محمد شریعتمداری از سال ۵۷ تا ۸۲ به شدت در دستگیری کشتارهای وزارت اطلاعات نقش اساسی دارد به گونه‌ای که از او به‌سان «امنیتی‌ترین مدیران اصلاح‌طلب» نام می‌برند. در ۱۸ سالگی در کمیته استقبال از آیت‌الله خمینی در دبیرستان علوی تهران پادو می‌شود و به زودی به "کمیته مرکزی انقلاب" راه می‌یابد. این کمیته به کمیته کشتار حکومت اسلامی شناخته می‌شود. زیر‌عبای برادران آیت‌الله باقری‌کنی و آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی قرار می‌گیرد. سال ۱۳۶۰ در تشکیل پایه‌های آغازین وزارت اطلاعات با سعید حجاریان، کنی‌ها، خسرو تهرانی‌ها، محسن سازگارا و.... در ساختمان نخست وزیری کارگزار نخست وزیری محمدعلی رجایی است. این پست در آن زمان دفتر امور انقلاب در "اطلاعات نخست‌وزیری، معجونی از همه این فعالیت‌ها بود». دستیار ری شهری جنایتکار در پست وزارت اطلاعات می‌شود و می‌گوید «ری شهری استاد من است» ری شهری که پیش از حضور در وزارت اطلاعات، "حاکم شرع دادگاه‌های ارتش" بود، همراه با گروهی ۴۰ نفره (از جمله سعید حجاریان، محمد شریعتمداری، علی فلاحیان، خسرو تهرانی، احمد پورنجاتی و علی ربیعی) هسته اصلی "وزارت اطلاعات" را تشکیل داد.

نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه‌ای در اقتصاد ایران

شریعتمداری می‌گوید که ری‌شهری برای این جوانان انقلابی،
"اخلاق اطلاعاتی" تدریس می‌کرد.



از راست: سعید حجاریان، محمد شریعتمداری، خسرو تهرانی، نورالدین
شریعتمداری، رحیم عابدان‌زاده، محمدرضا مهدوی کنی - بهار ۱۳۶۶

وی سال‌ها در جنایت‌های امنیتی در دهه‌ی شصت که رقم‌کشتار این
دهه را افزون به صدهزار گزارش داده‌اند نقش فرماندهی و کارگزاری
داشته است. شریعتمداری در کنار حجاریان‌ها و محسن سازگارها اساسنامه
و «قوانین مربوط به وزارت اطلاعات» را تدوین می‌کند. و نیز لایحه
تشکیل وزارت اطلاعات که به وسیله‌ی دست میرحسین موسوی، نخست
وزیر وقت به مجلس شورای اسلامی ارائه و شهریور ۱۳۶۲ تصویب

می‌شود. در سال ۱۳۶۳ همراه «ری‌شهری» به «اطلاعات» رفت. او که در کمیته مرکزی سپاه در تهران به گفته خویش درس آموخته بود، آنگاه که «هم لیست حقوق می‌نوشت؛ هم در واحد عملیات حضور داشت و با ماشین‌های گشت به عملیات می‌رفت». در آن سال‌ها «یک سری مشاغل مرتبط به هم بودند» که «جرم» هم محسوب نمی‌شوند و «من به آنها افتخار می‌کنم چرا که خدمت به مردم بوده است».

او در سال ۱۳۷۰ به فرمان علی خامنه‌ای کارگزار وی در نگهبانی اموال ربوده شده از جامعه و سرازیر شده در بانک‌ها و شرکت‌های بیت رهبری، عضو هیأت امنای «اموال در اختیار ولی فقیه» می‌شود. او نگهداری اموال به سرقت برده شده را از دیر زمان آموزش دید بود. محمد شریعتمداری در زمان وزارت ری‌شهری، مسوولیت «معاونت اقتصادی وزارت اطلاعات» را عهده‌دار شد. این اما تنها حکم ری‌شهری برای شریعتمداری نبود. وی هم‌اکنون نیز «عضو هیات امنا» و «نماینده تام‌الاختیار ری‌شهری در آستان حضرت عبدالعظیم حسنی» [شاه عبدالعظیم در شهر ری] است.

این امامزاده سرمایه‌دار و استثمرگر در جنوب شهر تهران، پس از آستان قدس بخشی از امپراتوری مالی و اقتصادی باند خامنه‌ای را تشکیل می‌دهد که تنها به در اینجا به بخشی از آن اشاره می‌شود. شاه عبدالعظیم در شهر ری، یکی از بزرگترین امپراتوری‌های مالی در جمهوری اسلامی است زیر نام و مدیریت «فواد ری».

بر اساس گزارشی در اردیبهشت ۱۳۹۲، «گروه سرمایه‌گذاری ری»، به نام «حرم عبدالعظیم حسنی» است که محمد ری‌شهری به فرمان خامنه‌ای به سمت تولیت آن نشانیده می‌شود.

کمپانی مالی «حرم شاه عبدالعظیم» به وسیله گروه «ری» در شاخه‌های گوناگون اقتصادی در شمار نفت و گاز، صادرات و واردات، کشاورزی، صنایع غذایی، پتروشیمی، بیمه، حمل و نقل و... به سوداگری و سرقت می‌پردازد و برخی چهره‌های سابق امنیتی و مدیران نزدیک به

خامنه‌ای و نماینده او محمد ری‌شهری، به همراه محمد شریعتمداری رهبری آن را عهده دار هستند. شریعتمداری مسئول "ستاد اجرایی فرمان امام" و از سال ۱۳۷۰ در «بعثه رهبر جمهوری اسلامی»، به عنوان "نماینده ویژه سرپرست حجاج"، مسئولیت بازرسی و نظارت ویژه بر فعالیت‌های «سازمان حج و زیارت» را داراست. در این برهه، وی از گرایش به باند دوم خردادی‌ها و از خاتمیسم دم می‌زند.

با روی کار آمدن احمدی نژاد، در سال ۱۳۸۴ با فرمان علی خامنه‌ای در "شورای راهبردی روابط خارجی"، نشانیده می‌شود و همزمان "مشاور بیت رهبری" برگزیده می‌شود تا امور امپوراتوری مالی باند بیت رهبری به پیش برد. خود می‌گوید: «از روزهای آغازین رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افتخار خدمت در دفتر معظم‌له را یافته و از سال ۱۳۶۹ به امر و نظر مقام معظم رهبری مامور تأسیس و تشکیل "معاونت نظارت و حسابرسی دفتر" شدم و تا مهر ۱۳۷۶ در این سمت فعالیت کرده‌ام.»

در سال ۱۳۶۸ در دولت نخست اکبر هاشمی رفسنجانی، "قائم مقام وزیر بازرگانی" می‌شود و پس از وی؛ به پاس پاسداری وی در کشتارها، در دو دولت سید محمد خاتمی فریبکار، هشت سال به پست "وزارت بازرگانی" نشانیده می‌شود. و با روی کار آمدن حسن روحانی بار دیگر "معاون اجرایی رییس جمهوری اسلامی" می‌شود. او بار دیگر در دولت دوم روحانی و با رأی ۲۴۱ عضو مجلس شورای اسلامی، «وزیر صنعت، معدن و تجارت» شد.

از آنجا که جایگاه خویش در این سیستم فساد و کشتار و جنایت، و امدار ری‌شهری می‌داند وی خود را "مرید" این جنایتکار اکنون در پست مشاورت خامنه‌ای نشسته می‌داند: «من در خیلی از زمینه‌ها خود را مدیون آموزش‌های آیت‌الله ری‌شهری می‌دانم و این شاگردی مایه افتخار بنده است.»

در مهر ۹۷، از تریبون مجلس، شریعتمداری را به دلیل «عدم کنترل و مدیریت بازار و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و احتکار کالا، عدم مدیریت صحیح بر تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی، عدم پیشگیری از گران‌فروشی محصول واحدهای صنعتی بزرگ که به نوعی وابسته به دولت هستند، عدم انجام کامل وظایف قانونی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، وجود فساد و رانت در واردات خودرو و ثبت سفارش برای دریافت ارز و عدم نظارت بر صنایع خودروسازی کشور که سبب گران‌فروشی، احتکار خودرو و به هم ریختگی بازار شده و...» با استناد اصل ۸۹ قانون اساسی و ماده ۲۲۲ استیضاح کردند.

۲۸ مهر ۱۳۹۷ به‌طور ناگهانی پس از ۴۲۶ روز فعالیت از سمت وزارت صنعت، معدن و تجارت استعفا داد. ولی فردای روز استعفا به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس برده شد تا از سوی حسن روحانی برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی شود رهبر حکومت، از پیش این حکم حکومتی را فرمان داده بود.

شریعتمداری، از بستگان حجت‌السلام حسینی بوده که سپس با ازدواج حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و فرمانده سابق نیروی مقاومت بسیج با دختر حجت‌السلام حسینی با وی نیز خویشاوند می‌شود و با مجتبی خامنه‌ای که فرماندهی طائب است بیش از پیش مورد توجه خامنه‌ای و نیز سازمان اطلاعات سپاه نیز قرار می‌گیرد.

شریعتمداری در باره نقش خود و عملکرد وزارت اطلاعات در سالهای خونین حکومت اسلامی کوچکترین نکته‌ای به زبان نمی‌آورد تا هنگامی که مرگ مانند خلخالی و گیلانی و حسین لاجوردی‌ها رازهای جنایت‌ها را با خود به گور ببرند. وی در این باره می‌گوید: «ما موظفیم که تشکیلات وزارت اطلاعات را در هیچ دوره‌ای لو ندهیم و جزو تعهداتمان است و طبیعی است که من درباره این چیزها صحبت نکنم» ولی اکنون از نقش حجاریان و مادرشاهی و دیگران می‌گوید. وی از ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ (در این ایام مسئول امنیتی شورای انقلاب و فرمانده

اطلاعات کمیته‌های انقلاب اسلامی بوده است) در دولت‌های محمدعلی رجایی / محمدجواد باهنر / دولت موقت و اضطراری محمدرضا مهدوی کنی: ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ تا ۱۷ مهر ۱۳۶۰ (جانشین معاون امور انقلاب نخست‌وزیری بودند و همچنین عضو کمیته تأسیس وزارت اطلاعات در نخست‌وزیری) است و در دولت میرحسین موسوی / سید علی خامنه‌ای: ۱۷ مهر ۱۳۶۰ تا ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ شریعتمداری از معاونان وزارت اطلاعات بوده است. در دو دوره‌ی دولت اکبر هاشمی رفسنجانی: ۱۲ مرداد ۱۳۶۸ تا ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ شریعتمداری، از سوی هاشمی رفسنجانی مسئولیت یاری و تقویت رهبری جدید را به عهده دارد کار ساخت بیت رهبری، عضویت در هیات امنای «ستاد اجرای فرمان امام» و سپس ریاست آن، معاون نظارت و حسابرسی دفتر رهبری و نماینده و بازرس ویژه خامنه‌ای در کاروان‌های حج در «بعثه مقام معظم رهبری» از دیگر سمت‌های وی بوده‌اند.

در دوره‌ی دولت سید محمد خاتمی: ۱۲ مرداد ۱۳۷۶ تا ۱۲ مرداد ۱۳۸۴ به مدت ۸ سال وزیر بازرگانی بوده است. در دو دوره‌ی دولت محمود احمدی‌نژاد: ۱۲ مرداد ۱۳۸۴ تا ۱۲ مرداد ۱۳۹۲ مشاور عالی رئیس‌جمهور و نیز رئیس کمیسیون اقتصادی شورای راهبردی روابط خارجی بوده است.

در دولت حسن روحانی: ۱۲ مرداد ۱۳۹۲ تا ۹۶ ماه معاون اجرایی رئیس‌جمهور و از ۹۶ تا ۲۸ مهر ماه ۹۷ و وزیر صنعت، معدن و تجارت بوده و از این ماه به بعد به وزارت کار و رفاه و امور اجتماعی نشانیده می‌شود.

این موجود هزار پیشه‌ی جنایت و فریب، در ۵۷ سالگی فصل مشترک اصلاح‌طلبان با بیت رهبری و امنیتی‌ترین بخش‌های نظام جمهوری اسلامی؛ با رازهای فراوانی در سینه از سوداگری برای امپراتوری خامنه‌ای و "تجارت و بازرگانی" گرفته تا کشتارهای دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ تا اکنون در "وزارت اطلاعات" برای مهار و سرکوب جنبش کارگری

ماموریت یافته است. کافی است به کارنامه وی از تریبون مجلس اسلامی سرمایه هنگام نشان دادن کارت زرد به وی برای فاصله گیری از باند اصلاح‌طلبان اشاره شود:

در مهر ۹۷، از تریبون مجلس، شریعتمداری را به دلیل «عدم کنترل و مدیریت بازار و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و احتکار کالا، عدم مدیریت صحیح بر تأمین مواد اولیه واحدهای تولیدی، عدم پیشگیری از گران‌فروشی محصول واحدهای صنعتی بزرگ که به نوعی وابسته به دولت هستند، عدم انجام کامل وظایف قانونی در مبارزه با قاچاق کالا و ارز، وجود فساد و رانت در واردات خودرو و ثبت سفارش برای دریافت ارز و عدم نظارت بر صنایع خودروسازی کشور که سبب گران‌فروشی، احتکار خودرو و به هم ریختگی بازار شده و...» با استناد اصل ۸۹ قانون اساسی و ماده ۲۲۲ استیضاح کردند.

۲۸ مهر ۱۳۹۷ به‌طور ناگهانی پس از ۴۲۶ روز فعالیت از سمت وزارت صنعت، معدن و تجارت استعفا داد. ولی فردای روز استعفا به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مجلس برده شد تا از سوی حسن روحانی برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی شود رهبر حکومت، از پیش این حکم حکومتی را فرمان داده بود.

اشاره به دو زندگی‌نامه اشباع از خون و جنایت دو مهره اطلاعاتی، امنیتی، پاسدار، و حلقه پیوندی بین دویباند حکومتی «اصلاح‌طلب- بیت رهبری از آن زاویه ضرورت یافت تا به نقش و پتانسیل طبقه کارگر و جنبش کارگری و حساسیت حکومت اسلامی و هراس باندهای حاکم از موقعیت بحرانی و برآمد طبقه کارگر نشان دهیم.

حسین هدایتی دولابی

حسین هدایتی در سال ۱۳۴۲ از محله‌ی دروازه دولاب تهران است. ۱۸ سالگی پاسدار می‌شود و عضو ناحیه‌ی مقاومت مالک اشتر بود در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله. سپس، امور پرسنلی سپاه پاسداران ناحیه ۱۰ تهران به او سپرده شد. پدرش کارگاه کوچکی داشت به نام استیل آذین که میله پرده می‌ساخت. به خرید و فروش زمین پرداخت و دلال شد و با برخورداری از وام‌ها و رانت، به یک سرمایه‌دار تبدیل شد. بخشی از دارایی‌های این سرپاسدار آدمکش اینگونه گزارش شده است:

استیل آذین

کشت و صنعت خلیج نای بند

مدیا گستر رونا

شرکت سرمایه گذاری اتحاد شکوفای ایرانیان سهامی خاص

شرکت توسعه صنعت خاور آذین

شرکت کشت و صنعت خلیج نابین

شرکت صنایع گالوانیزه فجر سپاهان

موسسه خیریه رهروان حضرت زهرا ی اطهر

شرکت تولیدی صنعتی افروز آذین تجارت سهامی خاص

شرکت سرمایه گذاری توسعه صنعت خاورساز

شرکت صنایع غذایی کرانه جنوب البرز

شرکت فرآورده‌های لبنی گیلان شیر

این پاسدار، به همراه شرکای خود، سرمایه‌های کلانی در کشورهای حاشیه خلیج فارس انتقال داده و به سوداگری برون مرزی نیز چنگ افکنده. بزرگترین شرکت پرورش میگوی ایران نیز در تصاحب اوست. سهام بازار میل ایران، یکی از بزرگترین سهامداران بانک خصوصی تات و سرمایه‌گذار هتل ۲۳ طبقه‌ی سیروس، هتل ۵۲۰ میلیون دلاری

جزیره‌ی کیش را در مالکیت دارد. وی روابط ویژه‌ای هم با وزارت صنعت، معدن و تجارت دارد.

یکی از مجوزهای فریبکارانه هدایتی، پرداختن به برگزاری‌های مراسم مذهبی، سینه زنی، مدیحه سرایی و امور «خیریه» است. لمپن مداحانی مانند منصور ارضی و سعید حدادیان از مداحان بیت رهبری، در خانه وی به مداحی می‌آیند و پاسداران و بسیجیان با برس و سینه زدن خود عربده می‌کشند. «هدایتی مدتی رئیس هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس بود. وی در سال ۸۶ با همکاری حاج علی پروین، امتیاز باشگاه اکباتان را برای استیل‌آدین به ۸۰۰ میلیون تومان از غلامرضا رهنما مالک این تیم که در امارات اقامت داشت خریداری کرد. سپس با سپردن مدیریت این تیم به سردار پاسدار مصطفی آجورلو و مسئول تربیت سپاه پاسداران و دستیاری ناصر شهبواری کوشید به پشتوانه سپاه و باندهای حاکم به فرمانروایی خود ادامه دهد. هدایتی می‌گوید در زمان مدیریت آجورلو در استیل‌آدین ۱۵ میلیارد تومان هزینه کرده است و یک رقم ۵ میلیارد و نیم به پرسپولیس نیز کمک کرده است.»^(۹۸)

علی انصاری

علی انصاری که از کمیته‌های کشتار آغاز کرد و یکی از سران سپاه و امنیتی‌ها شد و به ثروتی کهکشانی دست یافت. وی در مورد چگونگی دست یابی به این ثروت نجومی می‌گوید: «پس از پایان جنگ تحمیلی، در واقع نظام جمهوری اسلامی با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی در قوانین بالادستی و مهم تر از آن ایجاد امنیت و فرصت رقابت، فضا را برای بخش غیردولتی فراهم کرد. به نوعی، هویت جدیدی به بخش غیردولتی داد، عده‌ای استفاده کردند و عده‌ای هم سوءاستفاده. منظورم از

از (۲۹) <http://pezhvakeiran.com/maghaleh-۰۸۰۹۶.htm> (۹۸)
نوشتارهای تحقیقی ایرج مصداقی

استفاده، مجموعه اقداماتی است که موجب اشتغال و رونق و رشد اقتصادی در کلان جامعه شد و منظورم از سوءاستفاده نیز ثروت اندوزی و بردن سرمایه به خارج از کشور و مسایلی از این قبیل است. ما به نوعی تلاش کردیم در احترام به نظام که برآمده از خون‌های پاک شهیدان است، از مناطق محروم و حتی از لایه‌های پایین شروع کنیم، در واقع یعنی یافت‌آباد و ایجاد یک مرکز مدرن توزیعی را در یک صنف و صنعت آمیخته با تاریخ و هنر ایرانی و البته مورد نیاز خانوارهای ایرانی یعنی میلمان آغاز کردیم که خوشبختانه با اقبال عمومی و صنفی مواجه شد.»^{۹۹}

انصاری با بساز بفروشی و دلالی در بازار آهن و سپس بازار میل ثروتمند شد و سپس در دوران دولت احمدی نژاد به یک سرمایه‌دار حکومتی تبدیل شد.^{۱۰۰} علی انصاری اهل تات قزوین همراه با ۶ برادر و یک خواهر، فرزندان حاج انصاری مسجدبان، مساجد بیت رهبری نظام هستند. حاج آقا انصاری در سالهای پایانی دهه ۶۰ شمسی با خرید و فروش آهن قراضه، در شاه‌آباد منطقه ۱۸ که به «بازار آزاد» معروف است پاساژ ساخت؛ سپس با قدرتی خانوادگی که در کمیته داشتند به کمک شهرداری، زمینی در منطقه ۱۷ با اعتبار بانکی و بدون پرداخت پول گرفت و بازار میل شماره یک یافت‌آباد را ساختند. «حاج آقا انصاری» به یاری «حاج آقا تقوی» مسئول «امور مساجد بیت رهبری» به مافیای خامنه‌ای پیوست و دستیار امور مساجد بیت علی خامنه‌ای شد. وی بازار موبایل ایران را در دست دارد. علی انصاری نخستین مجوز بانک خصوصی را از دولت محمود احمدی نژاد دریافت کرد. بانک مرکزی زیر فشار سپاه و باند احمدی نژاد این مجوز را صادر کرده بود. وی به جای واریز کردن ۲۰۰ میلیارد تومان پول نقد به بانک مرکزی برای سرمایه بانک خصوصی خود،

^{۹۹}(<http://www.n-javan.com/index.php/component/content/article/۱۷-۱۳۹۰-۰۰۸-۲۵-۲۱-۴۳-۴۲/۲۵۸-۱۳۹۱-۰۲-۰۳-۲۰-۳۰-۵۳.html>

^{۱۰۰}(<http://www.parvaresheafkar.com/biography/ali-ansari-bank-tat>

تنها ۲۰ میلیارد تومان واريز كرد. اين پول نه از سرمايه خود انصاری، بلکه از سوی شماری از باشگاههای ورزشی به فرمان علی آبادی، رئیس وقت سازمان تربیت بدنی و آخرین سرپرست وزارت نفت و همچنین گروه سایپا که زیر فرمان اسفندیار رحیم مشایی قرار داشت، پرداخته می‌شد و بقیه سرمایه به جای پرداخت نقد بنا به مقررات بانکی، با وثیقه گذاری اسناد ملکی انجام شد. انصاری برخلاف مقررات بانکی که هر شخص تنها می‌تواند ده درصد سهام را دارا باشد، بانک تات را در تاریخ ۸/۸/۸۸ گشود. پیش‌تر بخش عمده‌ی سهام بانک سرمایه را از شهرداری خریده بود.^(۱۰۱) علی انصاری از جمله یکی از بزرگترین پروژه خاورمیانه، به نام «البرز تات» در غربی‌ترین نقطه تهران با زیربنای یک میلیون و هفتصد هزار متر مربع برپا کرده است. علی انصاری سپس با سپاه پاسداران شریک شد و بانک «تات» را در یک بنگاه مالی و اعتباری وابسته به سپاه پاسداران ادغام کرد. در پی ربایش‌ها و فساد کلان، خامنه‌ای تنها حکم داد «تات» با چند بنگاه مالی دیگر ادغام شود و بانک جدیدی بنام بانک «آینده» برپا گردد. بانکی که ۵۱ درصد آن سهم علی انصاری است بانک «آینده» نتیجه این ادغام بود. آشنایی با معاون وزیر صنایع و معادن در دولت نهم به رهبری احمدی نژاد، انصاری را قدرت بیشتری داد. راز این اوج‌گیری از زبان خود وی:

«... در دنیای امروز، نمی‌توان بدون تبلیغات تجارت کرد. ما کار تبلیغی هم می‌کردیم. یعنی در مقطعی از یکی از بزرگ‌ترین تیم‌های فوتبال مملکت برای تبلیغ ایده و محصول مان استفاده کردیم. این ماجرا باب دوستی و برخی همکاری‌ها را گشود.»^(۱۰۲) وی با حضور در هیات

^{۱۰۱} (<http://www.taamolnews.ir/fa/news/۵۴۴۹>)

^{۱۰۲} ([http://www.n-](http://www.n-javan.com/index.php/component/content/article/۱۷-۱۳۹۰-۰۸-)

[javan.com/index.php/component/content/article/۱۷-۱۳۹۰-۰۸-۲۵-۲۱-۴۳-۴۲/۲۵۸-۱۳۹۱-۰۲-۰۳-۲۰-۳۰-۵۳.html](http://www.n-javan.com/index.php/component/content/article/۱۷-۱۳۹۰-۰۸-۲۵-۲۱-۴۳-۴۲/۲۵۸-۱۳۹۱-۰۲-۰۳-۲۰-۳۰-۵۳.html)

مدیره باشگاه استقلال در دوران واعظ آشتیانی تبدیل به چهره خبرساز شد و مشکلات مالی این باشگاه را برای مدتی حل و فصل کرد. او در دوران ریاست واعظ آشتیانی در فدراسیون دوچرخه سواری، معاون وی بود و سپس جای او را گرفت. انصاری به عنوان عضو هیئت مدیره باشگاه استقلال، با اهدای یک مغازه در بازار موبایل تهران، مجتبی جباری مهره‌ی اصلی استقلال را در این تیم نگاهداشت. و البته حضور جباری در مغازه‌اش در پاساژ انصاری به معروفیت این پاساژ هم کمک شایانی کرد.

جهان نیوز در گزارشی علی انصاری را یکی از بدهکاران بزرگ نظام بانکی کشور خواند که به پشتوانه باند حکومتی سپاه رانت‌خواری می‌کرد. در پی آمد ستیز باندها، با جابجایی محمود احمدی نژاد از پست ریاست جمهوری، دارای پرونده شد و نام وی در پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و یکی از بزرگترین بدهکاران بانکی، آشکار شد. او با برخورداری از پشتیبانی موتلفه و بیت رهبری و برخی از سران سپاه، و مداحان مشهور تهران، همانند حسین هدایتی از تعرض گرگ‌های رقیب در امان مانده است. انصاری در این باره می‌گوید: «... در دنیای امروز، نمی‌توان بدون تبلیغات تجارت کرد. ما کار تبلیغی هم می‌کردیم. یعنی در مقطعی از یکی از بزرگ ترین تیم های فوتبال مملکت برای تبلیغ ایده و محصولمان استفاده کردیم. این ماجرا باب دوستی و برخی همکاری‌ها را گشود.»^{۱۰۳} انصاری، در بخش ورزش، در فدراسیون دوچرخه سواری، معاون رئیس فدراسیون شد و سپس به ریاست رسید. چندی در هیات مدیره باشگاه استقلال در دوران واعظ آشتیانی نقش ریاست را در باشگاه استقلال در کنار دیگر سرپاسداران بازی می‌کرد.

^{۱۰۳}(<http://www.n-javan.com/index.php/component/content/article/۱۷-۱۳۹۰-۰۰۸-۲۰-۲۱-۴۳-۴۲/۲۵۸-۱۳۹۱-۰۲-۰۳-۲۰-۳۰-۵۳.html>)

محمدرضا زنوزی مطلق

یکی دیگر از مهره‌های حکومتی است که از وی به‌سان یکی از کلان سرمایه‌داران و نیز یکی از بدهکاران بزرگ بانکی نام برده می‌شود. وی در پیوند با برخی مهره‌های محلی حکومتی در آذربایجان و رابطه با نمایندگان مجلس حکومتی از تبریز، و با برخورداری از پشتیبانی احمدی‌نژاد و دستیارانش از جمله عناصر فاسدی همانند رضا رحمانی رئیس کمیسیون صنایع مجلس و سردار محمدحسین فرهنگی نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و عضو هیأت رئیسه مجلس و با همکاری و پشتیبانی استاندار تبریز سردار احمدعلیرضا بیگی، فرمانده سابق نیروی انتظامی اصفهان و آذربایجان شرقی به یک سرمایه‌ای کهکشانی دست یابد.

وی که یک سوله ۵۰۰ متری سیمان و شرکت حمل و نقل سیمان آغاز کرده بود با شرکت سیمان صوفیان تبریز همکاری داشت، با برخورداری از مشاوره و رانت‌های یک مجری مشهور صدا و سیما وارد بازار بورس، فولاد، خودرو و معدن کشور شد. به زودی نام وی در میان ۱۰ کلان سرمایه‌دار ایران که ۳۴ و ۳۰ درصد سهام دو بانک سامان و گردشگری را در اختیار دارد قرار گرفت. در ستیز باندها، چنگ‌های رقیب برای دریدن وی گشوده شد، که در خرداد ۱۳۹۰ به بازداشت وی انجامید، اما پس از واگذاری سهام خود در بانک گردشگری و پنج کارخانه فولاد و تعداد دیگری از املاک خود، با قید وثیقه ۵۰۰ میلیارد تومانی پس از چند هفته بازداشت آزاد شد. وی در گفت‌وگو با هفته‌نامه پنجره اعلام کرد که ۱۳۸۰ میلیارد تومان از بدهی خود به نظام بانکی را پرداخت کرده، اما از بدهی ۱۲ هزار میلیارد تومانی او به نظام بانکی کشور خبر دادند. زنوزی سهامدار، مدیر و مالک ده‌ها شرکت تولیدی، خدماتی، بانکی و ورزشی در ایران است. وی دارای ثروتی بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان است.

شماری از شرکت‌های زنوزی:

مؤسسه فرهنگی ورزشی گسترش فولاد تبریز

بانک سامان
هوایمایی آتا
کارخانه بنیان دیزل تبریز
گروه صنعتی ایران خودروی تبریز
شرکت سرمایه‌گذاری گسترش فولاد تبریز
مجتمع فولاد عجب شیر
مجتمع فولاد بناب
گروه صنعتی درپاد تبریز
گروه کارخانجات یاقوت صنعت تبریز
کارخانجات گروه صنعتی درپاد تبریز
گروه صنعتی توانگران سهند
گروه صنعتی الماس تبریز
مرکز آموزش سرمایه‌گذاری فولادگستر کوثر
گروه سرمایه‌گذاری دریک ...

زنوزی در دولت احمدی‌نژاد مجوز شرکت هوایمایی آتا ایرلاین را دریافت کرد. این شرکت، به زودی به آستان قدس رضوی واگذار شد تا سهم امام را پرداخت کرده و دارایی‌های بی‌کران خود را بیمه کند. حمید بهبهانی وزیر پیشین راه و ترابری دولت احمدی‌نژاد گفته بود که مجوز «آتا ایرلاین» را توسط دلالی آیت‌الله محسن مجتهد شبستری نماینده تبریز در مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه این شهر به زنوزی داده است. با سفر احمدی‌نژاد به استان آذربایجان شرقی در برهه‌ی ریاست جمهوری، عکسی از انصاری به همراه احمدی‌نژاد در خودروی ویژه تشریفات منتشر شد و سپس اسناد دستور ویژه رئیس دولت برای پرداخت تسهیلات و فروش فولاد با ارزش کمتر از قیمت بازار به زنوزی به رسانه‌ها راه یافت. (۱۰۴)

^{۱۰۴} (<http://www.taamolnews.ir/fa/news/۵۳۰۳>)

وی مالک تیم گسترش فولاد تبریز است که در سال ۱۳۸۷ برپا شده است. گسترش فولاد یکی از پرامکانات‌ترین باشگاه‌های فوتبال ایران به حساب می‌آید که علاوه بر داشتن استادیوم اختصاصی از چند زمین چمن نیز بهره می‌برد. این باشگاه در سال ۱۳۸۸ امتیاز تیم نیروی زمینی تهران را که دچار مشکلات مالی شده بود خریداری کرد. زنوزی مطلق رییس هیأت بدمینتون آذربایجان شرقی نیز می‌باشد. همانگونه که اشاره شد، این تنها بخشی از عرضه‌های اقتصادی و مالی در مالکیت سپاه و باند بیت رهبری است که در این مجال می‌توانست به نگارش آید. شهرام جزایری نمونه‌ای از این بسیجیان اقتصادی است:

شهرام جزایری

شهرام جزایری عرب (زاده ۲۰ آبان ۱۳۵۱ تهران) تاجر و دلال شبکه فساد حکومتی در ایران است که در سال ۱۳۸۱ در سن ۲۹ سالگی نامش همراه با یکی از بزرگترین پرونده فساد اقتصادی ایران آشکار شد. او همانند برخی دلالان و ابسته به بیت رهبری و سپاه، همانند بز قربانی باید بازداشت می‌شد. پرداخت‌های کلان وی به خامنه‌ای و برخی از آیت‌الله‌ها و سران رژیم آشکار شده بود. فرار وی به دبی بی نتیجه ماند، حکومت دبی وی را در داد و ستدی سیاسی - اقتصادی تحویل داد. سرانجام، شهرام جزایری به اتهام اخلال در نظام اقتصادی و اتهامات معمولی ناشی از عبور از آب و کارت سربازی به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. در آغاز نامی از پرداخت‌های میلیاردی وی به آیت‌الله خامنه‌ای و دیگران به میان نیامد. خامنه‌ای به وسیله چشم و گوش‌های امنیتی خویش دریافته بود که پیش دستی کرده و با هوچی‌گری یکی از دریافت‌های خویش از جزایری را آشکار کرد. جزایری چکی به مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان را زیر عنوان «وجوه شرعیه» به بیت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرستد.

از جمله اتهامات شهرام جزایری، برپایی بیش از «۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، کسب اعتبار موهوم از طریق مانورهای متقلبانه، برداشت ۳۸ میلیارد و ۱۰ میلیون ریال به دفعات مختلف و پرداخت آن به اشخاص به عنوان رشوه، جعل اسناد اعلام کرد. تبنانی در معاملات دولتی، اغوای مسوولان بانکها، تسهیل و دریافت ارز، عدم به‌کارگیری تسهیلات در امر صادرات و واردات و ایجاد رکود در امر صادرات و واردات، تهیه پیمان نامه‌های غیرقانونی و اخذ مقادیر قابل توجهی از این طریق» اعلام شد.

شهرام جزایری ۱۲۰۰ جلسه محاکمه و بیش از حدود ۱۸۰ هزار برگه بازجویی با بیش از ۵۴ قاضی را گذرانید. سرانجام از «اتهامات فساد اقتصادی» و خسارت به اموال عمومی و نیز پرداخت اموال اصلی و سود بانکی تبرئه شد. وی تشویق شد که ۱۰۷ میلیون دلار کالا به خارج از ایران صادر کرده و با بازگشت و «تسویه زودتر از موعد مقرر ۹۱ میلیون دلار ارز صادراتی، ارز تشویقی ناشی از جایزه خوش‌حسابی از شبکه بانکی کشور دریافت کرده‌است.» با این همه باید ۱۳ سال در زندان می‌ماند تا موضع پرداخت‌ها به خامنه‌ای و دیگر سران حکومتی فراموش می‌شد.

شهرام جزایری، ۱۱ در مهر ۱۳۹۴ فعالیت‌های اقتصادی از جمله تلاش برای برپایی «بانک بین‌المللی شهرام» را در پیش گرفت. شرکت‌ها و دفترهای وی در امارات عربی به ویژه تمرکز داشت.

باندهای رقیب در کمین برای مصادره تمامی اموال بودند. او راه فرار را مخفی شدن میان بار کامیون‌های باری و خروج پنهانی از مرز بازرگان بود. شهرام جزایری در تاریخ ششم مرداد ماه سال ۱۳۹۷ در مرز بازرگان در بازرسی گمرکی بارها شناسایی و بازداشت شد. شهرام جزایری به همراه فرد دیگری در یک کانتینر عدس پنهان شده بودند و خود را دو تبعه افغانستانی به نیروهای گمرک معرفی کردند. این روایت دولتی بود و وکیل جزایری آن را انکار کرد.

نقش سپاه و باند رهبری در دانشگاه‌ها به ویژه در دانشگاه آزاد، در آموزش و پرورش و در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و دهمداری‌ها، در بسیاری از وزارتخانه‌ها امروزه بیانگر آن است که سپاه و باند بیت رهبری و روحانیت، دولت‌هایی در دولت رسمی برپا کرده‌اند. ستیز درونی جناح‌باندهای حکومتی در ایران، در درازای ۴۰ سال، به ویژه پس از مرگ خمینی، با شدت و روندی اوج یابنده، با پرسش هژمونی و چیرگی بر اقتصاد و قدرت سیاسی بیان می‌شود ستیز باندها در سال ۸۸ به بهانه انتخابات ریاست جمهوری و پیدایش مجالی برای خیزش توده‌ای سال ۸۸ و ۸۹ برآمد اوج ستیز جناح بانده به ویژه باندهای نظامی سپاه تکیه داده به روسیه برای سلطه بود از سویی و در سوی دیگر باند پراگماتیست و به رهبری رفسنجانی و خاتمی و پروغربی‌های اسلامی بود. چنین فراگشتی نمی‌توانست مدینه محمد و اقتصاد عشیرتی و راهزنی و سهم سرقت و بیت‌المال را برقرار سازد.

باند سپاه می‌رود تا در شرایط حساس خود حکومتی همانند کره شمالی برپا سازد. تلاش سپاه برای دستیابی به سلاح و انرژی هسته در سودای چنین حاکمیتی و تضمین مالکیت و فرمانروایی در مناسبات اقتصادی و قدرت سیای آن است. ستیز جناح‌باندهای سه‌گانه در حکومت اسلامی را نیز باید از همین دیدگاه مورد ارزیابی قرار گیرد. قدرت اقتصادی و به پیرو به ضرورت آن قدرت سیاسی، کانون درگیری باندهای حاکم در این حاکمیت است و کانون اتحادهای موردی آنها نیز. حل تناقض‌های حکومتی در ایران، تنها با حل حکومت تناقض‌ها رقم می‌خورد. در آخرین ویرایش این نوشتار روز ۱۸ آبان‌ماه ۹۷ (۹ نوامبر ۲۰۱۸) آخرین جمع‌بندی سخنرانی نماینده ولی فقیه آیت‌الله سیداحمد علم الهدی در مشهد، زیر عنوان «شیطان‌شناسی» در ستیز با دولت میان‌باز روحانی، و فرافکنی بحران سیاسی و اقتصادی که یک اعتراف است بدون نیاز به هیچ سخنی نگارنده این نوشتار را از جمع‌بندی شرایط بحران همه جانبه اقتصادی-سیاسی حاکم و شرایط حاکمیت این بحران رکود، بی

نیاز ساخت. علم‌الهدی نماینده ولی فقیه و دومین فرد قدرتمند در کنار ولی فقیه در جمعه سپاه حکومتی در تریبون نماز جمعه‌ی مشهد، اعتراف کرد: اینکه امروز ۴۰ سال شما مردم در برابر استکبار جهانی مقاومت می‌کنید، به این خاطر است که ما شیعه علی(ع) هستیم و سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) بر سر ماست.»

او روی به بسیجیان و پاسداران و آدمکشان و گردآمده در پیرامون خود داشت، و مردمی در میان نبود اعتراف کرد تا فرافکنی کند و برای تیرئهی ولی خویش غنوده در دخمه‌ی رهبری، باند رقیب به ویژه دولت میانه باز و مردم و برخی وزرا را عامل این فروپاشی بشناساند. و ناشیانه این آیت‌الله، همه را «به این خاطر [دانست] که علی(ع) ... و سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) [که] بر سر ماست

»تورم که در اثر رکود به‌وجود آمده، اقتصاد را به‌صورت یک ویرانه درآورده است، بازار تنظیم نیست و هر جنسی را به‌هر قیمتی به مردم می‌فروشند.» و «این به این خاطر است که ما شیعه علی(ع) هستیم و سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) بر سر ماست.»

«در وزارت راه، مسکن و شهرسازی می‌بینیم که مسکن مهر را تعطیل کردید و گفتید مسکن اجتماعی می‌سازید، همان را هم انجام ندادید، مردم بی‌خانه دارند زیر بار این اجاره‌های سنگین مسکن جان می‌دهند.» و «این به این خاطر است که ما شیعه علی(ع) هستیم و سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) بر سر ماست.»

«در بحث جاده‌سازی، به گفته فرمانده قرارگاه سازندگی، ۲۵۰ کیلومتر راه آماده برای قیر ریزی معطل و تعطیل شده است و مردم در این جاده‌های انحرافی مجبورند تردد کنند و دچار تصادف شوند.» و این به برکت همان است که: «سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) بر سر ماست.» و «در این مملکت هر فردی بخواهد هر جنسی را به هر قیمتی بفروشد، کسی مقابل او نمی‌ایستد، بازار تنظیم نیست. تولیدات

کارخانجات ساقط شده و یکی پس از دیگری تعطیل و کارگران بیکار می‌شوند. در توسعه معدن نیز نه تنها معدن توسعه پیدا نکرده بلکه به خام‌فروشی مبدل شده و ثروتی بادآورده در دست عده‌ای معدن‌خوار به عنوان مستاجر و سرمایه‌داران زالوصفت افتاده و مسئله معدن ما به این روز مبتلا شده است.» و «در توسعه خطوط ریلی قطار برقی مشهد حتی خشت اولش هم زده نشده و خط ریلی شمال کشور چند سال است که به‌تعویق افتاده است، گفت: وضعیت ناوگان هوایی نیز با این قیمت‌های سرسام‌آور بلیط، بی‌نظم و نابه‌سامان است، این ناوگان فقط باعث پرکردن جیب شرکت‌های بی‌رحم شده است.» و «وزارت اقتصاد و دارایی ... در سال جاری ۲,۵ میلیون ایرانی به زیارت اربعین رفتند و می‌گویند برای کاهش ارزش پول ملی شرمنده بودیم. تورم کشور که در اثر رکود به‌وجود آمده، اقتصاد را به‌صورت یک ویرانه درآورده است.» و «در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز مشکلاتی وجود دارد. وضع کارگران ما که بیکار شده‌اند و بدون رزق و روزی باقی مانده‌اند. کارگران معادن سرخس و آزادشهر به این وضعیت مبتلا هستند که در سخت‌ترین وضع در حال زندگی بوده و حقوق روزمره آن‌ها پرداخت نمی‌شود. این وضعیت وزارت کار ما است. مهم‌ترین هلدینگ اقتصادی کشور، شستا در اختیار آن‌ها بوده اما ساماندهی و شفاف‌سازی نشده است. آیت‌الله علم‌الهدی افزود: مهم‌ترین هلدینگ اقتصادی شستا در اختیار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که نه ساماندهی شده و نه شفاف‌سازی می‌شود.» و سه وزیر عوض شده و کابینه تغییر کرده است ولی مطالبات مردم سرجایش است، تورم ۴۰ درصدی، اقتصاد را به صورت ویرانه تبدیل کرده است | مردم نماینده‌ای را فرستادند که درشان را نمی‌داند. (۱۰)

^{۱۰} (<https://jsnews.ir>)

و علم‌الهدی همه را مقاومت ۴۰ ساله در برابر استکبار جهانی خواند و «به این خاطر است که ما شیعه علی(ع) هستیم و سایه پسر علی(ع) یعنی علی ابن موسی الرضا(ع) بر سر ماست.»

جزایری‌ها، فاضل‌خدادادها، رفیق‌دوست‌ها، خاوری‌ها، ناصر طبسی‌ها، مه‌آفرید امیرخسروی، جمشید بسم‌الله، سلطان سکه، دکل نفتی گمشده، سلطان شکر، گروه امیر منصور آریا، شبکه‌ی مالی ثامن‌الحجج، مؤسسات پولی و اعتباری سپاه، سکه ثامن تنها پاره‌ای از نام‌های شبکه‌های ویرانگر و فساد حکومت اسلامی هستند که اقتصاد انگلی و دلالی سرمایه در ایران را ساختار می‌دهند. اینان محصولات نظام و مناسباتی‌اند باندهای حکومت اسلامی را از همان آغاز دست یابی به قدرت سیاسی در سال ۵۷ که از ایدئولوژی صدر اسلام و راهزنی ایدئولوژی می‌گیرند و تولید می‌شوند بر بستری که جز جنایت و فساد نمی‌آفرینند.

ریخته‌گران‌ها

بهروز و فیروز و شهرام، ریخته‌گران سرمایه‌داران بزرگ به همراه پدر خویش، عباس ریخته‌گران دارایی عظیم خود را در پیوند با بیت رهبری و دولت احمدی‌نژاد کهکشانی ساختند. عباس ریخته‌گران با برپایی تولید و فروش آشپزخانه‌های صنعتی و فروش آنها برای استفاده در جبهه‌های جنگ، به حاکمیت باندها نزدیک شد و به موهبت الهی جنگ سرمایه‌داری اسلامی شد. «بنیاد خیریه امام حسن مجتبی در اصفهان» مسجدسازی و تعمیر و گسترش امامزاده‌ها، از هرگونه موهبت حکومتی، از درآمد و سرقت بهره مند شدند و رهبر برای عروسی یکی از پسران عباس ریخته‌گران گلی متبرک شده از بیت‌رهبری فرستاد. عباس ریخته‌گران سرمست از سود و رانت و انباشت از استثمار می‌گفت:

«من تمام اعتبار کاری خودم را گذاشتم تا با کمک خانواده بزرگ ذوب‌آهن و مسئولان استان اصفهان ذوب آهنی ایجاد کنیم که با میتال و تاتال و امثال آن رقابت کنیم نه با خریداران فعلی ذوب آهن و امثال آن

چراکه معتقدم اگر میتال از یک کارخانه کوچک فولادسازی توانست یکی از بزرگترین هلدینگ‌های تولید فولاد جهان را ایجاد کند قطعاً یک فرد مسلمان و شیعه بهتر از او خواهد توانست چنین کند.»^(۱۰۶)

این «شیعیان معتقد» برای اجرای طرح ساخت و نصب ضریح و آئینه کاری سقف و گنبد و سنگ فرش محوطه حرم و محوطه سازی امامزاده احمد بن محسن بن زین العابدین واقع در روستای خفر نطنز، یک میلیارد تومان کمک کردند. تا دهها برابر اجازه سرقت یابند. به همین هدف یک دهم این رقم نزدیک به ۱۱۰ میلیون تومان را به نام باشگاه فولاد ماهان سپاهان زلزله زدهگان آذربایجان شرقی کمک کردند زیرا هر چند هستی زلزله زدگان زیر آوار بود و خود در سرما و بی سرپناه، اما این بخشش‌های تبلیغاتی به شرکت‌هایشان رونق می‌بخشید.

بهر روز ریخته‌گران در پی شراکت و رانت به بیت رهبری و سپاه، در سال ۱۳۸۱ گروه توسعه صنعتی ماهان سپاهان را به یک هلدینگ عظیم تبدیل کرد. این مجموعه‌ی تجاری تولیدی، دارای مجموعه‌هایی از جمله پتروشیمی اصفهان، فولاد ماهان سپاهان، توسعه برق صنعتی ماهان، باشگاه فرهنگی ورزشی فولاد ماهان سپاهان، صنایع بسته بندی پویا نگار، شرکت آرد شیراز، شرکت دادلی، صنایع خودروسازی ماهور اسپادانا، بازرگانی فیروز صفا سپاهان، شرکت فرو گاز اصفهان، پتروشیمی بیستون، شرکت شایان اسپادانا و مجموعه‌هایی دیگر است. سه سال بعد در آذر ماه سال ۱۳۸۴ «بهر روز ریخته‌گران اصفهانی» شرکت دادلی و آرد شیراز را خریداری کرد. پس از بازسازی کارخانه آرد در اواخر سال ۸۶ به تولید رسید و در سال ۸۹ خط بیسکویت و پاپ‌کورن ریخته‌گران به بهره برداری رسید.

^{۱۰۶}(

آبان ماه سال ۸۹، بلوک ۳۴ درصدی شرکت پتروشیمی اصفهان توسط خودروسازی مهور اسپادانا که با تبلیغاتی دروغین قرار بود وانت و کامیون و ... تولید کند و به ارزش تقریبی ۶۲ میلیارد تومان و به صورت ۳۰ درصد نقد و باقی اقساط خریداری کردند. این درحالی است که ریخته‌گران بلوک ۶۸ درصدی پتروشیمی بیستون وابسته به صنایع ملی پتروشیمی را در ۲۲ خرداد ۸۹ به ارزش ۸۸,۲ میلیارد تومان با برخورداری از قدرت باند رهبری و سپاه از راه فرابورس به چنگ آورده بودند.

ریخته‌گران‌ها، شرکت خودروسازی مهور اسپادانا برای مونتاژ سالانه ۷۵۰۰ دستگاه از انواع خودروهای وانت، کامیون و کامیونت، با شبیور تبلیغ کردند. بی آنکه تولیدی صورت گیرد. این یک تبلیغ مافیایی بود تا به سرقت و کلاهبرداری‌های کلان بپردازند.

سال ۱۳۸۹ شرکت صنایع بسته‌بندی پویانگار، اولین مجتمع تولید ظروف فلزی صنعتی و غذایی در استان اصفهان به گروه صنعتی ماهان پیوست. و در همین سال، شرکت برج سازان شایان اسپادانا با سرمایه ۱۰ میلیارد ریال و با موضوع طراحی، نظارت و اجرای تمامی پروژه‌های پیمانکاری اعم از ابنیه و ساختمان سازی، تاسیسات شهری، راه سازی، احداث پل و تونل، سدسازی، خطوط انتقال نیرو، فرودگاه سازی و ساخت پالایشگاه و تمامی خدمات مدیریت صنعتی و فنی و هر گونه فعالیت «مجاز» مربوط به بهینه سازی سوخت و ممیزی انرژی و «توسعه صنعتی و اقتصادی» برپا شد. رستوران «لوشاتو» را در خیابان دربند تهران به‌سان یکی از گران‌ترین رستوران‌های ایران با منوی غذایی فرانسوی به پشتوانه درخت سیب نوفل لوشاتو که خمینیسم را به ایران پرواز داد، برند ریخته‌گران را رونق بیشتری بخشید.

شرکت بازرگانی «فیروز صفا اصفهان» از دیگر زیرمجموعه‌های گروه صنعتی ماهان به واردات و صادرات انواع کالاها به دیگر مجموعه‌های برادران ریخته‌گران افزود. توسعه صنعتی در ایران تنها یک

تابلو بود وبس. برادران ریخته‌گران در تجارت بخش فولاد و آهن تمامی مجتمع‌های فولاد ایران را ورشکسته ساختند.

آنان به خرید شرکت بورسی «لاستیک دنا» دست زدند تا تولید را به همراه لاستیک‌ها خودرو وارداتی به بهای گرانتری به فروش رسانند. و با سرمایه‌داران و دولت چین شریک شدند تا نیروگاه بسازند.

به زودی در ۴ تیر ماه ۹۱ برادران ریخته‌گران پتروشیمی اصفهان را به تعطیلی کشاندند. تعطیلی پتروشیمی اصفهان را بدهی سنگین ۲۳۰ میلیارد تومانی به پالایشگاه اصفهان اعلام کردند و اما گزارش مالی و حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای سال مالی ۹۰ نشان می‌داد ریخته‌گران سهامدار عمده پتروشیمی، دو شرکت «دبی نت لینک» و «فونیکس» در امارات متحده عربی را با فروش و صادرات محصولات پتروشیمی به ارزش نزدیک به ۱۷۰ میلیارد تومان کرده‌اند. با این حساب، بدهی شرکت تنها ۶۰ میلیارد تومان بود، اما ۱۷۰ میلیارد تومان هیچگاه به ایران بازنگشت و در امارت سرمایه‌گذاری شده بود. مشخص شد که پتروشیمی اصفهان نزدیک به ۷۶ میلیارد تومان به شرکت یک میلیارد تومانی برج سازان اسپادانا پرداخته بود که هیچ‌گونه خوانایی با پتروشیمی نداشت (۱۰۷). این مبلغ بازگردانده نشد و بین ریخته‌گران و شرکا سپاهی و رهبری آنها تقسیم شد.

ریخته‌گران‌ها تا پایان تیرماه ۹۱ افزون بر ۱۶ میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی، پس انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت بدهکار بودند. در این سال، سود و درآمد آنان افزایشی عظیم داشت. بنا به گزارش اعلام رسمی دکتر یآوری مدیر عامل پتروشیمی اصفهان سود این شرکت طی مدت یادشده ۹ برابر شده بود! گزار شد که پتروشیمی اصفهان کلاً به قیمت ۱۱۰ میلیارد تومان فروخته شد ولی برخی منابع غیررسمی سود تنها یکسال صادرات این مجتمع را رقمی حدود ۲۹۰ میلیارد تومان عنوان کرده اند!

^{۱۰۷}(<http://alef.ir/vdcommn7w49nii1.kok4.html?16060>)

در فروردین ماه سال ۱۳۸۶ «بهر روز ریخته گران» باشگاه فرهنگی ورزشی فولاد ماهان سپاهان را برپا کرد و برای هزینه‌های میلیاردی در فوتسال به «آبراموویچ صاحب باشگاه انگلیسی چلسی، مشهور شد. پس از قهرمانی فوتسال ماهان سپاهان، این باشگاه جشن بزرگی را در اصفهان برپا کرد و امیر ریخته‌گران چهره‌های مشهور سینمایی پیرامون بیت و دولت اسلامی از جمله جمشید مشایخی، ایرج نوذری، ابوالفضل پورعرب، پوریا پورسرخ و خوانندگان دنی همانند امیر تاجیک، خواجه نوری (فرزند ایرج) و علیرضا افتخاری آواز سردادند و هدایایی دریافت کردند.

همچنین محمدرضا ساکت، مدیرعامل باشگاه فولاد ماهان اعلام کرد: بر اساس تصمیم اعضای هیات مدیره و تاکید مهندس بهروز ریخته گران، رئیس هیات مدیره باشگاه فولاد ماهان از تمام مدال‌آوران المپیک لندن طی مراسمی باشکوه تحت عنوان "همایش سپاس" با اهدای خودروهای پژو پارس، پژو ۴۰۵ و خود روی تینیا تجلیل خواهد شد.^{۱۰۸} مرتضی طلایی نایب رئیس شورای شهر تهران و فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ و از نزدیکان قالیباف عضو هیئت مدیره و سخنگوی باشگاه فولاد ماهان سپاهان است. بهروز ریخته‌گران تلاش می‌کرد هر طور که شده راهی به لیگ برتر فوتبال ایران بیابد و با پرداخت ۱۵ میلیارد تومان مالک سپاهان اصفهان شود، با پرداخت ۸ و نیم میلیارد تومان فجر سپاسی شیراز را به چنگ آورد، تلاش زیادی برای خرید باشگاه ذوب آهن اصفهان کرد در پی خرید شاهین بوشهر، گهر درود و داماش گیلان و سپاهان نوین بود تا تبلیغی باشند برای شرکت‌ها و هدینگ‌های ریخته گران که باند بیت رهبری و سپاه را به پشتوانه داشتند.

برادران ریخته گران با پرداخت رشوه به مدیران «بانک شهر» به دریافت ضمانت‌نامه بانکی به ارزش میلیاردی رسیدند و با پرداخت این ضمانت‌نامه‌ها به جای پول، مالک ۴۰ درصد از سهام «بانک سرمایه»

^{۱۰۸} (<http://www.mehrnews.com/detail/News/۱۶۶۶۹۴۸>)

شدند. «بانک سرمایه» را مرتضی حاجی وزیر آموزش پرورش دولت خاتمی و رئیس «بنیاد باران» صاحب شده بود. همزمان سردار پاسدار قالیباف، خویشاوند خامنه‌ای و شهردار وقت تهران نیز، «بانک شهر» را تصاحب کرده بود که بین شهرداری و بانک مرکزی بده بستان می‌شد. قالیباف، از سوی شهرداری بخشی از سهام «بانک سرمایه» را به بهروز ریخته‌گران می‌سپرد تا میلگرد و آهن مورد نیاز شهرداری را تحویل دهد و قالیباف بتواند «بانک شهر» را تصاحب شود. این بده بستان‌ها با باندهای فاسد و خونخوار، برای ریخته‌گران‌ها گران تمام می‌شد. آنچنان گران، که به خاک سیاه و زندان کشیده شدند. بانک دی و بانک سرمایه در اختلاس از بنیاد شهید همدست بودند.

شهریور ۱۳۹۲ در جنگ قدرت بین باندهای رژیم، گلوی ریخته‌گران را فشرد. اطلاعات سپاه پاسداران اقدام به دستگیری برادران ریخته‌گران و یآوری مدیرعامل پتروشیمی اصفهان کرد. «یک منبع آگاه در گفت‌وگو با فارس، با بیان اینکه اخیراً دو مفسد بزرگ اقتصادی توسط دستگاه قضایی در اصفهان بازداشت شدند، اظهار کرد: دو تن از متهمان اصلی این پرونده درصدد فرار از کشور بودند و برخی از اعضای خانواده و همدستان خود را به همراه بسیاری از اسناد و مدارک مرتبط با فعالیت اقتصادی نامشروع‌شان، به یکی از کشورهای عربی منطقه منتقل کرده بودند.

وی افزود: این دو نفر که توسط یکی از دستگاه‌های امنیتی کشور به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور شناسایی و دستگیر شدند، در سالهای اخیر با ثبت ده‌ها شرکت کاغذی (paper company) و از طریق تباری و اعمال نفوذ و پرداخت میلیاردها تومان رشوه و دریافت غیرقانونی صدها میلیارد تومان تسهیلات بانکی، توانسته‌اند در مدت زمان کوتاهی صاحب ثروت نامشروع هنگفتی شوند... وی ادامه داد: یکی از دو برادر که درصدد فرار از کشور و مخفی نمودن اموال و دارائیهای خود بود، پیش از دستگیری، محلی را در اصفهان خریداری و بخشی از طلا و جواهرات خود را که از پول‌های نامشروع به دست آورده است، در حجم حدود ۱۰

چمدان بزرگ مسافرتی که قیمت محتویات آن ده‌ها میلیارد تومان تخمین زده می‌شود، به گاو صندوقی در همین محل منتقل نموده بود.

وی افزود: پس از دستگیری متهمان، این اموال نیز با حکم مرجع قضایی ضبط و پس از طی مراحل قانونی، در نهایت به بانک مرکزی مسترد شد. گفته می‌شود علاوه بر انواع طلاجات زینتی و شمش‌های طلا، سنگ‌های قیمتی متعددی نیز در بین اموال مکشوفه بوده که هنوز ارزش واقعی آنها مشخص نشده است.»^(۱۰۹)

محسنی اژه‌ای سخنگوی دستگاه قضایی حکومت اسلامی، حجم فساد در پرونده برادران ریخته‌گران را «بالا» ارزیابی کرد و افزود که هنوز کیفرخواستی صادر نشده و پرونده به دادگاه نرفته است.^(۱۱۰)

در ادامه تھی کردن خزاین ریخته‌گران‌ها از سوی باندهای رقیب، اعلام شد: «آنان با روش‌های متقلبانه و با تشکیل شرکت‌های مختلف در خارج از کشور محصولات این دو شرکت پتروشیمی را به شرکت‌های خود فروخته و منابع حاصل از آن را در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس و همچنین یک کشور اروپایی به نام خود و بستگان‌شان سرمایه‌گذاری کردند. در نهایت اقدامات این گروه منجر شد شرکت پتروشیمی اصفهان با بیش از یک هزار میلیارد تومان بدهی در خرداد ۹۲ به تعطیلی کشیده شود و این گروه ۴ □ □ میلیارد تومان نیز به پتروشیمی بیستون بدهکار شوند.

این پرونده آبان‌ماه سال ۹۵، با کیفرخواستی با ۱ □ عنوان اتهامی برای ۴۵ متهم، روانه دادگاه انقلاب شد. میزان مال مورد رسیدگی نیز آنگونه که از سوی دادستان تهران اعلام شده بود، یک هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بود که ۸۰۰ میلیارد آن در همان زمان رسیدگی مسترد شد.»^(۱۱۱)

^{۱۰۹} (

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۱۳۹۲۰۶۰۶۰۰۰۱۳۹>

^{۱۱۰} (<http://rajanews.com/Detail.asp?id=۱۷۱۰۳۳>

^{۱۱۱} (<https://shomanews.com/fa/news/۸۵۴۹۳۳/حکم-پرونده-برادران>

- ریخته‌گران

قویدل‌ها و مالباختگان

شهرام و بهرام برادران ۲۹ و ۲۷ ساله وابسته به بیت رهبری کارگزار بودند؛ مهره‌های اصلی در سرفرماندهی‌های سپاه و بیت رهبری به رهبری نشست‌ه‌اند. روزنامه بهار در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۹۲ در مورد این دو نوشت:

«پدرشان در یکی از نهادهای غیرنظارتی، رییس دفتر چهره مشهوری بود.» در سال ۸۶ این قویدل‌ها به پشتوانه احمدی نژاد و سهم امام، شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه ساختمان صدرا ابنیه افق را برپا کردند و با دریافت‌های کلان پس از پرداخت «سهم» سران سپاه، به پروژه‌های «مسکن مهر» وارد شدند. برادران قویدل همانند برادران ریخته‌گران، در مرداد ۸۹ با طرح «تعاون و تکریم برای اسقاط خودروهای فرسوده» سود آور دولت، همراه شدند و «شرکت سرمایه‌گذاری و تامین خودروی صدرا البرز» را برپا کردند. هدف فروش خودروهای جدید بود که باید با خودروهای کهنه مبادله می‌شد و برای تمامی عمر خریدار را بدهکار می‌ساخت. در مبادلات سراپا فساد حکومتی این یک دام بود و باید به دست مجریانی همانند قویدل‌ها و ریخته‌گران‌ها انجام می‌شد و سرمایه‌داران دلال حکومتی بی آنکه نامشان در میان باشد به واردات خودروها و یا فروش خودروهای مانده در انبارها ادامه می‌دادند/

«طرح فجر ۳۳» یک موهبت الهی را اعلام کرد، هنوز جنگ ۸ ساله و والفجرها در جبهه‌های داخلی جاری بود. شرکت «صدرا» از سوی معاونت «نوسازی ستاد حمل و نقل و مدیریت سوخت کشور» به عنوان تنها شرکت خصوصی این بخش معرفی و مورد حمایت این ستاد قرار گرفت.

عملکرد ستاد مدیریت حمل‌ونقل سوخت کشور به ریاست انوشیروان (محمد) رویانیان بود که سرکرده سپاه، پلیس ۱۱۰ و دیگر پست‌های نظامی و نیز مدیرعامل پرسپولیس بود.

رویانیان، در سال ۵۸ چماقداری بود که به کمیته سپاه شهرستان نور وارد شد و به آدمکشی سلاح بست. به زودی به فرماندهی این کمیته رسید. با ادغام کمیته و شهربانی در سال ۱۳۷۰ برای فرماندهی نیروی انتظامی نور و سپس فرماندهی نیروی انتظامی استان مازندران حکم گرفت. وی نخستین فرمانده پلیس تازه بنیاد ۱۱۰ بود و تا سال ۱۳۸۰ رییس مرکز فوریت‌های پلیسی نیز بوده است. سپس فرمانده پلیس راه شد و در سال ۱۳۸۴ رئیس راهنمایی و رانندگی کشور بود. رویانیان، از سال ۱۳۸۶ از در پیوند با رحیم‌شائی، با حکم محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت کشور گردید و همزمان مدیر عامل شرکت حمل و نقل ریلی کشور نیز بوده است. شرکت تعویض خودرو مافیای قویدل، با شرکتهای دیگری از جمله با شرکت ایران خودرو، بانک ملت و دفاتر پیشخوان خدمات دولت قرارداد داشت، با خوشبینی و اعتماد، بسیاری از مالباخته‌گان بعدی در طرح کلاهبرداری باندهای حکومتی مبنی بر تحویل خودروی فرسوده جهت دریافت خودروی جدید روی آوردند. برای فریب مشتریان، گروه صدرا وعده‌ی پرداخت وام ۱۴ درصد و باز پرداخت آن در مدت ۴۸ ماه و ۶۰ ماه، برای دریافت کنندگان خودروهای جدید را تبلیغ کرد. این نیز یک دام بود، نخست اینکه بهره وام صدرا، به جای ۱۴ درصد به ۲۲ درصد می‌رسید و خود رو تحویلی در صورت تحویل بین ۲ تا ۵ میلیون تومان گران‌تر تمام می‌شد.

«مسئولان بانک اعلام کردند که علاوه بر ۱۴ درصد بهره، ۳ درصد سهم شرکت صدرا ۳ درصد متعلق به ستاد حمل و نقل و مدیریت سوخت کشور و ۲ درصد نیز به عنوان کارمزد سهم بانک است می‌شود.»^(۱۱) همزمان علی فتح‌الله‌زاده، مدیرعامل استقلال که با رویانیان همیشه در باشگاه درگیری داشت از سوی رویانیان متهم بود که وی به‌دلیل سهم بودن

^{۱۱} (<http://safirnews.com/index.aspx/n/۴۷۳۳>)

در «شرکت صدرا خودرو» توانسته است اسپانسرهای گوناگونی از صنعت خودرو را برای پرسپولیس جذب کند. مدیرعامل استقلال مدعی شد که شرکت صدرا متعلق به برادر مدیرعامل پرسپولیس است و رویانیان از این راه قادر به جذب اسپانسرهای میلیاردی برای پرسپولیس شده است. شهرام و بهرام هرگونه ارتباط رسمی با باشگاه پرسپولیس را انکار می‌کردند در حالیکه به آشکارا آنها اسپانسر پرسپولیس و خریدار داماش گیلان بودند. روزنامه‌ی بهار در ۱۹ تیر ۱۳۹۲ در مورد این دو برادر و فعالیت‌های غیرقانونی‌شان نوشت: «از سال ۱۹۹۰ شرکت خودروسازی اپل در ایران نماینده رسمی ندارد ولی سال گذشته در یک جام ورزشی لوگوی این شرکت بر پیراهن‌های تیم پرسپولیس جا گرفت و باعث تعجب بسیاری شد پس از آن با تکذیب رسمی شرکت اپل مبنی بر این‌که در ایران نماینده ندارد و اسپانسر تیم پرسپولیس هم نیست بازهم نام یکی از شرکت‌های اقماری و البته غیررسمی واردات خودرو که زیر نظر مدیران شرکت صدرا یعنی همان شهرام و بهرام قویدل به نام شرکت بازرگانی دیانا که دفترش در خیابان افریقاست، به گوش رسید. پس از پیگیری‌های زیاد معلوم شد این شرکت با استفاده از رانت‌های دولتی و با پول‌های جمع شده از شرکت صدرا خودرو در حال واردات خودروهای اپل و دیگر خودروهای وارداتی توسط همین شرکت بوده است و همچنین خریداری کارخانه‌های بیشماری در گیلان و دیگر فعالیت‌ها و البته ساخت شهرک‌های ساحلی در شمال کشور و با رو شدن این موارد و البته پایان دولت دهم احتمال مصادره بسیاری از اموال و البته پیگیری جدی‌تر قضایی علیه این دو برادر می‌رود.»^(۱۱۳)

^{۱۱۳} (<http://baharnewspaper.com/News/۹۲/۰۴/۱۹/۱۴۶۵۴.html>)

برادران قویدل جواز خوروهای آیودی و اپل را نیز به دست آوردند و با قربانی شدن مه‌افرید خسروی و صاحب اموال باند «آریا» قویدل‌ها در سال ۱۳۹۱ تیم داماش گیلان را که در چنگ سران سپاه بود را خریدند. عابدینی، لمپن همیشه در صحنه از آریا تا قویدل‌ها مدیرعامل باشگاه داماش بود و پس از سرنگونی اربابان پیشین، با بد زبانی علیه رئیس خلع مالکیت شده، در خدمت صاحب بعدی در می‌آمد می‌گوید:

«آقایانی که به داماش آمدند تا مشکلات این تیم را حل کنند بیشتر به دنبال آن بودند که خودشان را مطرح کنند و بعد از انجام کار اقتصادی سوء استفاده اقتصادی بکنند. هر روز در مقابل در باشگاه با مردمی مواجه می‌شوم که از سراسر ایران آمده و ۱۷ میلیون تومانهای خود را می‌خواستند. این آقایان قرار بود به مردم با وام ۱۰ میلیون تومانی بانکی خودرو بدهند و بعد از مدتی نه تنها موفق به این کار نشدند بلکه پول مردم را نیز ندادند.

وی ادامه داد: متوجه شدیم که آنها در رشت هم می‌خواهند همین کار را انجام دهند و ۵۰ هزار ماشین می‌خواستند ثبت نام کنند که مسئولان استان به خصوص مسئولان نظارتی استان مانع این کار شدند. بنابراین وقتی نتوانستند ۷۵ میلیارد تومان از این راه کسب درآمد کنند سراغ چایکاران رفتند. قرارداد خرید چای سبز را منعقد کردند که در نهایت در آنجا هم به مشکل برخورد و نتوانستند پول چایکاران را بدهند.»^(۱۴)

به گزارش خبرنگار ورزشی خبرگزاری تسنیم، نزدیک ۴۰ نفر امروز رو به روی ساختمان شرکت صدرا تجمع کرده‌اند. دفتر شهرام قویدل، مالک باشگاه داماش گیلان و امیر عابدینی، مدیرعامل این باشگاه در ساختمان این شرکت قرار دارد.

^{۱۴}(<http://www.econews.ir/fa/news/۲۰۸۹۸۵>)

این تجمع‌کنندگان افرادی هستند که برای دریافت مطالبات خود از شرکت صدرا تجمع کرده‌اند. آنها می‌گویند از سال گذشته به این شرکت پول داده‌اند تا خودرو دریافت کنند اما هنوز نه خودرویی دریافت کرده‌اند و نه پولشان را داده‌اند. تعدادی از آنها می‌گویند که می‌خواهند به جای دریافت خودرو همان پولی که پرداخت کرده‌اند را دریافت کنند.

امیر عابدینی به عنوان مدیر عامل باشگاه داماش قصد ورود به شرکت را داشت اما این اجازه به او داده نشد و تمام درهای شرکت را بسته‌اند. عابدینی چند روزی است که با مالک باشگاه داماش به مشکل خورده و در حالی که قویدل می‌گوید او را برکنار کرده اما خود عابدینی معتقد است که رئیس هیات مدیره داماش نمی‌تواند او را برکنار کند. همچنین عده‌ای از ساکنان اطراف این شرکت با دیدن صحنه تجمع مردم از این موضوع تعجب کرده‌اند که چرا امروز کرکره‌های ساختمان را پایین کشیده‌اند و روزهای قبل این کار انجام نمی‌شده است. عابدینی در میان تجمع‌کنندگان گفت: تجمع فایده‌ای ندارد و باید برای دریافت مطالباتان شکایت کنید^(۱۰). مالک شرکت بهرام قویدل است و شهرام قویدل به جای برادرش امضا می‌کند

این هفته مجلس شورای اسلامی با نطق یکی از نمایندگان محترم در جریان پرونده کلاهبرداری شرکت تامین خودروی صدرا قرار گرفت و مقرر شد تا موضوع با تشکیل کارگروهی در دستور کار بررسی و رسیدگی قرار گیرد به گفته یک منبع آگاه جزییات این پرونده به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس راه یافته است...()

گروه صنعتی فولاد

گروه ملی صنعتی فولاد ایران با ۵۴ سال تاریخ، از تولیدکنندگان بزرگ تولیدات نورد است. مرکز این کارخانه ها در سال ۱۳۴۲ و در زمینی به مساحت ۲۵۰ هکتار در ۹ کیلومتری جاده اهواز- خرمشهر آماده شده اما «گروه ملی فولاد ایران» با تمامی کارخانه‌های زیر مجموعه آن در سال ۱۳۸۸ از سوی دولت محمود احمدی نژاد زیر نام «خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴» به شرکتی به نام «شرکت توسعه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا» واگذار شد. مالک این شرکت «مه آفرید امیر خسروی» همان امیر منصور آریا بود و رسانه‌ها در ایران از او با حروف اختصاری «ا.خ» نام می‌بردند و از زندانی بودن او به همراه دیگری با حرف «آ» در زندان اهواز خبر دادند. بنا به اعلام دادستانی حکومت اسلامی، مه آفرید امیرخسروی با معدل ۱۰,۴۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده‌است. سپس در رشته مهندسی عمران دانشگاه آزاد واحد زنجان پذیرفته می‌شود و پس از گذراندن ۶ ترم، با معدل ۶,۲۳ اخراج می‌شود. او در همدستی با سران حکومتی و سپاه، در کارگزاری آنها، به **فعالیت‌های اقتصادی روی می‌آورد.**

مه آفرید امیرخسروی با اداره کردن گاوداری به همراه برادرانش در سال‌های ۱۳۸۴ و ۸۵ آغاز می‌کند، در حالیکه تا سال ۱۳۷۲ سرباز بوده است. او به همراه برادرانش، مهرگان، مسعود و مردآویج و چهار همسران، گروه امیر منصور آریا را مدیریت می‌کنند. این واحد دامداری را با استفاده از طرح‌های زودبازده بنیان‌گذاری کرده بود و با وام‌های کلان، به فساد مالی روی آورد. همچنین سرمایه‌های آغازین «شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» در ۲۸ خردادماه ۱۳۸۵ برابر با ۵۰ میلیون تومان بوده که بنا به گزارش هیئت مدیره همین شرکت در تاریخ ۳۰/۱۱/۱۳۸۷ به ۲۰ میلیارد تومان افزایش یافت.

۲۳۰ هکتار زمین در کیش و صدها هکتار زمین در کاشانک تهران با قیمت ۱۶ ریال برای هر متر مربع در اختیار مه‌آفرید خسروی قرار گرفته بود. سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی با دلالتی سرپاسداری همانند سید محمد جهرامی که رئیس بانک صادرات بود و احمدی نژاد را با خود داشت، بانکی با نام «بانک آریا» را برپا کرد و در اسفند ماه همان سال به پذیره نویسی و سپس انتشار آگهی استخدام کارمند پرداخت. باندهای دیگر سپاه دندان تیز کردند و مرداد سال ۱۳۹۰ بانک مرکزی مجوز فعالیت بانک آریا را بازپس گرفت. «سرمایه‌گذاری آریا» به رهبری امیر منصور آریا (مه‌آفرید امیر خسروی)، به سوی باشگاه‌های ورزش دست گشود. وی باشگاه فوتبال داماش گیلان را خریداری کرد. داماش نام روستایی نزدیک روستای «ناش» در کنار رشت است. تاریخچه باشگاه فوتبال داماش به سال ۱۳۸۷ بار می‌گردد که با خرید سهام باشگاه پگاه گیلان راه اندازی شد. پگاه خود چند سال پیش، سهام استقلال رشت را خریداری کرده بود که سرانجام در ۱۳۸۷ باشگاه منحل شد. استانداری گیلان در زمان دولت محمود احمدی‌نژاد، سهام این باشگاه را به شرکت آب‌معدنی داماش انتقال داده بود و این شرکت از جمله شرکت‌های زیرمجموعه هلدینگ بزرگ «توسعه سرمایه‌گذاری امیر منصور آریا» بود. امیر عابدینی سهامدار و نماینده‌گی مدیریت اموال «آریا» و باشگاه را داشت. مه‌آفرید امیر خسروی، مالک تیم‌های فوتبال گهر درود و پارسه تهران نیز بود که پس از به دار آویختن وی، توسط دیگرگرگ‌های حکومتی پاره پاره شد و سهمی به صادق لاریجانی و کمپانی قاضی‌القضات حکومت اسلامی رسید.

شرکت توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا در سال ۸۹ در راستای خصوصی سازی و واگذاری شرکت‌های در دست دولت به سپاه و عناصر نزدیک به دستگاه حکومتی، زیر نام اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با پرداخت رشوه و حق‌السهم، توانست ۹۴٫۹۶ درصد از سهام ماشین‌سازی لرستان، ۹۵٫۲ درصد از سهام گروه

صنعتی فولاد ایران، ۹۵ درصد از سهام مهندسی خط و ابنیه فنی راه‌آهن (تراورس) و ۳۹,۵ درصد از سهام فولاد اکسین خوزستان را خریداری نماید.

وی در اواخر سال ۱۳۸۹ با موافقت بانک مرکزی برای تأسیس بانکی با نام «بانک آریا» تلاش ورزید و در آستانه گشایش بود که پرونده فساد وی مانع از فعالیت آن شد. اتهام اختلاس سه هزار میلیارد تومان در همدستی با سید محمد جهرمی و محمودرضا خاوری به اتهام استفاده از تسهیلات ۴۰۰ میلیارد تومانی از بانک ملی گره می‌خورد که بدون وجود هیچ سند و وثیقه‌گذاری انجام گرفته‌است. این مبلغ از اختلاس به واسطه گشایش ال سی جدا می‌باشد.

«شرکت توسعه امیر منصور آریا» برای بسیاری، نا آشنا بود. این شرکت مالک دستکم ۲۰ شرکت دیگر از جمله: «بانک آریا، شفاف شیمی پلاست، آب معدنی داماش گیلان، آهن و فولاد لوشان، گروه ملی صنعتی فولاد ایران، ماشین‌سازی لرستان، صنایع غذایی دریاچه گهر لرستان، سبک سازان لوشان، سامانه‌های منابع سازمانی کرانه، خدمات مهندسی کشاورزی میثاق گیلان، نوآوران صنعت الکترونیک قم، گروه صنعتی نمونه منصور گیلان، شرکت مشاوره و مدیریت تدبیر منصور، پخش امیر منصور ایرانیان، خدمات مهندسی خط و ابنیه فنی راه آهن، مهندسین مشاور مدیریت پردازش زمان، ایمن ترابر آریا، شرکت پی سنگ گستر، شرکت گردشگری و جهانگردی ستاره درخشان درفک، توسعه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا، شرکت پخش امیرمنصور ایرانیان گروه صنعتی شیشه مارلیک گیلان و «باشگاه ورزشی داماش ایرانیان» بود.

امیر عابدینی از بنیانگزاران باشگاه داماش در تاریخ ۳ اردیبهشت سال ۸۹ درباره نقش «شرکت توسعه امیرمنصور آریا» و مدیر آن در برپایی این باشگاه گفته بود: «وقتی که آقای مه آفرید امیر خسروی می‌خواستند باشگاه داماش را تاسیس کنند یک موسسه اقتصادی از مجموعه سرمایه گذاری

امیر منصور آریا داشتند که معتقد بودند در آن مجموعه باید یک موسسه اجتماعی و فرهنگی هم وجود داشته باشد.»

عابدینی از نقش روح الله قهرمانی چابک استاندار وقت گیلان، سفیر کنونی ایران در کویت و از نزدیکان اسفندیار رحیم مشایی با مالک «شرکت توسعه امیر منصور آریا» اشاره کرده و می‌افزاید که روح الله قهرمانی به دلیل «فعالیت های اقتصادی» شرکت توسعه امیر منصور آریا از آن‌ها خواسته است که فعالیت باشگاه داماش را از گیلان آغاز کنند.

هلدینگ‌های زیر مالکیت «امیر خسروی» با همکاری «گروه مالی امین» به مدیرعاملی «محمد آرام بنیار» بسترسازی‌های اولیه برای برپایی «بانک آریا» را در سال ۸۸ و همزمان با «بانک گردشگری»، «بانک ایران زمین»، «بانک آرین» را آماده ساخته بود. این بانک، در اریهشت سال ۸۹ مجوز «شورای پول و اعتبار» و در بهمن ماه همین سال نیز «مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی» را برای برپایی بیستمین بانک خصوصی با «سرمایه ۲۰۰ میلیارد تومانی» در ایران را از بانک مرکزی، البته با پرداخت سهم امام و سران سپاه، دریافت کردند.

خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری رسمی دولت، در ۱۷ اسفند سال ۱۳۸۹، از قول محمد آرام بنیار مدیر عامل «تامین سرمایه امین» خبر داد که «تمرکز بیستمین بانک خصوصی ایران، بانکداری اختصاصی و بازرگانی خواهد بود تا بتواند در ابتدای فعالیت خود دسترسی به بازاری در حدود سه هزار میلیارد تومان داشته باشد.»

در همین نشست خبری عنایت الله دهقان با اعلام اینکه «۱۰ نفر از اشخاص حقیقی فعال در حوزه فولاد، مواد غذایی، فعالیت‌های ساختمانی و پیمانکاری اعضای هیات موسس این بانک هستند» گفت: «طبق مصوبه هیات موسس پیش بینی شده است بانک آریا در ۱۵ اردیبهشت ماه سال ۹۰ به طور رسمی راه اندازی شود که در ابتدا ۱۵ شعبه در تهران و در شهرهای مشهد، اصفهان، شیراز، کیش و رشت افتتاح خواهد شد.»

در چهارم خرداد سال ۹۰ «مجمع عمومی موسس بانک آریا» در تهران برگزار شد و در آن «ساسان منوچهری، عنایت اله دهقانی، محمد آرام بنیار (مدیر گروه مالی امین)، نمایندگان شرکت امید نیک کیش، و موسسه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر به عنوان اعضای هیات مدیره پیشنهادی هیات موسس معرفی شدند.» این بانک همه در مالکیت شبکه‌ای از سران سپاه و بسیج و اطلاعات سپاه و سران وزارت اطلاعات و مهره های فرماندهی و بنیانگذاران دستگاه سرکوب از روز نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی تا اکنون بوده‌اند.

تدارک برای تصاحب دارایی‌های باند «آریا»

خرداد ماه ۹۰ از سوی باند سپاه، روز دوم که احمدی نژاد وارد نیمه دوم ریاست جمهوری خود می‌شد و اختلاف‌های باندها با باند وی آشکار شده بود، دو روز پیش از برگزاری «مجمع عمومی موسس بانک آریا» یدالله جوانی، رییس دفتر سیاسی سپاه طی سرمقاله ای در هفته نامه «صبح صادق» ارگان دفتر سیاسی سپاه پاسداران نوشت: «وقتی گزارش‌هایی منتشر می‌شود که با چه سرمایه‌هایی بانک‌ها و موسسات اعتباری از سوی این جریان انحرافی در حال شکل‌گیری است، مردم سوال می‌کنند مگر قرار نبود احمدی نژاد با مفاسد اقتصادی و غارتگران بیت المال مبارزه نماید؟»

یدالله جوانی، رییس دفتر سیاسی سپاه، در این حمله با اشاره به اینکه «تصویر از احمدی نژاد در اذهان مردم با اخبار منتشر شده در جامعه مبنی بر مفاسد اقتصادی جریان انحرافی مورد حمایت ایشان، در حال مخدوش شدن است» نوشته بود: «وقتی قاضی القضاة جمهوری اسلامی از غوطه‌ور بودن جریان انحرافی در مفاسد اقتصادی خبر می‌دهد، مردم یکه می‌خورند.»

رییس دفتر سیاسی سپاه احمدی نژاد را بُزِ آخوشتی می‌دید که باید همه‌ی فساد را به گردن او بیافکند: «یکی از راه‌های کمک به احمدی نژاد

برای عبور موفق از این آزمون بزرگ، ارائه اسناد و مدارک متقن و عقل پسند به ایشان برای اثبات متفاوت بودن گفتمان جریان نفوذی انحرافی با گفتمان انقلاب اسلامی است.» او یکی از اهداف «تشکیل پرونده مفاسد اقتصادی جریان انحرافی» دولت را «ارائه اسناد و مدارکی به احمدی نژاد» برای عبورش از «آزمون بزرگ» و «اخذ تصمیم تاریخی» توصیف کرده بود.

اینک نوبت کیهان حسین شریعتمداری، ارگان بیت رهبری بود که آشکارا خط سپاه و خامنه‌ای را تنوریزه کند و در سرمقاله کیهان در روز ۲۵ خرداد، زیر نام «علف‌های هرز» احمدی نژاد را «جریان انحرافی دولت» نامیده که «با چراغ خاموش» و پیوسته «بانک بازی و اخذ مجوزهای زنجیره ای برای تاسیس بانک های خصوصی با اهدافی پیدا و پنهان است که همچنان ادامه دارد.»

کیهان به بانک‌های «تات»، «آریا»، «گردشگری» و «شرق» به عنوان بانک‌هایی نام برد که با استفاده از «مجوزهای طلایی» و «به لطف حمایت‌های بی حساب و کتاب لیدرهای جریان انحرافی در کمترین زمان و با بیشترین رانت در عرصه اقتصادی کشور مشغول به فعالیت شده اند.» کیهان از «نفوذ» جریان انحرافی دولت «در گلوگاه پولی کشور» و «بانک مرکزی» نام برد و افزود که «افراد نفوذی جریان منحرف و به ویژه «ح.پ» به عنوان یکی از حلقه‌های اصلی مالی جریان یاد شده است.» ح.پ همان سید حمید پورمحمدی بود که با حکم محمود احمدی نژاد، قائم مقام سال ۸۸ به جانشینی بانک مرکزی منصوب شده بود. در پی این یورش‌ها بود که گزارش شد: «بانک مرکزی ارائه مجوز به بانک آریا را لغو کرده است.» این بانک‌ها باید به رقبای دیگر باند واگذار می‌شدند. دندان‌ها سید مجتبی و پدرخامنه‌ای از همه خونین‌تر بودند.

اجرای پروژه خلع مالکیت از «آریا»

روز اول شهریور ماه ۹۰ سید شمس الدین حسینی سرپاسدار، وزیر اقتصاد احمدی نژاد پس از مدت‌ها برای پاسخگویی به سؤال احمدتوکلی، الیاس نادران و پرویز سروری سه نماینده مجلس رژیم، «درباره تخلفات مالی کلان تعاونی‌های مالی و اعتباری» به مجلس برده شد. احمد توکلی وابسته به موتلفه و از سران حجتیه و گرداننده سایت الف که خود در گیلان و مازنداران به ویژه، باند مالی دیگری را فرماندهی می‌کند، به وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد گفت: «در شرایطی که علانم رکودی را در اقتصاد کشور می‌بینیم، چرا برخی در صف دریافت مجوز برای تاسیس بانک و تعاونی مالی قرار گرفته اند؟»

احمد توکلی فاسد اقتصادی و رهبر باند حجتیه، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، با تأکید بر اینکه علت راه اندازی بانک‌های خصوصی «رانت‌خواری بزرگی است که با استفاده از تسهیلات این بنگاهها صورت می‌گیرد» گفت که «یکی از بانک‌های جدیدالتاسیس از محل اخذ وام از بانک صادرات امروزه به آلف و علوفی رسیده است.» توکلی در برابر باند احمدی نژاد که اینک سر به فرمان خامنه‌ای هم نداشت، ادامه داد «اگر این روند ادامه یابد ناچار از پیگرد قضایی رییس کل بانک مرکزی هستیم» و گفت که «با شعار عدالت که عدالت ایجاد نمی‌شود. این رانت‌خواری‌ها به بی‌عدالتی و ظلم دامن می‌زند.»

همین روزهای شهریور ماه بود که رسانه‌ها از «اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات» خبر دادند. سیدحمید پورمحمدی، قائم مقام بانک مرکزی، به توجیه برآمد و به اعتراف که درباره «اختلاس سه هزار میلیارد تومانی از بانک صادرات» پیش از پیش «بانک مرکزی درباره این موضوع خاص دو ماه قبل از عید، هشدارهایی داده بود.»

سید حمید پورمحمدی ناچار به اعتراف شد که: «با ردیابی وجوه مشخص شد که سرمایه تاسیس بانک از محل منابع بانکی است که پس از

کشف این موضوع، دارایی‌ها بلوکه و در بررسی‌ها مشخص شد، شرکت‌هایی که به عنوان سهامدار بانک آریا معرفی شده‌اند، با یکدیگر ارتباط داشته‌اند و ردیابی آن‌ها نشان داد که سرمایه‌ها از سوی یک شخص بین این شرکت‌ها تقسیم شده و این سرمایه نیز از محل منابع بانکی بوده است.»

دستیار رئیس بانک مرکزی با افشا شدن فساد، گفت که «رفتار موسسان بانک صادقانه نبوده و در این زمینه گزارشی در حال تهیه است تا به شورای پول و اعتبار ارایه و مجوز این بانک لغو شود.»

ارسالان فتحی، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از باند رقیب احمدی نژاد فرصت یافت تا ادعا کند که: «با مبلغ اختلاس شده، دولت به راحتی می‌توانست برای یک میلیون نفر از جوانان بیکار کشور، شغل ایجاد کند.» وی از دست‌های پشت پرده سخن گفت و این آماده‌سازی را اختلاس خواند: «اختلاس چنین مبلغ بزرگی از یکی از بانک‌های کشور گویای دست‌های پشت پرده» و «فراهم کردن مقدمات انجام چنین اختلاسی است.»

آشکار شد که «رییس و معاون شعبه، و مدیر حوزه مربوطه در بانک صادرات خوزستان» و نیز مالک «گروه ملی فولاد ایران» و همچنین همکار او در برپایی بانک آریا دستگیر شده‌اند. یکی از همدستان این باند، سید محمد جهرمی، رئیس بانک صادرات بود که تمامی اسناد وام‌ها و دزدی‌ها را فراهم آورده بود. وی پس از این اختلاس و سهم‌بری در آن به وزارت کار منصوب شد.

کارخانه فولاد با بیش از ۴۰۰۰ نیروی کار در سال ۸۸ به بخش «خصوصی» وابسته به باند سپاه و سران حکومتی واگذار شد. در پی آشکار شدن اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی بهانه‌ای بود تا در سال ۱۳۹۰ مجتمع فولاد اهواز در برابر بدهی‌ها، به بانک ملی واگذار شود. بانک ملی نیز در یک گام ۴۰۰ میلیون تومان از فروش اموال این مجتمع صنعتی را به یغما برد. بی‌آنکه دستمزد ماه‌ها پرداخت نشده کارگران و حقوق کارکنان پرداخته شود، در اسفند ۹۵، با قیمتی نازل، مجتمع فولاد را به حراج

گذاشت. به این گونه، گروه ملی صنعتی فولاد اهواز از شرکت‌های متعلق به گروه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا، سرانجام بار دیگر پس از چرخشی چند باره، بار دیگر به بخش خصوصی سپرده شد.

مالکیت دوباره در آبان‌ماه سال جاری به عبدالرضا موسوی، مدیرعامل شرکت هواپیمایی زاگرس، مالک شرکت هواپیمایی زاگرس و باشگاه استقلال اهواز واگذار شد. روزنامه هفت صبح در ۱۳ خرداد ۹۵ سال گذشته در گزارشی در مورد هتلداران بزرگ ایران اشاره کرده بود که عبدالرضا موسوی، مالک هتل داریوش در کیش و پارک دلفین‌های کیش است. او در روز اول تیر امسال در مصاحبه با خبرگزاری دولتی ایرنا، از امضای تفاهتنامه خرید ۲۸ فروند هواپیمای ایرباس خبر داده و گفته بود: شرکت زاگرس همه این هواپیماها را از ایرباس به صورت اجاره به شرط تملیک خریداری خواهد کرد. کارگران همچنان با خواست دستمزدهای ماهها پرداخت نشده در همایش و اعتراض هستند. رسانه دولتی اینلنا از زبان کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران، «کارفرمای جدید توانایی مالی لازم را برای پرداخت دستمزد کارگران ندارد و طی این مدت به دلیل بی‌توجهی مسئولان، مشکلات این کارخانه افزایش یافته و قول‌های داده شده از سوی مسئولان هم راه به جایی نبرده است».

با روی آوری باندها به اقتصاد رانتهی و واردات فولاد از چین و هندوستان و کره، فولاد اهواز باید زمینگیر می‌شد. تولید این مجتمع صنعتی با آن حجم سنگین سرمایه و غارت آن به دست سپاه پاسداران و دیگر کارگزاران حکومتی و اخراج پی در پی کارگران، اینک به ۱۰ درصد توان خود کاهش یافته است. دلایان صاحب مجتمع شده به واردات از چین و کره ووو نه تنها زیانی نمی‌بینند بلکه به درآمدهای انحصاری دست می‌یابند. در این میان کارگران هستند که همه روزه به لشکر بیکاران می‌پیوندند، دستمزدهایشان پرداخت نمی‌شود و به فلاکت نشانیده می‌شوند.

در اعتراض به این شرایط بود که روز دوم بهمن ماه ۹۶، کارگران ملی فولاد اهواز، اعلام اعتصاب سراسری کردند. با این بیانیه، کارفرمای

خصوصی به پشتوانه نیروهای انتظامی سرمایه، تهدید به «ثبت غیبت از کار، محروم شدن از مزایای پرسنلی در روزهای عدم کارکرد، اخراج و معرفی به مراجع ذیصلاح» شدند. همچنین کارفرمای مجتمع بزرگ فولاد اعلام کرد دستمزدها و حقوق پرداخت نشده کارگران تا پایان آبان ماه پرداخت شده است و از پرداخت دیگر مطالبات ۳۵۰۰ کارگر خودداری می‌کند. با اینحال کارگران تا روز هشتم بهمن ماه ۹۶ به اعتصاب خود ادامه دادند.

در اسفند ماه ۱۳۹۶ دور جدید کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران پی در پی ادامه دارد. کارگران از بارگیری کامیون‌ها جلوگیری کردند. شماری از کارگران معترض همچنین در مراسم نماز جمعه اهواز شعار «مرگ بر کارگر - درود بر ستمگر» سر دادند که شعاری کنایه‌آمیز که به طور گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت. گروه ملی صنعتی فولاد ایران، در برگیرنده‌ی کارخانه فولادسازی، نورد کوثر، نورد تیر آهن، کارخانه لوله‌سازی و ماشین‌سازی است و حدود ۴ هزار کارگر که هنوز دستکم سه ماه دستمزدشان پرداخت نشده است. بنابر اعلام دادستانی تهران، مه‌آفرید امیرخسروی، متهم اصلی پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی که پیش‌تر در دادگاه به جرم افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شده بود، صبح روز شنبه سوم خرداد ۹۱ در زندان اوین به دار آویخته شد. مه‌آفرید امیرخسروی در شهریور ماه سال ۱۳۹۰ بازداشت شده بود و در جریان رسیدگی به پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی از او به عنوان متهم ردیف اول یاد می‌شد.

این پرونده به گفته مقام‌های قضایی تا سه سال پیش، بزرگ‌ترین اختلاس تاریخ ایران بود اما مسئولان قضایی اخیراً گفته‌اند حجم مالی پرونده بابت زنجانی سه برابر این پرونده است.

غلامعلی ریاحی، وکیل امیرخسروی می‌گوید حکم اعدام "بدون اطلاع او" اجرا شده است.

برای مصون ماندن مهره‌های حکومتی وابسته به سپاه که در مدیریت بانک‌ها و بنگاه‌ها مالی نشسته‌اند، امیر خسروی باید زود قربانی می‌شد و امپراتوری مالی آریا به باندهای حکومتی می‌رسید. وکیل امیر خسروی به ایسنا گفت: هفته گذشته با موکلش دیدار داشته و قوه قضاییه اطلاع قبلی درباره اجرای حکم نداده است.

به گزارش وکیل امیر خسروی، "همه اموال" موکلش در اختیار دادستانی بوده و آنطور که او توضیح می‌دهد ارزش اموال ضبط شده "بیش از جریمه و طلب بانک‌ها" بوده است.

مه آفرید امیر خسروی، صاحب چند شرکت در تبنانی با سید محمد جهرمی با رئیس شعبه بانک صادرات در کارخانه فولاد خوزستان، اسناد اعتباری (ال سی) به مبلغ چند میلیارد تومان بی‌آنکه تمام یا دست‌کم بخش عمده‌ای از پول این اعتبارنامه‌ها را به دست می‌آورد. منصور آریا آشکار در دادگاه حکومت اسلامی اعتراف و فاش ساخت که در یک قلم «از سوی سردار پروین وظیفه داشته است تا بیش از پنجاه میلیارد دلار از خارج کالا وارد» کند. **علیرضا محجوب** از باند دولتی‌ها، «عضو کمیته تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی» مامور بود تا در خلع مالکیت از امپراتوری آریا، نقشی بیابد. وی در مجلس ارتجاع گزارش داد «میزان فساد کشف‌شده در تفحص از صنعت فولاد کشور احتمالاً از فساد در تامین اجتماعی هم بیشتر است.»

به گزارش ایلنا، محجوب آمارهای قبلی مبنی بر تولید ۱۸ میلیون تن فولاد را کذب محض خواند و گفت که میزان تولید فولاد در چند سال گذشته کمتر از ۱۲ میلیون تن بوده است. و افزود: «به جای این‌که سنگ آهن اکتشافی در کارخانجات به فولاد تبدیل شوند، به شکل خام صادر می‌شدند و بیشتر سنگ آهن "خام فروشی" شده است تا به فولاد تبدیل شود». گروه آریا همانند دیگر سرمایه‌داران حکومتی، سودهای کهکشانی دلالی واردات را در گرو قربانی کردن میلیون‌ها کارگر و فروپاشی بافت تولیدی باقیمانده در این ۴۰ سال به پیش برده‌اند. فروپاشی هپکو، نی شکر

هفت تپه، صنایع فولاد و وو تنها بخشی از این سونامی فلاکت بار هستند. در لابلای ستیز باندها برای بلعیدن دارایی‌های باند رقیب تنها گوشه‌ای از این روند ویرانسازی هویدا می‌شود. محبوب می‌افزاید: «دولت گذشته سخن از ساخت هشت طرح جدید فولادی می‌گفت و قرار بود همه آن طرح‌ها تا سال ۱۳۸۹ افتتاح شوند اما شاهدیم حتی زمین دو کارخانه هنوز مالکیت مشخصی ندارد».

محبوب از پاسخ دهی به پرسش‌های برخی از نمایندگان مجلس ارتجاع در باره شرکای سپاه در این فساد و به زمین کوبیدن صنایع فولاد کشور خودداری می‌کند و تنها می‌گوید: «جزئیات تحقیق و تفحص طبق آیین نامه داخلی مجلس محرمانه است و نباید رسانه‌ای شود». دامنه‌ی این تحقیق و گزارش تا حد مه‌آفرید خسروی نباید فراتر می‌رفت. سید محمد جهرمی و خاوری اما به میان آورده شدند. سید محمد جهرمی در پناه رهبر به وزارت کار نشسته و کمی هم به بیت‌المال رهبر پول واریز کرد، خاوری به خاور گریخت تا سرپرست و مشاور دارایی‌ها و سرمایه‌های خانواده‌های منتقل شده در کانادا باشد، و احمدی‌نژاد در انتظار بهار و مهدی مانده است.

امیر خسروی با پرداخت رشوه‌ای کلان به سید محمد جهرمی و خاوری و وو، اسناد اعتباری (ال‌سی‌ها) را با قیمتی پایین‌تر از قیمت رسمی به بانک‌های دولتی و خصوصی دیگر می‌فروخته است. این تبتانی و کلاه برداری در سال ۱۳۸۶ آغاز شده و در سال ۸۸ با ریاست جهرمی ادامه یافته و در سال ۱۳۸۹ به ۸۰۰ میلیارد تومان و در سال ۹۰ به ۲۸۰۰ میلیارد تومان افزایش می‌یابد.

سید محمد جهرمی پیش از ریاست بانک به‌عنوان مامور امنیتی و سپاهی از همقطاران احمدی‌نژاد در کردستان و آذربایجان است، مسئول بنیاد مستضعفان و جانبازان استان گیلان، استان زنجان در ۲۲ سالگی، آذربایجان شرقی و غربی، گیلان و مازندران، فرماندار آمل، معاونت سیاسی استانداری استان مرکزی، مشاور وزیر کشور، استاندار زنجان

(۱۳۶۱ تا ۶۲) استاندار لرستان و مسئول ستاد جنگ استان ایلام (-۶۷) (۱۳۶۳) استاندار استان همدان، فارس، ریاست دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد تهران، مسئولیت امور کمیسیون‌های مجمع تشخیص .. و معاونت اجرایی و امور انتخابات شورای نگهبان و مدیر بانک صادران ایران (۱۳۸۸-۱۳۹۰) و سرانجام وزیر کار و امور اجتماعی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) و طرح بنگاه‌های زودبازده که تورم را بیش از پیش شدیدتر ساخت و ادغام صندوق‌های تعاون و مهر رضا در دست سپاه از اقدام‌های اوست.

محمود رضا خاوری، رئیس بانک ملی شعبه کیش، همدست این باند، روز ۵ مرداد ۱۳۹۰ با دریافت خبر بازداشت خود به یاری همدستان سپاهی اطلاعاتی خویش، زیر نام ماموریت کاری، رهسپار لندن شد و به کانادا گریخت. وی دارای گذرنامه کانادایی و با ربودن ۳ هزار میلیارد تومان از دسترج کارگران، به خانواده خود در کانادا پیوست، مدیرعامل پیشین بانک ملی ایران است که به کانادا رفته است. سید محمد جهرمی، متهم اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی، با پرداخت ۸ میلیون تومان به همدستان خویش، پرونده را مختومه کرد.

سه روز پیش از قتل مه‌آفرید امیرخسروی، غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل ایران **خبر داده بود** که در این پرونده، افرادی در سطح مدیران عالی بانک‌ها، معاون رییس قوه قضاییه، رییس حفاظت اطلاعات قوه قضاییه و تعدادی از نمایندگان مجلس تحت تعقیب قرار گرفتند. این پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی سال ۱۳۹۰ به جریان افتاد و چهار متهم اصلی این پرونده از جمله مه‌آفرید امیرخسروی و بنیان‌گذار «شرکت امیر منصور آریا» به اعدام محکوم شدند. از مجموع ۳۹ متهم این پرونده که به اتهامات آنها رسیدگی شد، چهار نفر به اعدام، دو نفر به حبس ابد و بقیه متهمان به تحمل حبس‌های ۲۵ سال، ۲۰ سال، ۱۰ سال و پایین‌تر محکوم شده‌اند. یکی از متهمین، "ح.س." معرفی شده و در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس شناسایی و بازداشت شده است.

سرانجام پس از صدور رای دادگاه در بامداد سوم خرداد ۱۳۹۳، مه آفرید امیر خسروی یا همان امیر منصور آریا، به دار کشیده شد. این حکم سه روز پس از آن که وکیل مه آفرید خسروی و پس از نامه نوشتن او به سید علی خامنه‌ای خبر داد، اجرا شد. خامنه‌ای با قربانی کردن یکی از سرمایه‌داران صورت مسئله را پاک کرد تا نقش و سهم بقیه همدستان خود و کارگزاران خود و باند سپاه در فساد و اختلاس را در قلعه‌ی خفاش‌ها پنهان سازد و خود میراث خوار امپراتوری آریا شوند.

دستمزدها پرداخت نشد و کارگران همچنان در فریاد. صبح روز شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۷ کارگران فولاد اهواز، برای همایش بزرگ در برابر ساختمان استانداری اهواز گرد آمدند. و با شعار اتحاد با کارگران هفته تپه، خشمگین شعار می دادند:

«نصر من الله و فتح قریب مرگ بر دولت مردم فریب»

شرکت هپکو

شرکت هپکو اراک در سال ۱۳۵۳ در ۹۰ هکتار زمین در شهر اراک با هدف مونتاژ ماشین آلات راهسازی تأسیس و از سال ۱۳۵۴ با همکاری شرکتهای اینترنشنال، پوکلین، ساکائی، داینپاک، و لوکومو از کشورهای آمریکا، فرانسه، ژاپن، سوئد و فنلاند، آغاز به کار کرد. با قدرت یابی حکومت اسلامی، ساخت ماشین آلات راهسازی و معدنی در دستور کار قرار گرفت و با همکاری شرکت لیپهر آلمان طرح توسعه هپکو با تجهیزاتی بیشتر، با ظرفیت نزدیک به ۳۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۶۳ آغاز گردید. شرکت هپکو با تولید ماشین‌های راهسازی، معدنی و کشاورزی، تنها کارخانه تولید ماشین آلات راهسازی در خاورمیانه می‌باشد.

از جمله تولیدات این شرکت:

بیل چرخ زنجیری، بیل چرخ لاستیکی، بلدوزر، لودر، بهکو لودر، مینی لودر، غلتک، گریدر، شاول، دامپتراک، لوله، گذار، کمباین، تراکتور و... می باشند.

شرکت هیپکو، در سال ۱۳۸۶ به بهانه اجرای اصل ۴۴ قانون خصوصی سازی سهام کارخانه هیپکو به شرکت واگن‌سازی کوثر که در سال ۱۳۸۱ بنیانگذاری به مدیریت علی اصغر عطاران به عنوان سرمایه گذار: "با شرایط ۲۰ درصد نقد و مابقی اقساط پنج ساله در دولت نهم به بخش خصوصی واگذار شد. عطاران خود از سران سپاه و با باند سران سپاه شریک بود. علی اصغر عطاریان متولد ۱۳۳۱ اصفهان، پس از جابجایی حکومت سرمایه ۵۷، از عناصر حزب‌اللهی و اوباشان پیرامون خمینی بود. در «جهاد سازندگی» مشغول به سهم بری شد و در همین دوران که زیر پوشش «جهاد» پاسدار حکومتی بود، در سیستان و بلوچستان در یک درگیری مسلحانه مجروح گردید. در سال ۱۳۵۹ در خدمت جبهه جنگ حکومت قرار گرفت و پس از پایان جنگ، همراه با دیگران سران سپاه و امنیتی‌ها به بازار تجاری و اقتصاد روی آورد. با برخورداری پشتوانه‌های حکومتی و پرداخت رانت به مقامات حکومتی در مالکیت هیپکو، سهم اصلی گرفت.

به بهانه‌ها و دلایل مختلف از جمله اینکه دلایان حکومتی در رقابت با کوثر و هیپکو به واردات واگن و دیگر ماشین‌ابزارها از روسیه و چین پرداخته‌اند، از پرداخت بدهی‌ها و قسط بانک‌ها به دولت خودداری کرد و در نتیجه به نیمه تعطیل شدن هیپکو انجامید. حسن بیگی، معاون سیاسی استاندار مرکزی در دی ماه سال ۹۵ اعلام کرد: "سهام دار بخش خصوصی در سال ۱۳۸۶ با پرداخت ۲۰ درصد ارزش کارخانه به مبلغ ۷۰ میلیارد تومان آن را خریداری کرد و به وعده خود برای پرداخت مابقی آن در طول پنج سال عمل نکرد، با توجه به تخطی‌های صورت گرفته مالک هیپکو دستگیر شده و موظف است که تمامی مطالبات حقوقی کارگران را تا پایان اسفند ماه پرداخت کند."

به زودی، پس از رسیدن مدیریت هیپکو به عطاریان در سال ۸۵، واردات بی رویه ماشین‌آلات راه سازی دست دوم و از رده خارج، از

دیگر کشورها، «این شرکت تجهیزاتی، به پارکینگ بزرگی از ماشین آلات راه سازی تبدیل شود.»^(۱۱۶)

محمود زمانی قمی، استاندار استان مرکزی با انتقاد از روند واگذاری غیر کارشناسی هپکو به واگن سازی کوثر و سهامدار اصلی آن به خبرگزاری ایرنا گفت: "سهامدار هپکو یک سال پس از عهده دار شدن مسئولیت بیش از دو هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال ماشین آلاتی را که قبلا در کارخانه ساخته شده بود را به فروش رساند و از همان سال ۱۳۸۷ روند تولید ماشین آلات راهسازی هپکو کاهش یافت. وضعیت تا به آنجا پیشرفت که در سال ۱۳۹۱ تولید کارخانه کاملا متوقف شد و شرکت به جوشکاری در برج‌های تهران روی آورد. سهامدار همچنین یک سال بعد تمامی سهام شرکت را به نام خود سند زد. تمامی تخلفات در مجاری قانونی در حال رسیدگی است." این درحالی است که آقای عطاریان، مالک سابق هپکو در مصاحبه ای در سال ۹۰ با ماهنامه ترابران (ماهنامه اقتصادی و ترابری)، درباره مشکلات این کارخانه گفته بود: "در زمان خرید هپکو به ما گفته شد این کارخانه در سال اول ۱۲ میلیارد، سال دوم ۱۶ میلیارد، سال سوم ۲۳ میلیارد، سال چهارم ۳۲ میلیارد و سال پنجم ۴۵ میلیارد تومان سود خواهد داد، اما عملا اینگونه نشد."

عطاریان، مالک هپکو، مدعی شد: "از سال دوم و سوم دچار رکود اقتصادی شدیم، قیمت نفت از ۱۴۰ دلار به ۴۰ دلار رسید و بودجه های عمرانی هم کاهش یافت، سود بانکی به جای ۵ میلیارد تومان به ۲۵ میلیارد تومان در سال رسید. در حقیقت به جای بهره ۱۲ درصدی مجبور بودیم تا ۲۲ درصد به بانک ها سود بدهیم. از سوی دیگر مجبور شدیم موجودی انبارها را به صورت قطعی به خریداران بدهیم، در حالی که پیش از این خریداران برای تحویل گرفتن کالا باید شش ماه در نوبت می ماندند."

^(۱۱۶) دنیای اقتصاد ۱۵ مرداد ۹۰.

علی‌اصغر عطاریان مدیریت مجموعه‌های واگن‌سازی کوثر، صندوق نسوز کاوه، تولیدی مبارز و تامین ماسه ریخته‌گری را نیز بر عهده دارد.^(۱۷)

عطاریان در سال ۹۰ گفته بود: «به ما اعلام کردند که در مقابل سود ۱۷۵ میلیارد تومانی، تنها ۲۴ میلیارد تومان هزینه بانکی خواهیم داشت، اما دقیقاً برعکس شد. در سال اول، مشکلی نداشتیم، اما در سال دوم و سوم دچار رکود اقتصادی شدید. قیمت نفت از ۱۴۰ دلار به ۴۰ دلار رسید و بودجه‌های عمرانی کاهش یافت؛ و در حالی که ما تولید را از ۱۶۰۰ دستگاه به ۴۰۰۰ دستگاه رسانده بودیم، مجبور شدیم با معضل رکود دست و پنجه نرم کنیم. سود بانکی به جای ۵ میلیارد تومان در سال، به ۲۵ میلیارد تومان در سال رسید، زیرا در حقیقت به جای بهره ۱۲ درصدی، مجبور بودیم تا ۲۲ درصد به بانک‌ها سود بدهیم. از سوی دیگر مجبور شدیم موجودی انبارها را به صورت قطعی به خریداران بدهیم، در حالی که پیش از این خریداران برای تحویل گرفتن کالا باید شش ماه در نوبت می‌ماندند همچنین به دلیل کاهش بودجه‌های عمرانی، دولت مطالبات پیمانکاران را نپرداخت و آنها نیز نتوانستند بدهی خود را به ما بپردازند، بنابراین ما با بیش از ۸۰ میلیارد تومان چک برگشتی مواجه شدیم. به این ترتیب طی پنج سال، کل سودمان به حدود ۲۵ میلیارد تومان رسید، در حالی که در این مدت بیش از ۱۴۰ میلیارد تومان بهره بانکی پرداخت کردیم.»^(۱۸) عطاریان در ادامه، گفته بود «بولدوزر تولید شده در هپکو در خاورمیانه بی‌نظیر است. ما نیمی از قطعات این بولدوزر را از اروپا خریداری و نیمی دیگر را در داخل تولید می‌کردیم، اما در حال حاضر نمی‌توانیم نیمه اروپایی را تامین کنیم و نمی‌توانیم کشور دیگری را نیز

^(۱۷) ۲۷ آذر ۹۰ ترابران- ماهنامه اقتصادی ترابری ایران.

^(۱۸) ۲۷ آذر ۹۰ ترابران- ماهنامه اقتصادی ترابری ایران.

جایگزین کنیم. بنابراین تحریم‌ها کمر ما را شکسته است، اما دولت به جای حمایت، به زخم ما نمک می‌ریزد، یعنی به جای کاهش سود بانکی، جریمه تاخیر نیز طلب می‌کند. بانک‌ها عنوان می‌کنند که تمام بدهی را بدهید تا جریمه‌تان را کاهش دهیم، در صورتی که این بدهی‌ها از خط تولید به وجود آمده است و چرخه تامین مواد اولیه، گشایش اعتبار، واریز پول، ساخت و فروش بیش از يك سال تولید می‌کشد.^(۱۹)

سال ۹۰ سازمان خصوصی‌سازی به دلیل بدهی عطاریان، آگهی عرضه مجدد هپکو را انتشار می‌دهد. عطاریان وارد مذاکره با وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر دادگستری می‌شود و به سازش می‌رسند و به مالکیت هپکو ادامه می‌دهد. تنها یک قسط پرداخت می‌شود. اما بقیه اقساط و مزد کارگران پرداخت نمی‌شود.

دلالتان سپاه و باندهای دیگر، سود خود را در افزایش واردات، رانت-خواری و کمیسیون و پورسانتاژ، به بهای ورشکسته شدن تولیدات داخلی می‌بینند. این روند تنها منحصر به برهه‌ی ریاست جمهوری احمدی نژاد نبود. این روند تخریبی در دوره حسن روحانی نیز ادامه می‌یابد. به گزارش، لطفی عضو «شورای اسلامی کار» شرکت هپکو اراک در آبان ۹۵ بنگریم: «طی سه سال گذشته بر اساس آمار حدود هزار و ۳۰۰ دستگاه انواع ماشین آلات مورد نیاز در کشور به صورت رسمی وارد کشور شده است. سهم شرکت هپکو در تامین نیاز کشور به دلیل عدم ارائه سفارش و خرید بسیار ناچیز بوده است. پشت پرده واردات ماشین آلات به کشور دست‌هایی پنهان است و رانت‌هایی وجود دارد. شرکت هپکو ظرفیت این را دارد که به صورت سه شیفیت و در هر شیفیت هزار نفر را به کار گیرد. متأسفانه به جای افزایش تعداد کارگران، نیروی کار این شرکت از سال ۸۶ تا کنون از ۲۴۰۰ کارگر به ۹۰۰ نفر رسیده است.»^(۲۰)

^(۱۹) ۲۷ آذر ۹۰ ترابریان- ماهنامه اقتصادی ترابری ایران.

^(۲۰) پایگاه خبری دیار آفتاب مرجع خبری استان مرکزی ۱۱ آبان ۹۵

بحران در هپکو ادامه یافت، نشانه‌های رکود اقتصادی نمایان شد، واردات بی رویه و... شرایط را وخیم تر ساخت. کارگران نخستین قربانیان این روند بودند. در اسفند ۹۴ کارگران هپکو در اعتراض به عدم دریافت شش ماه دستمزد، ۳ بار به همایش برخاستند. و اعتراض و اعتصاب و همایش همچنان در زمستان ۹۵ تا اکنون فروردین سال ۹۷ ادامه دارد.

واگذاری بعدی

سرانجام پس از سالها و ماههای بحرانی برای هپکو و کارگران آن، سازمان خصوصی سازی در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۵ هپکو را به دروغ با روش «مزایده» با تقلب و برنامه ریزی شده، روانه فروش کرد. این بده و بستان در تاریخ ۴ خرداد ماه ۱۳۹۶ نهایی شد.

«ذاکر نیوز» در ۴ خرداد نوشت: «پس از کش و قوس فراوان با علی اصغر عطاریان سرمایه‌دار معروف اصفهانی بر سر عدم تسویه اقساط و اعلام ناتوانی وی از ادامه مدیریت شرکت طی چند نوبت اقدام به آگهی عرضه مجدد سهام کنترلی این شرکت اصل چهل و چهاری کرد که آخرین بار با وجود تمایل خریدار سوییسی اما مشکلات باقیمانده بر سر انتقال پول به کشور مانع از انجام این معامله شد و شرکت هیдро اطلس به عنوان مالک جدید هپکو معرفی شد.»

«بیژن زنگنه»، «علی محمد رفیعی»، «حسن اسماعیل نظری» و نمایندگان شرکت واگن‌سازی کوثر و شرکت کاوه به عنوان اعضای هیات‌مدیره جدید هپکو انتخاب شدند.^(۱۲۱)

^(۱۲۱) دنیای اقتصاد ۲۶ اسفند ۸۵.

شرکت هیدر و اطلس، شرکتی خانوادگی با مدیریت اسدالله احمدپور است. ریاست ترکیب ۳ نفره هیات مدیره این شرکت نیز به عهده کیارش احمد پور، فرزند مدیر عامل این شرکت است. شرکت هیدر و اطلس در هنگام خرید، مانند دیگر دلالان سر مایه وعده پرداخت دستمزدهای کارگران و حقوق کارکنان و مطالبات پرداخت نشده‌ی هیکو را داده بود. این واگذاری هیچ گرهی را ننگشود و کارگران همچنان سرگردان و بی دستمزد همچنان در پی درخواست‌ها، گارد سرکوب حکومتی را در برابر داشتند.

در حال حاضر شرکت هیکو با سرمایه ۲۳۳ میلیارد و ۶۶۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی با زیان انباشته بیش از ۳۶۶ میلیارد تومانی روبرو است. یعنی بیش از قیمت ارزش گذاری شده بدهکار است. دستمزدهای پرداخت نشده، وام‌ها و قسط‌های بازپرداخت نشده، نزدیک به ۴۰۰ میلیارد تومان را باندها ر بوده‌اند و در اینجا قربانیان این مناسبات و حکومت و باندهای سارق، هزاران کارگری هستند که نان شب و زندگی آنان ر بوده شده است.

چرخه‌ی تباهی تولید

هیکو تنها نمونه یکی از دهها نمونه چرخه‌ی به تباهی کشیده شده تولید کلان در ایران است. کارخانه‌ای در گردش، با تاکتیک خصوصی سازی به اندامهای سپاه پاسداران و جناح‌های حکومتی واگذار می‌شود و سونامی فروپاشی شدت می‌یابد. و پرده‌های این تراژدی برای کارگران اینگونه یکی در پی دیگری اجرا می‌شود.

✓ هیکوبا نزدیک به ۲۴۰ میلیارد تومان سرمایه به ۷۰ میلیارد تومان یعنی کمتر از یک سوم قیمت به معاصری از باندهای حکومتی واگذار می‌شود.

✓ واردات از سوی دلالان و حتا مالکان جدید که نقش دلالان را دارند شدت می‌یابد. واردات ارزانتر ماشین آلات از چین و دیگر بازارها هیکو را بمباران می‌کنند.

نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه‌ای در اقتصاد ایران

✓ بانکهای حکومتی، سود بانکی را به جای ۵ میلیارد تومان در سال، به ۲۵ میلیارد تومان در سال می‌رسانند.

✓ شرکت‌های کوچک جانبی با چک‌های برگشتی روبرو می‌شوند. گزارش می‌شود که ۸۰ میلیارد تومان چک برگشتی از بدهکاران در دست است.

✓ اخراج دستکم ۱۵۰۰ کارگر از هپکو و ادامه سونامی بیکار سازی به شرکت‌های پیرامونی. تسویه حسابی در میان نیست. بیمه بیکاری و مطالبات پرداخت نشده با گاز اشک آور و زندان پاسخ داده می‌شود.

✓ دستمزدهای نزدیک به ۱۰۰۰ کارگر هنوز شاغل ۶ ماهی به گروگان گرفته شد و باز پرداخت نمی‌شود.

✓ کارگران باید به مرخصی اجباری بروند.

و چرخه‌ی تبهکارانه مناسبات و حاکمیت هنوز ادامه دارد.

به بیان گزارشگر کارگران:

«هنگام فروش یک خانه باید آن را تروتمیز کرد رنگ زد و آن‌را طوری آرایش کرد که خریدار بیسندد، ولی این‌ها برای فروش کارخانه سعی می‌کنند آن را خراب کنند، از کار بیاندازند و مخروبه و ورشکسته جلوه دهند تا آن‌را هرچه کمتر بفروشند آخر این حراج اموال مردم است. می‌خواستند کارخانه را به چند عرب که از دبی آمده بودند بفروشند اما وقتی آن‌ها با اعتصاب کارگران مواجه شدند از خرید انصراف دادند.»

پژواک صدای کارگران

کارگران خواهان ادامه تولید، مداخله‌گری و کنترل تولید هستند. دلایان به سودهای دلالی، پورسانتاژ و حراج هستی جامعه کمر بسته‌اند. پس از مدتی آشکار شد که هپکو اراک به شرکت هیدرواطلس ساوه در مالکیت اسدالله احمدپور واگذار شده است. استاندار استان مرکزی نیز این خبر را تایید می‌کند: "هیدرواطلس ساوه حدود ۴۰ سال است که در حوزه تجهیزات و ماشین آلات راهسازی فعالیت دارد. مالک جدید یک هزار ۱۴۰ میلیارد ریال سرمایه به سازمان بورس ایران اظهار کرده و سازمان خصوصی سازی برای پرداخت همه مبلغ کارخانه سه سال به سرمایه گذار تنفس داده است."

در این مدت در روند دست به دست شدن‌ها، دهها کارگر اخراج و ماهها دستمزد کارگران پرداخت نشد و از این عناصر باندیست به باند بعدی واگذار شد. اسدالله احمدپور، مالک جدید هپکو در خردادماه ۹۶ مدیریت کارخانه را به هیدرو اطلس واگذار کرد، یکی از تعهدات این واگذاری پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده کارگران بود. موضوعی که به گفته کارگران تا پیش از اینکه به مرخصی اجباری فرستاده شوند، انجام نگرفته است.

اعتراض کارگران هپکو با آزمون‌های جدید در پی هر همایش خیابانی و با خانواده از سر گرفته می‌شود. صدها کارگر کارخانه ماشین سازی هپکو اراک، در اعتراض به عملی نشدن وعده کارفرما و در راس همه‌ی خواستها، درخواست دستمزدها و مطالبات پرداخت نشده، دوباره به همایش اعتراضی می‌پردازند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران معترض در این باره گفت: "قرار بود بر اساس تعهدات کارفرمای جدید تا پایان خرداد ماه همه معوقات مزدی و بیمه‌ای کارگران پرداخت شود اما تا به امروز که ۱۳ روز از پایان خرداد ماه می‌گذرد ظاهراً کارفرمای جدید توان مالی کافی برای پرداخت مطالبات معوقه کارگران را ندارد." این

کارگر افزود: "وضعیت مالی کارگران مناسب نیست و آنان برای تأمین معاش خود ناتوان شده‌اند و این در حالی است که کارفرمای جدید قبل از واگذاری، مرتباً وعده پرداخت تمامی مطالبات را می‌داد."

به گزارش خبرگزاری میکروفون نیوز (محا)، دهها تن از کارگران گروه ملی فولاد در نماز جمعه روز ۴ اسفند ماه ۱۳۹۶ اهواز شعارهای طبقاتی سردادند. این کارگران با سر دادن شعار معنابخش «مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر» و «بیه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه!» تمامی باندهای حاکم را مسئول جنایات حاکم دانستند.

کارگران از کارخانه به خیابان می‌شتابند و از خیابان تا میدان نمازهای جمعه، تا نمایش‌های حکومتی نماز جمعه را با شعارهای اعتراضی خود خاموش سازند. کارگران فولاد، در پنجمین روز از اعتصاب خود با همایش ۴ هزار کارگر گروه ملی فولاد اهواز که از آبان ماه دستمزد نگرفته‌اند از یکشنبه ۲۹ بهمن آغاز کرده بودند. مدیریت فولاد اهواز به جای پاسخگویی در روز دوم اعتصاب آن‌ها از کارگران خواست تا سال ۹۷ صبر کنند. کارگران پنجشنبه ۳ بهمن با همایش در برابر استانداری خوزستان خواستار پاسخگویی مقامات استانداری شدند اما پاسخی نگرفتند. ۴ اسفند ۹۶ طبقه کارگر، اشغال نماز جمعه را به تجربه گذاشت. مامورین امنیتی و نیروهای انتظامی دستور جلوگیری از همایش را داشتند اما در برابر اراده و همبستگی کارگران، ناتوان بودند. کارگران، متحد و یکپارچه، ایستادگی کردند و تا پایان نماز جمعه به اعتراض خود ادامه دادند. برگزار کنندگان نماز جمعه چند بار تلاش می‌کنند با فریادهای الله اکبر اعتراضات کارگران را خاموش سازند، اما صدای کارگران رساتر از خطبه و منبر و شعارهای حزب‌الله و کارگزاران رژیم بود.

گزارش خبرگزاری فارس (وابسته به سپاه) از اهواز، اعتراف‌های کارگزاران باندهای حاکم را بازگویی می‌کند:

جواد کاظم‌نسب (الباجی) از باند اصلاح طلبان حکومتی و نماینده مجلس از اهواز، شامگاه پنجشنبه در نشست با وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به وضعیت صنایع استان و مشکلات و چالش‌های آنها اظهار کرد: در حال حاضر بیشتر صنایع‌های بزرگ و کوچک استان و از جمله اهواز درگیر مشکل نقدینگی هستند که به طور حتم برای ادامه حیات صنعت استان نیاز اضطراری به تزریق نقدینگی دارند. وی ادامه داد: برخی از شرکت‌های صنعتی برای رفع معضل نقدینگی مجبور به استفاده از تسهیلات بانکی با سود بالا شده‌اند.

نماینده دولتی از اهواز در مجلس گفت: لوله‌سازی اهواز طی سال‌های گذشته برای حل مشکل نقدینگی موجود از تسهیلات بانک پاسارگاد با نرخ بهره بالا استفاده کرد و اصل تسهیلات که در ابتدا بالغ بر ۱۵۰ میلیارد تومان بود اکنون به دلیل عدم پرداخت اصل و بهره تسهیلات بدهی شرکت لوله‌سازی اهواز به بانک پاسارگاد به حدود ۶۰۰ میلیارد تومان رسیده است. کاظم‌نسب افزود: متأسفانه تا سال ۹۷ این بدهی به اندازه ارزش شرکت گردیده و این شرکت توسط بانک پاسارگاد تصاحب خواهد شد. کاظم‌نسب با اشاره به مشکلات واحدهای صنعتی دچار رکود و تعطیل شده در اهواز و مانند شرکت گروه ملی فولاد و ضرورت چاره‌جویی فوری برای حل مشکلات آن‌ها متذکر شد: اکنون مهم‌ترین مشکل در سطح شرکت‌های صنعتی متعلق به گروه ملی فولاد ایران با ۵۰۰۰ نفر پرسنل هست. وی ادامه داد: این شرکت زیر نظر قوه قضاییه اداره می‌شود و مقرر شده است که به مالکیت بانک ملی درآید که هنوز این اتفاق عملی نشده است. و اعتراف کرد که: بانک ملی به امید تملک شرکت گروه ملی فولاد حاضر نیست یک ریال نقدینگی و یا سرمایه به این شرکت تزریق کند. عضو کمیسیون کشاورزی مجلس افزود شرکت گروه ملی فولاد در حال حاضر با ۲۰ درصد ظرفیت فعالیت می‌کند تشریح کرد: شرکت گروه ملی فولاد به دلیل عدم تولید، بدهکاری و زیان انباشته به‌زودی ورشکست

می‌شود و معضل بزرگی برای منطقه ایجاد خواهد کرد بنابراین سریع‌تر این کارخانه تعیین تکلیف شود.

کازم‌نسب با اشاره به واگذاری شرکت تصفیه شکر اهواز نیز در چند سال گذشته به بخش خصوصی اعتراف کرد: واگذاری شرکت به بخش خصوصی سبب تعطیلی شرکت، اخراج کارگران و از دست دادن منبع درآمد صدها خانوار شد. وی افزود: متاسفانه شرکت‌های صنعتی به صورت علمی و کارشناسی به بخش خصوصی واگذار نمی‌شوند، در واقع این شرکت‌ها رهاسازی می‌شوند. این نماینده دولتی در حالیکه شریک سارقین حکومتی است، فریبکارانه خویش و باند دولت را تیرئه می‌ساخت. او افزود: شرکت‌های صنعتی واگذار شده به بخش خصوصی سودده هستند و به کسانی واگذار می‌شوند که سابقه اداره و یا فعالیت صنعتی ندارند اظهار کرد: این شرکت‌ها پس از خصوصی شدن ورشکست می‌شوند و این موضوع علاوه بر ایجاد آسیب‌های فراوان اقتصادی و اجتماعی از قبیل بیکاری، حاشیه‌نشینی، بزهکاری منطقه را با مشکلات امنیتی مواجه می‌سازند و مالکان این شرکت‌ها فقط به دنبال فروش املاک و مستقالات این صنایع هستند.

و اعتراف کرد که «در گذشته فولاد خوزستان قبل از خصوصی شدن میزان تولیدش بسیار بالا بود اما اکنون حجم تولید آن پایین آمده است... شرکت لوله‌سازی اهواز سودده بود اما اکنون به زیان‌دهی افتاده است، شرکت قند دزفول به بخش خصوصی واگذار شد و پس از مدت زمان کوتاهی دچار رکود شد و ده‌ها کارگر، بیکار و خانواده‌های آنان امنیت اقتصادی خود را از دست دادند... در سال گذشته شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه با ۲۴ هزار هکتار زمین، سه کارخانه جانبی و ۴ هزار نفر پرسنل به صورت قسطی و به یک مجموعه فاقد سابقه فعالیت در حوزه صنعت واگذار شد که به دلیل افت شدید تولید احتمال ورشکستگی و بیکاری هزاران کارگر وجود دارد. (۱۲۲) این گفتگوی انجام شده در سال

^{۱۲۲} (<http://www.farsnews.com/۱۳۹۵۰۹۲۵۰۰۱۳۰۴>)

۹۵، پرده نمایشی است از یک اعتراف و فریب و شعارهای دروغین باندها. کارگزار مجلس ارتجاع وابسته به باند دولت تلاش می‌کند رقبای سپاهی و عناصری در خلاء را مسئول ورشکستگی‌ها، ویرانی‌ها، بیکاری‌ها و این شرایط بشناساند. این یک فریبکاری نفرتناک و بسیار کهنه اما نخ‌نما از همه‌ی نمایش‌های رژیم اسلامی است.

امروز ۲۷ آبان ماه ۹۷ اعتصاب و همایش کارگران گروه ملی فولاد اهواز وارد نهمین روز خود شد. کارگران در برابر استانداری همایش کردند و با شعار ”نیشکر هفت تپه ما هستیم ما هستیم کنار هم می‌ایستیم” همبستگی طبقاتی خود را با کارگران هفت تپه اعلام کردند. کارگران شورایی هفت تپه در شوش در خیابان و در برابر فرمانداری با برخورداری از صف پیشتاز زنان کارگر به فراخوان اتحاد پاسخ دادند. دو اعتصاب بزرگ با هزاران کارگران همراه با خانواده‌های خود، با پیشاهنگی زنان و شعار شورا، دوش به دوش نمایش قدرتی شورانگیز را در خیابان‌های اهواز و شوش به آزمون گذاردند.

”کشور ما دزد خونه است، توی جهان نمونه است!”

” اینهمه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی!”

” فولاد هفت تپه اتحاد اتحاد!”

” همدستای مافیا استاندار و فرماندار!”

”نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره!”

”کارگر معلم اتحاد اتحاد!”

”کارگر میمیرد ذلت نمی‌پذیرد!”

”دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست!”

و در نماز جمعه با اشغال جایگاه نمایش فریب و نیرنگ، پشت به

پیشنماز و منبر و عکس‌های خمینی و خامنه‌ای با شعار:

پشت به دشمن رو به مردم!

و نصر من الله و فتح القریب، مرگ بر این دولت مردم فریب!

در برابر گارد ویژه، سازمان اطلاعات سپاه و دیگر نیروهای سرکوب ایستادند.

نیشکر هفت تپه

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه بر آثار به جای مانده در تپه باستانی از تمدن ایلام و در نزدیکی شهر تاریخی شوش دانیال و معبد چغازنبیل در ۴۵ کیلومتری جاده بین اندیمشک به اهواز بنا شده است. بهره‌برداری از نیشکر در این میدان به دوران باستان باز می‌گردد. آماده سازی برای بهره‌برداری نوین، به سال ۱۳۴۰ باز می‌گردد و در سال ۱۳۵۴ بطور رسمی با نام شرکت، دارای اختیار انجام عملیات کشاورزی برای تولید نیشکر و ایجاد صنایع و فراورده‌های وابسته ثبت گردید. این مجتمع در پی حاکمیت اسلامی سرمایه در دست دولت بود. کارگران، حرکت‌های اعتراضی خود را سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، با شعار:

«ما کارگر هفت تپه‌ایم، گرسنه‌ایم، گرسنه‌ایم» آغاز کردند. پرداخت نشدن دستمزدها به مدت سه ماه پی در پی، نخستین واکنش اعتراضی کارگران را انگیزه داد. ماه‌های فروردین، خرداد، شهریور، مهر و اسفند سال ۱۳۸۶، این اعتصاب‌ها و حرکت‌های اعتراضی به اشکال گوناگون ادامه یافت. بست‌نشستن در کارخانه، همای شو بست نشستن در برابر ارگانهای دولتی از جمله استانداری، فرمانداری و راهپیمایی در شهر، بستن جاده اندیمشک به اهواز، نمایان شد.

خواست‌های کارگران:

۱. پرداخت سه ماه دستمزد عقب افتاده
۲. پایان دادن به پرونده‌سازی‌های دروغین و پایان دادن احضار فعالان کارگری به دادگاه
۳. برکناری مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت و انتقال مسئولیت به دولت

۴. برکناری رئیس حفاظت و حراست

۵. برپایی سندیکای مستقل کارگری

خبر فروش هزار هکتار از ۱۲ هزار هکتار اراضی کشاورزی این کارخانه، در سال ۱۳۸۷ به‌بخش خصوصی، پیش درآمد مصادره زمین‌ها و کشتزارها و دارایی این مجتمع به دست سران حکومتی بود. کارگران در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷؛ با انتشار خواسته‌های خود به واکنش پرداختند. مافیای شکر از جمله خریداران این مجتمع بود. سال ۱۳۸۶ کارخانه نیشکر هفت‌تپه با افزون بر ۳۷۰۰ کارگر، به بهانه خصوصی سازی به باندهایی از حکومت واگذار شد. مدیریت جدید، به این بهانه که کارخانه در آستانه واگذاری به بخش خصوصی است، از پرداخت دستمزدها و حقوق کارگران و کارمندان خودداری کرد. در واکنش به خصوصی سازی و نیز پرداخت نشدن دستمزدها، کارگران به برپایی اعتصابات گسترده دست زدند.

در بیست و یکم خرداد سال ۸۷ کارگران در برابر فرمانداری شوش دست به تظاهرات زدند و در بیست‌وهشتم خرداد همان سال جاده اندیشک - اهواز را بستند، رئیس حراست را از کارخانه بیرون انداختند و چندین مدیر را نپذیرفتند تا سرانجام روند خصوصی‌سازی به آینده واگذار شد.

کریم، یکی از کارگران این کارخانه می‌گوید: اجرای اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی، بهانه‌ای است برای واگذاری این کارخانه به افراد خاص. وی واگذاری را با مافیای شکر در ارتباط دانسته و می‌افزاید: «تعرفه‌ی ورودی گمرکات شکر از چیزی حدود ۱۲۰ درصد به ۴ درصد کاهش پیدا کرد. این بدین معناست که آن کسانی که می‌توانند کار دلالی بکنند، یعنی مافیای شکر ایران، به راحتی می‌توانند شکر را با قیمت خیلی پایین‌تر وارد بکنند. بنابراین تولید شکر به طور اساسی ضربه خواهد خورد. دوم این‌که در قالب اصل ۴۴- قصد داشتند این کارخانه را، خصوصی که نه، در واقع اختصاصی بکنند و به کمترین قیمت به کسانی که می‌خواهند واگذار بکنند. اینجور مواقع شروع می‌کنند به تعویق انداختن حقوق کارگران که بعد کم‌کم

بگویند که این کارخانه سوددهی ندارد و بعد هم بهانه می‌کنند و شروع می‌کنند به فروختن اموال و اثاثیه، و چوب حراج به کارخانه می‌زنند و دست آخر هم به کسی که خودشان دوست دارند واگذار می‌کنند».

نیشکر هفت تپه

دشت‌های خوزستان که روزی از آب‌ها فراوان و زندگی بخش سرشار بود و همیشه آماده برای کشت دوبر در سال، اینک به ویرانی محکوم شده است. ۲۴ هزار هکتار از این زمین‌های در هفت تپه، مهد تمدن ایلام، در زیر کشت نیشکر است سه کارخانه در این مجموعه قرار دارد، کارخانه‌های نیشکر، کاغذ پارس و قند دزفول.

گزارش‌گری در بازدید از محل، می‌نویسد: «...هنگام ورود به منطقه حداقل باید ۱۰ دقیقه جاده‌ای آسفالت‌ه را در کنار نی‌زارها با اتومبیل پیمود تا به کارخانه رسید، هنگام ورود به کارخانه دوربین‌ها را از ما می‌گیرند تنها اجازه حمل موبایل‌هایمان را داریم آن‌هم با تعهد "عکاسی ممنوع" می‌گویم: "مگر منطقه نظامی است؟" مسوول حراست لبخند می‌زند و می‌گوید: "نیمه‌نظامی". به درب ورودی کارخانه اصلی می‌رسیم. به زنان توصیه می‌شود مواظب لباس‌های‌شان باشند، شهد (آب‌شیرین‌نی‌شکر) از طبقات بالای کارخانه به پایین می‌ریزد، کف کارخانه را باید مواظب بود چون بسیار لغزنده است.

کارخانه ۵ طبقه است بیش‌تر به تکنولوژی قرن ۱۹ می‌ماند، اما از تاسیس کارخانه بیش از ۵۰ سال نمی‌گذرد. در این مدت تکنولوژی آن تغییری نکرده است. طبقات پالایشی نی‌شکر بر روی هم سوار شده است و کارخانه به‌صورت عمودی است این تکنولوژی تولید چه به‌لحاظ محیط‌زیست، تصفیه‌ی فاضلاب و تهویه و بهداشت امروزه منسوخ است، چنین کارخانه‌هایی می‌تواند در ۵ واحد افقی سالم‌تر و بهداشتی‌تر و بدون تخریب محیط‌زیست بنا شود. از داخل کارخانه عبور می‌کنیم تا به ابتدای خط تولید برسیم. راهنما شروع به توضیح دادن می‌کند، تراکتورها مدام

نی‌شکر را برای تغذیه کارخانه می‌آوردند، با دیدن ما رانندگان تراکتور و نی‌برها به‌دورمان جمع می‌شوند. چهره‌های آفتاب سوخته‌ی فرزندان کار، دست پینه بسته. همه‌ی آن‌ها اهل لرستان هستند. نی‌برها بیشتر کارگران فصلی هستند. اغلب دور از خانواده برای کار شش ماهه به این جا می‌آیند. اما تا با این کار سخت هزینه‌ی زندگی سالانه‌ی خانواده‌شان را تامین کنند. اما اکنون پس از ماه‌ها کار طاقت‌فرسا باید با دست خالی پیش زن و فرزند برگردند و شرمنده‌ی آن‌ها باشند. می‌گویند بنویسید صدای ما را به‌گوش مسوولان برسানید، هفته گذشته یکی از رانندگان سرپیچ با بریدن محور تراکتور و وارد شدن فرمان در شکمش فوت کرد، هر ماه از این حوادث داریم، در گرمای ۵۰ درجه در این صحرا زیر آفتاب کار می‌کنیم، کار ما هیچ کمتر از قبل نشده است اما ۴ ماه است که حقوق نگرفته‌ایم، عیدی و سالانه هم دریافت نکرده‌ایم. نمی‌دانیم این همه نی‌شکر که به خورد این کارخانه می‌دهیم کجا می‌رود، ما که کمکاری نمی‌کنیم. با همان مقدار تغذیه که در سال‌های قبل صورت می‌گرفته.

تولید کارخانه بیش از ۱۰۰ هزار تن شکر در سال بوده است، اما می‌گویند امسال ۳۰ تا ۴۰ هزار تن است، بقیه‌ی شکرها چه شده است؟ بیست و چهار هزار هکتار زمین است، اگر پیاز هم بکاریم با این حاصل‌خیزی و با این آب فراوان، مخارج چندین برابر این پرسنل ۳۵۰۰ نفری را می‌شود تامین کرد. «... گزارشگر ادامه می‌دهد:

«...مسوول فنی بخش توضیح می‌دهد: در این‌جا کارخانه دارای نقص فنی است. بخشی از شیرهای نی‌شکر از تقاله جدا نمی‌شود. گرد نشسته بر دریچه‌ی کاغذ پارس شیرین است، می‌توانید از آن برای چای شیرین استفاده کنید می‌گوییم چرا؟ می‌گویند نیاز به تعمیر دارد. متخصصین فنی این بخش را از دو سال پیش تاکنون بازنشسته و بازخیر کرده‌اند. کسی را هم جای‌گزین نکرده‌اند. چند سال پیش کارخانه بیش از ۷۰۰۰ پرسنل داشت اما اکنون به ۳۵۰۰ نفر تقلیل یافته است. هیچ توضیحی هم برای آن نیست بعضی از نیروهای متخصص مجدداً با حقوقی پایین‌تر و با قرارداد موقت به‌کار گرفته

شده‌اند اما بیشتر آن‌ها رفته و اوضاع کارخانه به هم‌ریخت. به جای کارگران متخصص، کار تعمیرات را به پیمان‌کاران واگذار می‌کنند. پیمان‌کارانی که با چند برابر هزینه هم نمی‌توانند به خوبی کارگران متخصص قبلی کار کنند. اما در عوض پول‌های کلان می‌گیرند و قراردادهای سودآور با مدیریت داشتند، کارگران متخصص این بخش توان تعمیر و بازسازی ماشین‌آلات قدیمی را دارند، اما مدیریت از این‌کار جلوگیری می‌کند. مدیریت افرادی را آورد که متخصص نبودند، هزینه‌ی گزافی به تعمیرکاران وابسته به مدیریت دادند، اما تجهیزات جدید به‌خوبی کار نمی‌کنند...»

و «... بخشی از دستگاه‌ها که خراب شده و خودشان تعمیر کرده‌اند را نشان‌مان می‌دهد، تغییر کاربری هم روی دستگاه‌ها داده‌اند. کارگران متخصص هستند که بیش از بیست سال بر روی این دستگاه‌ها کار کرده‌اند.

پله‌های آهنی میان طبقات بسیار زیاد است. این پله‌ها اصلاً ایمنی ندارند و بسیار لغزنده می‌گویند: چندی پیش کارگری از این پله‌ها سُرخورده است و... اما با همه این احوال کار کارخانه با سروصدای فراوان و با خروج دود از دودکش‌هایش جریان دارد، سروصدا کلافه‌کننده است. ماشین‌ها صفرکشان شهد شیرین را وارد دستگاه‌ها می‌کنند. دستگاه‌ها با سرعت آن را تصفیه کرده و می‌پزند و با بخار و حرارت فراوان آن را خشک می‌کنند و در سانتیفرادهای دوار می‌گردانند. شکر شیرین تولید می‌کنند. این شکر را به مخزن‌ها می‌رسانند و در آخرین قسمت به محل بسته‌بندی. اما کام کارگرانی که تمام این پروسه را هدایت می‌کنند، تلخ است. زیرا در این فضای خفه‌کننده، امنیت شغلی ندارند و فردای آنان تاریک است. می‌خواهند کارخانه را بفروشند، خصوصی کنند. کارگران از ترس تعطیلی کارخانه روز دوم عید دستگاه‌ها را راه‌اندازی کردند و...

ما شورای وابسته نمی‌خواهیم!

«مسئول بسته‌بندی که نماینده‌ی شورای اسلامی کارخانه است، شیوه‌ی کار این قسمت را توضیح می‌دهد او که یک کارگر متخصص است. دستگاه دیجیتال بسته‌بندی کارخانه را خود بازسازی کرده است و می‌گوید:

در اعتصابات سال قبل یکی از خواسته‌های کارگران رسیدگی به میزان تولید کارخانه و حسابرسی بود. این دستگاه دیجیتال نشان می‌دهد که چند کیسه شکر از کارخانه خارج شده است. اما انبار کارخانه این دستگاه را قبول ندارد و همواره میزان شکر دریافتی را کمتر اعلام می‌کند. مثلاً اگر دستگاه ما بسته‌بندی ۳۰۰ کیسه شکر را نشان دهد، انبار رقم ۲۰۰ کیسه را ثبت می‌کند این وسط ۱۰۰ کیسه شکر معلوم نیست چه می‌شود. مدیریت هم آمار انبار را قبول دارد. ما خواهان بازرسی هستیم، اما بازرسی نمی‌فرستند. می‌پرسم: شورای کارخانه چه کار می‌کند؟ می‌گوید: شورا از سال ۸۵ تمام شد، نماینده نداریم. افراد شورا را خودشان تعیین می‌کردند، آن‌ها نماینده‌ی کارگران نبودند، من خودم عضو شورای اسلامی بودم پس از آخرین دوره‌ی کار شورا استعفا دادم زیرا نمی‌شد به آن ترتیب کار داد. اعضای شورا باید به تائید مدیریت می‌رسیدند، ما در اعتصابات اخیر خواهان سندیکا شده‌ایم که نماینده کارگران باشد. ما شورای وابسته نمی‌خواهیم، زیرا این شورا نمی‌تواند نماینده‌ی کارگران باشد وقتی عده‌ای از کارگران را دستگیر کردند، آن‌ها گفتند که ما باید سندیکا داشته باشیم، اما مسوولان گفتند سندیکا غیرقانونی است گفتیم شما مقاول‌نامه‌های بین‌المللی را پذیرفته‌اید، با ILO هم تعهد نامه امضا کرده‌اید که تشکل کارگری را بپذیرید ولی آن‌ها به ما گفتند: امضا کرده‌ایم اما تعهد نداده‌ایم که اجرا هم بکنیم؟!، ما را تهدید کردند. گفتیم: "گرسنه‌ایم! چند ماه است حقوق نگرفته‌ایم." گفتند: "بروید بمیرید!؟" شما که ۴ هزار نفرید، اگر ۱۰ هزار نفر، باشید، حرف همین است. بروید بمیرید، گرسنگی بکشید، به دولت چه ربطی دارد. اعتصاب حرام است و طبق قانون کار سندیکا غیرقانونی است و ..."

می‌خواهند کارخانه را ورشکسته اعلام کنند

ما را تهدید می‌کنند. خانواده‌های ما را تحت فشار قرار می‌دهند. بستگان ما را تهدید به اخراج از کار کردند، ما چیزی جز حقوق‌مان را نمی‌خواهیم. الان هم همان را می‌گوییم. این کارخانه درآمد دارد، ما هم

داریم کار می‌کنیم، آماری که مدیریت می‌دهد درست نیست. مدیریت ناکارآمد است. می‌خواهند کارخانه را ورشکسته اعلام کنند. سپس زمین‌ها و دستگاه‌های آن را به قیمت ارزان به بخش خصوصی واگذار کنند. صحبت از اصل ۴۴ قانون اساسی می‌کنند و می‌گویند که همه چیز باید خصوصی شود. این کارخانه سودآور است. از آب و خاک شکر و کاغذ می‌سازیم. چرا باید این وضع وجود داشته باشد؟

از سال ۸۳ که مسئله خصوصی‌سازی مطرح شد عده‌ای را بیش از موعد بازنشسته کردند، این مساله باعث وارد آمدن ضرر و زیان بزرگی به شرکت شد بسیاری از این نیروها کارآمد و متخصص بودند این بازنشستگی‌ها باعث بدهی به سازمان تامین اجتماعی شده. کارگران در این مورد چنین می‌گفتند مگر نه این‌که این‌ها همه دولتی هستند، یعنی دولت به دولت بدهکار است؟ چه‌طور وقتی کارخانه سودآور بود، ۲۰ درصد درآمد کارخانه صرف اتمام طرح‌های عمرانی شد. تمام طرح‌ها را با پول ما تمام کردند چه‌طور است حالا نمی‌توانند بدهی ما به سازمان آب و برق و تلفن را ببخشند. علاوه بر آن بدهی آب و برق و گاز کارخانه مجموعاً به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد تومان می‌رسد آن زمان مدیریت کارخانه از دولت وامی تحت عنوان بازسازی کارخانه دریافت کردند و از طرفی سند کارخانه را گرو گذاشتند و از یک شرکت عربی در دبی وام گرفتند تا بدهی‌ها را پرداخت کنند برای بازپرداخت این وام‌ها بحث فروش زمین‌های کارخانه. و تعدیل نیروی سه هزار نفر از پرسنل کارخانه که اکثراً نیروهای متخصص بودند باعث شد تا برای تعمیرات دستگاه‌ها به شرکت‌های پیمان‌کاری مراجعه کنیم که آن‌هم هزینه‌ی زیادی داشت و همان‌طور که گفتیم بسیاری از دستگاه‌ها بی‌دلیل تعویض شد، دستگاه‌های گران‌قیمت ناکارآمدی خریده شد.

از جمله در قسمت برق کارخانه، دو ژنراتور خریداری شد که اصلاً کار نمی‌کنند. یک‌ساعت که روشن باشند داغ می‌کنند. همان ژنراتورهای قدیمی را با کمک کارگران متخصص این بخش راه اندازی کرده‌ایم.»

زمین‌ها را اجاره دادند

«به‌هرحال برای دریافت پول نقد، سه هزار هکتار از اراضی کارخانه را جهت کشت گندم اجاره دادند، که البته بیش‌تر به دوستان و آشنایان، مدیران کارخانه و رئیس حراست و غیره بود. مشکلات کارخانه با این تغییرات جدید یکی پس از دیگری شروع شد، تولید کارخانه پائین آمد، نیروی متخصص برای تعمیر و بازسازی دستگاه‌ها نبود، اراضی تحت کشت کاهش یافت و...»

تولید این کارخانه در دهه ۷۰ با مدیرعاملی متخصص به نام نبوی با همکاری کارگران به ۱۱۰ هزار تن رسیده بود. همکاری کارگران در آن زمان توانسته بود از شیوه‌های علمی کشت بهره‌گیری کرده با شخم عمیق‌تر زمین و استفاده از سموم دفع آفات و نظارت کارگران بر تولید، بهره‌وری را بالا برده و به راحتی تولید را افزایش داده بودند پس از آن دوره، مدیریت از کارگران فاصله گرفت و سیاست‌های خصوصی‌سازی، انسجام کارخانه را از هم پاشاند. اگر همان وضعیت ادامه پیدا می‌کرد ما می‌توانستیم ماشین‌آلات کارخانه را بازسازی کرده، تولید را افزایش دهیم و تعداد بیش‌تری کارگر را استخدام کنیم اما سیاست‌های خصوصی‌سازی همه آن‌ها را بر هم زد. هم‌زمان با مدیریت نامناسب و واردات بی‌رویه شکر از جانب دولت باعث ضرر و زیان کارخانه شد یعنی از یک‌طرف تولید را کاهش دادند و از طرف دیگر شکر ارزان وارد کردند. در نتیجه کارخانه‌ای که می‌توانست در طرح توسعه، ده‌ها هزار نیروی کار را جذب کند اکنون به این حالت افتاده است که حقوق کارگران خودش را نمی‌تواند بدهد. تولید ۱۱۰ هزار تن شکر کارخانه سال به سال کاهش داشته است علتش روشن است اما هیچ‌کس پاسخگو نیست. ما حرف‌مان این است که کسی بیاید و پاسخگو باشد.»

فروش کشتزارها

«رابطه‌ی بین مدیران و پیمان‌کاران مشخص نیست اصلاً در این زمینه رسیدگی نمی‌شود کارگران کار خودشان را می‌کنند هیچ‌گونه کم‌کاری صورت نمی‌گیرد این کارخانه مال ما است فقط مدیریت کارش را انجام نمی‌دهد. چندی قبل مدیریت می‌خواست زمین‌های کارخانه را بفروشد که کارگران با اعتراض در فرمانداری و با حضور نماینده‌ی شهر از آن جلوگیری کردند، اما مدیران بعداً کارگران را تحویل نیروهای امنیتی دادند. ما می‌گوییم هنگام فروش یک خانه باید آن را تروتمیز کرد رنگ زد و آنرا طوری آرایش کرد که خریدار ببسند، ولی این‌ها برای فروش کارخانه سعی می‌کنند آن را خراب کنند، از کار بیاندازند و مخروبه و ورشکسته جلوه دهند تا آن‌را هرچه کمتر بفروشند آخر این حراج اموال مردم است. می‌خواستند کارخانه را به چند عرب که از دبی آمده بودند بفروشند اما وقتی آن‌ها با اعتصاب کارگران مواجه شدند از خرید منصرف شدند.

اکثر مدیرانی که اکنون بر سر کار هستند در رشته‌ی خود تخصص ندارند این مساله باعث خسارت زیادی به کارخانه می‌شود بعضی اوقات شربت وارد لوله بخار شده و لوله‌ها می‌ترکد که علاوه بر خطرات جانی هر بار نزدیک به ۴۰ میلیون تومان هزینه تعمیرات و توقف‌کار است... کارگران متخصص خودمان می‌توانند مشکلات را حل کنند اما مدیریت اجازه نمی‌دهد و می‌گوید حتماً باید پیمان‌کار بیاید. پیمان‌کارها تخلف می‌کنند و چون با مدیریت آشنا هستند کسی رسیدگی نمی‌کند برای آبیاری با یک پیمان‌کار قرارداد بسته بودند اما بعداً معلوم شد به‌خاطر عدم رسیدگی بخش‌های میانی مزارع آبیاری نشده است و فقط اطراف مزارع آبیاری شده، در نتیجه برداشت محصول کاهش یافته و به ۸ تن در هکتار رسید....

کارگران در اعتراض به وضعیت کارخانه در دو سال گذشته بیست بار اعتصاب کردند.

اولین اعتصاب‌ها در سال ۸۶ مربوط به دریافت حقوق‌های عقب افتاده بود که بعد از سه ماه حقوق ما را دادند در آن موقع اعتصاب از

محدوده‌ی کارخانه فراتر رفت ما به شهر آمدیم شعار ما آن بود، "کارگر هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم" "نماینده بی‌عرضه نمی‌خواهیم" "فرماندار نمونه نمی‌خواهیم"، فرماندار گفت ۱۰ روز مهلت بدهید، تا ده روز دیگر حقوق عقب افتاده ما چهار ماه می‌شد بعد مصادف شد با روزهای شهادت، همه جا خواسته‌های ما را منعکس کردند که لازم است تشکر کنیم از دوستانی که اخبار اعتصاب ما را پخش کردند و درخواست‌های ما را به‌گوش همه رساندند بعد از ما خواستند که چون فردا روز قدس است به شهر نیاییم زیرا افرادی هستند که از این مساله سوءاستفاده می‌کنند.

ما پنج‌شنبه به شهر آمدیم، نیروهای انتظامی ریختند ما را زدند و دستگیر کردند اما تعدادی را که دستگیر کرده بودند زود آزاد کردند. کسانی را دستگیر کردند که در دوران جنگ اسیر بودند. جنگ را باید پیش می‌بردیم. از این کارخانه چند نفر در جنگ شهید شده‌اند. چند بار کارخانه مورد حمله قرار گرفت. ترکش خمپاره‌ها هنوز بر در و دیوار کارخانه هست. قبرستان شهدا همین نزدیکی است.»

ارگان مستقل طبقاتی

«ما سندیکا می‌خواهیم. شورای اسلامی دیگر منحل شده است شورا نمی‌تواند نماینده کارگران باشد زیرا باید داوطلبان به تائید مدیریت برسند، ما می‌خواهیم نمایندگان واقعی را خودمان انتخاب کنیم تا از حقوق کارگران دفاع کند و جلوی سوءمدیریت را بگیرد جلوی خلاف‌کاری را بگیرد. بر قرارداد و پیمان‌کاری‌ها نظارت کند. ما می‌خواهیم طبق ماده ۱۳۱ قانون کار پیش برویم. ما گفتیم طبق قانون اساسی تمام تشکل‌های کارگری آزاد است، گفتند اگر بخواهیم شرکت هفت‌تپه را تعطیل می‌کنیم.

... سندیکا حق است چرا کارگران نباید نماینده داشته باشند برای ما پرونده درست کرده‌اند، اگر نتوانیم حق قانونی خودمان را به‌دست آوریم پس قانون به چه درد می‌خورد؟

- در آخرین اعتصاب چه می‌خواستید.

عیدی و پاداش سال ۸۶ را می‌خواستیم ۱۸ ماه است مزایای طرح طبقه‌بندی مشاغل را نگرفته‌ایم صدای ما کمتر به گوش کسی می‌رسد بیش‌تر اعتراضات در سطح کارخانه است. تا آن‌جا که بتوانیم تولید را تعطیل نمی‌کنیم. مگر آن وقت که مجبور باشیم.

کارگران رسمی را اخراج می‌کنند و سپس با آن‌ها قرارداد موقت می‌بندند، تا حق و حقوق آنان را ضایع کنند، شکایت پیش چه کسی ببریم باید سندیکا داشته. باشیم کارگران موقت را رسمی نمی‌کنند، ۸-۹ سال قرارداد موقت می‌بندند، در حالی‌که کار ما دائمی است. این خلاف قانون است ما هر طور شده سندیکای خودمان را راه‌اندازی می‌کنیم و می‌خواهیم انتخابات داشته باشیم و نمایندگان خودمان را تعیین کنیم. می‌خواهند با اعلام ورشکستگی شرکت آن‌را به قیمت ارزان بفروشند. اما قیمت این شرکت بالا است، زمین‌های حاصل‌خیزی داریم که اگر درست کاشته شود محصول بسیار زیادی خواهد داشت کارخانه هم با بازسازی توان تولید بالایی دارد. اگر کارخانه را به‌دست کارگران بدهند می‌توانند به‌خوبی اداره کنند و سوددهی هم داشته باشد و توسعه هم پیدا کند، اما کو گوش شنوا.

ما می‌توانیم راه‌کار ارائه دهیم، سه تا دستگاه می‌خواستند برای قسمت مکانیکی بخرند می‌شد ۹۰۰ میلیون تومان، اما فاکتور زده بودند. دو میلیون و چهارصد هزار تومان. یکی از مهندسان نگذاشت. جلویش را گرفتند. اگر نظارت کارگران باشد، اگر کارگران در مدیریت نقش داشته باشند، تولید شکر بالا می‌رود، هزینه‌ها پائین می‌آید. الان شکر را بسیار ارزان می‌فروشند کیلویی ۳۷۰ تومان به خریدار می‌دهند طبق قراردادهایی که بسته‌اند در حالی‌که شکر در بازار قیمتش بیش از آن است ما می‌توانیم با برنامه‌ریزی تولید را به ۱۲۰ هزار تن در سال برسانیم و هزینه‌ها را با نظارت خودمان کاهش دهیم. ۳ تا ۴ هزار هکتار زمین را الان کشت نمی‌کنیم در حالی‌که می‌توانیم از آن‌ها بهترین محصول را برداریم درآمد کارخانه را می‌توانیم تا ۴۰۰ میلیارد تومان افزایش دهیم. مشکلات می‌تواند

برطرف شود، تنها با مدیریت صحیح. هیچ سرمایه‌ای هم نمی‌خواهیم. اگر جلو سوءمدیریت و حیف و میل‌ها گرفته شود کارها درست می‌شود. س- آیا می‌توانید کارخانه را به سوددهی برسانید و با بازار جهانی رقابت کنید:

ج- قطعاً اگر ماشین‌آلات قدیمی را بازسازی کنیم، که خودمان می‌توانیم، و کشت را طبق اصول علمی پیش ببریم تولید افزایش می‌یابد و محصول شکر هم ارزان‌تر می‌شود کاغذ پارس از ضایعات این کارخانه است با مدیریت صحیح می‌توانیم با بازار جهانی رقابت کنیم کارخانه را هم توسعه دهیم و ماشین‌آلات را هم بازسازی کنیم. بسیاری از دستگاه‌ها که در جریان جنگ و بمباران تخریب شده بود، به‌وسیله‌ی همین کارگران متخصص خود کارخانه بازسازی می‌شد، آن زمان به کارگر احترام بیشتری می‌گذاشتند، کارگران هم کارخانه را مال خودشان می‌دانستند. خرابی‌های دوران جنگ را خودمان بازسازی کردیم. هیچ شرکت خارجی نیامد، اما الان می‌گویند پیمان‌کار و ...

ماشین‌های قبلی با لوله مسی بود. شکر سفید بیرون می‌آمد اما این ماشین‌های جدید با شلنگ است در نتیجه شکر زرد بیرون می‌آید ما گفتیم، اما مدیریت نخواست این مساله را تشخیص دهد کسی هم نیست که به حرف ما کارگران گوش بدهد. این شرکت نه بدهی دارد نه فرسوده است، نه خراب است. دست ما بدهند، ما به اندازه کافی کارگر متخصص داریم. مهندس دل‌سوز داریم و به‌هیچ کس نیاز نداریم. دستگاه‌ها را ما خودمان درست می‌کنیم آن‌گاه پاداشش را به دیگران می‌دهند و آزادی عمل هم به ما نمی‌دهند تا آن‌طور که لازم است درست کنیم. یک بار آب را قطع می‌کنند دادگستری دستور می‌دهد چون بهای آب را نپرداخته‌اند، برق را قطع می‌کنند باز هم به‌دستور دادگستری، تولید می‌خواهد مدیریت مقصر است. کارگران و کارخانه تنبیه می‌شوند.

حرف ناگفته زیاد است...»

سال ۹۷ کارگران همچنان در اعتصاب و همایش‌های دوره‌ای. مارش پرشکوه کارگران به سوی شورا در هفت تپه و شوش با پژواکی تا فولاد و هپکو و سندیکای کارگران اتوبوس‌رانی و شوراهای صنفی آموزگاران و اتحاد بازنشسته‌گان و دانشجویان. دو هفته از خروش دیگر بار کارگران می‌گذشت، روز ۲۷ کارگران، با سخنان اسماعیل بخشی نماینده شورایی^(۱۳) کارگران نیشکر هفت تپه، با مارش پرخروش شورایی آغاز می‌شود. و در برابر کارگران، گارد ویژه و درهای بسته که در هم نور دیده می‌شوند. اسماعیل بخشی سخنان خود را اینگونه آغاز می‌کند: “ما زیباترین اعتصابی که تا اکنون امکان داشته، بدون خشونت و بدون آسیب زدن به چیزی انجام داده ایم. حتی اعتصاب ما آنقدر زیبا و باشکوه بوده که مردم شوش، بازاریان، دانشجویان، معلمین هم به ما پیوستند.” (کف زدن جمعیت). و می‌افزاید: “حالا می‌بینیم دولت به جایی که به داد ما برسد، روز به روز دارد بی مورد یگان ویژه را به شوش می‌آورد و حالا با اسلحه به اینجا آورده است.” سپس خطاب به نیروی گارد ویژه می‌گوید “نمی‌دانم شما چگونه به روی مردمان اسلحه گرفته‌اید. مگر ما چه گفته ایم. شما هم از ما هستید. شما فرزند این سرزمین هستید.” ... “آقایان! ما الان می‌خواهیم با ماشین هایمان برویم به سمت فرمانداری. اگر اجازه دادند، کاری نکردند. سوار شدیم رفتیم که هیچ. اگر نه دست‌هایمان را به هم گره می‌زنیم، حرکت می‌کنیم و می‌رویم جاده را می‌بندیم.” کارگران دوباره با کف زدن ممتد سخنان او را مورد تایید قرار می‌دهند. بعد از آن اسماعیل بخشی خبر میدهد و می‌گوید: “آقایان کمی صبر کنید. از مدارس می‌خواهند بیایند پیش ما. بازاریان، دانشجویان، معلمان همه به ما پیوسته اند. فردا هیچکس کارت نزنند و برادرانی که در شوش و حومه هستند. مستقیم جلوی فرمانداری.” کارگران با همایش شکوهمند و پر قدرت در برابر فرمانداری، ایستاده‌اند. با شعارهای طبقاتی و همبستگی:

“معلم، کارگر، اتحاد، اتحاد!”

^{۱۳}(<https://www.youtube.com/watch?v=^LTOCNvgvLI>)

گزارش می‌شود که اسماعیل بخشی همراه با محسن آرمند یکی دیگر از نمایندگان کارگران و یک زن خبرنگار در این روز دستگیر می‌شوند. و ساعاتی بعد دیگر نمایندگان که شمارشان تا ۱۸ نفر گزارش شده است. سپیده قلیان به همراه اسماعیل بخشی و سپس علی نجاتی به شکنجه‌گاه می‌برند.

مافیای شکر در ایران

بسیاری از کارخانه‌های تولید شکر ایران در فردای انقلاب اسلامی به همراهان خمینی از جمله خانواده آیت‌الله مکارم شیرازی واگذار شد. سال ۱۳۸۵ دولت «عدالت‌محور» احمدی نژاد در مشورت با امام زمان در چاه جمکران، در اقدامی به نفع بازار رقابتی اعلام کرد که دیگر به تولیدکنندگان شکر داخلی سوبسید داده نخواهد شد. تعرفه گمرکی از ۱۳۰ درصد باید به ۴ درصد نزدیک به صفر می‌شد تا دلالان به سود هنگفت برسند. محمد علی پسر آیت‌الله مکارم تاجر، و دامادش جواد مدلل، با برخورداری از حوزه علمیه قم و آیت‌الله مکارم، مافیای شکر را فرماندهی کردند.

غلامحسن بهمنی، دبیر انجمن صنفی کارفرمایی تصفیه‌کنندگان شکر، گزارش داد که از ۱۴ کارخانه تصفیه کننده شکر تنها ۵ واحد از آنها تصفیه شکر است و ۹ واحد دیگر تبدیل شکرخام به قند را انجام می‌دهند. از این مجموعه، ۹ واحد به تعطیلی کامل کشانیده شده‌اند. زیرا سال گذشته تنها ۱۶۲ هزار تن شکرخام در دسترس کارخانه‌های تصفیه کننده قرار گرفت، این در حالی است که نیاز سالانه آنها حداقل ۶۰۰ هزار تن تخمین زده می‌شود.^(۱۲۴) در ادامه سیاست ویران‌سازی تولید داخلی شکر، این نماینده بخش خصوصی، با اشاره به اینکه تاکنون ۳ هزار و ۵۰۰ کارگر بی‌کار شده‌اند، افزود: چرا مجوز واردات، تنها به کسانی داده می‌شود که مدعی شکر هستند؟ این مجوز باید در اختیار کارخانه‌های تصفیه‌کننده

سلطان-واردات-شکر -- ۳۰۷۷۶۵۸/۶۲/۳ (https://donya-e-eqtasad.com/۶۲/۳) ^{۱۲۴}
ایران-کیست

باشد. ان درحالی است که مهر فرد با ارائه گراف، اعتراف می‌کند: سال ۸۵ بیش از دو و نیم میلیون تن واردات شکر صورت گرفته، در صورتی که مصرف، بسیار کمتر از این مقدار بود. صفر شدن تعرفه، همین نتایج را در بر داشت و این یعنی حمایت از کشاورزان و صنعتگران خارجی. برنامه زنده تلویزیونی گفت‌وگوی ویژه خبری، هر ۴ شرکت‌کننده، در برابر پرسش مجری برنامه، مبنی بر اینکه "سلطان واردات شکر کیست؟" سکوت کردند. مهر فرد پافشاری داشت که نیاز کشور به طور سالانه به این محصول، ۲ میلیون و ۱۵۷ هزار تن و سرانه مصرف نیز ۲۸ کیلوگرم به ازای هر نفر است. با توجه به اینکه در ۳ سال گذشته، تولید با رشدی قابل توجه همراه بوده، یک میلیون و ۵۱۰ هزار تن شکر در داخل کشور تولید شده و بر این اساس، نیاز ما به واردات، چیزی حدود ۵۰۰ هزار تن در سال خواهد بود.

اما دبیر انجمن صنفی کارفرمایی تصفیه کنندگان شکر، آمار مطرح شده از طرف قائم مقام وزیر را مردود می‌شمارد و مدعی است که نیاز داخلی در سال حداقل ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تن است و نتیجه می‌گیرد که نزدیک به ۳۰۰ هزار تن اختلاف در واردات بین مسوولان دولتی و بخش خصوصی وجود دارد. این در حالی است که مهر فرد، قاطعانه از ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تن شکر ذخیره شده در انبارها به عنوان ذخیره استراتژیک نام می‌برد و می‌گوید: علاوه بر آن، ۲۰۰ هزار تن از این محصول، هم‌اکنون روی آب است و تا روزهای آینده در بنادر تخلیه می‌شود. به همین دلیل وقتی سرانه مصرف به صورت ماهانه بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تن باشد، تا نیمه‌های شهریور که تولید شکر داخلی به بازار عرضه می‌شود، هیچ کمبودی نخواهیم داشت»

آیت‌الله مکارم و مصباح به دولت فشار آوردند تا پرداخت سوبسید به شکر داخلی را قطع کند، تا هیچ رقیبی برای مافیای شکر در ایران نباشد. تولید شکر داخلی گران تمام شد سوبسید را قطع کردند. با درهم شکستن تولید داخلی و اخراج کارگران صنایع شکر، سونامی بیکاری و ویرانی

صنعت قند و تولید چغندر قند و سایر رشته‌های وابسته، آغاز شده بود. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ تنها در مجتمع کشت و صنعت چغندر قند دزفول - که بزرگترین مجتمع تولید قند و شکر خاورمیانه است - ۳۵،۰۰۰ کارگر اخراج شدند.

در سی‌ام دیماه ۸۶، دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی به دروغ در پاسخ به نامه جمعی از مقلدانش در استان آذربایجان شرقی مافیای شکر، موضوع را تکذیب کرد. در اردیبهشت ۸۷، عباس پالیزدار، دبیر هیأت تحقیق و تفحص مجلس هفتم از قوه قضاییه، در افشاگری بی‌سابقه‌ای در دانشگاه ابوعلی سینای همدان درباره "سلطان شکر"، از داماد آیت‌الله مکارم، یعنی مدلل و چند نفر دیگر نام برد. پالیزدار به زودی به اتهام برهم زدن امنیت ملی به ده سال زندان محکوم شد.

محمدرضا مکارم درباره گفته‌های آقای پالیز دار گفت: "برادرم محمدعلی تاجر است، و تجارتش مطلقاً به دولت وابسته نیست. او و شرکایش گاهی برای وارد کردن شکر اقدام می‌کردند. برادرم گاهی از خارج شکر وارد می‌کرد. و چند بار ضرر فاحش کرد. البته سودهایی هم برده‌اند. زمین‌های زیرکشت چغندر در ایران کم است و کارخانه‌ها بیش از ۱۰٪ چغندر داخلی در اختیار ندارند. به من می‌گفت در ازای شکر حام به ما پول نمی‌دهند؛ فقط در ازای شکر فرآوری شده. و به من پیشنهاد داد که اگر می‌توانی در شیراز برای من مشتری پیدا کن. این که می‌گویند دامادهای آیت‌الله مکارم شیرازی در کار شکر هستند درست نیست. پدرم یک داماد بیشتر ندارد - آقای مشکوة، که در اصفهان به تدریس قرآن به صورت آکادمیک مشغول است." این آیت‌الله زاده دروغ شرعی می‌گوید. پدرش دارای چند همسر است و آقای مدلل تاجر «داماد» به معنای رسمی به شمار نمی‌آید، زیرا که با خواهر ناتنی پسر آیت‌الله مکارم ازدواج کرده است. محمدرضا مکارم می‌گوید شخصی به این نام نمی‌شناسد: "لفظ «داماد» دایره وسیعی دارد و به افراد مختلفی در خاندان اطلاق می‌شود.

شاید داماد یکی از خواهرها یا برادرهای آیت‌الله بوده؛ ولی شوهرخواهر بنده نیست."

برای پرورش طلبه و مسموم سازی اندیشه و مغز جامعه، و نیز ماندگاری حاکمیت انگل‌ها، حوزه‌ها و بسیج و سپاه بودجه‌ای کلان می‌خواهند. محمدرضا مکارم می‌گوید هزینه‌های بیت آیت‌الله و مدرسه، شهریه طلاب و تلویزیون ولایت و بقیه شبکه‌های وابسته به او، همه و همه از وجوهات مردمی تأمین می‌شود. وی انتصاب مجتمع کشت و صنعت چغندر قند دزفول به آیت‌الله مکارم شیرازی را تکذیب می‌کند، و می‌گوید آیت‌الله درآمدی از کارخانه، واردات، صادرات، و غیره ندارد. آشکار شده است که جواد مدلل، داماد آیت‌الله، تاجر برخوردار از رانت ۶۵۰ میلیون یورویی به دستور مستقیم نعمت زاده در دولت حسن روحانی، اداره‌کننده کارخانه‌های متعدد صنایع روغنی در وزارت کشاورزی است، از جمله کارخانه قند و شکر دزفول و پیران‌شهر، کارخانه روغن نباتی نازگل، آب معدنی کوه‌رنگ. همسر مدلل، دختر آیت‌الله مکارم شیرازی از فریه ترین آیت‌الله‌های دخمه‌های قم، از یکی از همسران اوست. آیت‌الله مکارم با یکی از همسرانش در صفائیه قم و زن دوش در شهرک سالاریه ق زندگی می‌کند.

خانواده مدلل در باند مافیای حکومتی نقش جنیاتکارانه‌ای دارند. مسعود برادر جواد مدلل، با شرکت در این مافیا، ثروتمندترین اعضای مافیای حکومتی به شمار می‌آید، از جمله مافیای خوراک دام. کارخانه قند و شکر دزفول و تأسیسات و انحصار واردات شکر در دست خود آیت‌الله مکارم شیرازی و خانواده مدلل و مکارم، همه کارگزاران آیت‌الله.

عباس پالیزدار در افشاگری‌اش از مافیای شکر به نام محمدرضا یوسفی، به‌سان سومین فرد همدست مافیا نام برد. روز ۲۵ دی ۱۳۹۱ خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس) در یک خبر دورغین، برای زدودن نام مافیای شکر از مکارم‌شیرازی، در خبری با اشاره به نام م. بی. نوشت سلطان شکر ایران درگذشت. در پی انتشار اخبار مبهم درباره مرگ او،

برای محمد رضا یوسفی قرار منع تعقیب صادر شد. او تنها یکسال را در زندان گذراند، و با دستور مستقیم آیت‌الله خامنه‌ای آزاد شد. او کارگزار باند مافیایی سلطان شکر، آیت‌الله مکارم شیرازی بود.

در کنار سلطان شکر، سلطان‌های دیگری در این سرزمین باندها سلطانی می‌کنند.

یحیی آل اسحق، از باند اصولگرایان، رییس پیشین اتاق بازرگانی پس از مرگ حبیب‌الله عسکر اولادی، رئیس کمیته امداد خمینی/ سیدعلی خامنه‌ای و رئیس حزب موتلفه از سال ۹۱ در رقابت با باند روحانی- دولتی‌ها می‌گوید: «در ایران و در ارتباط با تجارت خارجی به ویژه واردات که سالانه ۷-۸ میلیارد دلار است دارای سلطان هستیم، مثلاً سلطان شکر، سلطان برنج، سلطان ذرت و... این افراد در نظام واردات دارای اقتدار هستند و با اقتدار خود به صورت انحصاری یا شبه‌انحصاری عمل می‌کنند.»^{۱۲۰} او از سلطان سلطانان رهبر خویش نامی نمی‌برد. و باند موتلفه که خود در پست اتاق بازرگانی سالها سلطانی کرده‌اند نیز نامی نمی‌برد.

نام سلطان گوشت را از آنجا که به سپاه گره خورده و از سویی با بیت رهبری، در هراس از پی‌آمدهای افشای نام‌وی، حتا با حرف اول نام و فامیلی ردی به دست نمی‌دهند. او ۱۷ شرکت و هلدینگ را در تصاحب دارد و سهم امام می‌پردازد، انحصار واردات همه نوع گوشت، خوراک دام و مرغ را دریافت کرده، قیمت گوشت را او در ایران تعیین می‌کند و صدها تولیدی رقیب و خرد و میانه را ورشکسته می‌سازد و دام و دامپوروری در ایران را نابود می‌سازد. رسانه‌ها تنها به این اشاره می‌کنند که: «او اگر بخواهد می‌تواند یک دقیقه ای همه این کنجاله‌ها را وارد کشور کند. این فرد کسی است که بانک مرکزی درباره او به بانک

همه-جور-سلطان-داریم- /-۲۱۸۳۶۶/۲۴news/news/ (https://www.saat^{۱۲۰})
سلطان-شکر-سلطان-برنج-سلطان-ذرت-و

کشاورزی نامه نوشته مبنی بر اینکه این پانزده شرکت که وابسته به این شخص، همسر، پسر و دختر وی می باشد اینقدر بدهی بانکی دارد و با این فرد معامله نکنید؛ اما بازم با او معامله کردند... • این فرد سلطان گوشت ایران است. چون واردات نهاده های دامی در اختیار این فرد است و با تغییر قیمت نهاده ها بر روی قیمت گوشت تاثیر می گذارد.

سلطه سپاه و خامنه‌ای بر صدا و سیما

سازمان صدا و سیما یکی از بزرگترین رسانه‌های جهان از دید حجم کارکنان است. بنا بر قانون اساسی ایران و اصل ۱۱۰ قدرت سیاسی خامنه‌ای، رئیس صدا و سیما توسط رهبر انتخاب می‌شود. این سازمان که در حکومت شاهنشاهی، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران نامیده می‌شد و در دست حکومت بود. شمار کارکنان این سازمان در سراسر کشور تا اواخر سال ۱۳۹۵ افزون بر پنجاه هزار نفر گزارش شده است.

بودجه سازمان صداوسیما در سال ۹۶ به میزان ۱۰۰۲ میلیارد تومان اعلام شد که با افزایشی نزدیک به ۸۳ میلیارد تومان در سال جاری به ۱۰۸۵ میلیارد تومان رسیده است اما هیچ نظارتی بر بودجه این نهاد تبلیغی و ترویجی حکومت اسلامی نیست و هیچ گزارشی از درآمدهای کهکشانی این بنگاه از جمله از محل پخش آگهی‌های بازرگانی و وو در دست نیست. دانشگاه صدا و سیما، دانشکده صداوسیما - قم و هنرستان صداوسیما از جمله پایگاه‌های آموزشی و تامین نیروی این شبکه دروغ را به عهده دارند. صدا و سیمای حکومتی، وظیفه شستشوی مغزی را بر عهده دارد و به «دستگاه تولید دروغ» شهرت دارد. بودجه سازمان صدا و سیما در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ حدود ۴۰۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده، این در حالی است که بنا به گفته دکتر علی‌عسگری، رئیس این سازمان، فقط بودجه شبکه‌ای مانند بی‌بی‌سی به بیش از ۶۰۰۰ میلیارد تومان می‌رسد و

سازمان برای اداره ۶۲ شبکه تلویزیونی و ۸۳ شبکه رادیویی، نیاز به بودجه‌ی بیشتری دارد.^(۱۲۶)

این شبکه بیش از دویست شبکه علنی و پوششی تلویزیونی به زبان‌های مختلف برون مرزی نیز دارد. از جمله مشهورترین:

شبکه‌های برون‌مرزی شبکه جهانی جام جم (برای فارسی زبان در اروپا، آمریکا، آسیا و اقیانوسیه)

شبکه سحر ۱ (به زبان ترکی آذربایجانی)

شبکه سحر ۲ (به زبان اردو و انگلیسی)

شبکه سحر ۳ (به زبان کردی)

شبکه سحر ۴ (به زبان فرانسوی و بوسنیایی)

شبکه العالم (شبکه خبری عربی)

شبکه الکوثر (شبکه معارف به زبان عربی)

پرس تی‌وی (شبکه خبری انگلیسی)

هیسپان تی‌وی (شبکه اسپانیایی)

آی‌فیلم عربی (شبکه فیلم و سریال به زبان عربی)

آی‌فیلم انگلیسی (شبکه فیلم و سریال به زبان انگلیسی)

آی‌فیلم ۲ (شبکه فیلم و سریال به زبان فارسی دری)

به علاوه دهها شبکه مانند پرس تی‌وی، آپارات به کارگردانی حسین ده‌باشی، عنصر امنیتی، همدست حسین شریعتمداری در کیهان، عضو «شورای عالی فرهنگی، سرکوب فرهنگی و حاکمیت سانسور و خفقان ووو که خود را تاریخ‌شناس و مستند ساز نیز می‌نامد و به جرم جعل مدرک دکترا از آمریکا اخراج شد وووو از دیگر شبکه‌های تبلیغی و ترویجی حکومت اسلامی به شمار می‌آیند.

^{۱۲۶}(<http://www.asriran.com/fa/news/۵۲۶۲۲۱>)

نقش سپاه پاسداران در سوداگری مواد مخدر

پیشینه‌ی فعالیت سپاه در تجارت و سوداگری و قاچاق مواد مخدر به زمان جنگ ایران و عراق باز می‌گردد. حکومت ایران در دوران هشت ساله جنگ به شدت به پرداخت هزینه‌های سنگین جنگ افزارها و برآورده سازی آن‌ها از بازار سپاه برای شعله‌ورسازی تنور جنگ نیاز به هزینه پردازی سنگینی داشت. حکومت اسلامی با استفاده از مصونیت‌های دیپلماسی و امکانات و برخورداری از تسهیلات گسترده‌ی لجستیکی زمینی، دریایی و هوایی به سوداگری مرگ دست زد. سوداگری مواد مخدر از آمریکای لاتین تا بازارهای آمریکای شمالی و اروپا و آسیای جنوب شرقی و خاور میانه میدان‌های گسترده‌ی این فعالیت‌های سپاه و حکومت اسلامی ایران بودند. پس از جنگ ۸ ساله تا کنون این سوداگری نه تنها کاهش نیافت بلکه به‌سان یک منبع بزرگ تامین تروریسم حکومتی و جنگ نیابتی، بعد از نفت و گاز بزرگترین سرچشمه سپاه و نیروهای امنیتی حکومت را تشکیل می‌دهد.

با توجه به آمار، افغانستان نزدیک به ۷۴ درصد خشکخاش جهان را تولید می‌کند و ایران یکی از شاهراه‌های هروئین و تریاک این کشت به دیگر کشورها می‌باشد گزارش‌ها و تحقیقات و نیز برخی دستگیری‌های برون مرزی در ترکیه و یا آذربایجان، نقش سپاه پاسداران به ویژه، شاخه برون مرزی لشکر قدس آن، غیر قابل انکار است.

سپاه پاسداران با دریافت فتوای خمینی از همان آغاز جنگ حکومت‌های ایران و عراق به قاچاق مواد مخدر پرداخت. این قاچاق کاربردی دو منظوره‌ی اقتصادی و سیاسی داشت. به اینگونه که هم بسیار درآمد درآمدا بود و هم جوانان را به ویژه زمینگیر می‌ساخت. از همین روی، مصرف و خرید و فروش انواع مواد مخدر سنتی و صنعتی گسترش یافت. مدارس و آموزشگاه‌ها، زندان‌ها، پارک‌ها و هر کوی برزن بازار داغ مواد مخدر ارازن، بسیار آشکاری بودند.

روزنامه «دویچه وله- آلمان» در اواخر سال ۲۰۱۱ با استفاده از افشاگری ویکیلیکس نوشت: «درآمد سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر به اروپا بالغ بر چندین میلیارد یورو است. بر اساس این اسناد، مواد مخدر توسط ایران به آذربایجان منتقل می‌شود و از آنجا به اروپا صادر می‌گردد.»^{۱۲۷} گزارش شد که هرئینی که از ایران به آذربایجان صادر می‌شود، از بیست هزار کیلوگرم در سال ۲۰۰۶ به ۵۹ هزار کیلوگرم در یک چهارم اول سال ۲۰۰۹ رسیده است.

روزنامه واشینگتن پست نیز در گزارشی در اواخر سال ۲۰۱۱ اعلام کرد سپاه قدس با حزب الله لبنان و کارتل‌های قاچاق در آمریکای لاتین در تجارت و ترانزیت مواد مخدر در سراسر جهان نقش مهمی دارد. حزب الله لبنان در قاچاق مواد مخدر در همدستی با سپاه نقش اساسی دارد.

روزنامه انگلیسی تایمز در شماره ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ به گزارش یکی از مقامات پیشین اطلاعاتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران از نقش مرکزی سپاه پاسداران در قاچاق مواد مخدر پرده برداشت. روزنامه تایمز همچنین بنا بر گزارش سخنگوی دولت آمریکا افزود: «واحدهای قدس سپاه پاسداران ایران در تبنانی با یک کارتل بزرگ مواد مخدر در مکزیک قصد داشته سفیر عربستان را در واشنگتن به قتل برسانند.»

دو تن از فرماندهان شناخته شده‌ی سپاه پاسداران که در قاچاق مواد مخدر نقشی اساسی دارند فرمانده سپاه پاسداران ایران در تهران بزرگ، به نام سردار عبدالله عراقی و دیگری سرتیپ غلامرضا باغبانی «از فرماندهان نیروی قدس سپاه پاسداران ایران» شناسایی شدند که با باندهای تبهکار به ویژه در اروپای شرقی پیوند دارند. سردار مرتضی رضایی و سردار باغبانی در لیست سوداگران مواد مخدر قرار دارند و پی‌گرد اف‌بی‌آی آمریکا هستند.

نقش-احتمالی-نهادهای-دولتی-در-قاچاق-(<https://www.dw.com/fa-ir/>)^{۱۲۷}
a-۱۶۵۲۰۰۷۴/مواد-مخدر

سردار مرتضی رضایی در پیوند با ژنرال ارتش امارات متحده عربی با فرماندهی حفاظت و اطلاعات ارتش امارات و سپس فرمانده ستاد مشترک ارتش با فرماندهان و مقامات رده بالای سازمان القاعده ارتباط می‌گیرد. این پیوند در همکاری اطلاعاتی و امنیتی بین سازمان القاعده و سردار مرتضی رضایی بسته می‌شود. این همکاری استفاده از امکانات نیروی دریایی سپاه و چند کشتی دیگر را پیش روی می‌گذارد و خرید مواد مخدر از القاعده در جنوب پاکستان آغاز می‌شود. بنادر پاکستان تحویل کشتی‌های سپاه پاسداران شده را بارگیری کرده و به سوی بندرهای داخلی و خارج از ایران و نیاز داد و ستد روی آب روانه می‌سازد.

مرتضی رضایی با سوداگری مرگ به سودی هنگفت دست می‌یابد و از ترانزیت اختصاصی و انحصاری مواد مخدر برای سپاه پاسداران حکومت اسلامی در شرکت با طالبان و القاعده به بهای نابودی افغانستان و ایران، به درآمدی کهکشانی دست می‌یابند. این سردار سپاه متخصص قاچاق، در قاچاق و تجارت عتیقه جات و آنچه به فرهنگ و تاریخ جامعه مربوط است، قاچاق نفت خام عراق از خلیج فارس، چاپ دینار تقلبی عراقی و وو نیز می‌پردازد. روزنامه دویچه وله آلمان، گزارش می‌دهد که «رئیس سازمان بازرسی کل کشور به طور تلویحی از دست‌داشتن برخی نهادهای جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر خبر داده است. او در عین حال تایید کرده که دور زدن تحریم‌ها بر شدت فساد و رانت‌خواری در ایران افزوده است.»^(۱۲۸) این اعتراف مصطفی پورمحمدی، رئیس سازمان بازرسی کل کشور که از منفورترین مهره‌های و امنیتی و دستیار وزارت اطلاعات، در دهه ۶۰ و ۷۰ و وزیر کشور روحانی می‌باشد. وی در کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ نقش مستقیم داشت.

نقش-احتمالی-نهادهای-دولتی-در-قاچاق-(<https://www.dw.com/fa-ir/>)^{۱۲۸}
a-۱۶۵۲۰۰۷۴-مواد-مخدر

سپاه و قاچاق هروئین به نیجریه

در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۹ مقامات دولتی نیجریه اعلام کردند که ۱۳۰ کیلو گرم هروئین در کالاهایی که از ایران وارد نیجریه شده بود، کشف شده است، مقصد نهایی این کالا اروپا بود. جدا از این چند روز پیش از این کشف، در آبان ماه ۱۳۸۹ نیروهای امنیتی نیجریه از بازداشت ۱۳ کانتینر حاوی سلاح غیر قانونی که از ایران آمده بودند خبر داد. احمدی نژاد در پست ریاست جمهوری باید منوچهر متکی، وزیر امور خارجه‌اش (وابسته به باند رهبری را که مدتی بعد روی هوا در حالیکه به مأموریت کنیا رفته بود برکنار کرد و به خامنه‌ای دهن کجی کرد) را به نیجریه بفرستد تا به گونه‌ای رژیم را از تنگنای دیگری نجات دهد و دو خبر را «سوء تفاهم» اعلام کنند. با این همه، نیروهای امنیتی نیجریه مأمور رژیم را همراه محموله‌ها دستگیر و جلودوربین آورده بودند. مقامات نیجریه، رسماً لشکر قدس سپاه پاسداران را مسئول قاچاق مواد مخدر و اسلحه به نیجریه دانستند. نامهای «عظیم آقا جانی و سید احمد تهماسبی» که از فرماندهان لشکر قدس سپاه هستند، از جمله‌ی نامهایی بودند که برملا شد.

قاچاق سپاه در آذربایجان

اسناد ویکیلیکس نشانگر نقش ایران در قاچاق مواد مخدر به جمهوری آذربایجان می باشد.

بی بی سی فارسی در گزارش خود در تاریخ ۲۰۱۲/۰۶/۱۳ به نقل از ویکیلیکس می نویسد: «سند محرمانه ای که تاریخ آن به ۲۰۰۹/۰۶/۱۲ باز می‌گردد، از دست داشتن مسئولانی در سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در قاچاق مواد خدر به جمهوری آذربایجان سخن گفته است. این سند که از سفارت آمریکا در باکو صادر شده، خاطر نشان می‌کند میزان.

گزارش روز ششم ماه می ۲۰۱۱ شبکه ان تی وی ترکیه از دستگیری ۲۵ عضو یک باند قاچاق مواد مخدر در آذربایجان(باکو) خبر داد. ۸ نفر از آنها از کارمندان محلی سفارت ایران در باکو بودند که از عضویت و از فعالیتهای

سپاه پرده برداشتند. رژیم سراسیمه از درخواست بازگرداندن آنها و حکم اعدام آنها را وعده داد. دولت باکو آنها را به ایران تحویل داد. چیزی نگذشت که بار دیگر از دستگیری آنها به اتهام قاچاق مواد مخدر در آذربایجان گزارش داده شد. سپاه قدس در سفارتخانه‌های رژیم اسلامی انبار مواد مخدر و ترمینالی برای قاچاق هروئین به ویژه به اروپا برپا کرده بود.

سپاه و کشتزارهای خشخاش در افغانستان

«آژانس خبری ثبوت» وابسته به کشور افغانستان در گزارش تحلیلی خود در تاریخ ۲۴/۰۵/۲۰۱۱ با عنوان «معضل حل ناشدنی مواد مخدر در افغانستان» گزارش داد: از زمان سقوط حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ تا اکنون نه تنها کشت و قاچاق این مواد (مخدر) در افغانستان کاهش نیافته بلکه دهها مرتبه افزایش داشته است. این نشان دهنده این است که مشتری بزرگی جهت خرید و فروش مواد مخدر وارد عرصه شده است.

در واقع سطح کشت از ۸۰۰۰ هکتار در سال ۲۰۰۱ به ۱۲۳۰۰۰ هکتار تا سال ۲۰۱۰ افزایش یافت. «خبرگزاری ثبوت افزود: ایران سیاستی را در پیش گرفته که کشت مواد مخدر را در افغانستان تشویق می‌کند و از تولید آن حمایت می‌کند. بعد از آن نیروهای اطلاعاتی سپاه به شیوه خاص خود مواد مخدر را وارد ایران می‌کنند و سپس این مواد را راهی بازارهای جهانی می‌کنند. علاوه بر آن سپاه پاسداران جهت کنترل مرز با افغانستان دیوار بلندی از «تاسوکی» تا بندر «شغالی» ساخته و در پهلوی این دیوار خندقی حفر نموده که عبور از منطقه را ناممکن ساخته است و جهت عبور نیروهای ایرانی جاهای معینی گذاشته است و از این طریق کنترل و قاچاق مواد مخدر به داخل ایران را در دست دارد...»

در ادامه این گزارش به چگونگی ورود مواد مخدر به ایران چنین اشاره شده بود: کل مواد مخدر به ۳ صورت وارد ایران می‌شود: یکی از طریق زمینی که ۴۰ تا ۵۰ نفر با پای پیاده هر کدام چند کیلو مواد را حمل می‌کنند و از رباط تا شیراز ۴۰ روز پیاده روی می‌کنند. راه دومی از

طریق کاروانهای ۵۰ تا ۱۰۰ موتوری (ماشین) می باشد. راه سوم از طریق هوایی است...»

برآورد می شود که ۶۰ درصد مواد مخدر تولید شده در افغانستان پس از ورود به ایران به هروئین و مرفین تبدیل و سپس به وسیله شبکه‌ی مافیای مواد مخدر سپاه قدس به کشورهای اروپایی، آسیایی، آمریکا و کانادا ترانزیت می‌شود. در آمد سپاه از این سوداگری مرگ، میلیاردها دلار برآورد شده است. این درآمد کهکشانی به بهای به نیستی کشانیدن صدها هزاران انسان، برای گسترش سپاه سرکوب و ویرانی و جنگ و تروریسم و نیز گنج اندوزی دلالان حاکم بر ایران پس از نفت، سرشارترین سرچشمه درآمد سپاه قدس و حزب‌الله لبنان را را برآورده می‌سازد.

قاچاق شیشه در جنوب شرق آسیا

بنا گزارش سایت «زنان پرس» در تاریخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۰ «در اواخر سال ۲۰۱۰ روسای سازمان‌های مبارزه با مواد مخدر کشورهای جنوب شرق آسیا در سی و پنجمین نشست خود رسماً اعلام کردند که، ایران به یکی از مبادی ورودی ماده مخدر شیشه تبدیل شده است.» گزارش ادامه می‌دهد که: مقامات تایلندی و ژاپنی از قاچاق شیشه به وسیله‌ی عناصر ایرانی چنین خبر می‌دهند که «یک پنجم خارجی‌های غیرمقیم که در رابطه با شیشه دستگیر می‌شوند، شهروندی ایرانی دارند.

پلیس مالزی با دستگیری ۵ ایرانی نزدیک به ۷۵ کیلوگرم و پلیس سری‌لانکا با دستگیری دو تن دیگر نزدیک ۱۶ کیلوگرم شیشه کشف کرده بود.» در اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) یک باند ده نفره از قاچاقچیان شیشه در اندونزی دستگیر شدند. در این میان آنان ۸ دختر چادری و با حجاب اسلانی ایرانی بودند که این محموله قاچاق همراه آنان به ارزش ۱۲ و نیم میلیون دلار برآورد شد.

بررسی‌ها نشان دادند که این محموله از مرزهای هوایی ایران و از گذر سوریه و مالزی به کشور اندونزی وارد می‌شوند. از جمله راه‌های ترابری مواد مخدر به وسیله‌ی شبکه مافیایی سپاه پاسداران، استفاده از پیک‌های پوششی زائران زینب و دیگر قبرهای وابستگان به پیشوایان مذهبی و دیگر جاذبه‌ها به سوریه، لبنان، ترکیه و عراق می‌باشد. فرودگاه «امام خمینی» در تهران در کنترل کامل سپاه پاسداران و نیز برخورداری سپاه از خطوط هوایی مستقل به خویش ترانزیت مواد مخدر و سلاح را به ویژه در آسیا بسیار ساده ساخته است. با توجه به روابط بسیار فعال سیاسی و اقتصادی و نزدیک سپاه و حکومت اسلامی با کشورهای کانونی مواد مخدر در آمریکای لاتین، مانند کلمبیا، مکزیک، ونزوئلا و ووو پولشویی، جابجایی مواد مخدر و توزیع آن در بازارهای جهانی، به یاری حزب الله در پیوند با کارتل و سندیکاهای مواد مخدر مکزیکو به ویژه با برخورداری از مصنویت‌های دیپلماتیک، سرچشمه‌های سرشاری برای تروریسم حکومتی و ماندگاری این حکومت را امکان پذیرتر می‌سازد. از همین روی حکومت اسلامی و به ویژه باندهای سپاه و خامنه‌ای تا آنجا که بتوانند از پیوستن به پیمان فاتف FATF جلوگیری می‌کنند.

گزارش پلیس دایره مواد مخدر ایالات متحده آمریکا: «از پاییز سال ۲۰۰۸ حداقل ۱۱۱ مظنون از یک شبکه بین‌المللی مواد مخدر و پولشویان وابسته به حزب الله در عملیات مدیریت اجرای مواد مخدر دستگیر شده‌اند.» ترانزیت مواد مخدر از جمله به وسیله‌ی دو شرکت هوایی آسمان و ماهان ایر در ایران و نیز دیگر کشورهای پیرامون انجام می‌گیرد. فرماندهانی از سپاه، ریاست هواپیمایی ماهان ایر و آسمان و یا کنترل ایران ایر را به عهده دارند. خط هوایی ماهان در انحصار سپاه پاسداران ایران است و سردار کریمی ریاست هواپیمایی ماهان ایر، نماینده سپاه و فرماندهی قاچاق مواد مخدر از سپاه پاسداران با این خط هوایی به کشورهای اروپایی، حوزه خلیج پارس و شرق آسیا می‌باشد. سرپاسدار کریمی، سالها مسئولیت های اطلاعاتی بسیاری

داشته است. بر مبنای همین پیشینه است که وی برای عملیات برون مرزی حکومت اسلامی برگزیده شده است.

روز دوشنبه (۲۸ فوریه/ ۹ اسفند سال ۱۳۹۶) ماموران گمرک فرودگاه بین‌المللی خمینی در تهران، در یک هواپیمای اختصاصی که در چین بارگیری شده بود، ۲۹ تن تریاک کشف کردند. روزنامه جام جم، ارگان حکومتی صدا و سیما به توجیه ناچار شد بنویسد یکی از بانک‌های ایران با گشایش اعتبار هزینه این محموله را پرداخت کرده است. محمدرضا شانه‌ساز، معاون دارویی وزارت بهداشت حکومت اسلامی بدون اینکه از سفارش دهنده‌گان ۲۹ تن تریاک نامی ببرد اعلام کرد که تریاک کشف شده، برای تولید دارو وارد شده. حمیدرضا حسین‌آبادی، رئیس مبارزه با مواد مخدر نیز به خبرگزاری ایسنا [دانشجویان ایران] گفت: «ورود این مقدار مواد مخدر برای تولید دارو تاکنون در ایران سابقه نداشته است.» و افزود: «تا به حال مواد مخدری که از قاچاقچیان ضبط می‌شده، به مصرف داروسازی می‌رسیده است...» دوپچه وله، بخش فارسی رادیو آلمان، از قول یک افسر مبارزه با مواد مخدر حکومت اسلامی گفت: «اگر می‌خواهید اهمیت ۲۹ تن تریاکی را که در ایران کشف شده دریابید، باید بدانید که مصرف تریاک یک معنادر روز بین ۱ تا ۲ گرم بیشتر نیست. بنابراین هر یک کیلو تریاک مصرف روزانه دست کم ۵۰۰ معنادر را تامین می‌کند. و ۲۹ تن تریاک برابر با مصرف ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲۹ میلیون معنادر در یک روز است.»

تحریم‌های برهه‌ی نخست دوره‌ی اوباما، بیش از پیش مجوز دوران طلایی را به سپاه سپرد تا بیشترین امکانات اقتصادی، سیاسی و لوجیستیکی خود را در ترافیک مواد مخدر و قاچاق و پولشویی به کار گیرد. ویکی‌لیکس در ماه ژانویه امسال یکی از تلگراف‌های دیپلماتیک آمریکا را فاش کرد که در آن ادعا شده بود، ایران به یکی از بزرگترین صادرکنندگان مواد مخدر تبدیل شده و سپاه پاسداران در این امر نقشی فعال دارد.

نشریه آلمانی دویچه وله (DW) در تاریخ ۲۱ ژانویه امسال نوشت: «تلگرافی که ویکی لیکس به آن اشاره کرده، یک تلگراف سری است که روز ۱۲ ژوئن سال ۲۰۰۹ از سفارت آمریکا در باکو به وزارت خارجه آمریکا مخابره شده است. در این تلگراف قید شده مقدار هروئینی که از ایران به جمهوری آذربایجان صادر می‌شود، از ۲۰ تن در سال ۲۰۰۶ تنها در سه ماهه نخست سال ۲۰۰۹ میلادی به ۵۹ تن رسیده است.»^{۱۹} سفارت آمریکا در باکو با استناد به گزارش‌های محرمانه بازرسان مواد مخدر سازمان ملل متحد، در تلگراف خود نوشته است که ۵۹ درصد هروئین موجود در آذربایجان از ایران به این کشور وارد می‌شود و آذربایجان نیز آن را به بازار اروپا می‌فرستد. «برپایه اسناد ویکی لیکس، در تلگراف دیگری به تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۹ به نقل از «خلف خلف‌اف» وزیر امور خارجه سابق جمهوری آذربایجان آمده است: «قاچاق مواد مخدر به وسیله سازمان‌های امنیتی ایران انجام می‌شود.» وزیر خارجه پیشین آذربایجان گفته است: «وقتی قاچاقچیان ایرانی دستگیر و تسلیم این کشور می‌شوند، به سرعت از زندان آزاد می‌شوند.» بنا بر اسناد منتشر شده از سوی ویکی لیکس، آذربایجانی‌ها با شنود مکالمات تلفنی توانسته‌اند ثابت کنند که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، در تبدیل تریاک افغانستان به هروئین و صدور آن دخالت مستقیم دارند. نشریه دی‌ولت آلمان، در شماره ۲۱ ژانویه امسال خود نوشته است: «سفیر ایران در سازمان ملل متحد قبلاً گفته بود که ۸۹ درصد تولید جهانی تریاک در افغانستان صورت می‌گیرد و بیشترین بخش آن وارد مرزهای ایران می‌شود.

بیشتر نیز شامگاه ۱۷ خرداد سال ۱۳۸۸، یعنی پنج روز پیش از برگزاری دور دهم انتخابات ریاست‌جمهوری، سرپاسدار محسن رضایی دبیر که یکی از جوکرهای همیشگی نامزدهای انتخاباتی است، در گفتگو با

نقش-احتمالی-نهادهای-دولتی-در-قاچاق-(<https://www.dw.com/fa-ir/>)^{۱۹}
مخدر-مواد-16020074/a

شبکه اول سیمای حکومت اسلامی، اعتراف کرد که «بخشی از قدرت حاکمه ایران در این مافیا نقش دارد.»^(۱۳۰)

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه

«نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه پاسداران، حجت‌الاسلام علی سعیدی شاهرودی زیر نظر مستقیم خامنه‌ای از بودجه‌ای عظیم برخوردار است. وی از دست پروردگان آیت‌الله احمد جنتی و محمدتقی مصباح یزدی در «مدرسه حقانی» است. سعیدی با سلاح سپاه فرمان دارد و می‌گوید: «باید زمینه رفتن مردم به بهشت را فراهم کنیم». او «حفظ سوریه و بشار اسد» را «خط قرمز» نظام می‌داند.

وی برای نظارت بر سپاه از سوی خامنه‌ای، روزی ۲۵۸ میلیون تومان یا در سال ۱۳۹۷، «۹۴ میلیارد و ۱۹۸ میلیون تومان» بودجه از دولت حسن روحانی دریافت کرد.

بودجه «نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه پاسداران» در نخستین سال ریاست جمهوری حسن روحانی یعنی در سال ۱۳۹۳، برابر با ۱۵ میلیارد و ۶۹۳ میلیون تومان بوده است. در سال ۹۷ این بودجه ۶ برابر شده است. علی سعیدی نماینده خامنه‌ای در سپاه، ۳ تیرماه ۹۱ در مراسم انتخاب کتاب سال سپاه در واکنش به انتقادهایی از فعالیت های اقتصادی قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه گفته است: «سپاه وارد پروژه های اقتصادی می شود که بخش خصوصی امکان رقابت با آن را ندارد و کمتر وارد این عرصه می شود». علی سعیدی، نماینده آیت‌الله علی خامنه‌ای در سپاه پاسداران در مصاحبه با خبرگزاری فارس گفته بود: «فعالیت سیاسی، از وظایف سپاه است و این تفاوت جوهری سپاه با ارتش است» و افزوده بود که «به رغم القانات دشمن، سپاه باید با توجه به شرایطی در برخی مسائل ورود پیدا کند.»^(۱۳۱) این بودجه برای نظارت خامنه‌ای بر سپاه و

کشف ۲۹-تن-تریاک/farsi.iranbriefing.net (۱۳۰)

^(۱۳۱) (<https://www.radiofarda.com/a/۲۴۹۰۱۰۱۰.html>)

انتقال سیاست‌ها و هماهنگی‌ها و حل اختلافات بین سپاه و بیت رهبری با سرداران سپاه چندان هم عظیم نیست.

لایحه بودجه سال ۹۷ تغییراتی به نسبت بودجه سال ۹۶ داشته است. کاهش بودجه یارانه‌های نقدی، کاهش بودجه عمرانی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و افزایش عوارض و مالیات‌ها، عمده ترین تغییرات لایحه بودجه سال ۹۷ است. این گزارش به تغییرات این لایحه در حوزه نظامی و دفاعی کشور می پردازد.

افزایش قابل توجه بودجه سپاه

حسن روحانی با سابقه‌ای نظامی و امنیتی نزدیک به ۳۶ ساله در سپاه و شورای عالی امنیت رژیم، با نشانیده شدن در راس قوه اجرایی حکومت اسلامی از سال ۱۳۹۲، وظیفه داشت تا به افزایش پلکانی بودجه ارگان‌های سرکوب پردازد. وی تا سال ۹۶ در پایان دوره چهارساله‌اش بودجه نهادهای سرکوب را افزون بر ۸۶ درصد بالا برد.

مجتبی ذوالنوری نماینده قم و فرمانده سابق تیپ امام جعفر صادق وابسته به حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران و رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی مجلس دهم، هنوز معترض است و مدعی است بودجه نهادهای نظامی در سال ۹۷ افزایش نداشته و مجلس اسلامی باید این بودجه را افزایش دهد. وی در این باره گفت: «معتقدم در بخش‌هایی بودجه دفاعی سال ۹۷ افزایش و در بخش‌هایی شاهد محدودیت آن هستیم و در بخش‌هایی هم حذف داشته‌ایم. اما در مجموع این بودجه مشابه بودجه سال ۹۶ است. با توجه به تهدیدات و تحولات منطقه، قطعاً نمایندگان مجلس در زمان بررسی بودجه در کمیسیون تلفیق تغییراتی را به نفع بودجه نیروهای مسلح خواهند داشت.»^(۱۳۲) جدول زیر تنها بخش علنی و نه بودجه‌های سری و اضطراری را نمایان می‌سازند.

^{۱۳۲} (<https://www.darsahn.org/۱۳۹۶/۰۹/۲۷/bodge-nezami-keshvar-jibe-sepah/>)

جدول زیر ردیف‌های سهمیه سپاه پاسداران در بودجه سال ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد:

| شماره زیر مجموعه | واحد های سپاه | زیر مجموعه | بودجه | شماره ردیف |
|------------------------|--------------------------|---------------------------------------|-------------|---------------|
| | | | ۲۶۷'۳۶۶'۹۷۱ | |
| ۱ | ستاد مشترک سپاه پاسداران | | ۱۰۳'۷۵۵'۲۸۱ | |
| ۲ | سپاه حفاظت | | ۸۱۳'۵۱۱ | |
| ۳ | قرارگاه سازندگی خاتم | | ۱۰۰'۰۰۰'۰۰۰ | |
| ۴ | طرح های توسعه - کوثر | | ۲۲'۱۹۲'۷۶۷ | |
| ۵ | طرح نسیم رحمت | | ۱'۴۱۰'۰۰۰ | |
| ۶ | طرح ولایت | | ۲'۶۴۰'۲۴۱ | |
| ۷ | ستاد مشترک سپاه پاسداران | ماموریت های - دفاع زمینی طرح (شوشتری) | ۶'۷۷۰'۷۰۵ | ۱۱۱۳۰۰ |
| ۸ | | طرح نور ربیع | ۵'۸۲۵'۸۶۶ | |
| ۹ | | طرحهای توسعه حسن طهرانی مقدم | ۶'۵۰۰'۰۰۰ | |
| ۱۰ | | طرح رودکی | ۵'۱۲۹'۱۶۸ | |
| ۱۱ | | طرح کاظمی | ۴'۶۳۱'۷۸۷ | |
| ۱۲ | | طرح امام حسین | ۹۲۰'۰۰۰ | |
| ۱۳ | | طرح برونسی | ۵۶۰'۰۰۰ | |
| ۱۴ | | قرارگاه «محرومیت زدایی» کوثر | ۲'۱۰۰'۰۰۰ | |
| ۱۵ | | | ۱۷۷'۴۰۶ | |

| | | | |
|--|-----------------------------|---|--------|
| در لایحه دولت بند ۱۶ تا ۱۸ وجود ندارد و از عدد ۱۵ به ۱۹ پُریده است که دو احتمال وجود دارد یا سه بند ۱۶، ۱۷، ۱۸ وجود داشته و به دلیلی حذف یا مخفی شده یا اشتباه تایپی صورت گرفته است. | ۱۶ | | |
| | ۱۷ | | |
| | ۱۸ | | |
| ۳'۱۴۰'۲۳۹ | طرح باقری | | ۱۹ |
| ۸۰۰'۰۰۰ | طرح نور هدایت | | ۲۰ |
| ۷۱۷'۵۱۵ | | دانشگاه امام حسین | ۱۱۱۳۰۵ |
| ۴۶۵'۷۴۴ | | دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله الاعظم | ۱۱۱۳۰۶ |
| ۴۶۴'۶۳۳ | | سازمان حفاظت اطلاعات سپاه | ۱۱۱۳۱۰ |
| ۹۴۱'۹۸۵ | | نماینده ولی فقیه در سپاه | ۱۱۱۳۲۰ |
| ۴۵۰'۴۲۰ | | دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین | ۱۱۱۳۴۸ |
| ۲'۵۵۰'۰۰۰ | | | |
| ۵۰۰'۰۰۰ | قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء | قرارگاه مرکزی حضرت خاتم الانبیاء | ۱ |
| ۴۶۰'۰۰۰ | طرح صیاد شیرازی | | ۲ |
| ۱'۵۲۰'۰۰۰ | طرح سوداگر | | ۳ |
| ۷۰'۰۰۰ | طرح همدانی | | ۴ |

• مبالغ به میلیون ریال است. (۱)

جدول زیر میزان کاهش و افزایش بودجه نهادهای نظامی در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ را نشان می‌دهد:

| تغییرات | بودجه سال ۱۳۹۷ | بودجه سال ۱۳۹۶ | نهادهای نظامی | |
|--------------------|-------------------|-------------------|----------------------|---|
| ۱۱/۲۷۳/۰۹۸/۲۰۰/۰۰۰ | ۲۶/۷۳۶/۶۹۷/۱۰۰/۰۰ | ۱۵/۴۶۳/۵۹۸/۹۰۰/۰۰ | سپاه پاسداران | ۱ |
| ۵۹۸/۳۲۷/۷۰۰/۰۰۰ | ۹/۷۰۸/۰۸۶/۶۰۰/۰۰۰ | ۹/۱۰۹/۷۵۸/۹۰۰/۰۰۰ | ارتش | ۲ |
| -۸۰/۲۶۶/۳۹۹/۰۰۰ | ۱/۱۸۰/۴۸۴/۳۰۰/۰۰۰ | ۱/۰۲۶/۷۵۰/۶۰۰/۰۰۰ | بسیج | ۳ |
| -۱۳۸/۵۵۴/۹۰۰/۰۰۰ | ۴/۴۹۷/۱۳۵/۵۰۰/۰۰۰ | ۴/۶۳۵/۶۹۰/۴۰۰/۰۰۰ | وزارت دفاع | ۴ |
| -۱/۳۴۰/۸۲۹/۰۰۰/۰۰۰ | ۱/۶۹۷/۵۲۱/۹۰۰/۰۰۰ | ۳/۰۳۸/۳۵۰/۹۰۰/۰۰۰ | ستاد کل نیروهای مسلح | ۵ |

• ارقام به تومان است.

روی هم رفته، بودجه پیشنهادی علنی دستگاه‌های سرکوبگر در سال ۲۰۱۷ به نسبت سال پیش، میزان ۱۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته، که از این رقم بیش از ۱۱ هزار میلیارد آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بزرگی می‌یابد.

شبکه‌های اینترنتی در دست نظامیان

پیشبرد این پروژه و آگذاری از دولت به ستاد کل نیروهای مسلح تنها به صورت فرمالیستی به مجلس واگذار شد؛ پیشتر از سوی سران سپاه انتقال انجام گرفته بود. هزاران بسیجی و مزدوران در «ارتش سایبری» شبانه روز ناظر بر شنود گفتگوها، سایت‌ها و جاسوسی و ردیابی «دشمنان نظام» هستند. «کمیسیون فرهنگی مجلس» به درخواست نصرالله پژمانفر نماینده سپاه و عضو جبهه پایداری و عضو این کمیسیون وظیفه «قانونمند سازی» این طرح را داشت. «رمضانعلی سبحانی فر» رئیس کمیته مخابرات و ارتباطات مجلس درباره این طرح گفت: من به‌عنوان رئیس کمیته مخابرات و ارتباطات مجلس، اصلاً چنین چیزی را نشنیده‌ام و در مجموع از وجود طرح جدایی‌گذاشته بین‌المللی اینترنت از دولت و تحویل آن به نیروهای مسلح اطلاعی ندارم.» و محمد اسماعیل سعیدی، نماینده

مجلس و عضو کمیته فضای مجازی، در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «در این خصوص بحث نیروی نظامی مطرح نیست بلکه قرار است مدیریت در این زمینه به سازمان پدافند غیرعامل که زیر مجموعه ستاد کل نیروهای مسلح است سپرده شود» و افزود: «داده‌هایی که وارد کشور می‌شود باید کنترل شود که آیا داده‌ها بر مبنای منافع ملی است یا خیر. دستگاه‌هایی باید این وظیفه را به عهده بگیرد. ما پدافند غیرعامل داریم که وظیفه آن مرزبانی داده‌ها است و وزارت اطلاعات یکی دیگر از دستگاه‌هایی است که وظیفه ذاتی‌اش مرزبانی از داده‌ها است. سازمان پدافند غیرعامل زیرمجموعه نیروهای مسلح است. وظیفه پدافند غیرعامل فعالیت‌های نظامی نیست. آنچه در این طرح مصوب شده این است که نیروهای مسلح با وزارت اطلاعات مرزبانی داده‌ها را به عهده بگیرند.»

علیرضا هاشمی گلپایگانی استاد دانشگاه امیرکبیر نیز در باره این طرح که فیلترینگ را وظیفه دارد، گفت: «بارها گفته‌ایم که فیلترینگ چاره کار مقابله با تبعات منفی اینترنت و فضای مجازی که قطعاً وجود دارد، نیست. فیلترینگ نمی‌تواند پایدار بماند چون هر روز تکنولوژی و ابزارهای جدیدی در فضای مجازی متولد می‌شود. به‌عنوان مثال فناوری بلاک چین که حداکثر تا ۵ سال آینده در تمام دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، عملاً فیلترینگ را بی‌معنا می‌کند و برای جلوگیری از آن باید کل اینترنت را بست.»^{۱۳۳} آشکار است که این طرح دفاعی نیروهای امنیتی و سرکوبگر حکومت باندهای دچار بحران فروپاشی، چاره ساز نخواهد بود. محمد حسن افشردی، معروف به محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در بیست و هشتمین جلسه پدافند غیرعامل حکومت اسلامی به همراه همقطاران در محل ستادکل نیروهای مسلح از جمله حشمت الله فلاحت‌پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

^{۱۳۳} (<https://t.me/IBMEDIA/1790>)

شورای اسلامی، رحیم ممینی مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه در امور دفاعی، سردار قاسم تقی‌زاده جانشین وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سردار علی عبداللهی معاون هماهنگ کننده ستادکل نیروهای مسلح و سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور ووو، سند راهبردی پدافند غیرعامل حوزه فضایی ایران را بررسی کردند. سازمان پدافند غیرعامل در سال ۱۳۸۲ و بر اساس دستور خامنه‌ای تشکیل شد و زیر فرماندهی ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کند و رییس آن توسط به پیشنهاد رییس ستاد کل نیروهای مسلح و با حکم رهبری منصوب می‌گردد. این ارتش سایبری با ارتش سایبری مردمی باید زمینگیر شود.

مجتمع رسانه‌ای اطلس

از جمله ابزارهای سایبری و تبلیغاتی سپاه پاسداران «مجتمع رسانه‌ای اطلس» می‌باشد. ضرورت چنین ابزاری در پی خیزش سراسری سال ۱۳۸۸ در دستور فوری حکومت اسلامی قرار گرفت. این ابزار تبلیغی اینک به یکی از بزرگترین شبکه‌های رسانه‌ای سپاه پاسداران تبدیل شده است. خبرگزاری‌های فارس و تسنیم، روزنامه جوان و نیز سایت‌های «مشرق، برهان، نسیم آنلاین، مجلس نهم، افسران جوان، جنگ نرم، سراج مدیا، اشراف، موج قانون، به‌دخت، دیدارمدیا، ایران هسته‌ای و...» از جمله رسانه‌های مرکز مستندسازی سفیر و جشنواره عمار و جشنواره وبلاگ‌های برتر نیز از جمله دیگر مراکز تبلیغی اطلس، یعنی این مجتمع حکومتی می‌باشند.

قاسم صفایی نژاد، عضو شورای سیاست‌گذاری سایت «افسران جوان جنگ نرم» وابسته به مجتمع رسانه‌ای اطلس، مدعی است که مجتمع به لحاظ حقوقی کاملاً خصوصی است. سپاه، همانند خصوصی سازی‌های اقتصادی و امپراتوری مالی و خصوصی خود، خویش را در برابر دولتی‌ها، یک ارگان «خصوصی» معرفی می‌کند. سخنرانی سردار غلامرضا نوری از فرماندهان سپاه به‌عنوان مدیرعامل مجتمع رسانه‌ای اطلس، در همایش «بصیرت سایبری» در وزارت نفت

«خصوصی» بودن مجتمع رسانه‌ای اطلس را ثابت کرد. اکنون «استاد رائفی پور» مبلغ بسیجی و شاگرد دوگین، در یکی از نشست‌های این مجتمع در تهران تهدید کرد «در صورت سرنگونی جمهوری اسلامی برای جمعیتی حداقل چهار تا پنج میلیونی هیچ راهی نیست الا رفتن به لبنان و «سیخ زدن به اسرائیل». این یک تهدید مستقیم تروریستی بود که رو به اسرائیل و غرب داشت و از جله اعترافی بود که امنیت کنونی اسرائیل در گرو و به پشتوانه حکومت اسلامی و ماندگاری حکومت اسلامی است.

وی افزود: «اسلحه هم ساخته است و اگر جمهوری اسلامی ساقط بشود خودش اولین نفری است که به جنگ اسرائیل می‌رود...»^(۱۳۴) در جمهوری اسلامی اما برای تهیه دارو، تامین بودجه برای بیمارستان‌های در حال فروریزی که بیشتر به کشتارگاه می‌مانند و نیز برآوری آب آشامیدنی حکومت شوندگان، پرداخت دستمزدها و حقوق کارگران و زحمتکشان، پرداخت اندوخته‌های زندگی سپرده گذاران، سهم و اندوخته‌های بازنشسته‌گان ... بودجه‌ای وجود ندارد؛ این امور در حکومت اسلامی، محل یاز اعراب ندارند؛ اما برای انتقال پیام رهبر جمهوری اسلامی به سرداران سپاه و ایجاد هماهنگی بین سپاه و بیت و افزایش نزدیک به دوبرابر بودجه سپاه سرکوب، بودجه فراوان هم هست. دولت «تدبیر و امید» برای گشایش امور سپاه و بیت و سرمایه، کلیددار شده بود.

اشغال ورزش و تمامی ورزشگاه‌ها

در دهه‌ی ۸۰ سپاه پاسداران فراتر از چنگ افکنی در قدرت اجرایی و مجلس و حوزه‌های نفتی و طرح‌های عظیم اقتصادی و

۱۳۴

^۱ <https://twitter.com/IranBriefing>

و

^۲ <https://www.facebook.com/groups/۲۴۴۰۰۶۷۴۶۱۶۷۲۵۵>

و

^۳ <https://t.me/IBMEDIA/>

مالکیت واحدهای بزرگ صنعتی و تجاری و مافیای قاچاق مواد مخدر و باشگاه‌های فوتبال سراسر ایران و «تیم ملی» فوتبال و دیگر رشته‌های ورزشی را به چنگ می‌گیرد. این اشغال و تصاحب نظامی، به گونه‌ای نمایان است فوتبال ایران امروزه به مالکیت یک سردار سپاه و یا به کارگزاری سپاه در آمده که در نقش مدیرعامل باشگاه‌ها یا ریاست هیئت‌های فوتبال استان‌ها سرگرم خرید و فروش تیم‌ها و بازیکنان هستند. با اشغال ورزش به ویژه باشگاه‌های فوتبال، سراسر نهادهای ورزشی در ایران به تباهی و فساد و بهره‌کشی و میدان‌های برای سرقت کشانیده شدند. کمیسیون اصل ۹۰ مجلس رژیم اسلامی، در ستیز و رقابت باندها، گوشه‌ای از فساد حکومتی در ورزش را اینگونه ارائه داد: «نهادینه شدن فساد و تخلف در فوتبال ایران، که طی مصاحبه با تعدادی از علاقه‌مندان فوتبال و استماع نظر کارشناسان، اقدام به بررسی این پرونده جهت مراحل قانونی در ۴ بهمن ۱۳۹۴، به قوه قضائیه ارسال شد که چکیده نتیجه‌گیری اولیه مسئولین کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اسلامی به شرح ذیل است:

وجود فساد در بخش‌های زیادی از فوتبال ایران و افزایش آن طی چند سال اخیر، غیرقابل انکار بوده و براساس اطلاعات مستند، مصادیق این معضلات عبارتند از:

- ۱- تبانی ۲- رشاء و ارتشاء ۳ - دوپینگ ۴-
- شرطبندی غیرمجاز ۵- جعل و استفاده از سند مجعول
- ۶- تصدیق نامه‌های خلاف واقع ۷- فرار مالیاتی ۸-
- مصرف الکل و روابط نامشروع ۹- مصرف مواد
- مخدر ۱۰- رواج خرافه‌گرایی از جمله سحر و جادو
- ۱۱- تحصیل مال از طریق نامشروع ۱۲ - نقض
- آشکار قوانین و مقررات ۱۳ - قراردادهای

غیرواقعی.» و روزنامه صدای عدالت نیز به موضوع فساد در فوتبال اشاره کرد و نوشت: «واقعیت این است که آنچه در عرصه فوتبال ایران می‌گذرد یک تراژدی بزرگ است. مافیای فوتبال ایران، به عنوان یک کارتل بزرگ اقتصادی شما بخوانید دلالی و کارچاق کنی که سالهاست همانند زالو به جان بودجه ورزش کشور افتاده و عجب روزگار سرمستانه‌ای را سپری می‌کند.»^(۱۳۵)

«باشگاه‌های مهم فوتبال یکی از مهمترین مراکز رقابت اقتصادی میان سرمایه‌داران هستند برای مثال باشگاه راه آهن در فرابورس ایران با قیمت بیش از ۴ میلیارد تومان در اختیار شرکت هواپیمایی فراز قشم [مالکیت بابک زنجانی] قرار گرفت، باشگاه تراکتورسازی تحت مدیریت سرداران سپاه عاشور میباشد و سهامش میان مؤسسات مهم جمهوری اسلامی مثل مؤسسه مالی و اعتباری کوثر و مؤسسه مهر ایرانیان وابسته به سپاه پاسداران و شرکت سایپا دست به دست شده و در ارتباط با خصوصی سازی‌ها هم باشگاه‌ها یکی از مهمترین عرصه‌های رقابت مافیائی میان سران اقتصادی در جمهوری اسلامی بوده و این داستان همچنان ادامه دارد.»^(۱۳۶)

نام‌هایی مانند سرداران جنایتکاری که در بازنشستگی و یا به عنوان سهمی از غنیمت جنگی- اسلامی بیش از همه چشمگیرترند: عزیز محمدی در فوتبال ایران یکی از شناخته‌ترین و پرقدرت‌ترین پاسداران حکومتی است. میلیاردها تومان درآمد فوتبال

^{۱۳۵} (<https://iranglobal.info/node/۵۳۵۹۱>) ایران گلوبال ۲ مارس ۲۰۱۶

^{۱۳۶} (کارو آزادی، سایت حزب کمونیست ایران ۲۸-۰۶-۱۳۹۶)

(cpiran.org/archive/۲۰۱۷/۹/mataleb/page۳.html)

ایران از جمله تجارت پر سود پخش تلویزیونی مسابقات و آگهی‌های آن زیر نظر وی جابجا و مدیریت می‌شود.

سردار اکبر غمخوار، نخستین مدیرعامل سپاهی باشگاه پرسپولیس که از بنیاد تعاون سپاه و بنیاد مستضعفان به فوتبال جابجا شد و اکنون رییس بنگاه‌های مسافرتی و جهانگردی ایران است. **سردار مصطفی آجورلو؛ مدیر عامل سابق پاس و استیل آدین** و اکنون رییس اتحادیه فوتبال ایران است که تشکلی پوششی از صاحبان باشگاه‌ها به شمار می‌رود. **سردار کریم ملاحی؛ مدیر عامل پاس همدان، که در این شهر فرمانده تیم پاس سردار ملاحی است.** وی از فرماندهان ارشد سپاه بود که سال‌ها مدیریت باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد را برعهده داشت. **سردار احمد شهریاری؛ مدیر عامل صبای قم** نیز تصمیم‌گیر اصلی تیم صبا است. سردار شهریاری مدیر عاملی صبای قم است که وابسته به صنایع باطری سازی نیروهای مسلح بوده و مدیر عامل آن از میان سرداران ارشد انتخاب می‌شود. خراسان رضوی بیش از هر استان دیگر در اشغال سرداران سپاه به ویژه در فوتبال تیم‌های «ابومسلم» و «پیام مقاومت» زیر فرماندهی سپاه قرار دارند. شماری از این بازگشتگان از وزارت اطلاعات و جنگ در درون و برون مرز اینان هستند:

سردار علی صلاحی، استاندار خراسان از دیگر سرداران فوتبال خراسان و ایران است که برای چندی مدیر عامل باشگاه پاس بود و سپس باشگاه پیام مشهد را رهبری می‌کرد. **سردار هاشم غیاثی راد،** جانشین کنونی فرمانده سپاه «امام رضا» استان خراسان، مدیر عامل باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد بوده که هم اکنون بر ورزش خراسان فرمان می‌راند. **سردار شاکری،** نایب رییس هیات مدیره باشگاه پیام مشهد نیز از دیگر سرداران فوتبال خراسان است.

سردار شفق و سردار محمد حسین جعفری، فرمانده فوتبال

تبریز و جعفر جعفری، سرداران تیم فوتبال فجر مقاومت سپاسی شیراز می‌باشند. سرهنگ جعفر جعفری از فرماندهان ارشد سپاه استان فارس. سرپاسدار جعفری در تبریز وظیفه دارد تا به شونیسیم و قومپرستی دامن زده و هزاران تن از جوانان تشنه‌ی آزادی را از آذربایجان به استادیوم‌ها بکشاند تا از اتحاد سراسری کارگران و ستمکشان علیه حکومت مرکزی جلوگیری کرده و کینه و به نفرت پراکنی قومی و ملیتی دامن زنند و شعار «تراکتور، تراکتور» ترک و فارس به جای حکومت و نظام حاکم و حکومت شونندگان سردهند و خسته و از پای در آمده به خانه بازگردند تا نوبتی دیگر. محمد (انوشیروان) رویانیان، فرمانده کمیته و فرمانده نیروی انتظامی نور و استان مازندران، فرمانده پلیس ۱۱۰، فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی مدیرعامل کنونی باشگاه پرسپولیس است. سردار آقا میر، نیز جانشین فرمانده پیشین بسیج تهران رییس سازمان بسیج ورزش است. وی رییس سازمان ورزش شهرداری تهران نیز به شمار می‌آید. مصطفی آجورلو، از فرماندهان سابق لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، مدیرکل تربیت بدنی سپاه پاسداران، مسئول سازمان ورزش شهرداری، از سال ۷۳ تا سال ۸۹ پی در پی مدیرعامل تیم‌های مقاومت «سپاسی» شیراز، پاس و استیل آذین بوده و هم‌اکنون در اداره‌ی تیم پاس همدان نقش دارد و فرد پشت پرده باشگاه تراکتورسازی تبریز نیز می‌باشد. کلیه‌ی تیم‌های فوتبال سپاه پاسداران به لحاظ تشکیلاتی زیر نظر او هستند. او همچنین مدیر مسئول روزنامه پاس جوان و رییس هیات مدیره خبرگزاری ورزش ایران (ایینا) بود. کریم ملاحی؛ از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران مدیرعامل پاس تهران، پاس همدان و ابومسلم مشهد و تراکتورسازی

تبریز بود. وی حکم مشاورت مدیرعامل باشگاه استقلال را نیز دریافت کرده است. احمد شهبازی و سرهنگ عباس مرادی تیم صبا باطری را که یکی از تیم‌های فوتبال بود تشکیل دادند. شهبازی بعدها عضو هیأت مدیره استقلال شد و این دو سال گذشته کاندیدای دستیابی به پست مدیرعاملی باشگاه استقلال بود. حسن تهرانی مقدم رئیس صنایع موشکی سپاه پاسداران که در انفجار ملارد کشته شد سال‌ها ریاست هیأت مدیره‌ی باشگاه صبا باطری، پیکان و ابومسلم مشهد را به عهده داشت.

ناصر شهبازی مسئول پشتیبانی بخش موشکی سپاه پاسداران سال‌ها مدیرعامل باشگاه‌های ابومسلم مشهد و پیکان تهران و صبا باطری بود. وی به پیشنهاد سردار عبداللّهی رئیس پیشین زندان رشت که نقش مستقیمی در کشتار ۶۷ این شهرستان داشته و بعدها جانشین فرمانده نیروی انتظامی شد به مشهد رفت و اداره تیم ابومسلم را به عهده گرفت. سردار احمدرضا رادان که سپس جانشین فرمانده نیروی انتظامی شد یکی از اعضای هیأت مدیره این تیم بود. ناصر شهبازی رهبری باشگاه استیل آذین بوده و ۴ سال هم به عنوان نایب رئیس هیأت مدیره باشگاه مهرام فعالیت کرده. شهبازی همچنین ۵ سال عضو هیأت رئیسه فدراسیون کشتی بوده و بنا بود مدیرعامل باشگاه داماش شود. ناصر شفق پیش از آن که مدیرعامل تراکتورسازی شود مدیریت ابومسلم را در دست داشت. وی سال‌ها اداره‌ی «انجمن سینمای دفاع مقدس» را به پیش می‌برد و خود از تهیه کنندگان فعال سینمای مبتذل حکومتی به‌شمار می‌آید. ناصر شفق، برای چندی مدیر عامل باشگاه پاس و سپس مدیر تیم المپیک و عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال بوده است. مصطفی بنی اسد نیز مدت‌ها رئیس هیأت مدیره سابق باشگاه ابومسلم مشهد بود. «ابومسلم» و «پیام مقاومت» دو تیم مشهدی فعال در لیگ برتر و دسته اول در سال‌های

اخیر همواره در دست سرداران سپاه بوده‌اند. امتیاز ابومسلم در سال ۱۳۸۵ از سوی نیروی انتظامی خریداری شد و سپس به ایران خودرو فروخته شد.

علی صلاحی، سرپاسدار و استاندار سابق خراسان مدتی مدیر عامل باشگاه پاس و سپس مدیر عامل و یکی از مالکان باشگاه پیام مشهد بود. وی از گزینه‌های مدیرعاملی استقلال بود سرانجام دستیار مدیر اقتصادی باشگاه استقلال شد و شریک سرقت‌ها گردید. پاسدار سیدهاشم غیاثی، جانشین فرمانده سپاه امام رضا استان خراسان و سرپرست هیأت ورزش‌های سه‌گانه خراسان پیش از این مدیر عامل باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد بوده است. پاسدار شاکری، نایب رییس هیأت مدیره باشگاه پیام مشهد و یکی از مالکان این باشگاه نیز از فرماندهان سپاه پاسداران به شمار می‌آید. با فرماندهی سرپاسدار محمدحسین جعفری در تراکتورسازی تبریز، سردار علی اکبر پورجمشیدیان فرمانده سپاه عاشورا، محمد رستمی، سرهنگ محمد اسماعیل سعیدی جانشین فرمانده سپاه عاشورا، سرهنگ محمد جواد دلفکار، فرماندهان سپاه عاشورا و سردار دارا غزنوی و سردار غفور کارگری از جمله همراهان وی هستند.

عزیزالله محمدی با تیم فجر سپاسی وارد فوتبال شد و ۱۱ سال عضو هیأت رئیسه سازمان لیگ برتر، عضو هیأت رئیسه چهارساله فدراسیون فوتبال، رییس سازمان لیگ ایران و مسئول کمیته تیم‌های ملی بود. مهدی تاج بازنشسته‌ی سپاه پاسداران، نایب رئیس فدراسیون فوتبال، رییس سازمان لیگ ایران، عضو هیئت‌مدیره پرسپولیس و پیش از آن نماینده باشگاه فولاد مبارکه سپاهان. جواد ششکلانی عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال فرمانده اسبق سپاه پاسداران تبریز است. محمد آقا میر رییس سازمان بسیج ورزش که هم‌زمان ریاست

سازمان ورزش شهرداری تهران را نیز دارد یکی از فعالان در صحنه‌ی ورزش و به ویژه فوتبال ایران است. محمد درخشان رئیس کمیته بازاریابی و فروش تبلیغات مسابقه‌های فدراسیون فوتبال، در دوران مهرعلی‌زاده معاونت حقوقی و فرهنگی تربیت‌بدنی بود و همچنین سال‌ها ریاست فدراسیون جودو را به عهده داشت. در مردادماه ۸۸ پس از سقوط هواپیمای توپولف پرواز تهران-ایروان که تیم نوجوانان جودو از جمله مسافری آن بودند، فاش شد که سه جودوکار بزرگسال تیم نوجوانان با شناسنامه جعلی به ارمنستان اعزام شدند. و درخشان یکی دست اندرکاران این تقلب بود.

فوتبال و تب تند رقابت‌ها و روی‌آوری جوانان به ویژه به سوی این ورزش و نیز جاذبه‌ی فوتبال، حکومت اسلامی را واداشت که فوتبال را همانند ابزاری تبلیغی و اقتصادی به کار گیرد. تیم‌های تراکتورسازی، فجر سیاسی، پاس تهران و همدان، ابومسلم خراسان، کشاورز، بهمن، بانک تجارت، سپاهان، فولاد خوزستان، ذوب آهن، مس سرچشمه، مس کرمان، صنعت نفت آبادان، پرسپولیس، نفت تهران، صبا باطری، شیرین فراز کرمانشاه، شاهین بوشهر، آلومینوم هرمزگان، کوثر لرستان، پیام مقاومت، برق شیراز، پیکان تهران و قزوین، سایپا، شهرداری تبریز، مس رفسنجان، ماشین‌سازی تبریز، نساجی مازندران، گل گهر سیرجان، فولاد یزد، نفت مسجد سلیمان، نفت و گاز گچساران، صنعت ساری، داماش ایرانیان، استیل آذین، گسترش فولاد، پدیده شانددیز، راه‌آهن، استقلال اهواز، ملوان انزلی، گل گهر درود، داماش لرستان، پارسه ایرانیان، همگی به مالکیت سپاه و امنیتی‌ها درآمده و به فساد و تباهی کشانیده شده‌اند. بسیاری از سران سپاهی این باشگاه‌ها در حالیکه در مسابقه‌های این تیم‌ها رقیب

به شمار می‌آیند، در مدیریت و مالکیت مراکز و بنیادهای مالی و اقتصادی شریک و همقطار هستند.

بابک زنجانی، دلال نفت و کارگزار حکومت اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها دور اول، که اکنون زیر اعدام رقبای مال خور خود در زندان نشسته است به فوتبال نیز چنگ افکند. وی باشگاه راه آهن را در دوره نخست احمدی نژاد به دلالی علی‌دایی فوتبالیست و حاج علی پروین فوتبالیست که خود و پسرش در شبکه فساد حکومتی همدست و کارگزار شده به چنگ گرفت. الگوی سران سپاه، در روی آوری به بازار فوتبال و باشگاه‌ها، رومن آرکادیویچ آبراموویچ غول نفتی روس بود که از سوی پوتین رانده شد و در انگلستان مقیم شد و باشگاه چلسی را خریداری کرد. در ایران نیز باشگاه‌های بزرگ و کوچک در اقتصاد مافیایی آمیخته شدند. مالکان سپاهی یا وابسته به حاکمیت در این باشگاه‌ها هیچ‌گاه گزارشی از درآمد و هزینه‌های خویش به دست نمی‌دهند. عناصری در شمار بابک زنجانی زیر اعدام اینک و مه‌آفرید خسروی که روزی امپراتوری «گروه آریا» و مالکیت مجتمع گروه ملی فولاد اهواز را در دست داشت و در ستیز گرگ‌ها دریده و به دار آویخته شد، نیز در جاذبه‌ی فوتبال به بازار فوتبال به قصد اقتصادی و قدرت و تبلیغات و شهرت وارد شدند. تیم فوتبال راه‌آهن سورینت که از چنگ بابک زنجانی به همراه میلیاردها دلار دارایی ربوده شده از وی، نمونه‌ای از رقابت گرگ وار باندهای حاکم است که با خلع مالکیت از یک سرمایه‌دار، به سرمایه‌داری کلان‌تر تبدیل می‌شوند. و میلیاردرهایی که به هدف اقتصادی وارد فوتبال شدند و با به فساد کشانیدن ورزش و به ویژه فوتبال در ایران، به هدف درآمد و شهرت وارد شدند، ورزش ورزشکاری را که می‌بایستی از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار باشند، به تباهی و فساد کشانیدند.

مروری بر فعالیت و کارکرد چند چهره از مهره‌های حکومتی، نمایانگر ماهیت مناسبت و نقش باندهای حکومتی در مناسبات با فساد نهادینه شده‌ی سرمایه داری در حکومت اسلامی ایران است.

اتحادیه فوتبال ایران و سپاه پاسداران

برای کنترل تمامی ورزشکاران و نیز به ویژه مهار میلیون‌ها جوان و تماشاچی بازی‌های فوتبال در سراسر ایران، سپاه و سازمان اطلاعات سپاه به تشکیل «اتحادیه» نظامی فوتبال ایران پرداخت. هفدهم اسفند ماه ۱۳۷۷، نخستین نشست شورای مرکزی اتحادیه فوتبال در دفتر باشگاه «مقاومت تهران» که وابسته به بسیج و زیر نظارت سپاه پاسداران است برگزار شد. در این نشست علی آقا محمدی به عنوان نخستین رییس شورای مرکزی و محمود جمالی دبیرکل اتحادیه انتخاب شدند. علی محمد مرتضوی، مسئول تیم حزب‌اللهی «وحدت» و رئیس فدراسیون فوتبال در دهه‌ی ۶۰ است که مدت‌ها ریاست کمیته استیناف فدراسیون فوتبال را نیز به عهده داشت. برپایی لیگ فوتبال برای سپاه نیز ضرورت دیگری بود تا کنترل خود را بر باشگاه‌ها و میلیون‌ها تماشاچی به ویژه جوانان همه‌جانبه‌تر سازد. این ابزار کنترل و مهار در کنار فدراسیون فوتبال به فرماندهی سرداران سپاه پاسداران برپا شد. اعضای هیأت رئیسه سازمان لیگ عبارتند از سردار مهدی تاج رئیس، سردار جعفر جعفری، سرهنگ ستاد مرتضی حسن‌پور، سرپاسداران مراد جعفری و سیف‌الله دهکردی، و به پیشنهاد مهدی تاج، پاسدار امیر عابدینی (استاندار سابق و معاون اسبق وزارت صنایع و معادن و...) نیز به عضویت این هیأت درآمده است.

اشغال باشگاه‌ها و ورزش به وسیله نیروهای سرکوب دو هدف موازی اقتصادی و سیاسی را به پیش می‌برد. ویژگی‌های برجسته این چنگ افکنی نظامی بر ورزش را می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد:

* کنترل همه جانبه بر باشگاه‌ها و میلیون‌ها تماشاچی به ویژه جوانان در سراسر ایران

* سران سپاه، درحالی‌که فرماندهی باشگاه‌های به ظاهر رقیب را در دست دارند، پی در پی همانند بازیکنان والیبال، با حرکت‌های چرخشی، جابجا می‌شوند و به تیم مقابل می‌روند و باشگاه‌ها همانند ظروف مرتبته، در سراسر ایران با تونل‌های زیری با هم پیوند می‌یابند.

* تمامی عناصر باندیست، در مدیریت و سهم بری و شرکای بنگاه‌های اقتصادی، مراکز تولیدی و اقتصادی و استثمار شریک یکدیگر هستند.

* این پاسداران از جبهه‌های کشتار و تباهی بازگشته و بازنشسته، در جبهه‌های اقتصاد رانتی و ربایش و قاچاق، همقطار یکدیگر هستند.

* تماشاچیان آذری، فارس، لر و گیلانی و مازندرانی و شهرهای بزرگ و کوچک به جای همبستگی باید به سان نه تنها رقیبان یکدیگر بلکه به‌مانند دشمنان دیرینه در برابر هم قرار گیرند، نفرت پراکنی و کینه ورزی به جای همبستگی حاکم گردد. با این سیاست است که در سراسر ایران، میلیون‌ها نفر بر سکوها و روبروی تلویزیون‌ها نشاندیده می‌شوند تا با بوق بوقچی‌های اجیر شده، همراه با فریادهای تهی در سوپاپ‌های اطمینان، به پراکنده سازی و ایجاد نفرت و به ناسیونالیسم و شوونیسم دامن زده می‌زنند، به آن هدف که از اتحاد و همبستگی حکومت شونندگان جلوگیری شود.

در سراسر ایران، به هر گوشه ورزشی ایران و تمامی باشگاه‌های ورزشی به ویژه فوتبال زیر فرماندهی و مالکیت سرداران سپاه و امنیتی‌هایی هستند که یا مدیر عامل باشگاه‌ها و یا ریاست هیئت‌های فوتبال استان‌ها و یا صاحب و دلال خرید و فروش تیم‌ها و فوتبالیست‌ها و خرید سربازی و دلالی هستند. شرکت سرمایه‌گذاری اتحاد شکوفای ایرانیان، تنها یکی از صدها نمونه از این شراکت‌ها است.

شرکت سرمایه‌گذاری اتحاد شکوفای ایرانیان

«شرکت سرمایه‌گذاری اتحاد شکوفای ایرانیان» در شمار بنگاه‌های غارت و فساد باندهاست. این شرکت در تاریخ ۱۱ آبان ۸۸ با سرمایه‌ی یک میلیون تومان برپا شد و نقش مهمی در مهار و کنترل و مدیریت فوتبال در ایران را دارد. اعضا هیئت مدیره این بنگاه کلان مالی، همه شریک هم و در همان حال رقیب یکدیگر در فوتبال هستند. فوتبال و اقتصاد باندها دو روی یک سکه و آینه تمام نمای شراکت‌ها و اختلاف‌های باندهای حکومتی می‌باشند. «شرکت سرمایه‌گذاری اتحاد شکوفای ایرانیان» به نام شرکت سهامی خاص و با شماره ثبت ۳۶۱۶۲۱ در تهران در تاریخ ۱۱ آبان ۸۸ آدرس سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر، پلاک ۱۴ طبقه اول ثبت شده است. سرمایه شرکت مبلغ ده میلیون ریال به یک صد سهم صد هزار ریالی تقسیم شده است. رئیس: حسین هدایتی دولابی، رییس هیئت مدیره، آجورلو نایب رئیس هیئت مدیره - مدیر عامل سابق پاس - استیل آذین و مسئول تربیت بدنی سپاه پاسداران، محمد صادق درودگر مدیر عامل - استیل آذین - ملوان اعضای هیئت مدیره: علی آقا محمدی - عضو هیئت مدیره استقلال و دبیرکل پیشین اتحادیه باندها، سیف‌الله دهکردی مدیر عامل باشگاه فولاد خوزستان سید محمد کاظم اولیایی - مدیر عامل استقلال تهران -

پاس همدان علی محمد مرتضوی- دبیرکل اتحادیه فوتبال محمد رضا ساکت مدیر عامل سپاهان و فولاد ماهان اصفهان کامران صاحب پناه- مدیر عامل پیکان محمود جمالی- دبیرکل سابق اتحادیه فوتبال **بازرسی‌ن:** عبدالرحیم فرید - خزانهدار اتحادیه فوتبال محمدرضا تهرانی بازرس علی‌البدل - مدیر روابط عمومی سازمان لیگ احمد وحید دستجردی مقام امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی، رئیس صندوق بازنشستگی نفت، نایب رئیس هیات مدیره شرکت سایپا و عضو هیات مدیره گروه خودروسازی بهمن (درمالکیت بنیاد تعاون سپاه) و عضو سابق هیات مدیره شرکت صدرا می‌باشد. بسیجی مهرداد بذرپاش مدیرعامل سابق سایپا و پارس‌خودرو که به حکم محمدعلی جعفری فرمانده سپاه پاسداران به معاونت بنیاد تعاون سپاه پاسداران نشست. احمد وحید دستجردی وزیر دفاع دولت احمدی نژاد ریاست آن را پیش از سرپاسدار محمدعلی جعفری در دست داشت. حسین کفعمی مدیرعامل سابق ذوب آهن، سپاه اصفهان را دست داشت و منوچهر منطقی از مهندسين صنايع موشکی سپاه در دهه هفتاد که خامنه‌ای او را «پدر موشکی ایران» نامیده بود، هفت سال مدیرعامل ایران خودرو بود و تیم فوتبال پیکان از زیرمجموعه‌های آن به شمار می‌آمد. منوچهر منطقی، در آذرماه ۸۸ مدیرعامل سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح شد. وی در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس وابسته با سپاه، وعده داده بود که تا سه سال آینده ایران جنگنده هوایی پیشرفته تولید خواهد کرد. منوچهر منطقی بر ایران خودرو چنگ افکنده بود و تهرانی مقدم فرمانده موشکی سپاه که در انفجار پایگاه موشکی ملارد منفجر شد و ناصر شهبواری و ... را به تیم پیکان و به فوتبال آورد. منوچهر منطقی در شهریور ماه ۱۳۹۴ جای خود را در رهبری سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح به سرپاسدار سرتیپ دوم عبدالکریم بنی طرفی داد.

جدول زیر گوشه‌ای از سلطه سپاه بر فوتبال را نشان می‌دهد:

| نام شرکت تجاری - اقتصادی، سرپرست و عضو هیئت مدیره | نام باشگاه |
|---|--|
| <p>۱- ناصر شفق مدیریت انجمن سینمای دفاع مقدس، تهیه کننده فیلم و مدیر عامل باشگاه پاس و هم‌اکنون مدیر تیم المپیک،</p> <p>۲- فداحسین مالکی، فرماندار زاهدان در دوران جنگ و همزمان مسئولیت پشتیبانی از لشکر 41 ثارالله سپاه و لشکر 88 زرهی ارتش و پس از جنگ مدیرکل ستادی وزارت کشور شد و همزمان ریاست هیأت تخلفات وزارت کشور سپس معاون سیاسی و امنیتی استانداری همدان و استان مرکزی، دستیار سازمان بازرسی کل کشور و همزمان عضویت در هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری شورای نگهبان در استان تهران، همراه با ابراهیمی از بیت رهبری، علی رازینی و مصلحی وزیر سابق اطلاعات، و در شهریور ۱۳۹۱ عضو و رییس هیأت مدیره باشگاه ورزشی پرسپولیس، نماینده تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران در افغانستان و نقش مهمی در پیشبرد تروریسم، همدستی با طالبان و ایجاد ناامنی و بحران در افغانستان، شرکت در پروژه مشترک کشت خشخاش با طالبان و ترافیک هروئین، و همراه با ریاست جمهوری احمدی «ستاد مبارزه با مواد مخدر» در نقش جانشین رئیس جمهور و دبیرکل ستاد در کنار سرپاسدار نقدی.</p> | <p>1) پاس، المپیک</p> <p>۲) پرسپولیس</p> |
| <p>۳) جواد جاری ششکلانی فرمانده پیشین سپاه تبریز، عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال و فرمانده پیشین سپاه پاسداران تبریز و رئیس هیأت فوتبال اذربایجان شرقی.</p> | <p>۳) فوتبال اذربایجان شرقی</p> |

۴ ورزش
شهرداری و فوتبال
ایران

۴) **سریاسدار محمد آقا میر رییس** سازمان بسیج ورزش، همزمان ریاست سازمان ورزش شهرداری تهران و از گردانندگان فوتبال ایران. سردار آقامیر پیش از این جانشین فرمانده بسیج تهران، رییس سازمان بسیج ورزش، رییس سازمان ورزش شهرداری تهران نیز به شمار می‌رود. وظیفه وی در سازمان بسیج مستضعفین به فرماندهی سرتیپ محمد رضا نقدی، سلطه‌ی بسیج در دانشگاه‌ها، مدارس، کارمندان را زیر نام ورزش ایران بویژه در فوتبال است.

۵) پرسپولیس

۵) **محمد (انوشیروان) رویانیان**، فرمانده کمیته و فرمانده نیروی انتظامی نور و استان مازندران، فرمانده پلیس ۱۱۰، فرمانده پلیس راهنمایی و رانندگی مدیرعامل باشگاه پرسپولیس.

۶) پرسپولیس

۶) **اکبر غمخوار**، در دوران جنگ مسئولیت لجستیک قرارگاه نوح سپاه پاسداران سپس دستیار معاونت هتلداری و گردشگری بنیاد مستضعفان و مدیرعامل بنیاد تعاون سپاه و سپس کانون‌های مسافرتی و جهانگردی ایران را در چنگ گرفت و به ریاست باشگاه پرسپولیس رسید. وی در دهه‌ی نخست سال ۸۰ به مدیرعاملی پرسپولیس را در دست گرفت. سرداری که از بنیاد تعاون سپاه و بنیاد مستضعفان و اکنون رییس بنگاه‌های مسافرتی و جهانگردی ایران رسید.

۷) فجر سپاسی
شیراز

۷) **سردار جعفر جعفری** از فرماندهان سپاه پاسداران استان فارس، تیم فجر سپاسی شیراز را به عهده دارد. وی هم‌اکنون بازرس هیات رئیسه سازمان لیگ نیز می‌باشد. سپاه پاسداران باشگاه فجر را در سال ۱۳۷۱ خریداری کرد و برای چندی باشگاه را «مقاومت سپاسی» نام داد، سال ۱۳۹۰ نام باشگاه به همان نام پیشین فجر سپاسی بازگشت.

۸) فجر سپاسی

۸) **سرهنگ عاری**، سرپرست تیم فجر سپاسی و یکی از اعضای هیأت مدیره باشگاه.

۹) پرسپولیس

۹) **لطف‌الله فروزنده دهکردی**، معاونت نیروی انسانی سپاه پاسداران استان چهارمحال و بختیاری، معاون بسیج سپاه پاسداران استان، رئیس ستاد تیپ قمرینی هاشمی استان و فرماندهی سپاه پاسداران استان چهارمحال و بختیاری تا سال ۱۳۷۱ هم اکنون عضو هیات مدیره باشگاه پرسپولیس تهران .

۱۰) تربیت بدنی
سپاه
ورزش شهرداری‌ها
روزنامه ورزشی
ایبنا

۱۰) **مصطفی آجورلو**، از فرماندهان پیشین لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، مدیرکل تربیت بدنی سپاه پاسداران، مسئول سازمان ورزش شهرداری، از سال ۷۳ تا سال ۸۹ مدیر عامل تیم‌های مقاومت شهید سپاسی شیراز، پاس و استیل آذین، دخالتگر در تیم پاس همدان و فرد پشت پرده باشگاه تراکتورسازی تبریز و... تمامی تیم‌های فوتبال سپاه پاسداران به لحاظ تشکیلاتی زیر نظر او اداره می‌شوند. وی مدیر مسئول روزنامه پاس جوان و رییس هیات مدیره خیرگزاری ورزش ایران (ایبنا) نیز بود.

۱۱) استقلال، پاس،
ابومسلم
تراکتور سازی

۱۱) **کریم ملاحی**؛ از فرماندهان بالای سپاه پاسداران، مدیر عامل پاس تهران، پاس همدان و ابومسلم مشهد و تراکتور سازی تبریز بوده و حکم مدیر عامل باشگاه استقلال را دریافت کرده است.

۱۲) صیباپطری
استقلال

۱۲) **احمد شهریاری و سرهنگ عباس مرادی** تیم صبا باطری (از دارا ترین تیم) را تشکیل دادند. شهریاری سپس عضو هیأت مدیره استقلال شد و پس از آن کاندیدای پست مدیر عاملی و قائممقامی باشگاه استقلال بود.

۱۳) صبا باطری،
پیکان و ابومسلم

۱۳) **حسن تهرانی مقدم**، رئیس صنایع موشکی سپاه پاسداران که در انفجار ملارد، هنگام گشایش این مرکز موشکی پیش از ورود خامنه‌ای کشته شد. وی سال‌ها رئیس هیأت مدیره باشگاه صبا باطری، پیکان و ابومسلم مشهد بود.

۱۴) ابومسلم
داماش
کشتی ایران
صباباطری
مهرام گیلان
استیل آذین

۱۴) ناصر شهسواری مسئول پشتیبانی بخش موشکی سپاه پاسداران، سال‌ها مدیرعامل باشگاه‌های ابومسلم مشهد و پیکان تهران و صبا باطری بود و به پیشنهاد سردار عبداللهی رئیس سابق زندان رشت که نقش مستقیمی در کشتار ۶۷ این شهرستان داشت و سپس جانشین فرمانده نیروی انتظامی شد به مشهد رفت تا مدیریت تیم ابومسلم را به دست گیرد. در آن دوران سردار احمدرضا رادان که سپس جانشین فرمانده نیروی انتظامی و یکی از اعضای هیأت مدیره تیم ابومسلمی بود، شهسواری معاون باشگاه استیل آذین و ۴ سال نایب رئیس هیات مدیره باشگاه مهرام و ۵ سال عضو هیات رئیسه فدراسیون کشتی بود و مدیرعاملی باشگاه داماش را در سرداشت.

۱۵) ابومسلم
پیام مقاومت

۱۵) مصطفی بنی اسد رئیس هیات مدیره باشگاه ابومسلم مشهد بود. تیم‌های فوتبال «ابومسلم» و «پیام مقاومت» دو تیم مشهدهی همواره به دست سرداران سپاه اداره شده‌اند. امتیاز ابومسلم در سال ۱۳۸۵ توسط نیروی انتظامی خریداری شد و سپس به ایران خودرو فروخته شد.

۱۶) پیام مقاومت
پاس تهران
استقلال تهران

۱۶) علی صلاحی، استاندار سابق خراسان، مدیرعامل باشگاه پاس و سپس مدیرعامل و یکی از مالکان باشگاه «پیام مقاومت» مشهد بود. سرانجام استقلال به معاونت اقتصادی این باشگاه رسید.

۱۷) ابومسلم مشهد
پاس ورزش
سه‌گانه‌ی خراسان

۱۷) سردار سیدهاشم غیاثی، جانشین فرمانده سپاه امام رضا استان خراسان، مدیرعامل باشگاه پاس تهران و ابومسلم مشهد و سرپرست هیأت ورزش های سه‌گانه خراسان.

۱۸) پیام مقاومت
مشهد

۱۸) شاکری از فرماندهان سپاه پاسداران، نایب رییس هیات مدیره باشگاه «پیام مقاومت» مشهد و یکی از مالکان این باشگاه.

۱۹) تراکتور سازی

۱۹) **محمدحسین جعفری** مدیرعامل تراکتورسازی تبریز به همراه گردانندگان این تیم سردار علی اکبر پورجمشیدیان فرمانده سپاه عاشورا، محمد رستمی، سرهنگ محمد اسماعیل سعیدی جانشین فرمانده سپاه عاشورا، سرهنگ محمد جواد دلفکار، فرماندهان سپاه عاشورا و سردار دارا غزنوی و سردار غفور کارگری بوده‌اند.

۲۰) **فجر سیاسی شیراز**
سازمان لیگ برتر
فدراسیون فوتبال
تیم ملی

۲۰) **عزیزالله محمدی** از گردانندگان تیم فجر سیاسی شیراز، ۱۱ سال عضو هیأت رئیسه سازمان لیگ برتر، عضو هیأت رئیسه چهارساله فدراسیون فوتبال، رییس سازمان لیگ ایران و مسئول کمیته تیم‌های ملی که مسابقات لیگ برتر ایران، زیر نظر و مدیریت وی برگزار می‌شود. وی میلیاردها تومان درآمد فوتبال از جمله در تجارت پر سود پخش تلویزیونی مسابقات و آگهی‌های آن زیر نظر و دلالتی این سرپاسدار مدیریت می‌شود. وی که در دلالتی و رانت‌خواری فروش نفت و خودرو نقش دارد و با برادران قویدل در داد و ستد خودروهای فرسوده همراه بوده و آنان را به تجارت در فوتبال آورد و شرکت صدرا البرز را اسپانسر پرسپولیس کرد.

اسپانسر پرسپولیس

۲۱) **فدراسیون فوتبال**
پرسپولیس
فولاد مبارکه اصفهان

۲۱) **مهدی تاج** از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران، نایب رئیس فدراسیون فوتبال، رییس سازمان لیگ ایران، عضو هیئت‌مدیره پرسپولیس و پیش از آن نماینده باشگاه فولاد مبارکه سپاهان.

۲۲) **فدراسیون فوتبال**
فدراسیون جودو

۲۲) **محمد درخشان** رئیس کمیته بازاریابی فدراسیون فوتبال، در دوران مهرعلی‌زاده معاونت حقوقی و فرهنگی تربیت بدنی بود و سال‌ها ریاست فدراسیون جودو.

۲۳) **پاس همدان**
مدیر کل ورزش جوانان

۲۳) **علی محمد آزاد** استاندار همدان دولت احمدی نژاد رئیس هیئت مدیره، حمیدرضا حاجی‌بابایی وزیر آموزش و پرورش، بهروز مرادی معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری، امیر خجسته نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی و عبدالحمید

رضانی مدیر عامل باشگاه اعضای هیأت مدیره باشگاه پاس،

۲۴) سید عبدی افتخاری مدیر کل اداره ورزش و جوانان و علی اکبر فامیل کریمی معاون سیاسی، امنیتی و استانداری نیز اعضای علی البدل هیأت مدیره پاس همدان هستند.

۲۴) پاس همدان

۲۵) احمد رسولی نژاد از سوی علی یوسف پور اردل (سرپرست موقت وزارت رفاه) احمد رسولی نژاد نماینده مجلس اسلامی از دماوند و فیروزکوه به عنوان عضو جدید هیأت مدیره و نایب رییس باشگاه استقلال معرفی شد. احمد رسولی نژاد، نیز جانشین هاشم یکمزارع که پیشتر در هیأت مدیره شرکت های محور خودرو، شهاب خودرو، موتورسازان، سایپا دیزل، مگاموتور، سازه گستر، پارس الکترونیک و ایران خودرو و مشاور خودرو سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بود، گردید.

۲۵) استقلال

رسولی نژاد، هیئت رئیسه باشگاه استقلال، نماینده مجلس دوره هفتم بود که در سال ۸۶ از هیأت مدیره استعفا داد. وی همچنین معاونت پشتیبانی، حقوقی و امور مجلس وزیر تعاون را به عهده داشت. رسولی نژاد به عنوان بسیجی در سرکوب خیزش سراسری در سال ۸۸ در سعادت آباد شرکت داشت و مجروح شد.

۲۶) حمیدرضا علیان قائم مقام گروه مشاوران جوان احمدی نژاد، عضو فعال ستاد انتخابات احمدی نژاد، قائم مقام شرکت پارس خودرو به هیأت مدیره استقلال فرستاده شد.

۲۶) استقلال

۲۷) سردار غلامرضا کرمی نماینده مجلس، از گردانندگان مس کرمان و تیم مس می باشد.

۲۷) مس کرمان

۲۸) سرپاسدار آرژان جابری نیز بازرس علی البدل هیأت فوتبال است. وی با برخورداری از رانت های ویژه در ۲۰ سالگی سرپرست تراکتورسازی تبریز

۲۸) شیرین فراز کرمانشاه تراکتورسازی بازرس فوتبال و فوتسال

بوده و سپس سرپرست ماشین‌سازی تیریز، شهرداری بندرعباس و سرپرست و قائم مقام شیرین فراز کرمانشاه بوده است و هم‌اکنون بازرس فوتسال نیز می‌باشد.

۲۹) فریاد شیران، سال‌ها دبیر فدراسیون پینگ و پنگ و تیراندازی، چندی، مربی تیم فوتبال «گهر درود»، نایب رئیس فدراسیون هندبال، معاون شهردار و قائم مقام ورزش همگانی ایران، سردهسته اوباشان و چماقدار و پاسدار حزب الهی، و همقطار مایلی کهن در لباس مربی‌گیری تیم ملی، سایپا، صبا باطری و ... بوده است.

۳۰) علی فتح‌الله‌زاده خویی، پاسدار، سال‌ها گرداننده استقلال می‌شود. وی ۴ سال سابقه‌ی جبهه دارد و دارای مدرک دکتری اقتصاد از آکادمی علوم آذربایجان است. اعتبار مدرک دانشگاهی وی همان اندازه واقع‌یاست که لقب «شوالیه»‌ای که به خود داده است. او برای دریافت این لقب، مبلغ ۳۰۰۰ دلار در بروکسل پرداخته است. از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ محمدجواد ایروانی، علی آقامحمدی، محمدحسین قریب، مهدی آذربرزین، کاظم میروالد، کاظم اولیایی عضو هیأت مدیره هستند و در سال ۷۵ اولیایی در نقش مدیر عامل، جای خود را به علی فتح‌الله زاده می‌دهد و علی تاجرنیا جایگزین وی در هیأت مدیره باشگاه استقلال می‌شود. فتح‌الله زاده در کنار رهبری باشگاه استقلال تاجر و واردکننده‌ی کاغذ است. در سال ۹۰ اعتراف کرد که نزدیک به ۲۰۰ کارمند شخصی دارد.

۲۹) هندربال
گهر درود
فدراسیون پینگ پنگ
تیراندازی ورزش همگانی
شهرداری
مربی تیم ملی
سایپا و صبا باطری

۳۰) استقلال

۳۱) رییس اتحادیه و همقطار
مصطفی آجورلو (دبیرکل
اتحادیه فوتبال)

۳۱) **علی آقامحمدی** سه دوره نماینده مجلس همدان بود و از کارگزاران بیت رهبری است. وی مدت‌ها مسئول میز عراق شورای امنیت ملی بود و صدور تروریسم به این عراق را به عهده داشت. او یکی از عناصر پشت‌پرده‌ی سپاه بدر عراق بود که در تشکیل و تجهیز سپاه بدر و پشتیبانی از مجلس اعلا‌ی اسلامی عراق و هاشمی شاهرودی (عراقی) که رئیس قوه قضاییه شد و محمدباقر حکیم به عنوان گردانندگان آن بود نقش مستقیم داشت. وی همچنین معاون نظارت و هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی معاون اول احمدی نژاد بود. آقامحمدی هم‌اکنون عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است و در زمان ریاست علی لاریجانی در صدا و سیما رئیس بخش خبر سیما بود.

۳۲) **هاشم زارع** هم‌اکنون رئیس هیأت مدیره‌ی باشگاه سایپا است.

۳۲) سایپا

۳۳) **امیدوار رضایی**، پزشک جراح، برادر محسن رضایی سرپاسدار، چندین دوره نماینده‌ی مسجدسلمان در مجلس شورای اسلامی، از مدیران ارشد صنایع خودروسازی در حالی در ترکیب هیأت مدیره استقلال بوده در حالیکه تیم استقلال، رقیب تیم‌های سایپا و پیکان بود و هر دو تیم در مالکیت صنایع خودروسازی هستند. امیدوار برادر سیزوار رضایی (محسن) علی فتح‌الله زاده خوبی را برای سرپرستی باشگاه استقلال معرفی شد.

۳۳) استقلال

۳۴) **فریده شجاعی** نایب رئیس فدراسیون فوتبال و مسئول فوتبال زنان است. در حالیکه ورود زنان به استادیوم‌های ورزشی ممنوع است، فریده شجاعی و عشرت شایق نماینده پیشین مجلس اسلامی، به عضویت هیأت مدیره درآمدند. این دو مدیر فوتبال و گرداننده فوتبال و فوتسال و ورزش زنان، هیچ‌گاه بنا به بینش و اسلامی و اراده باندها، اجازه ورود به استادیوم‌های ورزشی به همراه مردان را ندارند.

۳۴) فدراسیون فوتبال
و فوتسال زنان

۳۵) هیأت مدیره استقلال در سال ۱۳۸۶ مرکب بود از علی فتح الله زاده، منصور پورحیدری، خسرو دانشجو، حمیدرضا علیان، امیر رضا واعظ آشتیانی، علی انصاری، محمدسعید نفریه، نفریه عضو هیأت مدیره و معاون فنی و مهندسی شرکت خدمات مهندسی شهر تهران بود. خسرو دانشجو یکی از اعضای خانواده‌ی دانشجو که در دوران احمدی‌نژاد پشتیبانی گرفت تا عضو شورای شهر تهران و رئیس هیأت مدیره باشگاه استقلال باشد. علی فتح‌الله زاده از اردیبهشت ۱۳۸۶ تا شهریور ۱۳۸۷ مدیر عامل تیم شد. از شهریور ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ به مدت دو سال امیررضا واعظ آشتیانی از باند مؤتلفه، جانشین وی گردید. آشتیانی برکنار شد و پس از برکناری از مدیرعاملی استقلال به عضویت هیأت مدیره داماش گیلان درآمد. **علی انصاری** سرمایه‌دار یک شبه، با برخورداری از رانت‌های عظیم دولتی همراه با امیررضا واعظ آشتیانی یکی از گردانندگان باند مؤتلفه اسلامی به هیأت مدیره راه یافت. در واقع او در هم‌جا همراه با واعظ آشتیانی بود.

۳۶) مقداد نجف‌نژاد فرمانده سابق سپاه خودکفایی بابل‌سر از مهر ۸۵ تا اسفند ۸۵ مدیر عامل استقلال شد. وی در دوره‌های پنجم، ششم، هشتم و نهم نماینده مجلس بود. عناصری مانند پرویز کاظمی، امیدوار رضایی، عشرت شایق، محمدجواد ایروانی، حمیدرضا آصفی (سخنگوی وزارت خارجه)، هاشم یکه زارع، عبدالرضا مصری و وو بدون کوچکترین آشنایی با ورزش به ویژه فوتبال سرنوشت تیم استقلال را در دست گرفتند تا این تیم رقیب پرسپولیس که میلیون‌ها هوادار فوتبال را در سراسر ایران به فوتبال سرگرم می‌سازد را از خویش بیگانه می‌سازد، در مهار داشته باشند. پس از استعفای قریب و عبدالرضا مصری وزیر رفاه، سردار حسین فیض اردکانی مشاور بنیاد شهید و منوچهر صالحی جایگزین آن‌ها شدند. پرویز کاظمی وزیر رفاه دولت احمدی‌نژاد، که به اتهام فساد راهی اوین شد، عضو هیأت مدیره و ریاست مجمع باشگاه استقلال را به عهده گرفت. وی سابقه‌ی مدیریت

استقلال

عامل سایپا، شرکت سرمایه گذاری گروه صنعتی ایران خودرو، شرکت سرمایه گذاری توسعه معادن و فلزات ایران، و همچنین ریاست هیئت مدیره بانک سرمایه، عضو هیئت امنا صندوق ذخیره فرهنگیان، رییس یا عضو هیئت مدیره شرکتهای (فولاد خراسان، ملی صنایع مس ایران، صنعتی معدنی چادرملو، صنایع آذرب، واگن پارس، شهاب خودرو، تجارت الکترونیک و ...) و نمایندگی مجلس نهم را دارا می‌باشد. منوچهر صالحی نماینده تام‌الاختیار او بود.

(۳۷) کمیته المپیک،
وزنه برداری
ژیمناستیک

(۳۷) بهرام افشارزاده رئیس سابق کمیته ملی المپیک ایران و مدتی رئیس فدراسیون وزنه‌برداری و ژیمناستیک بود.

(۳۸) معاون قضایی دادگاه‌ها
تقلب با اسپانسروری چک ۹
میلیاردی

(۳۸) عبدالرحمان شاه حسینی معاون قضایی دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران بزرگ در سال ۹۱ همچنین معاونت حقوقی باشگاه استقلال را که در زیر مجموعه خود سه کمیته انضباطی، حقوقی و استیناف را دارد به عهده گرفت. در این برهه، سردار صلاحی با بلوف جذب اسپانسر ۹ میلیاردی به معاونت اقتصادی استقلال رسید اما به زودی در پی برگشت خوردن چک اسپانسر برکنار شد. و مهدی پرهام مدیر عامل تیم فوتبال نساجی مازندران به جای سردار صلاحی معاونت اقتصادی باشگاه را در دست گرفت.

استقلال
نساجی مازندران

(۳۹) فدراسیون فوتبال

(۳۹) حسن زمانی عضو هیأت رئیس مجلس پنجم و ششم از ملایر. مدتی نیز عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال بود.

(۴۰) سایپا

(۴۰) هاشم یکه‌زارع، رئیس هیأت مدیره‌ی باشگاه سایپا بوده است.

(۴۱) تراکتور سازی تبریز

(۴۱) حاج علی بخشی و ابوالفتح ابراهیمی، ابراهیمی پیشتر مدیر عامل تراکتورسازی تبریز بود و حاج علی بخشی نماینده‌ی مؤسسه کوثر نیز به خاطر سهامی که این نهاد در باشگاه دارد به عضویت هیأت مدیره درآمد.

| | |
|--|--|
| <p>۴۲) «مصطفی جعفری» مدیر مالی باشگاه تراکتور سازی تبریز، فرزند سرپاسدار محمد حسین جعفری، - در بهار ۱۳۹۲ محمدرحسین جعفری مدیرعامل باشگاه تراکتورسازی به خاطر سوء استفاده مالی و سوءمدیریت و استخدام اعضای خانواده خود در بخش‌های مختلف باشگاه، مجبور به استعفا شد. «مصطفی جعفری» به عنوان مدیر مالی باشگاه و «ایوب جعفری» -برادر وی- به عنوان رئیس کانون هواداران باشگاه به کار گرفته شده بودند. سردار دارا غزنوی در گفتگو با ایرنا، گفت: «18 ماه است که صورت‌های مالی باشگاه به هیات مدیره و مجمع سالانه شرکت ارائه نشده و در این مدت اظهارنامه مالیاتی هم رد نشده و در دفاتر قانونی ثبت نشده است.»^(۱)</p> <p>از جمله اینکه پسر جعفری به جای پدر به سفر حج رفته بود و سردار جعفری همچنین با سوءاستفاده از رنگ پیراهن تراکتورسازی با شعار «قرمز کردن همه تاکسی‌های تبریز» در انتخابات شورای شهر تبریز شرکت کرد و شکست خورد.</p> <p>فرماندهان سپاه مرکب از جمشیدیان، سعیدی، دلفکار، غزنوی، کارگری و جعفری سرانجام، حمید زینی‌زاده را معرفی شده از سوی باند خامنه‌ای، جایگزین جعفری پسر کنند.</p> <p>۴۳) عزیز حافظی فرمانده پیشین بسیج، رئیس هیأت فوتبال آذربایجان غربی است که فرماندهی بسیج «کربلا»ی استانداری آذربایجان غربی را نیز به عهده دارد.^(۲)</p> | <p>۴۲) تراکتور سازی</p> <p>۴۳) رئیس هیات فوتبال آذربایجان غربی فرماندهی بسیج کربلا</p> |
|--|--|

جدول ۲- نام باشگاه‌ها و نقش باند سپاه و سران نیروهای امنیتی در فوتبال در ایران

¹ <http://www.traxtorchi.ir/comment.php?comment.news.4336>

² (با بهر مگیری از نوشتار پژوهشی نگاهی به فوتبال ایران در ۳۵ سال گذشته، ایرج مصداقی pezhvakeiran.com/maghaleh-59484.html

پولشویی و تأمین مالی تروریسم حکومتی و فاتف

در روزهای پیش از اعلام دور دوم تحریم ایران از سوی آمریکا، در پاییز ۱۳۹۷ جنجال باندهای حکومتی در ایران، پیرامون قرارداد «دولت امید» سرمایه و برجام با ارگان دولتی دنیای سرمایه‌داری «فاتف» - FATF - بالا گرفت. فاتف یا «اقدام اجبار وظیفه مالی برای پولشویی»^(۱۳۷) سازمانی است در برگیرنده دولت‌هایی از سرمایه‌داران که در سال ۱۹۸۹ به ابتکار هفت کشور درجه اول جهان سرمایه‌داری (G۷) تشکیل شد. این ارگان، نهادی بود برای حفاظت از سرمایه‌های خودی در برابر پولشویی و کنترل مالی رقبا می‌باشد. تشکیل دهندگان این ارگان بین دولتی^(۱۳۸) در ادامه، در سال ۲۰۰۱ دامنه اقدامات خود را زیر نام مبارزه علیه «تروریسم» رقبا، در حالی گسترش دادند که خود آنها از هر اقدام جنایتکارانه و تروریستی برای پیشبرد اهداف سرمایه‌فروگذار نبوده و نیستند. فاتف، این ارگان مالی سیاسی سرمایه، به هر روی به ارگان عظیم دیگری به نام سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) که مهمترین ارگان تصمیم‌گیری اقتصاد سرمایه‌داری با ۳۴ عضو هم پیمان برای پیشبرد «دموکراسی» اقتصادی سرمایه و اقتصاد آزاد سرمایه‌داری می‌باشند، پیوند داده شد تا قدرت بی‌کران خود را بر تمامی داد و ستدها و اقتصاد جهانی برقرار سازند. فاتف، در سال‌های اخیر، با توصیه

۱۳۷

<http://www.traxtorchi.ir/comment.php?comment.news.۴۳>

۳۶

--

/RV=۲/RE=۱۴۷۳۷۱۳۸۴۸/RO=۱۰/RU=http٪۳a٪۲f٪۲fwww.fatf

-

gafi.org٪۲f/RK=۰/RS=FLKzQF°HzgJvMgU۲vzxRPuh°wLU-

" Financial Action Task Force on Money Laundering - FATF

^{۱۳۸} International Governmental Organisation- IGO

نامه‌ای زیر نام «استانداردهای بین‌المللی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و اشاعه‌گری» دامنه فعالیت‌ها و نظارت خود را برای مقابله با برخی «جرایم مالی» و «تأمین مالی تروریسم و فعالیت‌های اشاعه‌ای» فراتر کشانید. فاتف، با قرار گرفتن نام ایران و دولت‌ش به سان کشور و دولت غیرهمکار منطقه پرخطر، با برقراری فشار مالی و نه تحریم، با اهرم بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری برخی بانک‌ها و شرکت‌های ایرانی را، زیر فشار قرار داد. برخی از این بنگاه‌های مالی، همانند بانک ملت، بانک سپه، و دهها بانک و موسسات ارزی ایرانی، در دست سپاه و وزارت اطلاعات، با انتقال پول سیاه به بازار دلالی، ارز، سلاح، پرداخت به شبکه‌های تروریستی از حزب الله گرفته تا حماس و جهاد اسلامی، بازار سرمایه داران متشکل در فاتف را دچار اخلاص می‌کردند. بانک‌ها و شبکه‌های پولشویی و صدها دکه‌های ارزی که به وسیله بابک زنجانی‌ها و رضا ضراب‌ها و دلالان ارز از جمله در مالزی و ترکیه و تاجیکستان و دیگر کشورها برای انتقال پول سیاه و شستشوی پول در بازار جهانی برپا شده بودند، در شمار بنگاه‌هایی هستند که نقش انتقال میلیاردها دلاری را باید بازی می‌کردند که منبع و مقصد آنها ناپیدا بود. به همین سبب، بنگاه‌های مالی عضو فاتف، به ویژه در دوره تحریم، از سوی شورای امنیت و ایالات متحده و اتحادیه اروپا، از برقراری رابطه با آنها خودداری کردند، هرچند برخی بانک‌ها مانند بانک فرانسوی "بانپ پارینا" که به جرم نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران و دو کشور دیگر در سالهای اخیر از سوی آمریکا به پرداخت ۸ میلیارد و ۹۰۰ هزار دلار جریمه محکوم شد. پنج بانک، از بزرگترین بانک‌های جهان به اتهام‌هایی همانند، از جمله دستکاری بازارهای مبادله ارز خارجی روی هم، به پرداخت ۵ میلیارد و هفتصد هزار دلار جریمه نیز محکوم شدند.

از این پنج بانک، چهار بانک شامل جی پی مورگان، بارکلیز، سیتی گروپ و آر بی اس در برابر اتهامات وارده از سوی دولت ایالات متحده آمریکا، حاضر به اعتراف شدند و بانک پنجم، یو بی اس، در زمینه دستکاری نرخ سود بانکی به جرم خود اعتراف کرد تا جریمه کمتری بپردازند. تا سال ۲۰۱۵ پیش از نزدیکتر شدن روابط علنی غرب سرمایه داری با باند دولتی غرب گرا، ایران و کره شمالی به عنوان کشورهای خطرناک شناخته می شدند، فاتف نیز ایران را در ردیف کشورهای مورد هدف خود می نامید. با اجرای «برنامه اقدام مشترک» و تفاهم نامه کنترل هسته‌ای کشورهای ۱+۵ و تعهد حکومت اسلامی سرمایه، اقدامات سختگیرانه مالی فاتف تا ۱۲ ماه علیه ایران برای مدت یک سال به تعلیق درآمد. دولت روحانی، با پذیرش قوانین فاتف، پذیرفت تا منبع و مقصد تمامی داد و ستدها و پول و ارز و منابع مالی خویش را به طرفهای بازرگانی و بانک‌های دیگر کشورها خبر دهد. این «تدبیر» تلاشی بود برای جذب اعتماد و اطمینان سازی برای جذب سرمایه‌گذاران در ایران. با آشکار شدن پذیرش قوانین فاتف از سوی دولت «تدبیر» سرمایه، باند اصول گرایان وابسته به سپاه و وزارت اطلاعات و دلالتان همراه، به فغان برآمدند. رسانه‌های این باند، با فریاد «وا مصیبتا» باند دولت را به «فروش اطلاعات بانکی در برابر وعده نسیه (۱۳۹) حمله‌ور شدند. همچنین در بخشی دیگر از «انتقادات» عنوان کرده‌اند که ایران با عضویت در FATF به تحریم نهادهای نظامی خود مانند وزارت دفاع، قرارگاه خاتم الانبیا، قرب نوح و... می‌پردازد (۱۴۰)

^{۱۳۹} (مجلس پیگیری کند FATF برجام ۲ است (خبر ویژه) ». kayhan.ir)

^{۱۴۰} (TABNAK سایت خبری تحلیلی تابناک/اخبار ایران و. «معموریت بانک سپه و ملت، برای تبادلات ارزی با قرارگاه خاتم.

روزنامه حکومتی کیهان به قلم حسین شریعتمداری بازجو و شکنجه‌گر و نماینده خامنه‌ای در کیهان نوشت: «هفته گذشته، بانک مرکزی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که با سازمان بین‌المللی مبارزه با پولشویی و «کارگروه ویژه اقدام مالی» آن - FATF - به توافق رسیده است. بیانیه بانک مرکزی درباره جزئیات این توافق توضیحی نمی‌دهد. از سوی دیگر، سازمان مورد اشاره، مفاهیمی نظیر پولشویی، تروریسم، پول کثیف و... را در بستر استانداردهای نظام سرمایه‌داری و استکباری تعریف کرده ... اولین پرسش از دولت محترم و بانک مرکزی آن است که آیا در تعریف تروریسم و پول کثیف و... با کارگروه FATF به نقطه نظر مشترکی رسیده‌اند؟ چرا که در نگاه رسماً اعلام شده آنها، حزب‌الله لبنان، سپاه قدس، حماس، جهاد اسلامی، انصارالله و همه نیروهای مقاومت که برای حفظ و حراست از سرزمین‌های آباء و اجدادی خود با قدرت‌های استکباری و نظام‌های دست‌نشانده آنها درگیر هستند، «تروریست»! نامیده می‌شوند! و...»^{۱۴۱} در ادامه ستیز گریزها، از برجام و عضویت در FATF گفته شد که بانک‌های سپه و ملت ارائه خدمات به قرارگاه خاتم‌الانبیا سپاه پاسداران را محدود کرده‌اند. بهرام قاسمی، سخنگوی وقت وزارت خارجه رژیم، در دفاع از باند دولتی‌ها، درباره‌ی قرارداد FATF گفت: «این توافق هیچ ربطی به برجام ندارد و در دولت قبلی به صورت لایحه ارائه شد که مجلس هم تصویب کرد ما با موضوع پولشویی مشکلی نداریم اما چنین نیست که ایران همه اطلاعات مالی خود را اعلام کند. بحث دیگر مبارزه با تروریسم است، ما به عنوان

^{۱۴۱} (<http://donya-e-eqtesad.com/SiteKhan/۱۰۷۳۶۳۸>)

قربانی تروریسم خود را پیشقراول مبارزه با آن می‌دانیم ... ما حزب‌الله را افتخار می‌دانیم^(۱۴۲)

وی افزود: «سیستم بانکی ما و وزارت خارجه دشواری‌هایی را برای آینده دارند اما ما از ترس مرگ، خودکشی نمی‌کنیم و تلاش می‌کنیم کار خود را پیش ببریم و در سیستم مالی بین‌الملل استفاده کنیم، اگرچه در کنار آن موضوع اقتصاد مقاومتی را دنبال می‌کنیم که سفرهای دوره‌ای هم در همین زمینه است.» و در مخالف با باند رقیب و روزنامه کیهان افزود: «برخی با دادن اطلاعات غلط به دنبال نگرانی افکار عمومی هستند که من می‌گویم به این شدت نیست و ادامه داد: «در مورد FTAF نگرانی نداریم. این مقررات ربطی به برجام ندارد و از سال‌ها قبل مطرح بوده است.» یعنی که پولشویی و برآوردن هزینه‌های مالی، تسلیحاتی و مهمات گروه‌های تروریستی، تازگی نداشته و از پیش معمول بوده و ربطی به جابجایی دولتهای «اصلاح طلب» و «اصولگرا» و موسوی، رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی نداشته است. علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه پیشین دولت رفسنجانی و اکنون دولت در دولت خامنه‌ای در گفت‌وگو با شبکه المیادین می‌گوید: «این مقررات علیه گروه‌های تروریستی شناسنامه دار پلید و کودک کش مانند داعش، القاعده، النصره و ... است. ما حزب‌الله را افتخار لبنان و جهان اسلام می‌دانیم.»^(۱۴۳) یعنی که تروریستی دارای شناسنامه ای صادره از حکومت اسلامی ایران است.

خبرگزاری تسنیم - قاسمی: از هر تفاهمی برای رسیدن به راه حل سیاسی «^{۱۴۲}»
ربطی به برجام ندارد FATF /در سوره استقبال می‌کنیم

^{۱۴۳}(<https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۱۱۰۳۰۰۰۰۸۹۷/>)

تیتز کیهان حکومت چنین است: «مجلس و مقامات امنیتی، اگر ماجرای FATF را پیگیری نکنند، شرمنده ملت و شهدا خواهند شد.» کیهان در اعتراض به باند دولت نوشت: «حجت‌المرکز عبدالملکی اقتصاددان... نوشت: توصیه کردیم به بزرگواران بانک مرکزی و وزارت اقتصاد که متن توافق FATF را لااقل در اختیار متخصصان و کارشناسان قرار دهند... در یک برنامه زنده در صدا و سیما که حضور داشتم، بزرگواری عنوان این توافق (یا تفاهم) را برجام دوم گذاشت و کسی می‌گفت مسئله‌ای وجود ندارد، زیرا ما هم با غرب برای مبارزه با تروریسم هم‌داستان هستیم. همان زمان عرض کردم که مهم تعریفی است که ما و آنها از تروریسم داریم و خدا به خیر کند زمانی را که دوستان ما بخواهند به تعریف غربی از تروریسم نزدیک شوند!!... الان شنیده می‌شود که در متن تفاهم‌نامه، طرف ایرانی تعهد کرده تا سال ۲۰۱۸ قانون مبارزه با پولشویی و حمایت مالی از تروریسم را به نحوی اصلاح کند که گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و جریان‌های آزادی‌بخش از استثنائات حذف شوند (یعنی در تعریف تروریسم قرار گیرند)!!! به اضافه اینکه درخواست‌های غرب برای دسترسی به تراکنش‌های مالی کشور اجابت خواهد شد. اگر این باشد با قاطعیت عرض می‌کنم؛ تفاهم FATF از برجام بدتر است. اگر مجلس و مقامات امنیتی کشور پیگیری نکنند در آینده شرمنده ملت و شهدا خواهند شد.»^(۴۴) این غوغاهای فزاینده، نشان دهنده آنست که طرفهای معامله، «گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و جریان‌های آزادی‌بخش (را) از استثنائات» دانسته‌اند و این باند، اعتراض‌اش به آینده‌ای است که اینها از استثنای بیرون آیند.

^{۴۴} (<http://kayhan.ir/fa/news/۸۳۱۰۳>)

سخنگوی شورای نگهبان از رد لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم (CFT) و اعاده آن به مجلس خیر داد.

به گزارش آفتاب‌نیوز، عباسعلی کدخدایی در توئیتر نوشت: شورای نگهبان لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با تامین مالی تروریسم (CFT) را در جلسات متعدد خود مورد بررسی قرار داد و واجد ایرادات و ابهاماتی دانست. این نظر شامل موارد خلاف شرع، خلاف قانون اساسی و ابهام، در موعد مقرر برای مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.

قائم مقام شورای نگهبان به خبرگزاری فارس نیز گفته است: شورای نگهبان بیش از ۲۰ ایراد به لایحه الحاق به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم وارد دانست.^(۱۴۰) همه‌ی این فریادها، در تحلیل نهایی، به یک نقطه، سرانجام می‌یابد، سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی در دست چه باندی باید باشد. جناح نظامی و امنیتی، و باند خامنه‌ای بقای خود را در گسترش تروریسم، پولشویی و تقویت سپاه قدس و بدر و حزب‌الله و حشد الشعبی و دیگر گروه‌های تروریستی با تکیه بر روسیه پوتینی و کره شمالی و چین می‌دانند، تا بزرگترین کارتل مالی و اقتصادی خاتم الانبیا و دیگر شبکه‌های مالی و مافیایی در انحصار خویش را به مالکیت داشته باشند. باند مافیای حکومتی، همانند دولتی در دولت، به شدت با توافق فاتف مخالفت می‌ورزد زیرا که بخش مهمی از دارایی‌ها کهکشانی و مبادلات اقتصادی خود در ردیف بازار ارز، مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار، سلاح، و

^{۱۴۰}(

نگهبان-۸۰٪E۲%شورای/۵۵۴۷۰۰/news/aftabnews.ir/fa/خلاف-شرع-و-cft-کدخدایی-را-رد-کرد-۷۰%-cft-لایحه-الحاق-ایران-به-قانون-اساسی-بود

دهها اسکله و منطقه آزاد بازرگانی و اقتصادی در سراسر ایران، فروش نفت و دلالی نفت و سلاح و دیگر کالاهای قاچاق از کشورهای همسایه و غیره به چنگ می‌آورد و از همین روی به شدت با فاتف و پیمان سی اف تی مخالفت می‌ورزد. باند دولتی «تدبیر و امید» سرمایه، بقا خویش را در گردن سپاری به نظم و قوانین نئولیبرالیسم می‌داند تا هم سرمایه باندها در امان باشد و هم حکومت اسلامی اشان در امان و پناه خداوندان سرمایه. اما سخن نهایی را نیرویی خواهد زد که سرنوشت تولید و اقتصاد را در دست دارد.

این غوغاهای فزاینده در تحلیل نهایی، به یک نقطه، سرانجام می‌یابد، سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی در دست چه باندی باید باشد. جناح نظامی و اطلاعاتی، و باند خامنه‌ای بقای خود را در گسترش تروریسم، پولشویی و تقویت سپاه قدس و بدر و حزب الله و دیگر گروه‌های تروریستی با تکیه بر روسیه پوتینی و کره شمالی و چین می‌دانند، تا بزرگترین کارتل مالی و اقتصادی خاتم الانبیا و دیگر شبکه‌های مالی و مافیایی در انحصار خویش را به مالکیت داشته باشند. باند مافیای حکومتی، همانند دولتی در دولت بخش مهمی از دارایی‌ها کهکشانی و مبادلات اقتصادی خود در ردیف بازار ارز، مواد مخدر، مشروبات الکلی، سیگار و دهها اسکله و منطقه آزاد بازرگانی و اقتصادی در سراسر ایران، فروش نفت و دلالی نفت و سلاح و دیگر کالاهای قاچاق از کشورهای همسایه و غیره به چنگ می‌آورد و از همین روی خواهان هژمونی بر قدرت سیاسی است. باند دولتی «تدبیر و امید» سرمایه، بقا خویش را در گردن سپاری به سیاست‌های نئولیبرالیسم می‌داند تا هم سرمایه باندها در امان و هم حکومت اسلامی در پناه خداوندان سرمایه ماندگار باشد. برای

این حکمروایی بر اقتصاد و قدرت سیاسی با مرگ خامنه‌ای و یا در شرایط اضطراری، اتحاد باندها ناشدنی است، سپاه ممکن است به‌سان دولتی نظامی به میان آید. اما این برآمد، پایان عمر ننگین حکومت باندهاست. اما بیان‌نامه‌ی نهایی را نیرویی به میان خواهد آورد که سرنوشت تولید و اقتصاد را در دست دارد. برون رفت از این چرخه‌ی شوم و فلاکت بار در گرو سازمانیابی طبقه کارگر به شوراهای و ارگانهای طبقاتی و سیاسی و انقلابی خویش و به حزب کمونیست پیشاهنگ، به آگاهی طبقاتی، سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، انقلاب کارگری و بی درنگ پیشروی به‌سوی سوسیالیسم است.